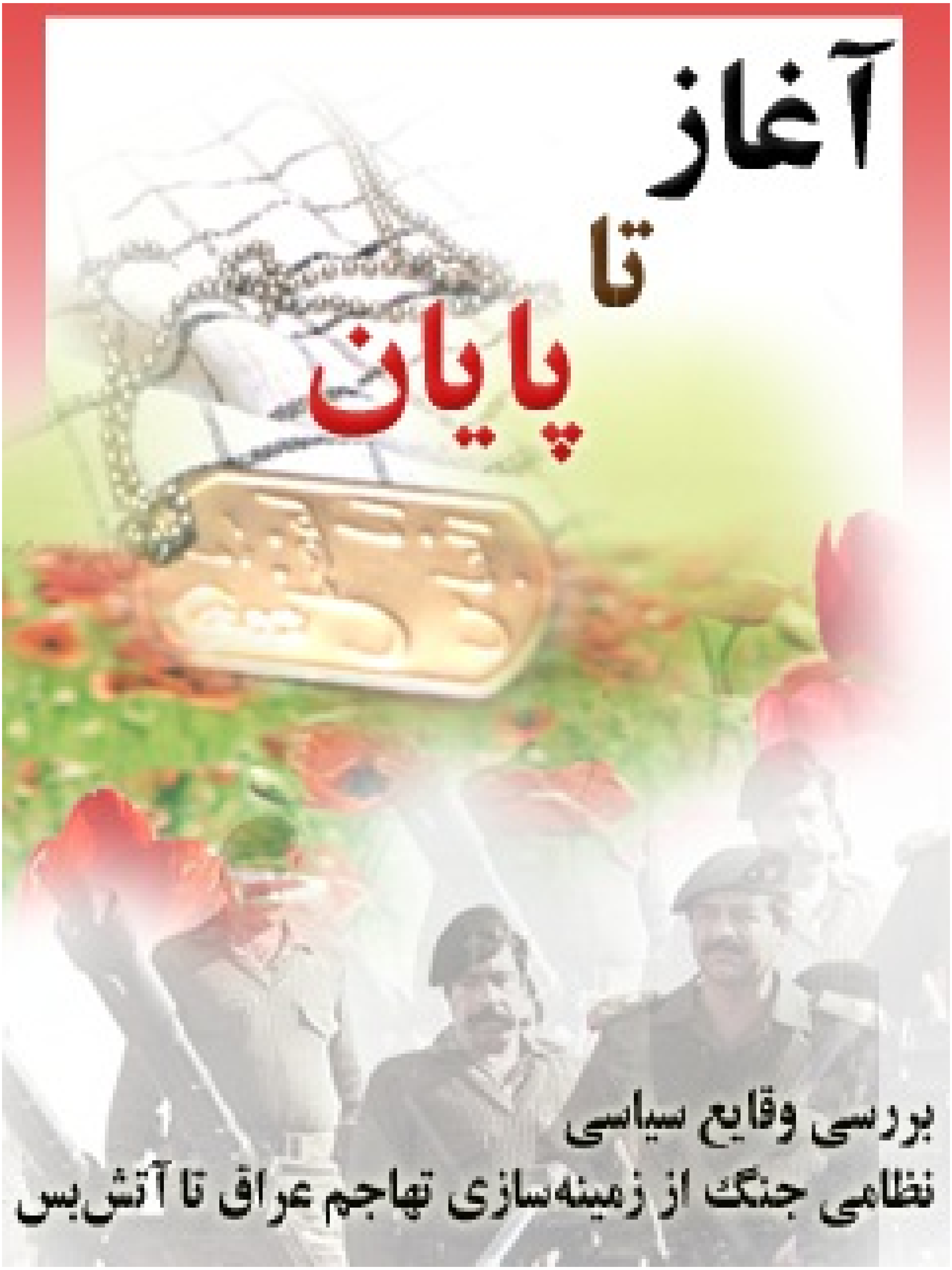
آغاز
تا
پایان
بررسی وقایع سیاسی
نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس

بسم الله الرحمن الرحیم

آغاز تا پایان

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
آغاز تا پایان ----- ۶
مشخصات کتاب ----- ۶
پیشگفتار چاپ هفتم ----- ۶
مقدمه ----- ۷
زمینه‌های تهاجم ----- ۹
تجاوز و اشغال ----- ۱۵
آزادسازی مناطق اشغالی، تداوم جنگ ----- ۲۲
بن بست و توقف ----- ۳۲
تشدید فشار به ایران ----- ۳۷
گسترش جنگ ----- ۴۶
تغییر توازن به سود ایران ----- ۵۵
تثبیت توازن به سود ایران ----- ۶۸
پایان جنگ ----- ۷۹
پاورقی ----- ۹۲
درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ----- ۱۲۲

آغاز تا پایان

مشخصات کتاب

سرشناسه : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

عنوان و نام پدیدآور : آغاز تا پایان : بررسی وقایع سیاسی- نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس/ محمد درودیان؛ نظارت بهاءالدین شیخ‌الاسلامی؛ویرایش مهدی انصاری، احمد نصرتی.

مشخصات نشر : تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس،۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۲۳ ص.

فروست : سیری در جنگ ایران و عراق؛ ۶.

شابک : ۴۸۰۰۰ ریال: ۷-۵۸-۶۳۱۵-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت : چاپ قبلی : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۸۳.

یادداشت : چاپ هفدهم.

موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷

شناسه افزوده : درودیان، محمد، ۱۳۳۸ -

شناسه افزوده : شیخ الاسلامی، بهاءالدین، ۱۳۳۰، - ناظر

شناسه افزوده : انصاری، مهدی، ۱۳۳۴ -، ویراستار

شناسه افزوده : نصرتی، احمد، ۱۳۴۲ -، ویراستار

شناسه افزوده : سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

شناسه افزوده : سیری در جنگ ایران و عراق؛[ج]۶.

رده بندی کنگره : DSR۱۶۰۰/س۲س۹ ج.۶ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۳۰۴۱۵

پیشگفتار چاپ هفتم

کتاب «آغاز تا پایان» از جمله آثار مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ است که پس از انتشار استقبال فراوان علاقه‌مندان و محققان تاریخ انقلاب اسلامی و تاریخ جنگ ایران و عراق را در پی داشته است و همچنین دانشجویان و استادان درس «تجزبه و تحلیل جنگ ایران و عراق» در دانشگاه‌های صنعتی شریف و شهید بهشتی، طی چند دوره تدریس این درس، از آن بهره برده‌اند.

«آغاز تا پایان» کتابی است نسبتا جامع و مختصر که عهده‌دار توضیح، بررسی و تجزیه و تحلیل رخدادهای نظامی و سیاسی جنگ هشت ساله عراق و قدرت‌های بزرگ علیه ایران اسلامی می‌باشد. اگرچه این کتاب در تقسیم‌بندی آثار مرکز مطالعات ششمین جلد از مجموعه‌ی «سیری در جنگ ایران و عراق» محسوب شده، لیکن کتابی است مستقل که کل دوران جنگ، از زمینه‌سازی هجوم ارتش عراق تا آتش‌بس را شامل می‌شود و هرچند توجه علاقمندان مطالعه وقایع جنگ به آثار این مرکز بیشتر به دلیل دقت، سندیت و محتوای مفید آن می‌باشد، ولی توجه افزون‌تر به کتاب آغاز تا پایان به دلیل جامعیت و در عین حال اختصار آن است.

[صفحه ۸]

یکی از اهل نظر که در تمام دوران جنگ در صحنه‌های مختلف آن حضور داشته است، پس از مطالعه کتاب در یادداشتی که برای این مرکز ارسال کرده، نوشته است:

«کتاب مجموعا خوب نوشته شده، ساده، روان و برای خواننده جاذب... احساسی که از خواندن کتاب به من دست داد این بود که کتابی را مطالعه کردم که هشت سال جنگ در ۲۰۰ صفحه به صورت اجمالی، مفید و جمع‌وجور تحلیل شده است و سر درگم نمی‌شوم...»

این کتاب تاکنون شش بار چاپ شده و بیش از ۲۵۰۰۰ نسخه از آن منتشر گردیده است. زمانی که نسخه‌های چاپ ششم به اتمام رسید و چاپ مجدد آن ضروری شد، با تلاش محققان و ویراستاران مرکز مطالعات مجددا ویرایش شد و اشکالات آن برطرف گردید و دوباره حروفچینی و صفحه‌آرایی شد تا در شکلی مطلوب‌تر تقدیم علاقه‌مندان شود. در اینجا از همه کسانی که در مراحل مختلف کار تحقیق، تدوین، ویرایش، آماده‌سازی و چاپ این کتاب تلاش کردند و همچنین از حسین مجیدی و هادی کریم دهنوی که مدیریت بهره‌دهی را در آماده‌سازی کتاب یاری کردند، سپاسگزاری می‌شود.

امید است این کوشش ناچیز مقبول حضرت حق جل و علا و اهل نظر قرار گیرد.

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ۱۳۸۳

[صفحه ۹]

مقدمه

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران از زمان تأسیس تاکنون به عنوان یک تکلیف انقلابی و دینی با بهره‌برداری از مجموعه اسناد و نوارهای صوتی منحصر به فردی که راویان و محققانش در طول هشت سال دفاع مقدس با حضور در سطوح مختلف فرماندهی جنگ و جلسات طراحی عملیات‌های گوناگون و میدان‌های نبرد با دشمن جمع‌آوری و ثبت و ضبط کرده‌اند و همچنین با استفاده از دیگر اسناد و منابع نظامی و سیاسی مرتبط با جنگ تحمیلی که با تلاش همکاران این مرکز جمع‌آوری شده است، مجموعه‌های گوناگونی همچون: مجموعه بزرگ «روزشمار جنگ ایران و عراق»، مجموعه‌ی بزرگ «اطلس جنگ»، مجموعه‌ی «سیری در جنگ ایران و عراق»، مجموعه «گزارش عملیات» و... را طراحی کرده است که با توفیق الهی از هر مجموعه آثاری تهیه و منتشر شده است و به یاری خداوند این تلاش ادامه خواهد یافت.

مجموعه‌ی «سیری در جنگ ایران و عراق» عهده‌دار توضیح، بررسی و تجزیه و تحلیل رخدادهای سیاسی - نظامی جنگ هشت ساله می‌باشد. در این مجموعه جنگ به پنج دوره زمانی تقسیم شده و هر دوره در یک جلد گنجانده شده است که عنوان‌های آن به ترتیب سیر زمانی چنین است:

۱- خونین‌شهر تا خرمشهر (از آغاز تهاجم سراسری عراق تا فتح خرمشهر در عملیات بیت‌المقدس)

[صفحه ۱۰]

۲- خرمشهر تا فاو (پس از عملیات بیت‌المقدس تا فتح فاو در عملیات والفجر ۸)

۳- فاو تا شلمچه (پس از عملیات والفجر ۸ تا فروریختن دیوارهای دفاعی عراق در شرق بصره در عملیات کربلای ۵).

۴- شلمچه تا حلبچه (پس از عملیات کربلای ۵ تا انتقال منطقه نبرد از زمین به دریا و از جنوب به شمال غرب و تصرف حلبچه در عملیات والفجر ۱۰)

۵- حلبچه تا مرصاد (پس از عملیات والفجر ۱۰ تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و آخرین عملیات جمهوری اسلامی ایران در منطقه چارزبر و انهدام منافقین) که در حال آماده‌سازی برای چاپ است.

به موازات تهیه جلد پنجم این مجموعه، اقدام جدیدی برای بررسی کلی و اجمالی جنگ و گنجاندن آن در یک جلد صورت گرفت که حاصل آن کتاب حاضر است. این کتاب در حالی که به دلیل تشابه کلی در روش بررسی رخدادهای جنگ در امتداد مجموعه‌ی پنج جلدی «سیری در جنگ ایران و عراق» محسوب می‌شود و آن را می‌توان ششمین جلد از این مجموعه به شمار آورد لیکن به لحاظ موضوع‌بندی جدید و سبک و سیاق فصل‌بندی آن و مهم‌تر از همه بیان جنگ از آغاز تا پایان در یک جلد، نمی‌تواند در ادامه مجموعه یاد شده باشد و بیشتر به عنوان یک کتاب مستقل قابل ارزیابی است.

کتاب حاضر در عین حال در مقایسه با مجموعه پنج جلدی «سیری در جنگ ایران و عراق» و سایر کتاب‌های منتشر شده‌ی مرکز از تفاوت‌هایی برخوردار است که به منزله ویژگی‌ها و وجه تمایزهای آن محسوب می‌شود.

۱- در جلدهای یک تا پنج، حوادث سیاسی - نظامی جنگ به صورت موضوعی تقسیم‌بندی شده است، اما در این کتاب برخلاف روش‌های پیشین، سال ملاک تقسیم‌بندی و عنوان‌گذاری می‌باشد و سعی شده عناوینی انتخاب شود که وضعیت کلی حاکم بر هر سال جنگ را بیان نماید.

[صفحه ۱۱]

۲- برای هر فصل تنها یک عنوان انتخاب شده که در ابتدای فصل قرار می‌گیرد و از انتخاب عناوین فرعی اجتناب شده است، لذا سعی بر این بوده است که انسجام مطالب هر فصل از آغاز تا پایان به گونه‌ای باشد که نیاز به عناوین فرعی را برطرف سازد.

۳- در پایان هر فصل یک سؤال طرح شده است که نشان‌دهنده مسئله اصلی جنگ در همان سال است. این سال در واقع مبنای توضیح رخدادهای جنگ در سال بعد می‌باشد. به عبارت دیگر، غیر از فصل اول که بررسی زمینه‌های شکل‌گیری تجاوز عراق است و سؤال اصلی بحث درباره امکان اجتناب‌پذیری از وقوع جنگ می‌باشد و در ابتدای فصل طرح شده است، هر فصل پاسخ به یک سؤال است که در پایان فصل قبلی طرح شده است.

پس از هر فصل کتاب (به جز فصل اول) نقشه‌ای برای راهنمایی مطالعه‌کنندگان آمده است. همچنین در پایان کتاب ضمیمه‌ای با عنوان «فهرست راهنمای موضوعی» اضافه شده است که در آن موضوع‌های گوناگون کتاب به تفکیک دسته‌بندی و تنظیم شده و راهنمای بسیار خوبی برای پژوهشگران است تا به سادگی به موضوع موردنظر خود دست یابند.

مجموعه‌ی سیری در جنگ ایران و عراق با تلاش گروه کاری این مجموعه به ثمر رسیده است که بار اصلی یعنی تحقیقات و تدوین آن را برادر محمد درودیان بر دوش داشته است. ویرایش محتوایی آن را برادر بهاءالدین شیخ‌الاسلامی، ارزیابی نظامی را سردار غلامعلی رشید و ویرایش فنی و آماده‌سازی برای چاپ را برادر مهدی انصاری، تهیه نقشه‌ها را برادران اسدالله احمدی و علی‌محمد تقیئی به عهده داشتند. جلدهای یک تا چهار از این مجموعه و کتاب حاضر در زمان فرماندهی سردار محسن رضایی و با مجوز ایشان منتشر گردیده است. ضمنا جلد دوم از این مجموعه در زمان تصدی و مسئولیت برادر ابراهیم حاجی محمدزاده در

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

[صفحه ۱۲]

و بقیه در زمان مسئول فعلی مرکز انتشار یافته است.
مرکز مطالعات بر خود لازم می‌داند ضمن سپاسگزاری از دست‌اندرکاران اصلی این مجموعه، از کلیه همکارانی که در مراحل مختلف تهیه و آماده‌سازی کتاب این مرکز را یاری کرده‌اند، به ویژه مدیریت اطلاع‌رسانی و مدیریت بهره‌دهی مرکز که سرویس‌دهی اطلاعاتی و تحقیقات و آماده‌سازی کتاب‌های این مجموعه را به عهده داشته‌اند، تشکر کند.
مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
۱۳۷۶

[صفحه ۱۴]

زمینه‌های تهاجم

با گذشت هفده سال از آغاز جنگ و نه سال از اتمام آن، بررسی ابعاد حقوقی، سیاسی، نظامی و اقتصادی جنگ، همچنان ادامه دارد. جنگ ایران و عراق با مشخصه‌ی طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین درگیری نظامی در تاریخ معاصر منطقه خاورمیانه [۱] که دو قدرت جهانی و هم‌پیمانانشان در دوران جنگ سرد در حمایت از یک طرف جنگ اتفاق‌نظر داشته‌اند و مهم‌تر از همه حل‌وفصل نهایی نشدن این جنگ و امضا نشدن پیمان صلح میان دو کشور و بسیاری مسائل دیگر، سبب شده است علت، نحوه و نتایج جنگ تا سال‌هایی مدید همچنان بحث و بررسی شود. [۲] .
شکل‌گیری زمینه‌ها و مجموعه عواملی که امکان وقوع جنگ را فراهم ساخت، به دلیل ابعاد و نتایج نظامی، سیاسی و حقوقی آن، همواره یکی از جدی‌ترین موضوعاتی بوده است که از زمان شروع جنگ و پس از آن بحث و بررسی شده و خواهد شد. اهمیت این موضوع بدین دلیل است که می‌تواند به این سؤال پاسخ دهد که آیا شروع جنگ اجتناب‌ناپذیر بود؟ با بیان ساده‌تر، آیا این امکان وجود داشت که از وقوع جنگ جلوگیری شود؟ طبیعتا بدون توصیف و تشریح اوضاع حاکم بر ایران انقلابی پس از سقوط رژیم پهلوی و التهاب و نگرانی‌های موجود درباره نتایج و تأثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در منطقه و سپس کالبدشکافی دلائل عراق برای تجاوز به ایران، نمی‌توان به درک و پاسخ درستی در این زمینه دست یافت.
محققان غربی عموما بر این باور هستند که انقلاب اسلامی و آثار و نتایج

[صفحه ۱۵]

آن بیشترین تأثیر را در وقوع جنگ داشته است. [۳] بدین معنا که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه، بنای استراتژی امریکا که بر دو ستون ایران و عربستان سعودی پی‌ریزی شده بود، فروریخت [۴] و این مسئله مناسبات میان دو کشور ایران و عراق را دستخوش تغییر و تحول کرد. [۵] بدین ترتیب که «موازنه نسبی قوا» که بین ایران و عراق حاکم بود، تغییر کرد [۶] و با پیدایش خلأ

قدرت در منطقه، «موج اسلامی» می‌توانست ثبات منطقه را تهدید جدی کند. [۷] در نتیجه اعاده نظم پیشین، لازمه‌ی تأمین منافع امریکا و غرب در منطقه بود.

دریافت موجود در غرب از علل ایجاد جنگ و ماهیت آن، که به اعتباری نشان‌دهنده‌ی نحوه‌ی نگرش غربی‌ها و مفهوم‌سازی آنها درباره جنگ، با هدف توضیح و تشریح وقایع آن می‌باشد. ناظر بر این معناست که انقلاب اسلامی نظم موجود و حاکم بر منطقه و ایران را برهم زد و نتایج ناشی از این تحول، زمینه‌های وقوع جنگ را به وجود آورد. [۸] در واقع، در غرب جنگ ایران و عراق از زاویه «تجاوز و دفاع» که بیان‌کننده واقعیات جنگ و مبین دیدگاه و نظریات ایران می‌باشد، بررسی نمی‌شود و بیشتر وضعیتی که به جنگ منجر شد، مدنظر می‌باشد. [۹] در این نگرش مفهوم جنگ به عنوان امری نامطلوب پس از جنگ جهانی دوم، در چارچوب «نظریه توسعه و تکامل» بررسی می‌گردد. به همین دلیل جنگ عاملی بالقوه «مغایر با نظم مطلوب جهان» [۱۰] ارزیابی می‌شود. بر پایه این مفهوم، غربی‌ها انقلاب اسلامی و تأثیرات ناشی از آن را برای منافع غرب (شامل: نفت، ثبات کشورهای مرتجع منطقه، امنیت اسرائیل و همچنین مقابله با نفوذ شوروی)، جنایتی علیه نظم جهانی [۱۱] قلمداد می‌کنند.

چنین باوری درباره انقلاب اسلامی، مقابله با آن را با استفاده از زور و کلیه ابزار و وسائل لازم، نه تنها ضروری بلکه اجتناب‌ناپذیر می‌نمایاند. زیرا مسئله اصلی مفهوم درگیری و جنگ نیست، بلکه در این جنگ هدف اصلی و ضروری، واژگون ساختن نظام انقلابی حاکم بر ایران یا «تعدیل و مهار» آن،

[صفحه ۱۶]

برای اعاده نظم پیشین بوده است. آیت‌الله خامنه‌ای رئیس جمهور وقت ایران با درک روشن از هدف جنگ، در این باره گفت:

«این جنگ علیه انقلاب اسلامی ایران و به منظور واژگون ساختن نظام انقلابی ایران و از بین بردن انقلاب اسلامی سازماندهی شد.» [۱۲].

در همین زمینه حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس وقت مجلس شورای اسلامی گفت:

«شرع جنگ تحقیقا برای نابودی انقلاب بود و از آن‌رو که شرقی‌ها و غربی‌ها از این انقلاب راضی نبودند، غرب که بیشترین منافع را در ایران داشت، انقلاب را مستقیما علیه منافع خود دانست، باید در ایران شرایطی به وجود می‌آمد که دیگران ناامید شوند و بگویند نمی‌شود بدون اتکا به شرق وغرب، انقلابی باقی بماند ویکی از اهداف جنگ، تحقق این امر بود و برای سرکوبی و مهار انقلاب، مارکسیسم شرق و امپریالیسم غرب در این هدف به تلاقی رسیدند و صدام نقطه تقاطع خطوط فوق بود و از آنجا شروع کردند و بر روی ایران فشار آوردند.» [۱۳].

جیمز بیل یکی از کارشناسان مسائل منطقه خلیج فارس و خاورمیانه درباره دلیل واقعی جنگ در کتاب خود می‌نویسد:

«دلیل واقعی جنگ درگیری سیاسی برای دست یافتن به برتری و سلطه یافتن بر خلیج فارس بود. در این روند عراق امیدوار بود انقلاب ایران را در نطفه خفه کند و نابود سازد که این برای کشورهای منطقه نظیر عربستان سعودی و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس، هدف چندان ناخوشایندی نبود.» [۱۴].

عراقی‌ها در توضیح علل شروع جنگ بر مفهوم حقوقی «پیشگیری» [۱۵] تأکید می‌کنند و در اظهارات خود بدون آنکه دلایل روشن و درستی ارائه نمایند، می‌گویند پس از پیروزی انقلاب اسلامی در برابر وضعیتی قرار داشتند که «به جز مقاومت و برخورد با تجاوزگری راهی برای حفظ کشور خود نداشتند.» [۱۶] در نهمین کنگره حزب بعث - که برای نخستین بار مباحث آن درباره جنگ ایران و عراق منتشر شد - تأکید می‌شود که «در برابر رهبران عراق تنها اختیار یک راه وجود داشت یا مقاومت و جلوگیری از

[صفحه ۱۷]

تجاوزات دشمن و یا اینکه تسلیم شدن به برنامه‌های (امام) خمینی.» [۱۷] همچنین مجید خدوری، عراقی‌الاصل مقیم امریکا، در کتاب خود، در توجیه علل تجاوز عراق به ایران می‌نویسد: «عراق در موقعیتی قرار داشت که ناگزیر شد برای دفاع از خود دست به اقدام بزند.» [۱۸] وی در عین حال به دلیل اینکه چنین ادعایی فاقد مبانی حقوقی روشن و مشخص می‌باشد، [۱۹] اضافه می کند: «البته مناسب بود که عراق به شورای امنیت متوسل می‌شد و خود رأسا دست به کار نمی‌شد.» [۲۰] .

در هر صورت، وجود اختلاف مرزی و ارضی میان ایران و عراق که با انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر حل‌وفصل شده بود و حتی وقوع تشنج مجدد میان دو کشور به تنهایی نمی‌توانست انگیزه و علت اصلی تجاوز عراق به ایران باشد، زیرا اولا که مبانی و راه‌حل‌های رفع اختلافات در قرارداد الجزایر تعیین شده بود و ثانیا پیش از این، دو کشور ایران و عراق در اوضاع بسیار حادتری قرار داشته‌اند که هرگز به یک جنگ تمام عیار متوسل نشده‌اند. [۲۱] مهم‌تر آنکه ایران به دلیل وضعیت انقلابی و منازعات داخلی - که به طور طبیعی انقلاب‌ها پس از پیروزی درگیر آن هستند - فرصت و امکان آن را نداشت که عراق را تحریک و یا به آن هجوم کند. آقای هاشمی رفسنجانی با اشاره به اوضاع ایران پس از انقلاب و امکان تحریک کردن عراق می گوید:

«ما ترورها و انفجارهایی روزانه و کودتا داشتیم. کودتای نوژه چند هفته قبل از آغاز جنگ اتفاق افتاد و در کل تصور این امر که ایران این همه بر خود مسلط باشد که به این زودی عراق را تحریک کند، از نظر آشنایان به تاریخ و سیاست محال است. اینکه بخواهیم در یک کشور همسایه برنامه‌ای پیاده کنیم محققا انقلاب ما آماده نبود و همه به این امر اذعان دارند. در آن زمان حتی ارتش ما نیز آماده نبود و بنابراین ادعای عراق که ما قصد تحریک این کشور را داشتیم

[صفحه ۱۸]

پذیرفتنی نیست. البته ما مواضع انقلاب را اعلام کرده بودیم که در هیچ منطق، مکتب و در هیچ جایی اعلام نظرات یک انقلاب و مکتب به دنیا، نمی‌تواند جرم تلقی شود.» [۲۲] .

در عین حال اظهارات مقامات رسمی عراق اهداف عراق را از تهاجم به ایران روشن می‌سازد. در آبان ۱۳۵۹ صدام طی مصاحبه‌ای گفت:

«ما از تجزیه و انهدام ایران ناراحت نمی‌شویم و صریحا اعلام می‌داریم در شرایطی که این کشور دشمنی بورزد هر فرد عراقی و یا شاید هر عربی مایل به تقسیم ایران و خرابی آن خواهد بود.» [۲۳] .

طارق عزیز نخست‌وزیر وقت عراق نیز اعلام کرد:

«وجود پنج ایران کوچک‌تر بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود... ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و همه سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود.» [۲۴] .

طه یاسین رمضان معاون نخست‌وزیر عراق نیز در مصاحبه با الثوره تأکید کرد:

«این جنگ به خاطر عهدنامه ۱۹۷۵ و یا چند صد کیلومتر خاک و یا نصف شطالعرب نیست. این جنگ به خاطر سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است.» [۲۵] .

بنابراین گرچه عراق قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر و درخواست لغو آن را بهانه تهاجم به ایران قرار داد ولی «تجزیه ایران و براندازی نظام

نوپای جمهوری اسلامی» هدف نهایی رژیم بعثی محسوب می‌شد. [۲۶] .

بررسی اوضاع داخلی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر چند به صورت اجمالی و گذرا، نشان‌دهنده این معناست که ایران نه تنها برای جنگ که حتی برای دفاع نیز آمادگی نداشت، زیرا علاوه بر منازعه‌ای که در داخل کشور بلافاصله پس از پیروزی انقلاب میان نیروهای انقلابی و لیبرال‌ها آغاز شد، اقتصاد کشور فوق‌العاده ضعیف شده بود و بسیاری از گروه‌های ضدانقلاب در مناطق مختلف کشور برای تضعیف دولت مرکزی تلاش می‌کردند. [۲۷] منابع تسلیحاتی ایران به دلیل ماهیت ضدامریکایی انقلاب اسلامی، قطع شده بود و در مجموع ایران بسیار آسیب‌پذیر به نظر می‌رسید. [۲۸] .

[صفحه ۱۹]

در این میان وضعیت نیروهای ارتش که وظیفه دفاع از مرزهای ایران را در مقابله با تهدیدات و تهاجم دشمن بیگانه بر عهده داشتند بسیار نامطلوب بود. گروه‌های سیاسی شعار انحلال ارتش را سر می‌دادند که با درایت و هوشمندی امام خمینی خنثی شد، [۲۹] در عین حال ارتش با مشکلات اساسی که بسیاری از آنها ریشه در «ساختار»، «هویت»، «آموزش» و «فرماندهی و کنترل» [۳۰] داشت، برای انتقال از ارتشی طاغوتی به ارتشی اسلامی دست و پنجه نرم می‌کرد. این روند همچنان ادامه یافت و حتی جریان ضدانقلابی در درون ارتش برای اعاده وضعیت پیشین، کودتان نوژه را سازماندهی کرد که در آستانه اجرا (۲۰ / ۴ / ۱۳۵۹) کشف و خنثی شد. [۳۱] آقای هاشمی رفسنجانی در تشریح وضعیت نظامی ایران می‌گوید:

«... ما هنوز مشغول تصفیه ارتش بودیم و افراد ارتش فرار کرده و بسیاری از آنها محبوس بودند و جای کارشناسان امریکایی را که از ایران رفته بودند، کسی نگرفته بود. تعداد بسیاری از قراردادهای تسلیحاتی که مکمل قدرت ارتش بود، در همان روزهای قبل از انقلاب توسط بختیار لغو شده بود و بسیاری از امکانات ما بدون پشتیبانی مانده بود و نیروی نظامی دیگری نیز هنوز در ایران شکل نگرفته بود.» [۳۲] .

سپاه پاسداران در این وضعیت با مأموریت دفاع از انقلاب، درگیر مأموریت‌های امنیتی در داخل کشور و در شهرها بود و بخشی از توانش در کردستان در مصاف با گروه‌های ضدانقلاب صرف می‌شد. بسیج نیز که پس از تصرف لانه جاسوسی امریکا با فرمان امام خمینی در ششم آذر ۱۳۵۸ تشکیل

[صفحه ۲۰]

شد به دلیل موانع موجود، فاقد هویت نظامی بود. [۳۳] رژیم بعثی حاکم بر عراق دقیقا به چنین وضعیتی آگاه بود. احمد زبیدی سرهنگ سابق ارتش عراق درباره درک رهبری عراق از وضعیت داخلی ایران پس از سقوط شاه می‌نویسد:

«رهبری عراق معتقد بود پس از سقوط شاه، ایران و خصوصا ارتش ایران پس از انجام تصفیه و پاک‌سازی در آن، ضعیف شده است.» [۳۴] .

وضعیت نظامی ایران نشان‌دهنده‌ی کاهش توان دفاعی کشور و در نتیجه از میان رفتن «قدرت بازدارندگی ایران» در برابر عراق بود و این مسئله قطعا نقش بسیار اساسی در تصمیم‌گیری عراق برای تجاوز به ایران داشته است.

رژیم عراق برای دستیابی به نقش جدید در منطقه و در فضای برخورد خصومت‌آمیز امریکا و غرب علیه نظام انقلابی ایران، بی‌ثباتی ناشی از انقلاب خصومت‌آمیز امریکا و غرب علیه نظام انقلابی ایران، بی‌ثباتی ناشی از انقلاب در داخل ایران را به مثابه یک فرصت

استثنایی، برای «تسلط بر خلیج فارس»، به سود خود ارزیابی می‌کرد. [۳۵] در واقع رونـد تحولات ظاهرا به نفع عراق تمام شده بود، زیرا به جای یک ایران قوی در مقابل یک عراق ضعیف و منزوی، یک عراق قوی در مقابل یک ایران ضعیف و متفرق قرار گرفته بود. [۳۶] .

در این مرحله گرایش سیاسی عراق که به طور سنتی به سوی شرق بود، تدریجا به سمت غرب به چرخش درآمد، زیرا برای عراق، مقابله با انقلاب اسلامی در چارچوب منافع و سیاست‌های غرب، در مقایسه با شرق عملی و امکان‌پذیرتر بود. عراقی‌ها احتمال قطع ارسال تسلیحات روسی را پیش‌بینی کرده بودنـد و با توجه به سلاح‌هایی که پیش از این خریـده بودند و انعقاد قرارداد تسلیحاتی چهار میلیارد دلاری با فرانسه، تصور می‌کردند در یک «جنگ سریع و کوتاه مدت» دچار مشکلات اساسی نخواهند شد. البته این مسئله نیز قابل پیش‌بینی بود که روس‌ها هم با تهاجم عراق به ایران موافق باشند. زیرا این مسئله علاوه بر اینکه تمرکز و انرژی ایران را به جنگ با عراق منتقل می‌کرد، می‌توانست، جمهوری اسلامی ایران را به گسترش روابط به ویژه در زمینه نظامی با مسکو، سوق دهد.

شمارش معکوس برای شروع جنگ، متعاقب ناامیدی امریکایی‌ها از حل

[صفحه ۲۱]

معضل گروگان‌ها (در تسخیر لانه جاسوسی) در سال ۱۳۵۸ آغاز شد. در بهمن ۱۳۵۸ برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و انتخاب بنی‌صدر به عنوان اولین رئیس‌جمهور و کلا تلاش‌هایی که وی انجام داد، هیچ کدام به حل معضل گروگان‌های امریکایی منجر نشد. با فرارسیدن زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در امریکا، «کارتر» که عملا در کمند گروگان‌ها به گروگان گرفته شده بود، به تدریج فشار بر ایران را افزایش داد. در فروردین ۱۳۵۹ امریکا ضمن اعلام قطع رابطه با ایران، به تحریم اقتصادی ایران اقدام کرد. [۳۷] ضمن اینکه پیش از این، ارسال هرگونه تجهیزات نظامی به ایران قطع شده بود. صدام نیز در این فضای روانی جدید ناشی از فشارهای سیاسی و نظامی اعلام کرد عراق آماده است تمام اختلافات خود با ایران را، با زور حل کند. [۳۸] موضع‌گیری صدام آشکارترین اعلام آمادگی عراق برای فشار به ایران در جهت سیاست واشنگتن بود. رژیم عراق بلافاصله بر نقل و انتقالات و تجاوزات مرزی افزود به گونه‌ای که بسیاری از ناظران، وقوع جنگ میان دو کشور را محتمل ارزیابی کردند و در نتیجه بخشی از نیروهای نظامی ایران در مرز مستقر شدند. [۳۹] خبرگزاری رویتر در گزارش خود، اوضاع نظامی را وخیم‌ترین برخوردها میان دو کشور پس از جنگ‌های سال ۱۹۷۴ اعلام کرد. [۴۰] .

عملیات طبس با هدف آزادسازی گروگان‌های امریکایی در ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ (۲۳ فروردین ۱۳۵۹) در جلسه ویژه شورای امنیت ملی امریکا تصویب و ۱۳ روز بعد (۵ اردیبهشت ۱۳۵۹) اجرا شد؛ زیرا برژینسکی معتقد بود زمان تیغ زدن به دمل فرارسیده است. [۴۱] عراقی‌ها از این اقدام چنین برداشت کردند که امریکا در مرحله بعد به اقدام نظامی به مراتب بزرگ‌تری علیه ایران دست خواهد زد. [۴۲] .

برژینسکی مغز متفکر و تصمیم گیرنده امریکا برای مقابله با ایران، در تیر ۱۳۵۹ برنامه مذاکره محرمانه مقامات عالی رتبه امریکا و عراق را طراحی کرد. [۴۳] به گزارش نشریه نیویورک تایمز هدف از این دیدار بحث و مذاکره درباره‌ی راه‌های هماهنگ کردن فعالیت‌های امریکا و عراق در مخالفت با

[صفحه ۲۲]

سیاست‌های ایران بود. [۴۴] برژینسکی صدام را «نیروی متعادل کننده» آیت‌الله خمینی تلقی می‌کرد. [۴۵] ملاقات محرمانه صدام و برژینسکی در مرز اردن به منزله «چراغ سبز امریکا» [۴۶] به عراق برای آغاز جنگ بود و این تلقی را در صدام به وجود آورد که در صورت حمله به ایران مورد حمایت امریکا قرار خواهد گرفت. [۴۷] سه ماه پس از تجاوز عراق به ایران و گرفتار شدن عراقی‌ها در سرزمین‌های اشغالی، طارق عزیز در سفر به فرانسه خبر ملاقات صدام و برژینسکی را در اختیار مجله فیگارو قرار داد تا به عنوان اعتراض عراق به سیاست‌های امریکا در قبال عراق منتشر شود. گزارش فیگارو چنین است:

«جریان جنگ ایران و عراق در واقع از ژوئن گذشته (تیر ۱۳۵۹) زمانی آغاز شد که برژینسکی به اردن سفر کرد و در مرز دو کشور اردن و عراق با شخص صدام ملاقات کرد و قول داد که از صدام حسین کاملا حمایت نماید و این امر را تفهیم کرد که امریکا با آرزوی عراق درباره شط‌العرب (اروند رود) و احتمالا برقراری یک جمهوری عربستان در این منطقه مخالفت نخواهد کرد و بالاخره کلیه اقدامات به کشاندن عراق به جنگ علیه ایران منجر شد و پیش‌بینی‌ها چنین بود که اگر بغداد پیروز بشود، ایران بی‌ثبات می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی از میان می‌رود و یک دولت طرفدار غرب جای آن به قدرت می‌رسد و در صورتی که عراق با شکست مواجه گردد، امریکا می‌تواند خود را به عنوان حامی و مدافع ایران قلمداد نماید.» [۴۸] [۴۹] .

در تیر ۱۳۵۹ برابر اعترافات «رکنی»، [۵۰] یکی از عناصر کودتای نوژه، امریکایی‌ها درباره تقدم و تأخر کودتا و جنگ به بحث و بررسی پرداختند و اجرای کودتا را در تقدم قرار دادند. زیرا در صورت موفقیت کودتا دیگر نیازی

[صفحه ۲۳]

به تهاجم نظامی عراق نبود. ضمن اینکه شکست کودتا با توجه به نقش محوری ارتش در اجرای آن، می‌توانست موقعیت روحی و روانی ارتش را به طور کامل متزلزل نماید. بنابر برخی گزارش‌ها رهبران عراق از ناحیه نیروی هوایی ایران بسیار نگران بوده‌اند، [۵۱] لذا وقوع کوتا می‌توانست تا اندازه‌ای نگرانی عراق را که در اندیشه تجاوز به ایران بود، نیز برطرف سازد.

با شکست کودتای نوژه و فرار عناصر کودتاچی به عراق و تشریح وضعیت نظامی ایران، عراقی‌ها که از چند ماه قبل از تجاوز به ایران در آمادگی به سر برده و هزمان با کودتای نوژه نیز در ۲۰ نقطه مرزی درگیری ایجاد کرده بودند، [۵۲] بر نقل و انتقالات خود افزودند و سرانجام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ تهاجم سراسری خود را آغاز کردند.

با توجه به آنچه که توضیح داده شد، تهاجم عراق به ایران در واقع تهاجم به یک انقلاب بود. به عبارت دیگر، ایران بهای انقلاب خود را پرداخت، زیرا با راه‌حل‌هایی که در برابر خود داشت، ممانعت از وقوع جنگ امکان‌ناپذیر بود. ایران برای جلوگیری از وقوع جنگ که زمینه‌های آن به نحو اجتناب‌ناپذیری در حال شکل‌گیری و تکوین بود، سه راه‌حل شامل «بازدارندگی»، «یارگیری سیاسی» و «ارائه امتیاز» فراروی خود داشت. قدرت بازدارندگی ایران ظاهرا به دلیل وضعیت نیروهای ارتش کاهش یافته بود و نیروهای انقلابی نظیر سپاه و بسیج نیز از لحاظ امکانات در وضعیت مناسبی قرار نداشتند. حضور لیبرال‌ها در رأس هرم قدرت سیاسی در این مقطع، عوارض نامطلوب و جبران‌ناپذیری به دنبال داشت، زیرا لیبرال‌ها به لحاظ بینش و تفکر و عدم درک ماهیت و مبانی انقلاب، قادر به حل معضلات انقلاب نبودند. بنی‌صدر در حد فاصل اسفند ۱۳۵۸ تا شهریور ۱۳۵۹ علاوه بر ریاست‌جمهوری به فرماندهی کل قوا منصوب شده بود، لیکن نه تنها نیروهای انقلابی را منزوی کرد، بلکه در به کارگیری ارتش برای بازدارندگی در برابر عراق نیز ناتوان بود. نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع، آیت‌الله خامنه‌ای در این باره در نماز جمعه تهران اظهار کرد:

[صفحه ۲۴]

«نزدیک به هفت ماه قبل از جنگ، شما فرمانده کل قوا بودید چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ نتوانست مقاومت کند؟ حضرت امام شما را در اول اسفند ۱۳۵۸ به فرماندهی کل قوا برگزیدند. در اول مهرماه ۱۳۵۹ یعنی هفت ماه تمام بعد از فرماندهی کل قوای شما جنگ شروع شد. در این هفت ماه شما چه کردید؟ چرا ارتش را مرمت نکردید. چرا نظامیان را آموزش ندادید. آیا اینها را چه کسی می‌بایست انجام می‌داد؟ چرا شما وقتی جنگ شروع شد و خرابی کار شما در هفت ماه گذشته آشکار شد، تقصیرها را به گردن این و آن می‌اندازید؟ وقتی از ایشان می‌پرسند چرا ارتش را سر و سامان نداده‌اید می گوید چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده‌اند. منظور ایشان دادگاه‌های انقلاب در ارتش است چون افراد متهم به کودتا را دستگیر کرده بودند. آقای بنی‌صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا شود و کودتاچیان آزاد گردند و دستگیر نشوند.» [۵۳] .

«یارگیری سیاسی و مشارکت در یک ائتلاف سیاسی منطقه‌ای یا جهانی» نیز به دلیل فقدان ثبات سیاسی در کشور برای تصمیم گیری و همچنین به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی عملی نبود، زیرا وضعیت کشور مانع از شکل گیری روابط سیاسی پایدار بود. ضمن اینکه «ارائه امتیاز آشکار» نیز کاملا ـ با خطمشی انقلاب در تضاد بنیادین بود و عملا هیچ گونه تأثیری در ممانعت از وقوع جنگ نداشت و تنها می‌توانست زمان آن را به تأخیر اندازد. در نتیجه مردم ایران بر پایه هویت جدیدی که با انقلاب اسلامی کسب کردند، تهاجم عراق را در چارچوب سیاست‌های امریکا و با هدف براندازی نظام انقلابی حاکم بر ایران تفسیر و به دفاع در برابر متجاوزان مبادرت کردند.

ماهیت تجاوز عراق و مقاومت مردمی جمهوری اسلامی نشان‌دهنده‌ی پیوستگی عمیق اهداف جنگ با انقلاب اسلامی بود. تأثیرات و تعاملات جنگ و انقلاب بر یکدیگر، تا پایان جنگ همچنان ادامه یافت. در عین حال دستیابی به درک روشن و عمیق‌تر درباره تأثیرات انقلاب در دفاع و در نتیجه

[صفحه ۲۵]

ناکامی دشمن نیاز به بررسی جداگانه‌ای دارد و شاید پاسخ به سؤال زیر تا اندازه‌ای ابعاد این موضوع را روشن نماید:

«اگر شروع جنگ از جانب رژیم عراق به دلیل وقوع انقلاب در ایران و فقدان توان نظامی جمهوری اسلامی برای بازدارندگی دشمن بوده است، پس چه عامل یا عواملی به ناکامی و محقق نشدن اهداف دشمن پس از تجاوز به ایران انجامید؟»

[صفحه ۲۸]

تجاوز و اشغال

جنگ در سال اول

شهریور ۱۳۵۹ تا شهریور ۱۳۶۰

تجاوز ارتش عراق به ایران با استعداد ۴۸ یگان سازماندهی شده در قالب تیپ‌ها و لشکرهای زرهی، مکانیزه و پیاده، با برخورداری

از پشتیبانی ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضدهوایی، ۳۶۶ فروند هواپیما و ۴۰۰ فروند هلی‌کوپتر [۵۴] انجام گرفت. مقصود رهبران عراق از تجاوز این بود که با شکست نظامی ایران [۵۵] به اهداف خود: لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، تجزیه استان خوزستان [۵۶] و در نهایت براندازی نظام جمهوری اسلامی دست یابند.

مقاومت اندک نیروهای نظامی در برخی خطوط مرزی سبب گردید نیروهای دشمن به سهولت از خطوط مرزی عبور کنند و برخی از شهرهای ایران را محاصره نمایند. اهمیت و جایگاه خوزستان در استراتژی تهاجمی عراق، موجب شد توان اصلی ارتش عراق در این منطقه متمرکز شود. لشکرهای ۱ مکانیزه و ۱۰ زرهی ارتش عراق با پیشروی در منطقه غرب رودخانه کرخه، فاصله ۸۰ کیلومتری مرز تا رودخانه را طی چهار روز [۵۷] پشت سر گذاشتند. [۵۸] در محور بستان - سوسنگرد لشکر ۹ زرهی ارتش عراق در همان خیز اول بستان را اشغال کرد و سوسنگرد و حمیدیه را محاصره نمود و به نزدیکی اهواز رسید که با شبیخون برادران سپاه و بسیج اهواز به فرماندهی شهید غیور اصلی مواجه شد و عقب‌نشینی کرد.

[صفحه ۲۹]

در محور جنوب غربی اهواز لشکر ۵ مکانیزه عراق بعد از تصرف جفیر و پادگان حخمید تا منطقه نورد در ۱۵ کیلومتری جنوب اهواز پیشروی کرد و سپس از حرکت ایستاد. در محور شلمچه لشکر ۳ زرهی و تیپ ۳۳ نیروی مخصوص برای اشغال خرمشهر و آبادان وارد عمل شدند که بر اثر مقاومت مردم، بسیج و سپاه در خرمشهر تا چهارم آبان ۵۹ (به مدت ۳۴ روز) دشمن نتوانست این شهر را تصرف کند. نیروهای لشکر ۳ در ۱۹ مهر ۱۳۵۹ در منطقه‌ای که هیچ گونه مواضع دفاعی وجود نداشت، از رودخانه کارون عبور کردند و شهر آبادان را به محاصره درآوردند. در مجموع ارتش عراق در این مرحله از تهاجم خود بیش از ۱۵۰۰۰ کیلومتر مربع از اراضی ایران را اشغال کرد و در آن مستقر شد. [۵۹] .

نواقص و کاستی‌های دفاعی ایران، هنگامی که فرماندهی کل قوا بر عهده بنی‌صدر بود، نقش زیادی در سهولت پیشروی نیروهای ارتش عراق در عمق سرزمین ایران و محاصره و اشغال شهرها داشت. آرایش دفاعی نیروهای ایران به شیوه‌ی سنتی (یعنی طبق آئین‌نامه‌های رسمی و بدون در نظر گرفتن وضعیت جدید)، بدون بررسی دقیق و در نظر گرفتن احتمالات گوناگون انجام گرفته بود. [۶۰] در آرایش نیروها پوشش مرز در نظر گرفته شده بود، حال آنکه باید به صورت متحرک عمل می‌شد و نیروهای ایران با تمرکز در شمال حسینیه از جبهه اهواز خرمشهر دفاع می‌کردند. [۶۱] بنابراین گسترش عملیاتی و تاکتیک نظامی ایران دچار نقص بود، معابر مسدود نشده بود و درک روشنی از تلاش اصلی عراق وجود نداشت. [۶۲] .

«کردزمن» دلائل عدم آمادگی جنگی ایران را «فقدان قرارگاه فرماندهی» در مناطقی که جنگ جریان داشت و «مستقر نبودن توپخانه و هلی‌کوپترهای تهاجمی و کلیه یگان‌های ارتشی در مرز» ذکر می‌کند و می‌نویسد:

«ایران هیچ گونه آرایش نظامی در مناطق بسیار حساس نزدیک خرمشهر و آبادان نداشت. نزدیک‌ترین لشکر ایران به منطقه عملیاتی در اهواز مستقر بود که ۴۰ تا ۵۰ کیلومتر تا صحنه جنگ فاصله داشت.» [۶۳] .

[صفحه ۳۰]

وی سهولت پیشروی نیروهای عراقی را نشانه‌ی عدم آمادگی دفاعی ایران دانسته و می‌نویسد:

«در واقع حتی اعلامیه‌های نظامی عراق نیز نشان می‌داد که ارتش عراق در طول یکی دو روز اول جنگ با مقاومت زیادی روبه‌رو

نشده، بنابراین تمامی شواهد حکایت دارند که این عراق بوده است که با آمادگی کامل و به کارگیری نیروهای نظامی، تهاجم همه جانبه‌ای را علیه ایران سازمان داد، در حالی که ایران حتی از آمادگی دفاعی کامل برخوردار نبود.» [۶۴] .

نماینده امام در شورای عالی دفاع، آیت‌الله خامنه‌ای در تشریح وضعیت دفاعی ایران و ناتوانی در بهره‌برداری از توان و امکانات موجود گفت:

«... از جمله شهرهایی که به شدت تهدید می‌شد دزفول بود، در حالی که ما آنجا نیرو کم داشتیم و وقتی به فرماندهان ارتش می‌گفتیم، می‌گفتند نیرو کم داریم و یا نیرو و تجهیزات هر دو را با هم نداریم، درست هم بود، به این معنا که آمادگی لازم را برای خودشان در این جنگ تهیه ندیده بودند. در صورتی که ابزارهای زیادی داشتیم ولی از کار افتاده بود و مهمات زیادی داشتیم که اینها از وجودش خبر نداشتند. افراد زیادی هم داشتیم که اینها در پادگان‌ها حضور نداشتند و لذا وضعمان خیلی بد بود.» [۶۵] .

مقاومت نیروهای مردمی و انقلابی، به ویژه در شهرها، بسیاری از کاستی‌ها را جبران کرد و نقشی بسیار تعیین‌کننده در ناکامی ارتش عراق داشت. به عنوان مثال پس از آنکه تیپ سوم از لشکر ۹۲ زرهی اهواز تنها سه روز [۶۶] در مرز در برابر لشکر ۹ زرهی ارتش عراق پدافند فعال کرد، [۶۷] نیروهای لشکر ۹ با عبور از بستان، سوسنگرد و حمیدیه در آستانه ورود به اهواز بودند که بر اثر شبیخون نیروهای مردمی و انقلابی عقب‌نشینی کردند و سرانجام در پشت دیوارهای غربی شهر سوسنگرد زمین گیر شدند [۶۸] ارتش عراق تیپ ۳۳ نیروی

[صفحه ۳۱]

مخصوص را نیز مأمور تصرف خرمشهر کرد ولی به دلیل مقاومت‌های مردمی، سرانجام پس از ۳۴ روز جنگ و گریز و با اختصاص ۲ لشکر، موفق به اشغال خرمشهر شد. [۶۹] مقاومت‌های مردمی علاوه بر ایجاد فاصله میان یگان‌های ارتش عراق و ناهماهنگی در پیشروی آنها و ایجاد تأخیر و کندی در حرکت یگان‌های مهاجم، به تأخیر در سقوط خرمشهر و حفظ آبادان انجامید. [۷۰] .

دلایل ناتوانی عراق برای بهره‌برداری از وضعیت سیاسی - نظامی ایران و دست نیافتن به پیروزی «قاطع و روشن» علی‌رغم توضیحات و نظریاتی که ناظران و تحلیل گران نظامی تاکنون ارائه کرده‌اند، همچنان مبهم است، اما آنچه بیشتر تأکید می‌شود «عدم وجود یک استراتژی نظامی روشن» [۷۱] است که آن را مرکز ثقل ناکامی عراق می دانند؛ زیرا رفتار نظامی عراق نشان‌دهنده‌ی این است که نیروهای عراقی نمی‌دانستند تا چه حد باید پیشروی کنند و اهداف آنها مشخص نبود. [۷۲] به همین دلیل عراق با دستور توقف به ارتش در حال پیشروی، دچار یک اشتباه نظامی جبران‌ناپذیر شد. [۷۳] همچنین اطلاعات غلط و نادرست و اشتباه در محاسبات اوضاع داخلی ایران، [۷۴] بخش دیگری از عوامل ناکامی عراق است که تحلیل گران نظامی به آن اشاره کرده‌اند. در واقع آنچه که پس از تهاجم عراق، در داخل ایران روی داد «ظهور جنگ مردمی در شهرها» و «تحکیم موقعیت سیاسی ایران» بود. حال آنکه عراقی‌ها تصور می کردند که حمله نظامی سراسری در زمین و هوا، به مثابه یک شک، به سقوط نظام انقلابی ایران منجر خواهد شد!

یکی از نظامیان سابق ارتش عراق بر این باور است که رهبری عراق از روح انقلابی مردم که شاه را ساقط کرده و آماده بودند تا به دفاع از انقلاب برخیزند، غافل بوده است. [۷۵] وی معتقد است اگر رهبری عراق وضعیت داخلی ایران را به خوبی بررسی کرده بود، حمله خود را به تأخیر می‌انداخت و راه‌های دیگری را در پیش می گرفت. [۷۶] بنابراین توضیح، در واقع رهبری عراق تنها به مشاهده ظواهر و تکیه بر منابع اطلاعاتی امریکا و غرب و اطلاعات عناصر فراری ضد انقلاب اکتفا کرده است، برای همین «قدرت پنهان

[صفحه ۳۲]

ایران» [۷۷] را درک نکرده و از همین نقطه آسیب‌پذیر شده است.
تنها یک هفته پس از شروع جنگ، صدام در سخنانی خطاب به ملت عراق اعلام کرد: «عراق به مقاصد ارضی خود نائل شده و مایل است خصومت‌ها را کنار بگذارد و به مذاکره بپردازد.» [۷۸] برخی از تحلیل‌گران ارائه این پیشنهاد را به مثابه شکست عراق ارزیابی کردند. [۷۹] دبیر کل سازمان ملل در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹)، در شرایطی که به ایران تجاوز شده بود به دولت‌های ایران و عراق پیشنهاد کرد: «دو دولت مساعی جمیله خود را در جهت کمک به حل مسالمت‌آمیز برخورد میان دو کشور به کار بندند» روز بعد نخستین جلسه شورای امنیت سازمان ملل برگزار شد و اولین موضع‌گیری خود را در قبال جنگ تحمیلی اعلام کرد. [۸۰] حاصل این جلسه صدور بیانیه‌ای بود که در آن شورای امنیت به جانبداری از عراق - در حالی که این کشور با اقدام به زور از مرزهای ایران عبور کرده بود - از طرفین متخاصم می‌خواهد «از استفاده بیشتر از زور خودداری کنند و پیشنهاد صحیح میانجیگری و مصالحه را بپذیرند» [۸۱] چنان که مشخص است شورای امنیت ضمن اجتناب از صدور قطعنامه، تنها بیانیه‌ای صادر کرد که در آن هیچ گونه اشاره‌ای به نقض تمامیت ارضی ایران نشده است.
جمهوری اسلامی با توجه به تردد هیئت‌های میانجیگری و درخواست‌هایی که برای برقراری صلح ارائه می‌شد، شرایط خود را اعلام کرد:
۱- محکومیت متجاوز.
۲- عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر به مرزهای بین‌المللی.
۳- پرداخت غرامت.
۴- بازگشت پناهندگان. [۸۲] .
در وضعیتی که ارتش عراق در مناطق اشغالی مستقر بود، کلیه‌ی هیئت‌های صلح ابتدا از ایران درخواست می‌کردند آتش‌بس را بپذیرد! حال آنکه ایران «عقب‌نشینی» و «محکومیت متجاوز» را بر هر اقدام دیگر مقدم می‌دانست. آنچه که بعدها امام خمینی بیان کردند، مواضع برحق ایران را نمایان ساخت:

[صفحه ۳۳]

«ایران می‌گوید که تا از خانه ما بیرون نروید و تا جرم‌هایی که کرده‌اید معلوم نشود که شما مجرم هستید و تا ضررهایی که به ایران زدید جبران نشود و حکم به جبران نشود، صلح معنی ندارد.» [۸۳] .
رهبری عراق متعاقب «نرسیدن به اهداف نظامی» و «ناکامی در تحمیل صلح به ایران»، پس از هفته اول جنگ، بیشترین تلاش نظامی خود را روی اشغال شهرهای سوسنگرد، خرمشهر و آبادان، متمرکز کرد. لیکن مقاومت نیروهای مردمی و سپاه و عناصر ژاندارمری و ارتش در سوسنگرد و فرمان امام برای شکستن محاصره شهر آبادان، طرح دشمن را عقیم گذاشت. تداوم مقاومت در خرمشهر توان زیادی از دشمن گرفت و اشغال این شهر با تأخیر، خسارات فراوان برای دشمن به همراه داشت. در این مرحله بیشترین فشار ارتش عراق بر «اشغال آبادان» متمرکز شد. صدام امیدوار بود با این اقدام و تصرف ساحل شمالی رودخانه اروند، به حداقل اهداف خود مبنی بر لغو قرارداد ۱۹۷۵ دست یابد. امام خمینی با درکی که از ماهیت تلاش‌های سیاسی - نظامی عراق در مرحله جدید

داشتند، فرمان «شکستن حصر آبادان» را در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۹ صادر فرمودند. [۸۴] تشدید مقاومت در آبادان و عقب راندن نیروهای مهاجم عراق از نخلستان‌های کوی ذوالفقاری آبادان و شکست نیروهای عراقی در عبور از رودخانه بهمنشیر، در واقع استراتژی عراق را در نقطه اصلی آن با شکست مواجه کرد. [۸۵] .

رژیم عراق که با اقدام به «جنگ تحمیلی» نتوانسته بود «صلح تحمیلی» را به ایران تحمیل کند، دو راه‌حل: «عقب‌نشینی» یا «استقرار در مواضع اشغالی» را فرا روی خود داشت. رهبری عراق برای عقب‌نشینی توضیح روشنی نداشت؛ زیرا بدون اینکه از تهاجم به ایران نتیجه‌ای کسب کرده باشد، باید به داخل خاک عراق عقب‌نشینی می‌کرد. استقرار در مواضع اشغالی بر پایه این تصور که قوای نظامی ایران قادر به بیرون راندن متجاوزان نخواهد بود و اوضاع سیاسی داخل ایران نیز شدیدا بی‌ثبات است، مورد توجه قرار گرفت. صدام در توضیح اقدام خود می‌گوید «اگر تاکتیک نظامی و امنیت ارتش

[صفحه ۳۴]

خودمان اقتضا نماید که در این سرزمین‌ها باشیم، آن را تحت اشغال خود قرار خواهیم داد.» [۸۶] در واقع ناتوانی نظامی ایران برای حمله به نیروهای عراق، ضامن امنیت آنها بود؛ به همین دلیل رهبری عراق تصمیم به اشغال مناطق و استقرار در آن گرفت.

عراقی‌ها در مرحله جدید به اطمینان از «تضمین امنیت نیروهای عراقی» در مواضع اشغالی، در انتظار تشدید بحران در داخل ایران و سرانجام مجبور شدن جمهوری اسلامی به پذیرش «صلح تحمیلی» بودند. در عین حال عراقی‌ها برای تقویت توان نظامی و کسب حمایت‌های سیاسی، بر تلاش‌های خود افزودند. طارق عزیز حداقل سه بار به فرانسه سفر کرد که یکی از اهداف اصلی این ترددهای دیپلماتیک دریافت هواپیماهای میراژ جنگنده بود. [۸۷] سفر طارق عزیز به مسکو نیز با هدف ترمیم روابط و رفع تحریم تسلیحاتی عراق انجام گرفت که نتیجه مطلوبی نداشت. [۸۸] .

جمهوری اسلامی ایران پس از متوقف کردن قوای دشمن با «مقاومت و دفاع همه‌جانبه و مردمی»، در مرحله جدید لزوما می‌بایست متجاوزان را از سرزمین‌های اشغالی عقب می‌راند.

تداوم استقرار نیروهای متجاوز در مناطق اشغالی، سرنوشت سیاسی بنی‌صدر (فرمانده کل قوا) را تحت تأثیر قرار داده بود، بنابراین آزادسازی این مناطق و کسب پیروزی در جنگ می‌توانست موقعیت سیاسی وی را ارتقا و بهبود بخشد. بنی‌صدر می‌پنداشت با اتکا به نیروهای ارتش و استفاده از روش‌های کلاسیک تحت عنوان روش‌های علمی و تخصصی می‌تواند این مهم را تحقق بخشد. [۸۹] از سوی دیگر، بنی‌صدر که در پی حذف نیروهای خط امام از صحنه سیاسی کشور بود، راه‌حل‌های پیشنهادی نیروهای انقلابی و مردمی را که در مرحله «دفاع و مقاومت» در برابر دشمن، نقش اساسی و تعیین‌کننده داشتند، نادیده می‌گرفت.

در این مرحله با هدف «آزادسازی مناطق اشغالی» چهار عملیات طرح‌ریزی و اجرا شد:

[صفحه ۳۵]

۱- عملیات نیروهای ارتش در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در منطقه غرب رودخانه کرخه که با هدف آزادسازی این منطقه انجام گرفت ولی تا قبل از ظهر همین روز به دلیل ناکامی، به اتمام رسید و نیروها به مواضع خود عقب‌نشینی کردند. [۹۰] .

۲- در سوم آبان ۱۳۵۹، متعاقب محاصره آبادان، نیروهای ارتش برای شکستن محاصره این شهر عملیاتی اجرا کردند، [۹۱] ولی بنا به دلایلی از جمله «نداشتن اطلاعات کافی و حتی اطلاعات کاذب» با ناکامی روبه‌رو شدند. پیدایش این وضعیت، توان اجرای

عملیات بعدی را در نیروهای ارتش ضعیف کرد. [۹۲] .

۳- در پانزدهم دی عملیات «نصر» که بعدها به عملیات هویزه مشهور شد، در منطقه غرب رودخانه کارون با هدف آزادسازی خرمشهر اجرا شد. این عملیات علی‌رغم موفقیت اولیه، به شکست انجامید. صرف‌نظر از نتیجه نظامی این عملیات، به دلیل شهادت تعداد بسیاری از دانشجویان پیرو خط امام که پس از تحویل گروگان‌ها، عازم جبهه‌های نبرد شده بودند، این عملیات انعکاس نسبتا وسیعی در داخل کشور و در صحن مناقشات سیاسی داشت.

۴- در بیستم دی عملیات «توکل»، با هدف شکستن محاصره آبادان و آزادسازی خرمشهر [۹۳] انجام شد که نتیجه‌ای همانند عملیات‌های پیشین داشت.

نتایج سلسله تلاش‌هایی که در این مرحله انجام گرفت در بعد نظامی سبب گردید تفکر «تهاجم گسترده» به دشمن کنار گذاشته شود. چنان که در کتاب منتشر شده ارتش جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«پس از انجام ناموفق عملیات آفندی توکل، از روز ۲۱ دی وضعیت کلی منطقه عملیاتی آبادان - ماهشهر به حالت قبل از اجرای حمله بازگشت و الزاما نیروهای فرماندهی اروند وضعیت پدافندی را پذیرفتند و نیروهای طرفین مجددا به حالت نبرد توپخانه بازگشتند و مبادله آتش به جریان خود ادامه داد و طرفین به تقویت و تحکیم مواضع پرداختند و مرحله دیگری از عملیات در جبهه‌ی ماهشهر - آبادان آغاز شد که پدافند در مواضع و اجرای تک‌های محدود و محلی بود. این مرحله از عملیات حدود ۸ ماه ادامه داشت.» [۹۴] .

[صفحه ۳۶]

پیدایش این وضعیت تا اندازه‌ای بدیهی بود زیرا آنچه که با هدف آزادسازی مناطق اشغالی انجام گرفت براساس بضاعت و توان فکری و کلیه امکانات نیروهای ارتش به فرماندهی بنی‌صدر بود. لذا پس از مواجه شدن با ناکامی جز «اندیشه پدافندی» و اجرای «تک‌های محدود و محلی» راه‌حل دیگری تصور نمی‌شد. با گذشت چهار ماه از تجاوز دشمن، نیروهای اشغالگر نیز همچنان در سرزمین‌های اشغال شده مستقر بودند و از عملیات‌های انجام شده جز اتلاف وقت و نابودی امکانات موجود - که جایگزینی آنها عملی نبود - نتیجه‌ای حاصل نشد. ضمن آنکه به صورت اساسی «تفکر تکیه بر مانور زرهی»، صرفا با استفاده از تانک و نفربر، منسوخ شد، به گونه‌ای که پس از آن از تانک تنها برای پشتیبانی نیروی پیاده یا توپخانه استفاده شد. [۹۵] .

بنی‌صدر که با مشاهده پی‌درپی ناکامی‌های نظامی، وضعیت سیاسی خود را در مخاطره می‌دید، با سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و چپ‌های امریکایی و سایر عناصر واخورده ساسی ائتلاف کرد تا آنچه را که در صحنه نظامی نتوانست به دست آورد با «گسترش دامنه مناقشات داخلی» کسب کند. [۹۶] غائله ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران نقطه آغاز مرحله‌ی جدید منازعات سیاسی بود.

عراقی‌ها با مشاهده «بن‌بست نظامی» در جبهه‌ها و «بحران سیاسی» در داخل کشور، بر صحت ارزیابی و تحلیل خود از ناتوانی نظامی و اوضاع داخلی ایران پافشاری می‌کردند طوری که اندیشه عملیات آفندی دوباره در آنها قوت گرفت و در همین جهت ارتش عراق به دنبال اجرای عملیاتی در منطقه آبادان برای اشغال این شهر به صورت کامل بود. [۹۷] .

تداوم «بحران سیاسی» در داخل کشور، در حالی که جبهه‌های نبرد در

[صفحه ۳۷]

وضعیتی نامطلوب به سر می‌برد و امام خمینی مکررا بر «اصلی بودن جنگ» تأکید می‌فرمودند، سرانجام در خرداد ۱۳۶۰ به درگیری داخلی مسلحانه منجر شد. امام خمینی، بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا خلع کردند و مجلس شورای اسلامی «کفایت سیاسی» وی را به بحث گذاشت و در نتیجه عدم کفایت بنی‌صدر به اتفاق آرا - در زمانی که نمایندگان نهضت آزادی از شرکت در مجلس خودداری کرده بودند - به تصویب رسید.

وزیر خارجه وقت فرانسه (کلودشسون) طی مصاحبه‌ای رسما اعلام کرد:

«اگر بنی‌صدر از فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی بکند، چون فرانسه کشور حقوق بشر است»، به وی پناهندگی خواهیم داد و از او حمایت خواهیم کرد.» [۹۸] .

صدام نیز در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد:

«چنانچه بنی‌صدر تمایل داشته باشد، عراق آماده دادن پناهندگی سیاسی به وی می‌باشد.» [۹۹] .

سرانجام بنی‌صدر به اتفاق رجوی با کمک خلبان پیشین شاه به فرانسه متواری شدند و سازمان مجاهدین (منافقین) موجی از ترور و انفجار را به امید براندازی نظام جمهوری اسلامی، در سراسر کشور به راه انداخت. در حادثه هفتم تیر ۱۳۶۰ آیت‌الله بهشتی و ۷۲ تن از یارانش شامل مسئولان اجرایی کشور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی به شهادت رسیدند و در هشتم شهریور ۱۳۶۰ آقای رجایی که پس از خلع بنی‌صدر به عنوان رئیس جمهور انتخاب شده بود، به همراه حجت‌الاسلام باهنر در حادثه‌ی انفجار ساختمان نخست‌وزیری به شهادت رسیدند.

صدام که پیش از این حوادث در دیدار با کمیته‌ی حسن‌نیت آمادگی خود را برای برقراری آتش‌بس و مذاکره سیاسی اعلام کرده بود، [۱۰۰] پس از مشاهده وضعیت سیاسی - نظامی ایران در تیر ۱۳۶۰ در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد:

«اگر می‌خواهید نظر ما را بدانید، باید بگویم، ما ترجیح می‌دهیم، در حالی که جنگ ادامه دارد، با ایرانیان به قصد رسیدن به توافق به مذاکره بنشینیم. زمانی که به توافق دست یابیم می‌گوییم جنگ خاتمه یابد!» [۱۰۱] .

[صفحه ۳۸]

بدین ترتیب سال اول جنگ در وضعیتی به پایان رسید که هیچ گونه پیروزی نظامی در جهت آزادسازی سرزمین‌های اشغالی به دست نیامد و کشور در گرداب عمیقی از بحران سیاسی و امنیتی فرورفته بود. بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران دورنمای سیاسی ایران را پس از حذف بنی‌صدر و آغاز ترور و انفجار، براندازی نظام جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کردند. یکی از نشریات چاپ امریکا در همین زمینه نوشت:

«دولتمردان متعصب ایران ضعیف‌تر از آن هستند که اشغالگران عراقی را از خاک خود بیرون برانند و بسیاری از کارشناسان خاورمیانه معتقدند که با پایان دادن به جنگ ایران و عراق، رژیم جنگ‌زده آیت‌الله خمینی باید سقوط کند... سقوط سران حکومت (امام) خمینی گاهی بسیار نزدیک به نظر می‌آید و رهبر رژیم کنونی با بمب‌گذاری‌های گروه مخالفان بسیار ضعیف شده است.» [۱۰۲] .

بنابراین مهم‌ترین سؤالی که بعدها فراروی ناظران و تحلیل‌گران امور سیاسی - نظامی ایران قرار گرفت و همواره در جست‌وجوی یافتن پاسخ مناسب آن بودند، این بود که:

«ایران تحت چنین وضعیتی چگونه توانست ضمن «تثبیت اوضاع سیاسی» روند آزادسازی مناطق اشغالی را آغاز و سرانجام جشن پیروزی را در مسجد جامع خرمشهر برگزار نماید؟»

[صفحه ۴۴]

آزادسازی مناطق اشغالی، تداوم جنگ

جنگ در سال دوم

شهریور ۱۳۶۰ تا شهریور ۱۳۶۱

تجزیه و تحلیل علل ناکامی تلاش‌هایی که برای آزادسازی مناطق اشغالی با تکیه بر نیروها و روش‌های کلاسیک انجام گرفت، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا پس از برکناری بنی‌صدر، مناطق اشغالی با اجرای چهار عملیات گسترده پاک‌سازی و آزاد شد و قوای دشمن منهدم گردید. لذا بررسی دلایل ناکامی‌ها در مرحله پیشین و موفقیت‌ها در مرحله جدید، می‌تواند «زمینه‌ها و علل تحول در جنگ» را که برای بسیاری از ناظران و تحلیل‌گران امور ایران شگفت‌آور بود، روشن کند و توضیح دهد.

کانون مرکزی و نقطه ثقل تحول در جنگ را بدون شک باید حضور جدی و همه جانبه سپاه و بسیج در جنگ دانست. مسلما این حضور صرفا به معنای حضور فیزیکی نیروهای سپاهی و یا بسیجی در جنگ نیست زیرا که پیش از این و در مرحله مقاومت و دفاع در برابر متجاوز، نیروهای انقلابی و مردمی در صحنه حضور داشتند و نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده بودند. در مرحله جدید بر پایه‌ی درکی روشن از ناکامی‌ها بنی‌صدر و ارتش در آزادسازی مناطق اشغالی، ضرورت شکستن بن‌بست نظامی حاکم بر جنگ و حمله به دشمن، که با تغییر استراتژی جنگ قابل تحقق بود، با حضور سپاه تأمین و آغاز شد، [۱۰۳] شهید حسن باقری در فرودین ۱۳۶۰ پس از بحث با برخی از مسئولان سپاه درباره ضرورت تغییر استراتژی جنگ می‌گوید:

«باید به خود جرأت داد که این نوع جنگیدن به درد نمی‌خورد و لازم است استراتژی جنگ عوض شود.» [۱۰۴] .

[صفحه ۴۵]

تأکید بر ضرورت تغییر استراتژی جنگ [۱۰۵] به موازات ایجاد تردید درباره فرماندهی بنی‌صدر در سطوح بالای کشور و شورای عالی دفاع، [۱۰۶] بخشی از موانع موجود را برای ایفای نقش تعیین‌کننده سپاه در جنگ، برطرف ساخت. محسن رضایی در این زمینه می‌گوید:

«استراتژی نظامی به طور کلی در ایران از هم پاشید. در اینجا استراتژی جدید نیروهای حزب‌الله آغاز شد. نیروهای حزب‌اللهی آمدند و جنگ انقلابی را تدوین کردند و براساس آن یک سری عملیات‌های محدود انجام شد.» [۱۰۷] .

آموزه‌ی [۱۰۸] جدید نیروهای انقلابی (سپاه و بسیج) در مرحله نخست شامل اصولی بود که به طور بنیادین با تفکر و روش فرماندهی بنی‌صدر در تعارض قرار داشت. این اصول چنین بود:

۱- حملات پی‌درپی به دشمن با اجرای عملیات محدود.

۲- تکیه بر عوامل معنوی همچون وحدت، ایمان و عشق به شهادت.

۳- جذب نیرو و گسترش سازمان نیروهای انقلابی با سازماندهی نیروهای بسیجی.

۴- همکاری با نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران و به کارگیری نیرو و امکانات آنها.

۵- اتخاذ تاکتیک‌های جدید با اتکا بر نیروهای پیاده و اجرای عملیات در شب.

ستاد عملیات سپاه در جنوب، در تیر ۱۳۶۰ طی تحلیلی درباره ضرورت اتخاذ تاکتیک‌های جدید و اتکا به نیروهای پیاده در عملیات می‌نویسد:

«با طولانی شدن جنگ، توجه سپاه و نیروهای مردمی روی این نکته متمرکز شد

[صفحه ۴۶]

که با توجه به محدودیت و آسیب‌پذیری وسایل نظامی و عدم امکان جایگزینی آن (با موقعیت فعلی انقلاب اسلامی ایران، به علت مخالفتش با ابرقدرت‌های سازنده این وسایل) بهترین راه، تأکید بر نیروی پیاده می‌تواند باشد.» [۱۰۹] .

در مرحله جدید و با در نظر گرفتن تجارب پیشین و با شناخت نسبتا عمیق از دشمن و مطابق با توان و مقدورات موجود و فارغ از روش‌های کلاسیک - که اساسا حاصل ترجمه آیین‌نامه‌های ارتش امریکا بود - در فاصله زمانی اسفند ۱۳۵۹ تا مهر ۱۳۶۰ بیش از ۲۰ عملیات محدود طرح‌ریزی و اجرا شد. مشخصه این عملیات‌ها دستیابی به روش‌های جدید برای شکستن خطوط دفاعی دشمن با اتکا به نیروهای بسیجی و سپاه بود. در روش نظامی منطبق با آئین‌نامه‌های ارتش، مواضع دفاعی دشمن عمدتا می‌بایست با اتکا به آتش و نیروهای زرهی درهم می‌شکست و سپس پیشروی در عمق انجام می‌گرفت. در روش جدید برای غافلگیری دشمن و جبران کمبود امکانات، عملیات در شب و با تکیه بر نیروی پیاده - که از روحیه شهادت‌طلبی برخوردار بود - طرح‌ریزی می‌شد. در این مرحله تجهیزات ارتش شامل توپخانه و زرهی تنها نقش آتش پشتیبانی‌کننده داشت.

نتایج حاصله از اجرای عملیات‌های محدود علاوه بر نمایاندن ضعف‌های دشمن و توانایی و قابلیت‌های نیروهای انقلابی، صحت استراتژی جدید را تأیید کرد. ضمن اینکه روحیه یأس و ناامیدی که پس از شکست تلاش‌های نظامی کلاسیک به فرماندهی بنی‌صدر، در نیروهای نظامی و مسئولان سیاسی بروز کرده بود برطرف شد و در عین حال زمینه را برای پشت سر نهادن بحران بی‌ثباتی سیاسی در کشور آماده ساخت.

همچنین اندیشه‌های دفاعی سپاه تدریجا شکل گرفت و زمینه‌های طرح‌ریزی عملیات گسترده و آزادسازی کلیه مناطق اشغالی را فراهم ساخت. به موازات این تحولات، دشمن نیز تدریجا بخشی از تغییرات تاکتیکی را درک کرد و برای ممانعت از غافلگیری دستورالعمل‌های جدیدی صادر کرد که در آن بر آمادگی دفاعی تأکید شده بود. [۱۱۰] آیت‌الله خامنه‌ای هنگامی که به

[صفحه ۴۷]

عنوان نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع از نزدیک تحولات جنگ را پیگیری می‌کرد پس از فتح خرمشهر در تحلیلی از روند جنگ، به مسائلی اشاره کرد که حائز اهمیت است:

«کلا تا قبل از عملیات ثامن‌الائمه، عملیات ما غالبا موفق نبوده است و شاید یک یا دو عملیات را بتوان نشان داد که تا حدودی موفق بوده و علتش هم این است که تا قبل از عملیات ثامن‌الائمه نیروهای مردمی به کار گرفته نمی‌شد، یعنی از بسیج و سپاه در عملیات به صورت کامل خبری نبود و سپاه امکانات نداشت و گذشته از این، مسئولان نظامی حاضر نبودند حتی سپاه را در حیطه کار نظامی راه بدهند و لذا یکی از درگیری‌های ما با بنی‌صدر همین مسئله بود. نیروهای محدود ارتش هم طبیعی بود که با فرمانده‌ای مثل بنی‌صدر شانس موفقیت بسیار کمی را داشت و عملا هم موفق نبود.» [۱۱۱] .

در این جمع‌بندی روی دو مسئله تأکید شده است: نخست اینکه نیروهای سپاه و بسیج به صورت کامل در صحنه حضور نداشتند و

دیگر اینکه نیروهای محدود ارتش با فرماندهی بنی‌صدر قادر به کسب پیروزی نبودند و در عمل هم موفق نشدند. آیت‌الله خامنه‌ای در جایی دیگر با اشاره به تأخیر در فتح خرمشهر چنین بیان کرد:

«به اعتقاد من یک سال دیر برگشت چون می‌توانست خرمشهر در سال گذشته، یعنی یک سال پیش آزاد شود.» [۱۱۲] .

ایشان درباره علت این تأخیر و تفاوت آن با سال گذشته اظهار کرد:

«سال گذشته در این وقت سپاه پاسداران جدی گرفته نمی‌شد و وجود سپاه در صحنه رزم فرض نمی‌شد.» [۱۱۳] .

در عین حال به دلیل بحران سیاسی در کشور و حتی پس از فرار بنی‌صدر همچنان برای اجرای فرمان امام موانعی وجود داشت که محسن رضایی درباره آن گفت:

«حضرت امام مدت‌ها بود که دستور داده بودند که حصر آبادان باید شکسته شود، اما مدیریت اولیه جنگ بهای لازم را به این کار نمی‌داد و حتی

[صفحه ۴۸]

بقایای ین مدیریت هم با اینکه آقای بنی‌صدر کنار رفته بود، باز به سختی زیر بار حمله به این منطقه می‌رفتند. به طوری که طرح اولیه سپاه در اوایل فروردین سال ۶۰ آماده شد ولی شش ماه طول کشید تا عملیات اجرا شود.» [۱۱۴] .

تأخیر در اجرای عملیات شکستن محاصره آبادان با توجه به وضعیت سیاسی کشور به گونه‌ای بود که امام مدتی بعد از حادثه هفتم تیر خطاب به شورای عالی دفاع که در محضر ایشان تشکیل شد، فرمودند:

«چرا حمله نمی‌کنید. بنی‌صدر هم همیشه امروز و فردا می‌کرد و می‌گفت یک ماه دیگر طراحی داریم.. اگر نمی‌خواهید بجنگید بگویید تا ما تکلیف خودمان را بدانیم.» [۱۱۵] .

سرانجام عملیات ثامن‌الائمه با هدف شکستن محاصره آبادان در تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۶۰ در شرق رودخانه کارون آغاز شد و پس از ۴۸ ساعت نبرد، کلیه مواضع دشمن درهم کوبیده شد و کلیه اهداف عملیات تأمین شد. در کنار سازماندهی جدید، توپخانه به تدریج به کار گرفته شد و پس از عملیات فتح‌المبین عملا توپخانه سپاه شکل گرفت. همچنین سپاه با جذب و به کارگیری نیروهای مردمی، توانست ۱۵ گردان نیرو سازماندهی کرده و وارد عمل نماید. این اقدام به منزله افزایش توان سازماندهی سپاه به میزان ده برابر بود. [۱۱۶] .

اولین نتیجه کلی و برجسته عملیات ثامن‌الائمه عبارت بود از «درهم شکستن استراتژی دشمن در نقطه اصلی آن»؛ [۱۱۷] بدین معنا که دشمن پس از ناکامی اولیه در آغاز جنگ با هدف برخورداری از برگ برنده برای مذکرات صلح، تلاش اصلی خود را روی اشغال خرمشهر و آبادان متمرکز کرد. تداوم مقاومت در خرمشهر به حفظ آبادان منجر شد. در عین حال دشمن در فرصت‌های متعدد درصدد اشغال آبادان برآمد ولی موفق به این کار نشد بنابراین در منطقه‌ای که دشمن براساس استراتژی خود برای اشغال آبادان تلاش می‌کرد، شکستن محاصره آبادان به معنای عقیم گذاشتن برنامه‌های دشمن بود. نتیجه دوم «کسب اعتماد به نفس برای برداشتن گام‌های بلندتر»

[صفحه ۴۹]

بود. در واقع پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه نیروهای انقلابی را برای ادامه جنگ مطمئن کرد و وضعیت روانی مناسبی در جامعه به

وجود آمد و امید و اعتماد برای کسب پیروزی حاصل شد. در نتیجه، این تحول موقعیت و زمینه‌ی لازم را برای طرح‌ریزی «استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی» [۱۱۸] براساس ساختار و ترکیب جدید نیروها و استراتژی و تاکتیک‌های جدید فراهم کرد. [۱۱۹] یکی از کارشناسان نظامی خارجی بر این مسئله تأکید کرد که «این پیروزی این حقیقت را آشکار ساخت که برتری در قدرت زرهی و هوایی می‌تواند بی‌معنا باشد» [۱۲۰] این کارشناس همچنین با اعتراف درباره ماهیت ناشناخته تاکتیک‌های جدید و نحوه کسب پیروزی نظامی ایران می‌نویسد:

«هنوز مشخص نشده است که ایرانیان چگونه به این پیروزی دست یافتند!» [۱۲۱] .

پیروزی‌های حاصله در صحنه سیاسی کشور با انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به ریاست‌جمهوری و گذر از مرحله بحران و بی‌ثباتی، همراه با پیروزی در عملیات ثامن‌الائمه، به دو اقدام اساسی انجامید؛ نخست اینکه سپاه سازمان رزم جدید خود را توسعه داد و دیگر اینکه به موازات گسترش سازمان رزم، اقدامات جدی و اساسی را برای طرح‌ریزی یک سلسله عملیات با هدف آزادسازی کلیه مناطق اشغالی آغاز کرد. [۱۲۲] [۱۲۳] .

سال دوم جنگ را برای سپاه در مقایسه با سال اول - که سال «تولد در

[صفحه ۵۰]

مقاومت» بود - در واقع باید سال «رشد و تثبیت» نامگذاری کرد. [۱۲۴] در این سال تدریجا به ضرورت تشکیل تیپ توجه گردید و سپاه با سازمان تیپ وارد عملیات طریق‌القدس شد.

در این مرحله مجموعا ۱۲ عملیات شامل کربلای ۱ تا ۱۲ طرح‌ریزی شد. [۱۲۵] اهداف استراتژی جدید با ترکیب و هماهنگی سپاه و ارتش عبارت بود از:

۱- انهدام نیرو و امکانات دشمن به منظور تقلیل توان نظامی عراق.

۲- آزادسازی نیروهای خودی که در خطوط پدافندی استقرار داشتند.

۳- کسب آمادگی برای حمله تعیین‌کننده و نهایی به دشمن.

در چارچوب استراتژی جدید و با ترکیب و هماهنگی نیروها و سازماندهی سپاه در شکل تیپ، عملیات طریق‌القدس با هدف قطع ارتباط دشمن از شمال به جنوب با تصرف و تأمین تنگه چزابه و همچنین آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستای دیگر آن، در هشتم آذر ۱۳۶۰ آغاز شد. غافلگیری دشمن نسبت به تاکتیک ویژه عملیات (عبور از زمین‌های رملی)، زمینه‌های انهدام دشمن و کسب پیروزی را فراهم کرد. [۱۲۶] .

برجسته‌ترین ویژگی عملیات طریق‌القدس «نقش بسیار مهم نیروهای مردمی» [۱۲۷] بود و در واقع برای نخستین بار نیروهای مردمی در سطح گسترده‌ای سازماندهی و به کار گرفته شدند [۱۲۸] و مسلما همین حضور مردمی اجرای تاکتیک عبور از منطقه رملی را میسر کرد؛ زیرا بدون خلاقیت و ابتکار عمل و شجاعت نیروهای مردمی و انقلابی اجرای این تاکتیک عملی نبود.

همچنین پیروزی ایران در این عملیات همچون وارد شدن ضربه‌ای قاطع و اساسی بر دشمن بود، چنان که بر اثر این ضربه، دشمن تعادل خود را از

[صفحه ۵۱]

دست داد و هر چه تلاش کرد نتوانست این تعادل را بازیابد. [۱۲۹] .

برخی از تحلیل گران نظامی که روند تحولات جنگ را پیگیری می کردند با مشاهده ابعاد و نتایج عملیات طریق‌القدس، به بازیابی قدرت برنامه‌ریزی عملیات و مهارت‌های فرماندهی و کنترل نظامی ایران که پیش از این کاملاـ از بین رفته بود، توجه و تأکید کردند. [۱۳۰] به کارگیری اصطلاح «تاکتیک‌های موج انسانی» [۱۳۱] برای توضیح تاکتیک جدید ایران و حضور گسترده نیروهای مردمی، پس از این عملیات در رسانه‌های غربی رواج و گسترش یافت، طوری که یکی از فرماندهان نظامی ارتش امریکا با توجه به تغییر استراتژی و تاکتیک‌های ایران نوشت:

«در این عملیات که ایرانی‌ها آن را عملیات طریق‌القدس نامگذاری کردند یک تغییر استراتژیکی عمده به چشم می‌خورد. ایرانی‌ها به استراتژی استفاده از نیروهای پیاده و سرمایه گذاری روحی احساسات آنها، جهت غلبه بر کمبود تجهیزات نظامی روی آورده‌اند.» [۱۳۲] .

عراقی‌ها که پیش از این، پیروزی ایران در عملیات ثامن‌الائمه را با اکراه و تأخیر پذیرفته و اعلام کرده بودند، چنین تصور می کردند که شکست ارتش عراق به دلیل مواضع نامناسب نیروهایشان در شرق رودخانه کارون بوده است، به همین دلیل احتمال تکرار پیروزی ایران در یک منطقه دیگر را بعید می‌پنداشتند. مهم‌تر آنکه اجرای پی‌درپی عملیات‌های پیروز، اصلی‌ترین منشأ نگرانی عراقی‌ها بود، لذا با تهاجم ارتش عراق به تنگه‌ی چزابه از تاریخ ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۰ به مدت ۱۳ روز، عراقی‌ها امیدوار بودند ضمن نمایش قدرت نظامی خود و جبران تأثیرات روحی و روانی ناشی از شکست در دو عملیات پیشین، از اجرای عملیات بعدی ایران ممانعت یا در آن «تأخیر» ایجاد کنند.

درک و تشخیص فرماندهی سپاه از ماهیت تحرکات نظامی عراق در تنگه چزابه، سبب گردید بلافاصله کلیه تلاش‌های ایران در منطقه عمومی غرب رودخانه کرخه با هدف اجرای عملیات فتح‌المبین، متمرکز شود. [۱۳۳] آزادسازی منطقه غرب رودخانه کرخه می توانست ضمن انهدام نیروهای دشمن، شهرهای

[صفحه ۵۲]

شوش، اندیمشک، دزفول و پایگاه چهارم شکاری را از برد آتش توپخانه دشمن خارج سازد. علاوه بر این با موفقیت در این عملیات، مناطق و تأسیسات مهم منطقه شامل سایت و رادار، جاده اندیمشک - اهواز و چاه‌های نفتی ابوغریب از برد توپخانه و یا اشغال نیروهای دشمن خارج می‌شد.

متعاقب تلاش‌هایی که در زمینه طرح‌ریزی، مهندسی و پشتیبانی انجام گرفت، سرانجام در تاریخ ۲ / ۱ / ۱۳۶۱، عملیات فتح‌المبین آغاز شد و طی یک هفته کلیه مواضع دشمن منهدم و منطقه به طور کامل پاک سازی شد. اسارت ۱۷۰۰۰ تن از نیروهای دشمن نشان‌دهنده میزان موفقیت عملیات و مهم‌تر از آن، فروپاشی اردوگاه دشمن بود. در این عملیات غنائم بسیاری از جمله ۱۶۵ قبضه توپ و ۳۲۰ دستگاه تانک و نفربر دشمن به دست رزمندگان افتاد و مقدار زیادی از تجهیزات عراقی نیز منهدم گردید.

عملیات فتح‌المبین به لحاظ وسعت، میزان نیروهای شرکت‌کننده و سرعت عمل نیروها در تأمین اهداف و نتایج و دستاوردها بسیار برجسته و چشمگیر بود. برخی از کارشناسان از این عملیات به عنوان پیچیده‌ترین تلاش ایران در جنگ تا آن زمان [۱۳۴] که «خفت‌بارترین شکست را از آغاز جنگ تاکنون نصیب عراق کرده است» [۱۳۵] یاد کردند.

مهم‌ترین ویژگی و نتیجه کلی عملیات در دو زمینه قابل مشاهده است، نخست اینکه عملیات فتح‌المبین نمایش جنگ فراگیر مردمی بود. [۱۳۶] بدین معنا که در سازمان رزم سپاه با تشکیل تیپ و قرارگاه تحول جدی ایجاد شد. [۱۳۷] همین مسئله علاوه بر فراهم

نمودن زمینه‌ی افزایش جذب و به کارگیری نیروهای مردمی و برتری قوای ایران بر عراق، امکان فرماندهی و کنترل و هدایت را به نحوی مناسب فراهم ساخت.

تحمیل وضعیت جدید به دشمن، دومین نتیجه مهم در این عملیات بود. تاکتیک ویژه عملیات فتح‌المبین در طرح مانور عملیات با توجه به زمین منطقه و آرایش دشمن، در نظر گرفته شد. آرایش قوای دشمن بر «تنگه رقابیه»، «تپه‌های عین خوش»، و «ارتفاع برغازه» متکی بود و نزدیکی به این

[صفحه ۵۳]

نقاط می‌توانست تمام جبهه دشمن را متزلزل کند. به همین دلیل با پیشروی نیروها در محور قرارگاه قدس و تصرف عین خوش، تعادل دشمن به هم خورد و با پیشروی در محور قرارگاه فتح و تصرف تنگه رقابیه تیر خلاص به دشمن شلیک شد. در نتیجه، با پیروزی در عملیات فتح‌المبین، ذهنیت و باورهای دشمن از توانایی‌هایش، درهم شکسته شد. [۱۳۸] اگر تا پیش از این دشمن تصور می‌کرد با تکیه بر نیروهایش قادر به حفظ مواضع اشغالی خواهد بود، با شکست در عملیات فتح‌المبین، این باور درهم شکست و اندیشه عقب‌نشینی از همین زمان در ذهن دشمن شکل گرفت.

گسترش پیروزی‌های ایران و تزلزل در وضعیت نظامی دشمن، حامیان منطقه‌ای و جهانی عراق را مضطرب و نگران کرد. برخی از سران کشورهای عربی فشارهای بسیاری به امریکا وارد کردند تا به حمایت از عراق اقدام نماید. یکی از مقامات وزارت دفاع امریکا طی سخنانی صریحا اظهار کرد: «کمک به عراق، برای واشنگتن در جهان عرب منافع زیادی به همراه خواهد داشت.» [۱۳۹] رادیو اسرائیل به منظور پافشاری بر ضرورت تغییر موضع امریکا برای جانبداری از عراق، بهبود موقعیت ایران برای «صدور انقلاب» را تأکید کرد. [۱۴۰].

در پی تحولات جدید، دولت امریکا با اعزام واینبرگر وزیر دفاع خود به منطقه و مذاکره با سران کشورهای عرب، تصمیم به افزایش فروش تسلیحات به کشورهای منطقه گرفت. امریکایی‌ها که تا پیش از این به طور سنتی تهدید شوروی را خطر اصلی برای منافع خود ارزیابی می‌کردند، ایران را به عنوان یک تهدید منطقه‌ای جایگزین آن کردند. این تغییر فراتر از تأثیرات کوتاه مدت آن، به عنوان یک استراتژی جدید، آثار و نتایج بلند مدتی را بر جای نهاد که پس از فتح خرمشهر به صورت تدریجی نمایان شد.

طرح‌ریزی و اجرای عملیات بیت‌المقدس در فضایی کاملا متفاوت با عملیات‌های پیشین انجام گرفت. نخست آنکه دشمن درباره منطقه عملیات هوشیار بود زیرا تنها منطقه‌ای که در جنوب همچنان در اشغال دشمن قرار داشت، منطقه غرب رودخانه کارون بود و طبیعی به نظر می‌رسید که قوای

[صفحه ۵۴]

نظامی ایران این منطقه را برای عملیات انتخاب کنند. بنابراین امکان غافلگیری دشمن درباره مکان عملیات وجود نداشت.

عملیات بیت‌المقدس [۱۴۱] در موقعیتی کاملا حساس طرح‌ریزی شد. [۱۴۲] تدبیر فرماندهان سپاه این بود که تلاش اصلی عملیات باید در عبور از رودخانه کارون و تصرف سرپلی بزرگ متمرکز شود. حال آنکه فرماندهان ارتش براساس تفکر کلاسیک، همانند عملیات قبلی (هویزه در ۱۵ / ۱۰ / ۵۹) در این منطقه، بر این نظر بودند که تلاش اصلی باید با اتکا به جاده اهواز - خرمشهر انجام شود. [۱۴۳] متعاقب بحث‌ها و بررسی‌های طولانی، سرانجام براساس نظر سپاه عملیات در ساعت ۳ بامداد دهم اردیبهشت ۱۳۶۱

آغاز و در چهار مرحله اجرا شد و به پیروزی رسید. در این عملیات ۱۹۰۰۰ تن از نیروهای دشمن به اسارت قوای ایران درآمدند. [۱۴۴] .

فتح خرمشهر صرف‌نظر از بازتاب و نتایج سیاسی آن، از بعد نظامی بسیار حائز اهمیت بود. عوامل مؤثر در پیروزی ایران علاوه بر استراتژی برتر، اجرای تاکتیک ویژه‌ی عملیات عبور از رودخانه کارون و افزایش توان رزمی سپاه بود. در این عملیات سپاه ۱۰۰ تا ۱۲۰ گردان نیرو در قالب تیپ (ولی با استعداد لشکر) وارد عملیات کرد که در مقایسه با عملیات ثامن‌الائمه، تنها در فاصله‌ی ۹ ماه، توان رزمی سپاه نزدیک به ۱۰ برابر رشد و افزایش را نشان می‌دهد. در واقع گرچه سپاه به عنوان یک نهاد انقلابی به تناسب ضرورت‌های انقلاب متولد شد ولی «در خوزستان و در لابلای حوادث جنگ تحمیلی به رشد و بالندگی رسید» [۱۴۵] و موقعیت آن تثبیت شد. [۱۴۶] .

خرمشهر در روند تحولات جنگ تحمیلی به عنوان نماد و مظهر «مقاومت

[صفحه ۵۵]

سرسختانه ایران و پیروزی بر عراق «به شمار می‌رفت. [۱۴۷] به همین دلیل عملیات بیت‌المقدس و نتایج آن می‌توانست سرنوشت جنگ و موقعیت سیاسی رژیم عراق را مشخص نماید. مواضع و استحکامات عراق در خرمشهر و آمادگی برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام، این امیدواری را برای حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق به وجود آورده بود که عراق با حفظ خرمشهر و با ایجاد تأخیر در آزادسازی آن، ضمن فرسایش توان نظامی ایران، فرصت لازم را برای آمادگی ارتش عراق جهت مقابله با وضعیت جدید فراهم خواهد ساخت.

سرعت عمل قوای نظامی ایران با اتکا به تاکتیک ویژه‌ی عملیات عبور از رودخانه کارون و سقوط مواضع عراق و آزادسازی زودهنگام خرمشهر، نه تنها تمامی امیدهای حامیان عراق را بر باد داد، بلکه دامنه نگرانی و اضطراب آنها را درباره سرنوشت سیاسی رژیم صدام و آینده منطقه گسترش داد. روزنامه آلمانی دویچه سایتونگ طی تحلیلی در این باره نوشت:

«خطر پیروزی ایران و در نتیجه درهم ریختن عراق، نظام‌های حاکم منطقه را پس از سقوط رژیم بعثی بغداد، تهدید می‌کند و احتمال مداخله ابرقدرت‌ها را نیز به دنبال دارد.» [۱۴۸] .

از نظر نظامی اجرای چهار عملیات پیروز طی ۸ ماه نشان‌دهنده تجدید قوای نظامی ایران بود. متقابلاً ناتوانی عراق برای دفاع از مواضع و استحکامات خود، به منزله از میان رفتن توان نظامی این کشور و در نتیجه سقوط احتمالی رژیم عراق ارزیابی می‌شد.

از بعد سیاسی، در واقع عراق با از دست دادن خرمشهر تکیه‌گاهش را برای مذاکره از دست داد. [۱۴۹] به عبارت دیگر، خرمشهر برای عراق «برگ برنده‌ای» [۱۵۰] محسوب می‌شد که با آزادسازی آن به دست رزمندگان اسلام و «عقب‌نشینی تحقیرآمیز» [۱۵۱] و مفتضحانه ارتش دشمن، رژیم عراق به نقطه پایان نزدیک می‌شد.

روزنامه لوموند با توجه به روند تحولات جنگ که به بن‌بست رسیده بود و بی‌ثباتی داخل کشور با فرار بنی‌صدر به پاریس، موقعیت جدید ایران و این

[صفحه ۵۶]

پیروزی‌ها را از زاویه دیگری بررسی کرد و نوشت:

«جنگ به رژیم ایران اجازه داد که ضمن برقراری مجدد اتحاد مقدس، به پاسداران، بازوی نیرومند انقلاب اسلامی و عمده‌ترین نیروهای نظامی کشور، اهمیت خاصی داده شود و جناح‌های مختلف «لیبرال» و «چپی» تصفیه شوند و این خود نشانه‌ی یکی از عمده‌ترین پیروزی‌های جمهوری اسلامی ایران در مقابل رژیم بعثی بغداد بود.» [۱۵۲] .

در واقع تثبیت اوضاع داخلی و مهار بحران و بی‌ثباتی سیاسی، منشأ دستیابی به پیروزی نظامی بود و متقابلا ـ این پیروزی‌ها روند تثبیت اوضاع داخلی را تسریع کرد. کمیته روابط خارجی سنای امریکا نیز طی گزارشی پیروزی‌های ایران را نتیجه‌ی تجدید قوای نیروهای مسلح ایران، نیروی انسانی بیشتر ایران و هماهنگی بهتر بین ارتش منظم و پاسداران انقلابی ارزیابی می‌کند. [۱۵۳] .

پیدایش وضعیت جدید در صحنه سیاسی - نظامی جنگ و تحولات احتمالی در منطقه، امریکا را به شدت نگران کرد. با فتح خرمشهر در واقع امریکا دچار همان مخاطراتی شد که با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط شاه با آن روبه‌رو گردید، با این تفاوت که با بی‌ثباتی داخل ایران و شروع جنگ، امریکا امیدوار بود انقلاب در درون کشور مضمحل یا تعدیل شود، ولی پیروزی‌های پی‌درپی ایران و سرانجام فتح خرمشهر و احتمال سقوط رژیم عراق، دامنه نگرانی امریکا را در سطح منطقه گسترش داد. زیرا این تحول اساسی و چشمگیر به منزله تهدید منافع امریکا در منطقه ارزیابی شد. [۱۵۴] به همین دلیل واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا اعلام کرد پیروزی‌های ایران به نفع امریکا نخواهد بود. [۱۵۵] .

هیگ وزیر خارجه وقت امریکا نیز اعلام کرد که امریکا در برابر هرگونه تغییر اساسی در منطقه‌ی خلیج فارس که ناشی از جنگ ایران و عراق باشد، بی‌تفاوت نخواهد بود. [۱۵۶] کیسینجر وزیر خارجه اسبق امریکا طی تحلیلی چالش‌های موجود در منطقه را به چهار دسته تقسیم کرد: «رادیکالیسم

[صفحه ۵۷]

شیعه، نهادگرایی اسلامی، انقلاب ایران و امپریالیسم شوروی.» [۱۵۷] وی در عین حال به ضرورت «توازن قوا در منطقه» تأکید کرد. بازنگری استراتژی منطقه‌ای امریکا در خلیج فارس که با آشکار شدن برتری نظامی ایران بر عراق پس از عملیات فتح‌المبین آغاز شده بود، امریکا را ناچار به اتخاذ سه ابتکار دیپلماتیک کرد. هیگ وزیر خارجه امریکا در این باره گفت:

«اگر بخواهیم به یک نظم مسالمت‌آمیز بین‌المللی امیدی داشته باشیم، باید وقایع خاورمیانه را شکل دهیم و اکنون لحظه ورود امریکا به منطقه است. امریکا برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، فعال کرن مذاکرات خودمختاری فلسطین و رفع تهدید از آغاز جنگ اقدام خواهد کرد. این ابتکارها به یکدیگر مربوط و با کشورهای دیگر نیز هماهنگ خواهد بود.» [۱۵۸] .

وی همچنین یادآور شد:

«بیم آن می‌رود که درگیری ایران و عراق به کشورهای همسایه گسترش پیدا کرده موجب تغییرات گسترده و غیرقابل پیش‌بینی در توازن نیروهای منطقه بشود.» [۱۵۹] .

بدین ترتیب امریکایی‌ها به دلیل نگرانی از سقوط رژیم عراق که حاصل اخطار آژانس‌های متعدد جاسوسی این کشور بود، کمک‌های حیاتی به بغداد را آغاز کردند. [۱۶۰] امریکا برای رفع محدودیت‌های موجود [۱۶۱] نام عراق را از لیست کشورهای به اصطلاح تروریست خارج کرد و محدودیت فروش تسلیحات به عراق لغو شد و برای برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور توافقاتی به عمل آمد. مصر و کشورهای شورای همکاری [۱۶۲] برای کمک به عراق ترغیب و تشویق شدند. کمک‌های اطلاعاتی و حمایت‌های سیاسی و تبلیغاتی امریکا از

[صفحه ۵۸]

عراق به نحو چشمگیری افزایش یافت. [۱۶۳] مشاور کمیته روابط خارجی سنای امریکا در توضیح فروش تسلیحات امریکا به عراق در همان زمان گفت:

«این عمل امریکایی‌ها به منظور تنبیه ایران و باز کردن راهی برای خروج عراق از بن‌بست موجود می‌باشد و ایران در جنگ با عراق از برتری محسوسی برخوردار است و این واقعه‌ی ناخوشایندی برای امریکاست.» [۱۶۴] .

امریکایی‌ها به منظور فراهم‌سازی زمینه‌های حمایت سیاسی و تبلیغاتی از عراق، این کشور را متقاعد کردند آمادگی خود را برای عقب‌نشینی از خاک ایران اعلام نماید. رژیم بعثی و صدام که پیش از این به لحاظ سیاسی و نظامی در موقعیت برتری قرار داشتند و از تجزیه ایران سخن می‌گفتند با پیدایش وضعیت جدید در جنگ و اوضاع جنوب، آمادگی خود را برای برقراری آتش‌بس اعلام کردند. [۱۶۵] .

در اجلاس چهار روزه‌ی کنگره‌ی حزب بعث عراق، صدام با پذیرش مسئولیت شکست استعفا داد [۱۶۶] ولی مجددا به اتفاق آرا به مقام دبیرکل حزب بعث انتخاب شد. [۱۶۷] .

صدام در موقعیت جدید تغییرات نسبتا گسترده‌ای را به وجود آورد؛ بدین شکل که اعضای شورای فرماندهی انقلاب را از ۱۷ تن به ۱۰ تن کاهش داد و در کابینه عراق ۸ تن از وزیران (از جمله وزیر نفت) سمت‌های خود را از دست دادند و ۱۰ وزیر جدید وارد کابینه عراق شدند. [۱۶۸] بسیاری از تحلیل‌گران تحولات داخلی عراق را نتیجه شکست‌های اخیر [۱۶۹] این کشور و با هدف از میان بردن «هر گونه انتقاد در سطح بالا» [۱۷۰] و فراهم‌سازی تحکیم موقعیت صدام [۱۷۱] ارزیابی کردند.

امریکایی‌ها برای مهار نتایج ناشی از پیروزی‌های ایران علاوه بر اقدامات مذکور، سعی داشتند به هر نحو ممکن از ارائه امتیاز به ایران جلوگیری کنند.

[صفحه ۵۹]

تا جمهوری اسلامی به عنوان یک قدرت منطقه‌ای ظاهر نشود. در جهت این سیاست، سازمان ملل نیز با وجود برتری جمهوری اسلامی، شرایط ایران مبنی بر محکومیت متجاوز و پرداخت غرامت به ایران را نپذیرفت و همچنان بر تقدم آتش‌بس به هر اقدام دیگری تأکید کرد. ایران در وضعیت جدید و با توجه به موقعیت برتر سیاسی و نظامی سه راه‌حل فراروی خود داشت:

۱- آغاز مذاکره سیاسی با رژیم عراق و قدرت‌های حامی وی که لازمه آن دادن امتیاز به ایران بود ولی سازمان ملل و قدرت‌های حاکم بر شورای امنیت، این اقدام را به منزله به رسمیت شناختن قدرت انقلاب ایران در منطقه خلیج فارس می‌دانستند، لذا با بی‌توجهی به درخواست‌های برحق ایران، عملا- درهای مذاکره را مسدود کردند زیرا تمام رژیم‌های ذی‌نفع در جنگ بر «ندادن امتیاز به ایران» به منظور جلوگیری از برتری این کشور، توافق داشتند.

۲- ترک مخاصمه بدون اتمام جنگ راه‌حل دیگری بود که فراروی ایران قرار داشت. در این صورت قوای نظامی ایران می‌بایست در حالت نه جنگ و نه صلح در مرزها مستقر باشند و این امر جز فرسایش قوای سیاسی و نظامی ایران نتیجه‌ای نداشت. روزنامه گاردین درباره‌ی این راه‌حل نوشت:

«توقف ایران در داخل خاک خود به گفته تحلیل‌گران نمی‌تواند ضامن آن باشد که صدام حسین به دادن امتیاز بیشتری تن در دهد. ضمن اینکه نباید این احتمال را از نظر دور داشت که نیروهای عراقی پس از گذراندن یک دوره استراحت و بازسازی به

تهاجم مجدد اقدام نکنند.» [۱۷۲] .

۳- صلح شرافتمندانه و تضمین شده تنها راه‌حلی بود که در برابر ایران قرار داشت. [۱۷۳] «شرافتمندانه» به این معنا که حقوق ایران تأمین می‌شد و «تضمین شده» به معنای جلوگیری از جنگ مجدد بود. این راه‌حل با توجه به سیاست قدرت‌ها در جلوگیری از ارائه هرگونه امتیاز به ایران، سرآغاز دوره جدیدی از جنگ بود [۱۷۴] که به تصمیم‌گیری نیاز داشت. لذا جلسه شورای عالی دفاع در حضور امام خمینی برگزار شد و سرانجام مسئولان سیاسی و نظامی کشور راه‌حل سوم را هرچند با تأخیر برگزیدند.

[صفحه ۶۰]

از بعد سیاسی در حالی که جمهوری اسلامی در موقعیت برتر قرار داشت و از ارائه هرگونه امتیاز مناسب به ایران از جمله محکوم کردن متجاوز خودداری می‌شد، آیا ایران راه‌حل دیگری جز آنچه برگزید، می‌توانست انتخاب کند؟ از نظر نظامی نیز نظامیان به عنوان متولیان اصلی صحنه جنگ بر این اعتقاد بودند که به لحاظ نظامی امکان پدافند با توقف روی خط مرزی وجود ندارد زیرا در اغلب نقاط خط مرزی هیچ گونه مانع طبیعی وجود نداشت. ضمن اینکه ایجاد استحکامات نیز یک سال به طول می‌انجامید و طی این مدت احتمال تجدید قوای دشمن و حمله مجدد وجود داشت. مهم‌تر از همه اینکه با تکیه بر اصل «تعقیب دشمن»، هرگونه توقف پس از فتح خرمشهر یک حرکت غیراصولی بود. امام خمینی پس از تردید [مخالفت] اولیه درباره تداوم جنگ در خاک عراق، [۱۷۵] با استماع دلایل نظامیان، به ادامه‌ی جنگ متقاعد شدند و حمایت‌های لازم را به عمل آوردند. [۱۷۶] .

موقعیت برتر نظامی ایران و پیروزی‌های پی‌درپی، در ایجاد اعتماد لازم برای پیروزی بر عراق و تصمیم‌گیری برای تداوم جنگ در داخل خاک عراق تأثیر اساسی داشت. ورود به داخل خاک عراق از نظر نظامی نیز اجتناب‌ناپذیر بود و با هدف تأمین ساحل شرقی رودخانه اروند انجام گرفت. [۱۷۷] این اقدام حاصل نگرانی و در عین حال بی‌اعتمادی به سیاست‌های امریکا و مجامع بین‌المللی بود. تنها راه‌حل این بود که قوای نظامی ایران با تکیه بر عوارض طبیعی و تهدید شهر بصره و در تیررس قرار دادن منطقه عظیم نفتی رمیله و صفوان، عراق را وادار به تأمین خواسته‌های ایران کنند. [۱۷۸] بدین ترتیب در مرحله جدید جنگ، عملیات رمضان در چارچوب تجربیات و تاکتیک‌های

[صفحه ۶۱]

پیشین طرح‌ریزی و در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۶۱ به اجرا گذاشته شد. در این مرحله تغییرات بسیاری در زمین منطقه و نحوه آرایش دشمن به وجود آمده بود. متقابلا عدم آمادگی نیروهای خودی برای مواجهه با وضعیت جدید، سبب گردید نیروها با وجود موفقیت در شکستن مواضع و استحکامات دشمن، سرانجام به مواضع خود مراجعت نمایند. [۱۷۹] .

نتیجه عملیات رمضان نشان داد که هیچ گونه آمادگی لازم در داخل عراق برای برپایی یک نهضت انقلابی به حمایت از انقلاب اسلامی ایران و مبارزه با رژیم بعثی عراق وجود ندارد. [۱۸۰] و از نظر نظامی نیز وضعیت جدیدی فراروی ایران قرار دارد که دورنمای آن روشن نیست.

سال دوم جنگ در وضعیتی پایان یافت که بیشتر مناطق اشغالی از لوث وجود متجاوزان پاک شده بود و ایران به منظور تأمین «صلح شرافتمندانه و تضمین شده» عملیات رمضان را طرح‌ریزی و اجرا کرد. مهم‌ترین سؤالی که در این مرحله وجود داشت این بود که:

«چه علل یا عواملی مانع از تبدیل پیروزی ایران در خرمشهر به یک پیروزی استراتژیک برای پایان بخشیدن به جنگ شد؟»

[صفحه ۶۸]

بن بست و توقف

جنگ در سال سوم

شهریور ۱۳۶۱ تا شهریور ۱۳۶۲

روند تحولات جنگ در سال سوم براساس دو شاخص آغاز شد. نخست آنکه پیروزی‌های پی‌درپی ایران با آزادسازی مناطق اشغالی [۱۸۱] به منزله ظهور قدرت نظامی جدیدی در ایران انقلابی با محوریت سپاه در منطقه و سقوط احتمالی رژیم عراق ارزیابی شد. تهدیدات ناشی از این تحولات برای منافع امریکا و غرب، زنگ خطر را به صدا درآورد و کلیه منابع و امکانات سیاسی و تبلیغاتی غرب برای مقابله با پیدایش وضعیت جدید در منطقه و مقابله با تغییر توازن به سود ایران، بسیج شد. امتناع از ارائه امتیاز و به رسمیت شناختن حقوق جمهوری اسلامی و خودداری از معرفی عراق به عنوان متجاوز [۱۸۲] و نپذیرفتن پرداخت غرامت به ایران، بخشی از روش‌های مقابله با موقعیت برتر ایران بود و همین مسئله عملا مانع از خاتمه‌ی جنگ شد.

شاخص دوم در واقع درک ایران از موقعیت نظامی خود و اوضاع بین‌المللی برای نادیده انگاشتن آن بود. به عبارت دیگر، امکان دستیابی به پیروزی سریع و زودهنگام بر عراق سهل و آسان پنداشته می‌شد. لذا با تکیه بر همان تاکتیک‌های پیشین [۱۸۳] عملیات رمضان آغاز گردید.

عراق در مرحله جدید جنگ و پس از شکست‌های پی‌درپی، در برابر وضعیتی

[صفحه ۶۹]

دشوار قرار داشت. در واقع سرنوشت عملیات رمضان با سرنوشت رژیم حاکم بر بغداد گره خورده بود. برای همین، مقابله با تهاجم ایران می‌توانست تزلزل روحی - روانی موجود در ارتش عراق و موقعیت سیاسی صدام را برطرف سازد و مجددا اعتماد به نفس را به ارتش عراق و حامیان منطقه‌ای عراق بازگرداند.

در این حال عراق با استفاده از فرصت کوتاهی که ذهنیت و تلاش مسئولان جمهوری اسلامی به تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان معطوف شده بود، موانع و استحکامات بسیاری [۱۸۴] که با گذشته تفاوت آشکار داشت - در منطقه شرق بصره ایجاد کرد. [۱۸۵] .

با تغییر زمین منطقه نبرد و آرایش و استحکامات جدید دشمن و آمادگی دفاعی نسبتا مطلوب ارتش عراق، نیروهای ایران در عملیات رمضان با وجود درهم شکستن خطوط دفاعی عراق به دلیل نداشتن امکانات مناسب مهندسی و زرهی برای تثبیت مواضع جدید، سرانجام به مواضع قبلی خود بازگشتند. گرچه در این عملیات تلفات بسیاری به دشمن وارد شد ولی ابتکار عمل در اختیار قوای نظامی ایران نبود. [۱۸۶] .

عملیات رمضان پیامدهای استراتژیک برای طرفین درگیر در جنگ داشت و روند جنگ در سال سوم و سال‌های بعد را شکل داد. عراق در این عملیات برتری زرهی و استحکاماتش را به نمایش گذاشت و همین مسئله مهم‌ترین عامل موفقیت دفاعی عراق در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ بود. [۱۸۷] حال آنکه قدرت زرهی ایران که برای آخرین بار در عملیات هویزه به فرماندهی بنی‌صدر به نمایش گذاشته شده بود، به دلیل نتایج نامناسب عملیات و از دست دادن امکانات زرهی و جایگزین نشدن آن و مهم‌تر از آن با

تغییر تاکتیک‌های رزمی در مرحله آزادسازی مناطق اشغالی، هرگز بازسازی و احیا نشد و یگان‌های زرهی تنها نقش پشتیبانی و اجرای آتش داشتند که این

[صفحه ۷۰]

وضعیت تا پایان جنگ ادامه یافت. [۱۸۸] .

بنابراین با اجرای عملیات رمضان کاستی‌های موجود در قدرت زرهی، مهندسی و توپخانه ایران نمایان شد و همچنین این تصور به وجود آمد که سازمان رزم ایران از نظر حجم و شکل سازماندهی دچار کاستی است و برای دستیابی به پیروزی نیاز به بازسازی و گسترش دارد. [۱۸۹] این برداشت به اقداماتی انجامید که در آستانه عملیات والفجر مقدماتی نتایج آن با «تغییر در سازمان رزم سپاه و گسترش آن» آشکار شد. [۱۹۰] .

جمهوری اسلامی پس از عملیات رمضان در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفت. بدین معنا که پس از فتح خرمشهر با راه‌حل سیاسی و مذاکره قادر به تأمین خواسته‌های برحق خود نبود و با عملیات رمضان نیز نتوانست در تداوم پیروزی‌های مرحله پیشین و تبدیل آن به یک پیروزی استراتژیک، جنگ را با پیروزی نظامی و قاطعانه در کنار شهر بصره خاتمه دهد. [۱۹۱] .

پیدایش وضعیت جدید برای ایران، تا اندازه‌ای نتیجه نادیده انگاشتن تغییر اوضاع جنگ و اقتضائات گذر از مرحله پیشین به مرحله جدید و همچنین خوش‌بینی درباره آسیب‌پذیری عراق بود. [۱۹۲] بنابر واقعیت‌های موجود، ایران برای ادامه جنگ ناگزیر از ورود به داخل خاک عراق بود ولی آنچه که اوضاع را به زیان ایران تغییر داد، تأخیر در تصمیم‌گیری و فراهم نکردن شرایط و امکانات لازم در مرحله جدید برای تداوم جنگ در خاک عراق بود. دشمن از نظر تاکتیکی و عملیاتی، دشمن پیشین نبود و ضرورت داشت که تاکتیک‌های جدیدی اتخاذ شود ولی این ضرورت با تأخیر درک شد. [۱۹۳] .

همچنین به نظر می‌رسد با وجود اجماع نظر مسئولان سیاسی و نظامی برای ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، درباره چگونگی این حرکت و مراحل بعدی و همچنین خاتمه‌ی آن، نظریات به صورت یکسان، هماهنگ، شفاف و روشن نبوده است و به دلیل وضعیت خاصی که برای تصمیم‌گیری وجود داشته، فرصت لازم برای بحث و بررسی در این زمینه فراهم نشده است.

صرف‌نظر از احتمال مذکور، پس از عملیات رمضان به تدریج این مسئله

[صفحه ۷۱]

روشن شد که استراتژی جمهوری اسلامی دستیابی به صلح با کسب یک پیروزی می‌باشد. [۱۹۴] بدین شکل که ایران با یک عملیات پیروز، دشمن را در وضعیتی قرار دهد که سرانجام جز ارائه امتیاز به ایران و پایان دادن به جنگ راه‌حل دیگری نداشته باشد. این تفکر تدریجا بر جنگ سایه افکند و تا پایان جنگ همچنان حاکم بود.

برخلاف ایران که با عملیات رمضان و به‌طور مشخص پس از عملیات رمضان برای دستیابی به صلح و با تمایل به اتمام سریع جنگ، می‌جنگید و بازسازی مناطق و شهرهای مرزی را نیز براساس همین تدبیر آغاز کرده بود، عراق با اندیشه جنگ طولانی، اقدامات نسبتا گسترده و اساسی را آغاز کرد. نخست آنکه سازمان ارتش عراق را بازسازی و به تشکیل تیپ‌های سه رقمی [۱۹۵] اقدام کرد و برای مقابله با تاکتیک‌های ایران آرایش دفاعی خود را تغییر داد و مواضع و استحکامات جدیدی ایجاد کرد. [۱۹۶] .

همان طور که اشاره شد امریکایی‌ها عمیقا از روند پیروزی‌های رو به گسترش ایران و تداوم جنگ در خاک عراق و سقوط

احتمالی صدام نگران بودند. سولیوان سفیر سابق امریکا در ایران طی تحلیلی حتی پیش‌بینی کرد صدام تا سال ۱۹۸۳ سقوط خواهد کرد. سفیر وقت امریکا در عربستان (ریچارد مورفی) در توضیح علل نگرانی امریکا، تأکید کرد که: «ما نگران گسترش شیعه‌گرایی تندرو بودیم.» [۱۹۷] .

امریکا برای مقابله با تأثیرات احتمالی ناشی از پیروزی ایران، تمهیدات جدیدی اتخاذ کرد. گرچه نتایج عملیات رمضان به منزله بازیابی توانایی دفاعی عراق برای مقابله با تهاجمات ایران ارزیابی شد و به اطمینان خاطر امریکا منجر گردید و همین موضوع سبب شد جنگ ایران و عراق، به عنوان

[صفحه ۷۲]

اولویت‌های اول سیاست خارجی، از دستور کار ریگان خارج شود. [۱۹۸] و لیکن تداوم جنگ به عنوان یک واقعیت و ضرورت کنترل و مهار آن، سیاست منطقه‌ای امریکا را شکل داد. استراتژی جدید آمریکا درباره جنگ ایران و عراق بر این پایه قرار داشت که «جنگ را در یک محدوده معین نگه دارد. [۱۹۹] و ضمن ممانعت از پیروزی ایران، حمایت‌های لازم را از عراق به عمل آورد. امریکایی‌ها برای توجیه این سیاست، بر این موضوع تأکید می‌کردند که «سیاست نه شکست نه پیروزی» را دنبال می‌کنند. امریکا برای تحقق این استراتژی از کشورهای عرب متحد خود درخواست کرد به عراق کمک مالی کنند. کشورهای صنعتی متحد امریکا نیز ترغیب شدند که سلاح‌های بیشتری در اختیار عراق قرار دهند. ریگان طرحی نیز آماده کرد تا در صورت سقوط رژیم عراق، امریکا با مداخله سریع، اوضاع را کنترل نماید. از طرف دیگر، امریکایی‌ها تنها به دلیل اهمیت و حساسیت مسئله اسرائیل، بیشترین تلاش و توجه خود را روی حل بحران جنوب لبنان و جلوگیری از تأثیرگذاری ایران بر حوادث لبنان متمرکز ساختند.

سیاست جانبدارانه امریکا از عراق - که مشاور امنیت ملی ریگان رسما آن را در تاریخ ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۱ تأیید کرد [۲۰۰] سبب گردید پس از حذف نام عراق از فهرست کشورهای به اصطلاح تروریست، وزارت خارجه امریکا طرحی را برای کمک به عراق (از جمله صدور غله به این کشور) تهیه نماید. بر همین اساس در آذر ۱۳۶۱ بنگاه اعتبار کالا (شاخه‌ای از وزارت کشاورزی امریکا) اعتباری ۳۰۰ میلیون دلاری برای خرید برنج و گندم در اختیار دولت عراق قرار داد. دولت امریکا تضمین داد اگر عراق تا سه سال آینده پول غله را نپرداخت، راسا صورت‌حساب طلبکارهای عراق را خواهد پرداخت. این اعتبار در مرحله بعد به یک میلیارد دلار افزایش یافت. [۲۰۱] امریکایی‌ها با این اقدام مرحله جدیدی از کمک به عراق را آغاز کردند که به تدریج به همکاری در زمینه‌های اقتصادی،

[صفحه ۷۳]

اطلاعاتی و حمایت‌های سیاسی - تبلیغاتی و نظامی منجر شد.

در مرحله جدید جنگ، شوروی که ظاهرا پس از تهاجم عراق به ایران ارسال سلاح به عراق را قطع کرده بود، با بهبود مناسبات، مجددا ارسال سلاح به عراق را از سر گرفت. در نوامبر ۱۹۸۲ تعداد ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ مستشار نظامی شوروی به عراق مراجعت کردند و ۴۰۰ تانک تی - ۵۵ و ۲۵۰ تانک تی - ۷۲ به عراق تحویل شد و تعداد زیادی موشک و تعدادی جنگنده‌های میگ ۲۵ شناسایی و هلی‌کوپترهای توپدار به عراق ارسال گردید. [۲۰۲] ارسال تانک‌های تی - ۷۲ به عراق توان دفاعی عراق را برای مقابله با تهاجمات ایران به نحوی مؤثر تقویت کرد طوری که برخی از ناظران، تجهیزات ارسالی به عراق را صرف‌نظر از ابعاد سیاسی آن، به

لحاظ نظامی دارای «اهمیت استراتژیکی» ذکر کردند. [۲۰۳].

فرانسوی‌ها که از سال‌ها قبل بخشی از نیامندی‌های عراق را تأمین می‌کردند، تلاش بسیاری برای تقویت قدرت تهاجمی هوایی و واحدهای ضدهوایی عراق انجام دادند. بنابر برخی گزارش‌ها فرانسه نخستین جنگنده بمب‌افکن «میراژ» را بلافاصله پس از آزادی گروگان‌های امریکایی از ایران (در بهمن ۱۳۵۹) به عراق تحویل داد. دقیقا ۱۰ روز پس از آنکه گروگان‌های امریکایی ایران را ترک کردند (بهمن ۱۳۵۹) چهار میراژ فرانسوی با هدایت خلبانان نیروی هوایی فرانسه وارد قبرس شد که خلبانان عراقی آنها را به عراق منتقل کردند. [۲۰۴] پس از آن هم به تدریج میراژهای فرانسوی در پی سفارش عراق به این کشور تحویل شد. علاوه بر این، فرانسوی‌ها با تحویل موشک‌اندازهای «رولاند» شبکه دفاع هوایی عراق را تقویت کردند. همچنین ۱۳ دستگاه موشک‌انداز متحرک، علاوه بر سکوهای ثابت به عراق تحویل شد. [۲۰۵].

بازسازی راکتور هسته‌ای ازیراک - که در سال ۱۹۸۱ به دست اسرائیلی‌ها منهدم شده بود - از جمله کمک‌هایی بود که کلودشسون وزیر خارجه وقت فرانسه در دیدار ژانویه ۱۹۸۳ با طارق عزیز قول آن را داد.

احداث شبکه پناهگاه‌های پرهزینه زیرزمینی، بخش دیگری از تلاش‌های

[صفحه ۷۴]

عراق بود که در ژوئن ۱۹۸۲ با تصمیم صدام و مشارکت مهندسان انگلیسی آغاز شد. کالین گرافت رئیس فدراسیون مشاوران و مقاطعه‌کاران پناهگاه‌های هسته‌ای انگلیس می‌گوید: «شرکت‌های انگلیسی طرح‌هایی ارائه کردند که به موجب آن برای ۴۸۰۰۰ سرباز پناهگاه امن ساخته شد. هر پناهگاه تونلی پولادین داشت و می‌توانست تا ۱۲۰۰ نفر را در خود جای دهد. در هر پناهگاه پست‌های فرماندهی، محل بیماران، اتاق‌های ضدآلودگی، آشپزخانه، انبار غذاهای خشک، آب و قورخانه، یعنی تمامی ملزومات یک اقامت بلندمدت پیش‌بینی شده بود.» [۲۰۶].

در مجموع با اقداماتی که رژیم عراق پس از فتح خرمشهر و به ویژه بعد از عملیات رمضان برای تقویت بنیه دفاعی خود انجام داد، چنین به نظر می‌رسید که موقعیت سیاسی صدام نیز تحکیم شده است.

ضرورت ادامه جنگ پس از عملیات رمضان و تأکید امام خمینی بر ضرورت حضور نیروهای مردمی در جبهه، به عنوان واجب کفایی، تحرک لازم را برای بازنگری وضعیت حاکم بر صحنه جنگ و اتخاذ تدابیر ضروری فراهم ساخت. طی جلساتی که در همین زمینه در قرارگاه کربلا با حضور فرماندهان ارتش و سپاه تشکیل شد، اجرای عملیات محدود به منظور اخذ فرصت از دشمن تا آماده شدن شرایط لازم برای عملیات گسترده تأکید گردید. [۲۰۷] در واقع از یک سو ادامه جنگ ضرورت داشت و از سوی دیگر با توان موجود امکان دستیابی به پیروزی با دشواری‌های بسیار همراه بود. استراتژی نظامی ایران در این مرحله اجرای عملیات محدود در مناطق غرب و جنوب کشور با هدف ایجاد فشار نظامی و تجزیه قوای دشمن و ممانعت از ایجاد فرصت حمله برای دشمن بود. [۲۰۸] این امیدواری وجود داشت که با اجرای سلسله عملیات محدود، فرصت و زمنه لازم برای اجرای عملیات گسترده فراهم شود. [۲۰۹] در این چارچوب عملیات مسلم بن عقیل در منطقه غرب سومار طرح‌ریزی و در تاریخ ۹ / ۷ / ۱۳۶۱ اجرا شد و یک ماه بعد عملیات محرم در جنوب شرقی دهلران در غرب عین‌خوش، در تاریخ ۱۰ / ۸ / ۱۳۶۱ انجام شد که هر دو عملیات با موفقیت همراه بود.

[صفحه ۷۵]

موقعیت دشمن در منطقه عمومی العماره و موفقیت در عملیات محرم به طرح‌ریزی عملیات والفجر با هدف تصرف پل غزیله و رسیدن به حلفائیه انجامید. انتخاب نام «والفجر» علاوه بر تقارن زمانی با دهه فجر، اساسا با این تفکر انتخاب شد که در آستانه برگزاری کنفرانس غیرمتعهدها، سرنوشت جنگ با شکست عراق مشخص شود. عملیات والفجر در موقعیتی که بسیاری از مسئولان کشور با امیدواری به صحنه جنگ می‌نگریستند در تاریخ ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۱ آغاز شد. مواجه شدن رزمندگان با خطوط دفاعی جدی عراق و قرار گرفتن بیش از ۱۶ رده از موانع مختلف در برابر آنها و سایر مشکلات و ناهماهنگی‌ها مانع از دستیابی به اهداف عملیات شد. [۲۱۰] ضمن اینکه اختلاف‌نظر ارتش و سپاه درباره طرح‌ریزی، فرماندهی و اجرای عملیات برای نخستین بار آشکار گردید.

ناکامی در عملیاتی دیگر، با وجود اقداماتی که پیش از این با گسترش سازمان رزم سپاه انجام گرفته بود و توقف در پشت دیوارهای دفاعی عراق و ناتوانی از تثبیت مواضع تصرف شده، بر پیچیدگی اوضاع سیاسی و نظامی جنگ افزود.

عملیات والفجر با توجه به نتایج آن به «والفجر مقدماتی» تغییر نام یافت و عملیات جدیدی با عنوان «والفجر ۱ «بر پایه نظریات و تفکرات فرماندهان ارتش در شمال غربی منطقه والفجر مقدماتی - ارتفاعات حمرین تا فکه - طرح‌ریزی و در تاریخ ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۲ اجرا شد. ناکامی مجدد در این عملیات، دامنه اختلاف‌نظر میان ارتش و سپاه را گسترش داد [۲۱۱] و به عبارتی اندیشه اجرای

[صفحه ۷۶]

عملیات سپاه و ارتش به طور مستقل - که عملا پس از عملیات بدر آغاز شد - در این مرحله ریشه گرفت.

از میان رفتن امکان غافلگیری دشمن و از دست دادن ابتکار عمل و بسیاری از مشکلات دیگر، مانع از رسیدن غلبه بر استحکامات عراق و تثبیت مواضع تصرف شده بود. قدرت زرهی ارتش و آتش توپخانه به عنوان دو عامل تعیین‌کننده، توانایی برابری و غلبه بر دشمن را نداشت، برای همین ناکامی در دو عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱ سبب گردید کلیه راه‌کارهای عملیات در منطقه جنوب، مسدود ارزیابی شود.

پس از آنکه اجرای عملیات‌های محدود به عنوان مقدمه و واسطه‌ی اجرای عملیات بزرگ و پیروز با موفقیت همراه نشد، اجرای عملیات در منطقه غرب کشور در دستور کار قرار گرفت، با این تدبیر عملیات والفجر ۲ در ۲۹ تیر ۱۳۶۲، در غرب پیرانشهر، در حدفاصل ارتفاعات قمطره و تمرچین، اجرا و منطقه حاج عمران به وسعت ۳۰ کیلومتر مربع آزاد شد. همچنین عملیات والفجر ۳ در ۷ مرداد ۱۳۶۲ در منطقه عمومی مهران اجرا شد. با اجرای این عملیات دشت مهران و جاده مهران - دهلران از اشغال دشمن آزاد شد و ارتباط جبهه‌ی میانی با جنوب برقرار گردید. [۲۱۲] .

گرچه جنگ در سال سوم به نتیجه روشنی منتهی نشد، در عین حال «نقطه قوت جمهوری اسلامی» در این مرحله، برخورداری از «روحیه تهاجمی و تداوم تلاش‌های نظامی» با اجرای عملیات‌های محدود و گسترده در جبهه‌های میانی و شمالی بود. در مقابل گرچه عراق موقعیت دفاعی خود را با مهار حملات پی‌درپی ایران بهبود بخشید و تثبیت کرد، لیکن این نگرانی و اضطراب همواره برای حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق وجود داشت که

[صفحه ۷۷]

احتمال درهم شکستن خطوط دفاعی عراق و وقوع حوادث غیرمترقبه وجود دارد. این باور و نگرانی، هسته مرکزی نگرش‌ها و ساماندهی سیاست‌های حمایت‌آمیز از عراق و تشدید فشار به ایران بود.

در هر صورت، گشوده نشدن بن‌بست جنگ و دست نیافتن ایران به پیروزی نظامی، این سؤال را به وجود آورد که:

«ایران برای رهایی از بن‌بست موجود و شکستن آن چه راه‌حل‌هایی را فراروی خود دارد و چه اقداماتی را باید انجام دهد؟»

[صفحه ۸۰]

تشدید فشار به ایران

جنگ در سال چهارم

شهریور ۱۳۶۲ تا شهریور ۱۳۶۳

ادامه‌ی توقف قوای جمهوری اسلامی در پشت دیوارهای دفاعی عراق و صرفا ایجاد رخنه‌هایی در آن و کاهش توان نظامی ایران [۲۱۳] در درازمدت، به منزله تغییر ماهیت جنگ از «تهاجمی» به «فرسایشی» بود. لازمه مقابله ایران با حاکم شدن این وضعیت، علاوه بر حملات پی‌درپی به مواضع دفاعی عراق، که در سال سوم جنگ انجام گرفت، به کار گرفتن ابتکار عمل برای شکستن بن‌بست حاکم بر جنگ بود. در واقع تجارب جنگ در سال سوم حاوی این معنا بود که بدون «ابتکار عمل نظامی»، امکان غافلگیری دشمن و در نتیجه دستیابی به پیروزی همانند مرحله آزادسازی مناطق اشغالی، فراهم نخواهد شد.

توجه به این موضوع برای نخستین بار پس از عملیات رمضان برای فرماندهی سپاه حاصل شد. به همین دلیل فرمانده کل سپاه بلافاصله مسئولان و فرماندهان یگان‌های سپاه را فراخواند و پس از بحث‌ها و بررسی‌های طولانی، منطقه هور برای اولین بار به عنوان منطقه عملیاتی مورد توجه قرار گرفت. [۲۱۴] لیکن مجموع اوضاع حاکم بر صحنه جنگ و ضرورت اجرای عملیات مشترک سپاه و ارتش و امیدواری به موفقیت بر پایه تجارب پیشین و مهم‌تر از همه تطابق نداشتن توان و تجهیزات موجود با آنچه که

[صفحه ۸۱]

برای عملیات در هور لازم بود، در مجموع مانع از توجه جدی به این منطقه شد. پس از عملیات والفجر ۱ و بروز دیدگاه‌های متفاوت در ارتش و سپاه، فرمانده سپاه با تشکیل یک قرارگاه در منطقه هور، شناسایی منطقه را به طور مستقیم کنترل و هدایت کرد. [۲۱۵].

با تغییر زمین منطقه عملیات از خشکی به آب با ویژگی‌های «هور» از جمله وجود آبراه‌های مختلف و امکان استتار در نی‌زارها، این امیدواری به وجود آمد که با غافلگیری در مکان و تاکتیک و احتمالا در زمان، امکان غلبه بر دشمن و تصرف و تأمین منطقه فراهم شود. زیرا عدم درک دشمن از عملیات در هور به لحاظ تاکتیکی و عدم سازمان و توانایی مناسب برای مقابله با تهاجم نظامی ایران، به گونه‌ای بود که دورنمای دستیابی به پیروزی را روشن می‌نمایاند.

سپاه بنابر تجارب دو عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱، بر اجرای عملیات به طور مستقل از ارتش تأکید می‌کرد ولی شورای عالی دفاع این مسئله را نپذیرفت. [۲۱۶] لذا پس از توافقات لازم، مقرر شد ارتش با به کارگیری لشکرهای ۷ ولی عصر (عج) و ۱۴ امام حسین (ع) از یگان‌های قوی و خطشکن سپاه به همراه تیپ زرهی ۷۲ محرم (سپاه) در منطقه زید به عملیات بپردازد [۲۱۷] و

دیگر یگان‌های سپاه در منطقه هور به اجرای عملیات مبادرت کنند.

عملیات خیبر در تاریخ ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۲ در منطقه هورالهویزه آغاز شد و با تصرف جزایر مجنون - که دارای حوزه‌های نفتی زیرزمینی بود - به پایان رسید. [۲۱۸] لیکن عملیاتی که با فرماندهی ارتش در منطقه زید انجام گرفت با موفقت توأم نبود.

عملیات خیبر از نظر نظامی بسیار حائز اهمیت بود زیرا در وضعیتی که روند جنگ، فرسایشی ارزیابی می‌شد، قوای نظامی ایران با ابتکار عمل در منطقه‌ای که به تصور دشمن عملیات در آن قابل اجرا نبود، در شمال منطقه بصره حضور یافتند و جاده بصره - العماره را تهدید کردند. مسلما در صورتی که امکانات مورد نیاز برای عملیات تأمین می‌شد، نتیجه‌ی عملیات و جنگ

[صفحه ۸۲]

چیزی غیر از آن بود که به دست آمد. در صورت تصرف شرق رودخانه دجله و منطقه «القرنه» به همراه جزایر مجنون و گشایش محور طلائیه به نشوه، بصره در خطر جدی قرار می‌گرفت، اما متأسفانه به دلیل واگذار نشدن امکانات مورد نیاز، بخش کمی از اهداف عملیات خیبر تأمین شد. مثلا اگر به جای حدود ۵۰۰ قایق، ۲۰۰۰ قایق واگذار می‌شد و یا چنانچه در زمینه‌ی استفاده از هلی‌کوپترهای هجومی و ترابری مشکل جدی وجود نداشت و نیرو به میزان مورد نیاز در جزیره شمالی - به جای ۳ گردان، ۱۸ گردان مانوری - پیاده می‌شد، دستیابی به یک پیروزی اساسی و تعیین‌کننده قطعی بود. [۲۱۹] .

غافلگیری دشمن در این عملیات و ناتوانی او در عقب راندن نیروهای خودی از جزایر مجنون، مجددا توانایی دفاعی عراق را مورد تردید قرار داد و شگفتی ناظران را از قابلیت‌های طرح‌ریزی عملیات تهاجمی و دفاعی جمهوری اسلامی برانگیخت.

به گزارش رادیو امریکا، دیپلمات‌های غربی، عرب و آسیایی در تهران تاکتیک‌های جنگی جدید ایران را ستایش کردند. [۲۲۰] ناظران بر این عقیده بودند که نتیجه نبرد در جزایر مجنون هرچه باشد، تاکتیک‌های نظامی ایران از نظر جسارت و شهامت، در تاریخ استفاده خواهد شد. این عملیات به مثابه اقدامی جسورانه از سوی ایران، ارزیابی شد. [۲۲۱] .

عراق به دلیل نگرانی از نتایج عملیات، برای نخستین بار نوعی از سلاح‌های شیمیایی محصول کارخانه سامره (به نام گاز خردل) را با استفاده از هلی‌کوپترهای ساخت شوروی و فرانسه، به کار گرفت. [۲۲۲] پیش از این در عملیات والفجر ۲ در منطقه حاج عمران، عراق به صورت محدود از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده بود، ولی آنچه که در عملیات خیبر انجام گرفت، بسیار گسترده و فاجعه‌آمیز بود. گاز خردل با ایجاد تاول‌های بزرگ روی پوست بدن و اختلال در دستگاه تنفسی، آثار مخرب روحی و جسمی فراوان را بر رزمندگان اسلام به صورت کوتاه‌مدت و درازمدت داشت. شورای امنیت سازمان ملل در واکنش به این اقدام عراق، در تاریخ ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۳ با صدور

[صفحه ۸۳]

بیانیه‌ای استفاده از گازهای سمی را محکوم کرد اما مسئولیت استفاده از آن را به هیچ یک از طرفین نسبت نداد. صدور بیانیه، به جای قطعنامه، بنابر تحلیل منابع دیپلماتیک به دلیل اجتناب از مباحث شدید و اشاره به هر یک از دو طرف جنگ بوده است. [۲۲۳] در هر صورت، این نخستین اقدام سازمان ملل بود که حداقل گرچه به سود ایران نبود ولی به زیان آن نیز تنظیم نشده بود.

به کارگیری سلاح‌های شیمیایی از یک سو نشان‌دهنده‌ی ضعف دفاعی، نومیدی و درماندگی ارتش عراق بود [۲۲۴] و از سوی دیگر این موضوع را روشن می‌کرد که عراق با ایجاد زیرساخت‌های جدید در زمینه تولید سلاح‌های شیمیایی با کمک کشورهای

اروپایی به ویژه آلمان، استراتژی جدیدی را برای مقابله با تهاجمات پی‌درپی و گسترده ایران برگزیده است.

مسلما دستیابی به تمامی اهداف عملیات خیبر می‌توانست جنگ را به وضعیت تعیین کننده‌ای نزدیک سازد، لیکن محقق نشدن این امر مانع از تغییر توازن سیاسی - نظامی به سود ایران و کسب برتری بر عراق شد. نشریه نیویورک تایمز پس از آشکار شدن نتایج عملیات خیبر طی تحلیلی درباره ادامه بن‌بست در جنگ و دلائل آن نوشت:

«به نظر منابع اطلاعاتی امریکا و دیگر منابع غربی، جنگ ایران و عراق ظاهرا به یک بن‌بست رسیده و هیچ یک از دو طرف قادر به برتری بر دیگری نیست. به نظر می‌رسد ایرانی‌ها قادر به شکستن مرز طولانی عراق نباشند و عراقی‌ها نیز نتوانند به موفقیت‌های دفاعی دست یابند.

منابع اطلاعاتی غرب گفتند ناتوانی ظاهری ایران در اجرای یک تهاجم تعیین کننده تنها یکی از دلائل ادامه بن‌بست جنگ ۴۳ ماهه است. آنها می‌گویند دلیل دوام و ادامه این بن‌بست شکست مداوم ارتش عراق در امر دفاع و عدم استفاده از برتری کمی و کیفی نیروی هوایی عراق علیه هدف‌های مهم در جبهه و پشت جبهه است.» [۲۲۵] .

بنابر نظریه مذکور بن‌بست حاکم بر جنگ حاصل دو وضعیت جداگانه است. به این ترتیب که ایران با وجود تهاجمات پی‌درپی، قادر به اجرای

[صفحه ۸۴]

«تهاجم تعیین کننده» نیست و عراق نیز در مواضع دفاعی قادر به دفاع کامل نیست، ضمن اینکه عراقی‌ها فاقد قابلیت‌های لازم برای استفاده از برتری تکنولوژیک خود در هوا می‌باشند. یکی از نشریات خارجی با توجه به نتایج عملیات‌های ایران در این باره نوشت: «مقدورات نظامی طرفین با اهدافشان تناسبی ندارد. عراق تجهیزات لازم برای دست زدن به حمله را دارد اما فاقد انگیزه و نیروی انسانی است در حالی که ایران بر دست زدن به حمله تأکید می‌ورزد و لیکن از تجهیزاتی که مؤثر واقع شود، برخوردار نیست.» [۲۲۶] .

در هر صورت، عدم دستیابی ایران به پیروزی کامل در عملیات خیبر - که همواره باید از آن به عنوان یک فرصت استثنایی و بی‌نظیر که از دست رفت یاد کرد - متأثر از عوامل مختلفی بود: «تعجیل در اجرای عملیات» [۲۲۷] به دلیل اسارت چند تن از نیروها، «افزایش تردد قایق‌ها و احتمال هوشیاری دشمن» و مهم‌تر از آن «به پایان رسیدن زمان مأموریت نیروها» و همچنین نگرانی از تأخیر عملیات به دلیل احتمال لو رفتن آن، به نوعی شتاب در اجرای عملیات منجر شد. حال آنکه بنابر تحلیل فرمانده سپاه، با توجه به درکی که از زمین منطقه و نیز وضعیت دشمن وجود داشت [۲۲۸] سپاه باید بر پایه ابتکار عمل جدید به صورت «مستقل» از ارتش، عملیات را اجرا می‌کرد و دو لشکر خطشکن و قوی سپاه را از سازمان خود خارج نمی‌کرد و تحت کنترل عملیاتی ارتش قرار نمی‌داد. [۲۲۹] .

در هر صورت، با اجرای عملیات خیبر قابلیت و توانایی‌های فوق‌العاده سپاه در طرح‌ریزی، فرماندهی و دفاع، بیش از گذشته آشکار شد. با اجرای این عملیات سپاه به تجارب جدید نظامی دست یافت و جای پای مناسبی در منطقه هور (جزایر مجنون) به دست آورد و زمینه‌های لازم برای اجرای عملیات‌های آبی - خاکی دیگر در منطقه هور فراهم گردید.

اگرچه ایران با تصرف جزایر مجنون در عملیات خیبر برای نخستین بار پس از ورود به داخل خاک عراق مناطقی مهم را تصرف کرد، لیکن با وجود

[صفحه ۸۵]

شکسته شدن خطوط دفاعی دشمن، توازن تغییر نکرد؛ زیرا هنوز در مواردی از جمله پشتیبانی، هوایی، توپخانه و مهندسی کاستی‌ها و نقایص زیادی وجود داشت که باید برطرف می‌شد.

دشمن پس از این عملیات و پی بردن به پیچیدگی‌ها و نتایج احتمالی آن، سازمان رزم خود را با تشکیل یک سپاه برای هور با عنوان سپاه ششم تکمیل کرد. ضمن اینکه ارتش عراق در حدفاصل عملیات رمضان تا عملیات خیبر و مدتی پس از آن ۱۰ لشکر جدید تشکیل داد و بر توان نظامی خود افزود. [۲۳۰] .

به موازات عملیات خیبر و ابعاد سیاسی و نظامی آن، انفجار مقر امریکایی‌ها در بیروت، وضعیت جدیدی را در منطقه به وجود آورد. امریکایی‌ها که در سال ۱۹۸۲ پس از فتح خرمشهر، به طور جدی در اندیشه تسلط بر لبنان بودند، انتظار داشتند با «فرسایشی شدن جنگ» از فرصت لازم برای حل بحران ناشی از پیروزی ایران بر عراق از طریق تجاوز اسرائیل و تشکیل یک دولت مسیحی و وابسته در لبنان برخوردار شوند.

حضور اولیه نیروهای سپاه برای مقابله با تجاوز اسرائیل و گسترش و تعمیق این حضور با سازماندهی حزب‌الله لبنان تدریجا ساختار قدرت در لبنان را دستخوش تغییر کرد و اسرائیل و امریکا پس از اجرای عملیات استشهادی حزب‌الله لبنان و انفجار مقر امریکایی‌ها در بیروت، [۲۳۱] با شکست، صحنه لبنان را ترک کردند. در واقع شکست امریکایی‌ها در سلطه بر لبنان و تشکیل یک دولت مسیحی، ضربه‌ی استراتژیک را به آنها وارد ساخت.

در اوضاع جدید، امریکا در موقعیتی قرار گرفت که باید استراتژی جدیدی را طرح‌ریزی می کرد. بر این اساس «بنیاد هریتیج» طرحی را مبنی بر از بین بردن «اصل امید» به ریگان ارائه کرد. این سیاست به منزله تشدید فشار به ایران با هدف از میان بردن امیدواری ایران برای دستیابی به پیروزی بود. عناصر اصلی

[صفحه ۸۶]

این استراتژی که در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد، به شرح ذیل می‌باشد:

۱- تقویت وضعیت اقتصادی عراق.

۲- ایجاد محدودیت در منابع ارزی ایران.

۳- اجرای عملیات استانچ [۲۳۲] با هدف جلوگیری از فروش سلاح به ایران.

۴- ایجاد محدودیت در استخراج و فروش نفت ایران.

قبل از عملیات خیبر، روزنامه واشنگتن پست در تحلیلی با اشاره به اهمیت مسائل اقتصادی بر سرنوشت جنگ، بر این مسئله تأکید کرد که عراق به دلیل از دست دادن بخش اعظم صادرات نفت خود با دشواری روبه‌رو شده است. [۲۳۳] امریکایی‌ها پیش از این اقداماتی را برای تقویت موقعیت اقتصادی عراق با تشویق روابط بازگانی میان عراق و کشورهای اروپایی، تعمیر چاه‌های نفت عراق و فراهم کردن زمینه صدور نفت عراق انجام داده بودند، [۲۳۴] ولی با توجه به روند تحولات جنگ، تلاش برای افزایش کمک‌های امریکا به عراق به منظور جلوگیری از سقوط صدام، به سفر معاون وزارت خارجه امریکا به عراق در دی ۱۳۶۲ انجامید. واشنگتن پست این سفر را به منزله برقراری روابط کامل سیاسی عراق و امریکا ارزیابی کرد. [۲۳۵] .

بنابر گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا از سال ۱۹۸۲ که عراقی‌ها بدون هیچ پیش شرطی حاضر به مذاکره با امریکا شدند،

امریکا برای تقویت عراق و جلوگیری از پیروزی ایران، اقدامات ذیل را به عمل آورد:

۱- تخصیص حدود یک میلیارد دلار به صورت اعتبار غیر نقدی برای خرید محصولات کشاورزی.

[صفحه ۸۷]

۲- تصمیم بانک صادرات و واردات امریکا براث ضمانت ۸۵ درصد از ۷ / ۵ میلیارد دلار مبلغ لازم جهت ساخت خط لوله نفتی عقبه.

۳- حمایت امریکا از قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل که ایران را به خاطر حملاتش به کشتیرانی در خلیج فارس تقبیح نموده است.

۴- حمایت شدید امریکا از تحریم فروش تسلیحات به ایران. [۲۳۶] .

جورج شولتز که قبل از انتصاب به سمت وزارت خارجه امریکا در سال ۱۹۸۲ برای شرکت مهندسی ساختمانی گروه بجتل - که یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ساخت پالایشگاه و احداث لوله نفت محسوب می‌شد - کار می‌کرد، مقدمات قرارداد یک میلیارد دلاری بجتل را با عراق برای احداث لوله نفتی از عراق به بندر عقبه فراهم ساخت. امریکایی‌ها موافقت اسرائیل را در این زمینه به دست آوردند و به عراقی‌ها درباره امنیت خطوط لوله نفت عراق که به بنادر مدیترانه و دریای سرخ متصل می‌شد، اطمینان دادند. [۲۳۷] .

در عین حال دولت ریگان به دلیل مشکلاتی که وجود داشت با نگرانی چشم به موفقیت خطوط لوله نفت عقبه دوخته بود. [۲۳۸] عراقی‌ها امیدوار بودند با توجه به عدم صدور نفت از اسکله‌های البکر و العمیه و قطع صدور نفت از طریق سوریه، صادرات نفت خود را از ۷۵۰ هزار بشکه در روز به بیش از یک میلیون بشکه افزایش دهند تا مشکلات و کمبود نقدینگی عراق برطرف شود. [۲۳۹] ضمن اینکه عربستان و کویت متعهد شدند روزانه نیم میلیون بشکه نفت به حساب عراق بفروشند. این موضوع را کویت در اجلاس اوپک اعلام کرد. [۲۴۰] .

عراقی‌ها به موازات تلاش برای رفع تنگناهای اقتصادی خود و فشار به ایران برای پایان دادن به جنگ، در چارچوب موافقت امریکا، ضربه زدن به توانایی‌های صدور نفت ایران با موشک‌های اگزوسه و هواپیماهای سوپراتاندارد را طرح‌ریزی و اجرا کردند. [۲۴۱] در واقع عراق با هدف محدود کردن درآمد نفتی ایران و بین‌المللی کردن مسئله جنگ، جنگ نفتکش‌ها را آغاز کرد. عراقی‌ها در نظر داشتند به محل صدور نفت ایران در جزیره خارک حمله کنند. چنان که خبرگزاری رویتر از بغداد درباره تهدید عراق برای حمله

[صفحه ۸۸]

به خارک، خبر زیر را مخابره کرد:

«عراق گفت اگر تهران دست به حمله زمینی جدیدی در جبهه جنگ بزند این کشور تأسیسات حیاتی نفتی ایران در جزیره خارک را مستقیما مورد حمله قرار خواهد داد.» [۲۴۲] .

ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه امریکا که در آستانه عملیات خیبر در اسفند ۱۳۶۲ به خاورمیانه و بغداد سفر کرده بود، [۲۴۳] صراحتا اعلام کرد: امریکا یک حمله گسترده به جزیره خارک را ناممکن نمی‌داند. [۲۴۴] فارین ریپورت چاپ امریکا نیز طی

تحلیلی نوشت: تشدیـد فشـار به ایران و گسترش جنگ، نتیجه طبیعی حمله عراق به خارک است. [۲۴۵] همچنین روزنامه نیویورک تـایمز طی تحلیلی درباره هـدف این اقـدام نوشت: حمله به خارک برای شکسـتن بن‌بست جنگ است. [۲۴۶] ایران بـا درکی که از ماهیت تلاش‌های جدیـد عراق داشت، رسـما هشدار داد اگر عراق نقل و انتقالات نفتی ایران را قطع کند، تنگه هرمز در دهانه خلیج فارس بسته خواهد شد.

بعدها طی اجلاسی که هفت کشور عمده صنعتی در تاریخ ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۳ برگزار کردند، تحلیلی که درباره عواقب جنگ بر جریان نفت جهان ارائه شد [۲۴۷] نشان‌دهنـده‌ی این معنا بود که حملات عراق کنترل شده و تنها برای فشار به ایران می‌باشد. ضـمن اینکه از قبل با افزایش تولید نفت عربستان،

[صفحه ۸۹]

پیش‌بینی‌های لازم برای جایگزینی کاهش صادرات نفت ایران در بازار نفت، انجام گرفته بود؛ طوری که به موازات تشدید حملات عراق به پایانه‌های صدور نفت ایران و نفتکش‌ها، قیمت نفت تدریجا کاهش یافت!

بـدین ترتیـب عراقی‌هـا بـا حمـایت امریکـا و غرب برای نخسـتین بـار در تاریـخ ۳ / ۲ / ۱۳۶۳ بـا اسـتفاده از هواپیماهـای فرانسوی سوپراتانـدارد به خاک و نفتکش‌های حامل نفت ایران حمله کردنـد. طارق عزیز در دیـدار با شولتز وزیر خارجه امریکا درباره اقدام عراق چنین اسـتدلال کرد که این حمله سبب پایان یافتن جنگ خواهد شد، زیرا گر ایران پول نفت را نداشته باشد نمی‌تواند اسلحه مورد نیاز خود را از بازارهای سیاه تهیه کند. [۲۴۸] .

واکنش ایران در برابر اقـدامات جدیـد عراق که اتخـاذ سـیاست «مقابله به مثل محـدود» بود، به اعتراض کشورهای شورای همکاری خلیـج فـارس و برگزاری جلسـات پی‌درپی و نـامه به شورای امنیت سازمـان ملل منجر شـد. اعضـای شورای امنیت پس از برگزاری جلسه بـا ۱۳ رأی موافـق و ۲ رأی ممتنع (زیمبـابوه و نیکـاراگوئه) ایران را به دلیـل حمله به کشتی‌هـای کـویت و عربستان محکوم کردند. [۲۴۹] سازمان ملل که پیش از این در واکنش به حملات شیمیایی عراقی‌ها تنها به صدور بیانیه (به جای قطعنامه) بدون ذکر نـام عراق اقـدام کرده بود، در اینجا بـا صـدور قطعنامه و ذکر نام ایران ماهیت سـیاست جانبـدارانه‌ی این سازمان از عراق را بیش از گذشته آشکار ساخت.

امریکا در رونـد تشدید فشار به ایران و تنگ کردن حلقه محاصره اقتصادی آن، نام ایران را در فهرست کشورهایی که به اقدام‌های تروریسم بین‌المللی کمـک می‌رساننـد، افزود. این اقـدام تأییـد آشـکار رژیم عراق و تشدیـد فشـار برای به زانـو درآوردن جمهوری اسلامی بود. [۲۵۰] .

تلاش برای جلوگیری از ورود سـلاح به ایران تحت عنوان عملیات اسـتانچ، بخش دیگری از اقـدامات امریکا برای فشار به ایران بود که پس از عملیات خیبر آغاز شد. [۲۵۱] عملیات استانچ و محدودیت‌های قانونی برای فروش سلاح به ایران، فروشندگان بین‌المللی اسلحه را بیش از گذشته به بازار عراق

[صفحه ۹۰]

امیـدوار و جذب کرد. [۲۵۲] ضـمن اینکه ایران پس از این بایـد برای تهیه نیازمنـدی‌های خود علاوه بر پرداخت پول بیشتـر، مسیر طولانی‌تری را طی نمایـد. در گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا درباره تأثیر عملیات استانچ آمده است:

«تحریم فروش تسلیحات علیه ایران در توانایی این کشور به ادامه جنگ تأثیر محسوس داشته است. از نظر عراقی‌ها تحریم فروش تسلیحات احتمالا مهم‌ترین علت گرمی روابط ایالات متحده با عراق است.» [۲۵۳] .

با گسترش روابط امریکا و عراق، شوروی نیز متعاقب تغییر اوضاع جنگ پس از فتح خرمشهر و احتمال سقوط رژیم عراق، با واگذاری تجهیزات مدرن به عراق، بر میزان کمک‌های خود به این کشور افزود. [۲۵۴] در فروردین ۱۳۶۳ یک هیئت بلندپایه به ریاست پاکوف ریابوف [۲۵۵] رئیس کمیته روابط اقتصادی خارجی شوروی به بغداد اعزام شد و فروش ۴/۵ میلیارد دلار اسلحه‌ی شوروی به عراق را پیشنهاد داد. این بزرگ‌ترین پیشنهاد فروش سلاح بود که تاکنون شوروی‌ها به عراق می‌دادند. [۲۵۶] ریابوف که از میزان عصبانیت صدام به خاطر از دست دادن جزایر مجنون در عملیات خیبر مطلع بود، به عراق اطلاع داد شوروی حاضر است میگ‌های ۲۳ و ۲۱، هلی‌کوپترهای توپدار و ۳۵۰ موشک اسکاد. بی در اختیار عراق قرار دهد. سرانجام طه یاسین رمضان معاون اول صدام این قراردادها و قرارداد وام ۲ میلیارد دلاری شوروی به عراق را در ۲۷ آوریل ۱۹۸۴ (۷ اردیبهشت ۱۳۶۳) در سفر به مسکو امضا کرد. [۲۵۷] .

در تیر ماه ۱۳۶۳ در کنفرانس بررسی آثار جنگ بر صلح و امنیت که در بغداد گشایش یافت، اظهارات یکی از مقامات شوروی تا اندازه‌ای ماهیت و دامنه پیوند عراق و شوروی را آشکار ساخت. وی گفت که شوروی درباره جنگ ایران و عراق عمیقا نگران است و کشور متبوعش مصمم است عراق را

[صفحه ۹۱]

با سلاح‌های گوناگون مجهز سازد، چون این تصمیم تلاش مشترک عراق و شوروی را برای پایان یافتن جنگ و برقراری صلح تقویت می‌کند. [۲۵۸] روزنامه الخلیج چاپ امارات مدتی بعد اعلام کرد: عراق هواپیماهای پیشرفته میگ ۲۹ از شوروی دریافت کرده است. [۲۵۹] .

تهدیداتی که صدام و وزیر دفاع عراق - پس از این حمایت‌های همه‌جانبه‌ی غرب و شرق - درباره ایران ابراز کردند مسلما بدون ارتباط با تجهیزات واگذار شده به عراق نبود، زیرا تجهیزات نظامی سنگین مانند تانک‌ها، نفربرهای زرهی و هواپیماهای عراق دو برابر شده بود. [۲۶۰] صدام طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: سلاح‌های جدید دریافت شده طی روزهای آینده علیه منافع ایران مورد استفاده قرار خواهد گرفت. [۲۶۱] وزیر دفاع وقت عراق نیز گفت عراق به زودی صاحب سلاح‌های تهاجمی‌ای خواهد شد که قادر است هدف‌های داخل ایران را مورد حمله قرار دهد. [۲۶۲] بدون تردید این تهدید برای حمله به شهرها بود که در ماه‌های پایانی سال ۱۳۶۳ انجام گرفت. عراقی‌ها درباره نتایج فشار به ایران چنان امیدوار بودند که رئیس خبرگزاری عراق طی مصاحبه‌ای اعلام کرد رهبران و مردم فکر می‌کنند در سال جاری مسیحی بین دو کشور آتش‌بس برقرار شود. [۲۶۳] .

گسترش دامنه فشار، جمهوری اسلامی را برای ادامه جنگ در وضعیت بسیار دشواری قرار داده بود. در واقع به همان میزان که دستیابی به پیروزی در جبهه‌های نبرد با موانع بسیاری مواجه شده بود، مقاومت در برابر فشار نیز به سهولت امکان پذیر نبود. اظهارات آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ، در این زمینه به خوبی گویا و روشن است:

«توان کشور برای ادامه جنگ محدود است و دشمن محاسبه کرده و امکان ارزی ما را می‌داند. بعد از زدن کشتی‌ها درآمد ما پایین آمده، ۲/۵ میلیون بشکه صدور نفت به زیر ۲ میلیون رسیده، قیمت هر بشکه ۲۴ دلار است که ۲/۵ دلار ارزانتر شده است. اسکله خارک زده شده و خسارات زیادی داشته است و فشار دشمن روز به روز بر ما بیشتر خواهد شد.» [۲۶۴] .

[صفحه ۹۲]

نظر به ضرورت تحرک در میدان نبرد و با توجه به فشارهای سیاسی – اقتصادی گسترده به ایران، تلاش برای اجرای عملیات آغاز شد. نخست مناطق زید و کوشک در شمال ایستگاه حسینیه برای اجرای عملیاتی با عنوان «والفجر ۷» انتخاب شد، لیکن موقعیت منطقه و استحکامات دشمن و مهم‌تر از آن، دشمن با رها کردن آب امکان اجرای عملیات در این منطقه را از بین برد. [۲۶۵] .

انتخاب بعدی برای عملیات، شمال شبه‌جزیره‌ی فاو (منطقه سیبه) از مقابل جزیره مینو تا پاسگاه خسروآباد و با عنوان «والفجر ۸» بود. با توجه به محدودیت در وسایل عبور و موقعیت دشمن، با جود بحث و بررسی‌های فراوانی که برادران ارتشی و سپاه انجام دادند، به نظر می‌رسید اجرای عملیات در این منطقه با توان نیروهای خودی تطابق ندارد، لیکن نظر به ضرورت اجرای عملیات، آقای هاشمی (فرمانده عالی جنگ) با حضور در منطقه عملیاتی در تلاش بود تا با تأکید بر ضرورت حمله به دشمن، زمینه و تجهیزات لازم را برای اجرای عملیات فراهم سازد. ایشان با اشاره به اقدامات جنون‌آمیز دشمن در منطقه، گفت:

«اگر ما بازنده شویم و اگر روزی به عقب برویم،، عقب‌نشینی در مواضع سیاسی جمهوری اسلامی فشار را شدیدتر خواهد کرد. ما همه امیدمان و همه تلاشمان و همه غم و غصه‌مان این است که یک جایی را پیدا کنیم و دست به اقدام (عملیات) بزنیم و یک حمله مجدد بکنیم ولو با ۳۰٪ موفقیت و یا ۴۰٪، تا جنگ را از این حالت نجات بدهیم.» [۲۶۶] .

آقای هاشمی همچنین بر این مسئله تأکید کرد که اگر عملیات ناموفق باشد، علاوه بر از میان رفتن اعتبار نظامی ایران، تأمین خواسته‌های ایران نیز دشوار خواهد شد. [۲۶۷] پس از پیشنهادهایی که فرماندهان ارتش و سپاه درباره مشکلات اجرای عملیات و امکانات لازم برای تأمین پیروزی ارائه کردند، آقای هاشمی گفت:

«عملیات ناموفق به صلاح ما نیست، این به عنوان یک اصل است، انجام عملیات با تمام امکانات لازم تا آنجایی که من می‌دانم مقدور نخواهد بود، عملیاتی را پشنهاد کنید تا بتوانیم بپذیریم.» [۲۶۸] .

[صفحه ۹۳]

فرمانده عالی جنگ با توجه به ترکیب جلسه و نظریات متفاوت درباره اجرای عملیات و مشکلات موجود افزود:

«این برای این است که فقط بخواهیم کلاسیک فکر کنیم. حفظ جزیره مجنون بدون هیچ یک از امکاناتی که در اینجا مطرح است انجام شد.»

وی سپس تأکید کرد:

«در صورت موفقیت در اجرای این عملیات، تمام زحمات ما این خواهد شد که این طرف آب (در منطقه فاو) باقی بمانیم و فشار سیاسی‌مان را به دنیا از همین جا وارد خواهیم کرد. ما در هیچ کدام از جنگ‌هایمان این اطمینان‌هایی را که شما می‌خواهید نداشته‌ایم... اگر بخواهیم کاری کنیم همین است که اینجا بکنیم. باید یک جنگ حزب‌اللهی را اینجا کرد.» [۲۶۹] .

آقای هاشمی در ادامه با اشاره به حملات دشمن به اسکله نفتی خارک و افزایش این فشارها و ضرورت اجرای عملیات، گفت:

«فرماندهان راه ما را مشخص کنند. اگر پیشنهاد دارید به ما بگویید در کجا خواهید جنگید. من تصورم از شما این بوده که ۵۰ کیلومتر می‌توانید جلو بروید، و لیکن در طلائیه (عملیات خیبر) ۱۳ کیلومتر بیشتر جلو نرفتید... اگر کسی نظرش این است که نمی‌شود بجنگیم حالا باید تصمیم گرفت. زمان امروز برای ما بسیار مهم است چون دنیا پیروزی مطلق ما را نمی‌پذیرد، لذا به مرور بر ما فشار می‌آورد.درباره صلح، نظر امام مطرح است و ایشان می گویند بدون جنگ صلح امکان ندارد و اگر ما هم نتوانیم بجنگیم

[امام] به مردم می گویند بروید بجنگید.» [۲۷۰] .
به هر صورت، اجرای عملیات در منطقه شمال فاو با امکانات موجود امکان‌پذیر نبود و نوعی اتفاق‌نظر در مخالفت با عملیات در این منطقه وجود داشت و به این ترتیب اجرای این عملیات منتفی شد و بعدها به «عملیات والفجر ۸ انجام نشده» موسوم گردید.
از سوی دیگر، عملیات در منطقه‌ای دیگر با برآورد صحیح و پس از تأمین نیازمندی‌ها، نیاز به زمان داشت و در نیمه نخست سال ۱۳۶۳، اجرای آن عملی نبود.

[صفحه ۹۴]

در واقع سرنوشت عملیات خیبر به دلیل عدم تطابق بین ابتکار و امکانات مورد نیاز، موجب نرسیدن به نتیجه مطلوب و ظهور نوعی سرگردانی شد. پیدایش وضعیت جدید دو نتیجه آشکار در پی داشت؛ نخست عدم ابتکار عمل و بازگشت به وضعیت قبل از عملیات خیبر و دیگری نبود امکانات لازم برای اجرای عملیات فراهم نشد. در این جلسات برای نخستین بار فرمانده عالی جنگ در برابر توضیحاتی که فرماندهان و طراحان عملیات درباره مشکلات و نیازمندی‌های پشتیبانی برای اجرای عملیات بیان کردند، به مسائلی اشاره نمود که تا اندازه‌ای سؤال‌برانگیز بود. در واقع با توجه به مجموع مسائلی که بیان شد برای نخستین بار مشکلات ادامه جنگ و تردیدهای موجود در این زمینه به نحو تعجب‌آمیزی اظهار شد. [۲۷۱] .
سفر گنشر وزیر خارجه وقت آلمان به ایران در مرداد ۱۳۶۳ به عنوان سفر اولین وزیر خارجه کشورهای اروپایی به ایران، بسیار حائز اهمیت بود. وی در ایران مذاکراتی با مسئولان و مقامات سیاسی و اقتصادی انجام داد و پس از بازگشت به آلمان اعلام کرد آنچه که در اروپا درباره ایران تصور می‌شود با واقعیات موجود در ایران تفاوت زیادی دارد.
متعاقب سفر گنشر و بحث و بررسی‌هایی که پیرامون آن انجام گرفت، برای نخستین بار بحث‌هایی جدید در رسانه‌های غربی درباره جناح‌بندی‌های سیاسی داخل کشور و نظریات مختلفی که در میان جناح‌ها درباره مسائل سیاسی و اقتصادی و به ویژه جنگ و ادامه آن وجود دارد، اشاره شد. در همین روند، وزیر خارجه ژاپن در دیدار با طارق عزیز با اشاره به اندیشه‌های

[صفحه ۹۵]

متفاوتی که در ایران درباره جنگ وجود دارد، به وی گفت:
«در ایران دو گروه سرسخت و میانه‌رو و با دو عقیده مختلف وجود دارد. دسته دوم که امیدوار است جنگ از راه‌های صلح‌آمیز پایان یابد، برای برقراری صلح به ژاپن و کشورهای غربی نزدیک شده است و ژاپن فکر می کند تشویق گروه میانه‌رو در ایران می‌تواند به پایان یافتن جنگ منتهی شود.» [۲۷۲] .
بنابر تحلیل‌هایی که منتشر می‌شد چنین به نظر می‌رسید که از یک سو به موازات افزایش فشارها و از سوی دیگر، دست نیافتن به پیروزی قطعی و تعیین‌کننده و مشکلاتی که برای ادامه جنگ وجود داشت، به تدریج گرایش‌های جدید در نگرش به جنگ و سیاست خارجی در حال به وجود آمدن است و بازتاب آن در خارج از کشور، دسته‌بندی این گرایش‌ها به راست و چپ و میانه بود.
با پیدایش وضعیت جدید سیاسی، نظامی و اقتصادی و افزایش فشار به ایران برای خاتمه دادن به جنگ و نظریات متفاوتی که درباره نحوه ادامه جنگ و ضرورت تنظیم سیاست خارجی مناسب وجود داشت، همچنان این سؤال همانند گذشته به قوت خود

باقی بود که:

«ایران چه راه‌حل‌هایی برای رهایی از بن‌بست جنگ و فشارهای سیاسی و اقتصادی فراروی خود دارد؟»

[صفحه ۱۰۰]

گسترش جنگ

جنگ در سال پنجم

شهریور ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴

عراق پنجمین سال جنگ را در وضعیتی آغاز کرد که پیش از آن سالانه نیمی از تولید ناخالص داخلی خود را، یعنی حدود ۱۴ میلیارد دلار، صرف خرید جنگ‌افزار کرده بود. [۲۷۳] در همین سال ۶۰ درصد از کل درآمد نفتی عراق به خرید جنگ‌افزار و تکنولوژی ساخت سلاح اختصاص یافت. [۲۷۴] اعتبارات و سلاح‌های ارسالی امریکا، شوروی، فرانسه، آلمان و انگلیس، و همچنین فروش بخشی از نفت صادراتی کویت و عربستان برای عراق، در مجموع وضعیتی را فراهم ساخت که بنابر گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا، تعادل نظامی را به سود عراق تغییر داد. [۲۷۵] در حالی که بر اثر تحریم فروش سلاح به ایران، جمهوری اسلامی هیچ گونه تجهیزات مهم نظامی دریافت نکرده بود. [۲۷۶] [۲۷۷] برخی ارزیابی‌ها حاکی از آن بود که عراق با دریافت تجهیزات جدید [۲۷۸] از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار شده است و

[صفحه ۱۰۱]

به خوبی در برابر حملات مکرر ایران مقاومت می‌کند. [۲۷۹] در عین حال، بنابر همین ارزیابی‌ها عراق فاقد استراتژی دقیق و روشن بود و به نظر می‌رسید روحیه سربازان عراقی نیز شکننده است. [۲۸۰] متقابلا مهم‌ترین ضعف عمده ایران کمبود تجهیزات و قطعات یدکی در زمینه‌های مختلف ارزیابی می‌شد. [۲۸۱] .

وضعیت نظامی ایران و عراق به نحوی آشکار بر استراتژی دو کشور سایه افکنده بود. عراق در حالی که در اندیشه حفظ منابع انسانی محدود خود بود، تلاش می‌کرد ضمن حفظ مواضع دفاعی خود، از راه‌های بین‌المللی بر ایران فشار وارد کند تا شرایط خود را به ایران تحمیل نماید. عراق برای متقاعد ساختن جامعه بین‌الملل جهت وارد کردن فشار سیاسی و اقتصادی بر ایران، به دنبال «گسترش دامنه جنگ» بود. [۲۸۲] در گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا در این زمینه آمده است:

«هدف اصلی ارتش عراق پایان دادن فوری به جنگ است که این خود به معنای ایستادگی در برابر حملات زمینی ایران، دامن زدن به جنگ نفتکش‌ها برای کاستن از برتری اقتصادی ایران و احتمال حمله به جزیره خارک می‌باشد.» [۲۸۳] .

جمهوری اسلامی متقابلا به دلیل محدودیت‌هایی که در تأمین تجهیزات و تکنولوژی مورد نیاز خود داشت، همچنان متکی بر نیروی داوطلب بود. عناصر اصلی استراتژی ایران، مقاومت در برابر فشارها و تأکید بر خواسته‌های برحق [۲۸۴] خود با ادامه تهاجم مکرر به عراق و سیاست مقابله به مثل در برابر حملات عراق به نفتکش‌ها بود. به موازات تشدید فشار به ایران و مشکلات موجود برای دستیابی به نیازمندی‌های نظامی و کسب پیروزی در صحنه جنگ، برخلاف گذشته تحرکات دیپلماتیک نیز مورد توجه قرار گرفت.

کمیته روابط خارجی سنای امریکا مواضع ایران را در این دوره چنین ارزیابی می‌کند:

[صفحه ۱۰۲]

«ایرانی‌ها معتقدند که آنها هستند که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و استحقاق مجازات متجاوز را دارند. تا همین اواخر به نظر نمی‌رسید که هیچ کس در ایران به چیزی کمتر از یک پیروزی قاطع نظامی فکر کند، اما در چند ماهه‌ی اخیر بعضی از اعضای رهبری ایران درباره ادامه جنگ دچار تردید شده‌اند.» [۲۸۵] .
در عین حال پافشاری ایران بر تأمین اهداف خود، علی‌رغم برتری قابل توجه عراق، موجب گردید که به این موضوع توجه شود که «نباید احتمال یک پیشرفت غیرمنتظره از سوی ایران را نادیده گرفت.» [۲۸۶] برخی از ناظران سیاسی در مصاحبه با هیئت اعزامی کمیته روابط خارجی سنای امریکا به منطقه، معتقد بودند که حمله برق‌آسای ایران قادر است این وضع را تغییر دهد. [۲۸۷] .
«گسترش دامنه جنگ» با توجه به تشدید جنگ نفتکش‌ها به وسیله عراق در سال ۱۳۶۳ و مقابله به مثل ایران و توانایی احتمالی جمهوری اسلامی برای مسدود کردن تنگه هرمز، [۲۸۸] مداخله غرب را ضروری می‌کرد و این مسئله به منزله ایجاد فرصت‌های جدید برای شوروی در ایران و منطقه ارزیابی می‌شد. [۲۸۹] به همین دلیل امریکایی‌ها بر تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان بخشیدن به جنگ تأکید داشتند. [۲۹۰] [۲۹۱] .
«پیروزی ایران» به دلیل پیدایش فرصت‌های جدید برای صدور انقلاب، موجب نگرانی شدید امریکا و غرب بود. در واقع ظرفیت انقلابی ایران برای تحمل فشارها و ایجاد فرصت‌های استثنایی و بهره‌برداری از آن، نقطه ثقل پیش‌بینی تغییر احتمالی اوضاع در جنگ ارزیابی می‌شد. برای همین علی‌رغم تقویت و حمایت همه‌جانبه از عراق، همچنان پیروزی ایران محتمل و با نگرانی دنبال می‌شد.
در ۲۵ مهر ۱۳۶۳ عملیات میمک (عاشورا) روی ارتفاعات میمک با هدف

[صفحه ۱۰۳]

آزادسازی قسمتی از اراضی اشغالی انجام شد. [۲۹۲] این عملیات صرف‌نظر از نتایج آن، نشان‌دهنده‌ی استقامت ایران در برابر فشارهای عراق، با وجود حملات این کشور به جزیره خارک بود. عراق در این عملیات همانند عملیات خیبر، با تعداد معتنابهی گلوله‌های حاوی گازهای شیمیایی منطقه را گلوله‌باران کرد. [۲۹۳] .
با فرارسیدن زمستان و احتمال اجرای عملیات جمهوری اسلامی - که در منطقه جنوب در موقعیت مناسب فصلی انجام می‌گرفت - زمزمه‌های تازه‌ای مبنی بر احتمال گسترش حملات عراق به نفتکش‌ها و حمله به شهرها و اماکن غیرنظامی آغاز شد. وزیر اطلاعات عراق طی مصاحبه‌هایی در آبان ۱۳۶۳ رسما اعلام کرد عراق اماکن غیرنظامی [۲۹۴] را هدف حمله قرار خواهد داد. [۲۹۵] یک افسر عالی‌رتبه عراق نیز اعلام کرد عراق سلاح‌های جدید دریافت کرده است تا به اهداف موردنظر در عمق خاک ایران حمله کند. [۲۹۶] .
این تهدیدات که بعدها تحقق یافت در عین حال که به منزله‌ی تشدید فشار به ایران و در نتیجه گسترش دامنه جنگ بود، نشان‌دهنده‌ی ناکامی استراتژی عراق در مراحل پیشین نیز بود.
بنابراین اگر قصد عراق از ایجاد زیرساخت تولید گازهای شیمیایی مقابله با حضور گسترده نیروهای داوطلب بود و حمله به نفتکش‌ها برای «محروم کردن ایران از درآمد ارزی» انجام می‌گرفت، «حمله به اماکن غیرنظامی» با موشک‌های دور برد و افزایش

حملات هوایی با هدف «فشار روانی – اجتماعی» مستقیم روی مردم و غیرمستقیم بر مسئولان و تصمیم گیرندگان برای فراهم‌سازی زمینه‌های پایان دادن به جنگ بود. [۲۹۷] سخنان صدام در این

[صفحه ۱۰۴]

باره تا اندازه‌ای اهداف رژیم عراق را آشکار می‌سازد:

«ما دو راه بیشتر نداریم یا مصالحه و یا اینکه برای حل مسئله جنگ باید شهرهای ایران را بزنیم.» [۲۹۸] .

متعاقب انفجار اولین راکت هواپیماهای عراقی در تهران که کاملا دور از انتظار بود و نگرانی‌های بسیاری را به وجود آورد، برخی تحلیل گران هدف عراق از این اقدام را وادار ساختن ایران برای دست زدن به یک حمله زمینی زودرس ذکر کردند. [۲۹۹] رادیو امریکا نیز به نقل از دیپلمات‌های مقیم تهران بر همین تحلیل تأکید کرد. [۳۰۰] لطیف جاسم وزیر وقت اطلاعات عراق هم با اشاره به برخورداری عراق از ۴۰۰ جنگنده و بمب‌افکن اعلام کرد که هدف عراق از تهاجم به مردم بی‌دفاع در شهرها، مجبور ساختن ایران به مذاکره و پایان دادن به جنگ می‌باشد. [۳۰۱] .

اقدام تلافی‌جویانه ایران در برابر عراق، طی این دوره، به شلیک ۱۳ موشک زمین به زمین اسکاد به شهرهای کرکوک و بغداد انجامید که یگان موشکی سپاه پاسداران اجرای این عملیات را به عهده داشت. اولین موشک ایران ساعت ۲۰ / ۳ بامداد پنج شنبه ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۳ به بانک رافدین در بغداد اصابت کرد. شگفتی ناظران از این واقعه و تکذیب عراق نشان‌دهنده اهمیت و تأیید حملات موشکی ایران به بغداد بود. [۳۰۲] عراقی‌ها پس از وقوع چهار انفجار در بغداد، همچنان اصابت موشک به بغداد را تکذیب می‌کردند و انفجار را حاصل اقداماتی خرابکارانه [۳۰۳] اعلام می‌کردند. حتی سخنگوی وزارت خارجه امریکا نیز گفت: چنین برداشت می‌کنیم که انفجار بغداد یک انفجار داخلی بوده است! [۳۰۴] .

[صفحه ۱۰۵]

وقوع انفجارهای پی‌درپی در بغداد و سردرگمی مقامات عراق، اوضاع را در این شهر دستخوش تغییر کرد و دیپلمات‌های غربی روزها از تردد در شهر اجتناب می‌کردند و شب‌ها نیز در هراس و نگرانی به سر می‌بردند. این حملات چند ماه ادامه یافت و در مجموع دو اقدام ایران اهداف عراق را عقیم کرد. نخست آنکه حملات موشکی ایران به بغداد و آمادگی نداشتن عراق برای رویارویی با این واقعه، وضعیت ناهنجاری را برای عراقی‌ها در شهر بغداد به وجود آورد. عراقی‌ها تصور نمی‌کردند ایران از توانایی لازم برای حمله موشکی به بغداد برخوردار باشد به همین دلیل کاملا غافلگیر شدند. در ثانی، سپاه پاسداران سیستم موشکی سام ۲ (زمین به هوا) را به سرعت فعال کرد و به این ترتیب دفاع از تهران در برابر حملات هواپیماهای عراقی تقویت شد.

فشار روانی حاصله از این وضعیت، اوضاع را به زیان عراق به چرخش درآورد. علاوه بر این، آغاز عملیات بدر در تاریخ ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۳ در منطقه هورالهویزه، [۳۰۵] عراق را در وضعیت دشواری قرار داد. بدین معنا که از یک سو باید در خطوط مرزی به مقابله با تهاجم قوای نظامی ایران می‌پرداخت و از سوی دیگر مشکلات روحی – روانی مردم و غربی‌ها را در بغداد برطرف می‌ساخت.

انتخاب منطقه هور برای اجرای عملیات بدر صرف‌نظر از نتایج آن، با دشواری‌های زیادی همراه بود. در حدفاصل عملیات خیبر (اسفند ۱۳۶۲) تا عملیات بدر تلاش‌های بسیاری برای انتخاب منطقه عملیاتی انجام گرفت، لیکن هیچ یک به نتیجه مطلوب نرسید. در این زمینه فرمانده کل سپاه می‌گوید:

«ما در ادامه جنگ با عراق منطقه‌ای را پیدا کرده‌ایم که دارای یک رشته نقاط ضعف و یک رشته نقاط قوت است. اگر ما برویم جایی دیگر که نقاط ضعف برای ما بیشتر است و نقاط قوت برای دشمن بیشتر، سرنوشت جنگ به صورت دیگری خواهد بود. اگر نیروی زرهی داشتیم، امکانات داشتیم و آتش داشتیم، می‌توانستیم در دشت‌های عریض و عمیق مانور بکنیم.» [۳۰۶] .

در واقع محدودیت‌های موجود در زمینه امکانات زرهی، آتش و پدافند هوایی مانع از اجرای مانور در دشت‌های عریض و عمیق بود. ضمن اینکه فشار

[صفحه ۱۰۶]

روی سپاه برای اجرای عملیات گسترده با تضمین پیروزی بیش از گذشته، افزایش یافته بود. [۳۰۷] بنابراین انتخاب منطقه هور برای اجرای عملیات بدر اساسا به این دلیل بود که «باید می‌جنگیدیم» و اگر متوقف می‌شدیم، کلاف سردرگم بن‌بست جنگ پیچیده‌تر می‌شد. [۳۰۸] ضمن اینکه از یک سال گذشته به موازات افزایش فشارها و دشواری‌های موجود برای دستیابی به پیروزی نظامی، برخی سپاه را - که میداندار جنگ بود - تشویق و ترغیب می‌کردند که رسما به امام اعلام کند «نمی‌توانیم بجنگیم» برادر رضایی در این زمینه می‌گوید:

«بعضا از ما خواسته می‌شد که اگر توانایی جنگ را نداریم، برویم به امام بگوییم که نمی‌توانیم بجنگیم. این ایده‌آل و آرزوی کسانی بود که احساس می‌کردند واقعا نمی‌شود جنگید. این تفکر از کجا حاصل شده بود؟ از اینکه احساس ناتوانی در جنگ می‌شد. پس ما باید به هر قیمتی شده می‌جنگیدیم. توقف در جنگ فرورفتن در یک منجلاب را به دنبال داشت.» [۳۰۹] .

علاوه بر این، عامل دومی که در انتخاب هور نقش داشت، وضعیت زمین هور برای جنگ بود. در واقع با انتخاب هور معضل برابری توان نیروهای خودی و دشمن با عامل موقعیت و وضعیت زمین، تا حدودی حل می‌شد. ضمن اینکه امکان گسترش عملیات با پیشروی در هور، در غرب رودخانه دجله و شمال غربی بصره و تهدید این شهر وجود داشت. [۳۱۰] .

عملیات بدر در موقعیتی بسیار دشوار و با امیدواری زیاد آغاز شد [۳۱۱] لیکن به دلیل هوشیاری و اطلاع دشمن از تاکتیک ایران برای اجرای عملیات در هور و همچنین آمادگی‌هایی که دشمن طی یک سال گذشته (پس از عملیات خیبر) به دست آورده بود و مهم‌تر از همه کاستی‌های خودی در زمینه پدافند هوایی و آتش توپخانه، با وجود پیشروی شجاعانه رزمندگان در مواضع

[صفحه ۱۰۷]

دشمن و حضور در غرب رودخانه‌ی دجله، رزمندگان سرانجام پس از یک هفته نبرد، از بخش اعظم مناطق تصرف شده، عقب‌نشینی کردند.

عملیات بدر، تکامل یافته‌ی عملیات خیبر بود [۳۱۲] لیکن به دلیل شکاف موجود بین خلاقیت و ابتکار عمل طراحان، فرماندهان و رزمندگان از یک سو و از سوی دیگر مقدورات و امکانات موردنیاز برای تحقق آن، زحمات یک ساله آنها به نتایج مطلوب نرسید. یکی از نشریات چاپ لندن در این زمینه نوشت:

«ایرانی‌ها با کارایی بسیار نیروهای خویش را به هنگام رسیدن به اراضی خشک استحکام بخشیدند، اما آنها نتوانستند مواضع خویش را حفظ کنند چون از پشتیبانی تدارکاتی، تسلیحاتی و یا پوشش هوایی کافی برای مقابله با ضدحمله عراق برخوردار نبودند. آنها از دو سال پیش نظیر این مواضع را داشته‌اند ولی نتوانسته‌اند آنها را حفظ کنند. نبرد اخیر مقدورات و محدودیت‌های هر دو طرف را

به خوبی نشان می‌دهد. عراق از جنگ‌افزارهای بسیاری برخوردار بوده و یک نیروی هوایی عظیم دارد و...» [۳۱۳] .
در واقع اجرای عملیات در هور و درهم شکستن خطوط دفاعی عراق - که به حیرت عراقی‌ها منجر شد - یکی از مشکل‌ترین و خطرناک‌ترین عملیات رزمی [۳۱۴] و حاصل ابتکار عمل و خلاقیت قوای نظامی ایران بود زیرا بدون برخورداری از این ویژگی، عبور از خطوط دفاعی و استحکامات عراق امکان‌پذیر نبود. [۳۱۵] اما لازمه‌ی حفظ مواضع تصرف شده، برخورداری از تجهیزات دفاعی مناسب بود. [۳۱۶] کاستی‌ها و نقایص خودی در این زمینه و متقابلاً- برتری قابل توجه عراق سبب می‌شد پس از اجرای پرحجم آتش توپخانه و فشار

[صفحه ۱۰۸]

هواپیماهای عراقی همراه با به کارگیری گازهای شیمیایی، حفظ مواضع تصرف شده با دشواری مواجه گردد و نیروهای خودی به ناچار به مواضع اولیه مراجعت نمایند. [۳۱۷] استفاده‌ی عراق از سلاح‌های شیمیایی با عملیات خیبر به صورت گسترده آغاز شد و همچنان ادامه یافت. بی‌توجهی محافل بین‌المللی درباره نقض قوانین منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی، به دلیل تمایلات موجود برای حمایت از عراق با هدف غلبه این کشور بر ایران، وضعیت تحمل‌ناپذیری را به وجود آورد. در واقع تلفات ناشی از به کارگیری این سلاح‌ها و تأثیرات روانی آن، قدرت دفاعی ایران را تحت‌تأثیر قرار داده بود. عراق با درکی که از این مسئله داشت در عملیات بدر بیش از گذشته از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد. برابر آمار موجود تنها در طول ۵ روز (از ۲۲ تا ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۳) عراقی‌ها بیش از ۳۰ بار انواع سلاح شیمیایی را استفاده کردند. [۳۱۸] برخی از منابع نظامی فاش ساختند که عراقی‌ها در کارخانه‌ای در حدود ۱۰ کیلومتری جاده سامرا - بغداد در حال تولید سلاح شیمیایی می‌باشند و همزمان با اوج‌گیری عملیات بدر، دستور دو برابر کردن تولیدات کارخانه را که گازهای خردل و تابون تولید می‌کند، [۳۱۹] صادر کرده‌اند. [۳۲۰] .
ابعاد گسترده ناشی از استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، به تدریج توجه افکار عمومی را به خود معطوف کرد. سخنگوی وزارت خارجه امریکا رسما

[صفحه ۱۰۹]

اعلام کرد در بررسی مقدماتی متقاعد شده‌ایم که عراق از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده است! [۳۲۱] دبیر کل سازمان ملل (خاویر پرز دکوئیار) نیز پس از دیدار با نمایندگان ایران و عراق، استفاده از سلاح‌های شیمیایی را محکوم کرد. [۳۲۲] در وضعیت جدید سرانجام شورای امنیت طی بیانیه‌ای و با اجتناب از صدور قطعنامه، در ۲۵ آوریل ۱۹۸۵ کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق را محکوم ساخت. [۳۲۳] کشورهای اروپایی نیز استفاده از این سلاح‌ها را محکوم کردند. سه روز بعد در ۲۸ آوریل ۱۹۸۵ عراق طی یادداشتی به سازمان ملل درباره صدور بیانیه اعتراض کرد و طارق عزیز وزیر خارجه وقت عراق در مصاحبه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد:
«عراق برای دفاع از خاک خود هرگونه سلاحی را که در اختیار دارد به کار خواهد گرفت!» [۳۲۴] .
برخی از تحلیل‌گران بیانیه اخیر شورای امنیت را به منزله تشویق و ترغیب ایران برای گفت‌وگو درباره‌ی مذاکرات صلح در سازمان ملل، ارزیابی کردند.
تداوم جنگ در سال ۱۳۶۴ نشان‌دهنده‌ی ناکامی استراتژی عراق برای از پا درآوردن ایران بود. صرف‌نظر از مقاومت ایران در برابر

فشارهای رو به گسترش عراق و تأثیر آن بر عقیم گذاشتن اهداف این کشور، بنابر ارزیابی تحلیل گران نظامی، عراق علی‌رغم برتری بسیاری که در زمینه تجهیزات نظامی به دست آورده بود، همچنان دچار ضعف و کاستی بود. در کاربرد این تجهیزات و نتیجه گیری از عملیات بدر، برخی از منابع غربی ناتوانی عراق در هدف گیری دقیق در حملات هوایی به تهران و به نفتکش‌ها را به ضعف تاکتیکی خلبانان عراقی نسبت دادند. [۳۲۵] آنتونی کردزمن معتقد است: «عراق فاقد ترکیب هواپیما و موشک‌های زیاد با شعاع عمل گسترده هوایی و قدرت حمل سلاح برای انجام حملات هوایی پرحجم علیه مردم ایران بوده است. ضمن اینکه عراق نتوانست حملات خود را دقیقا بر اهداف آسیب‌پذیر اقتصادی چون نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های نفتی متمرکز سازد.» [۳۲۶] وی بر این باور است که «این ضعف و ناتوانی در رسیدن به اهداف استراتژیک، از فقدان

[صفحه ۱۱۰]

تکنولوژی ریشه می گرفت. علاوه بر این، عراق از سازمان نظامی و فرماندهی مناسب برخوردار نبود. به همین دلیل حملات عراق همواره نتایج استراتژیک و سیاسی عمده‌ای به دست نداد.» [۳۲۷] .

با فرارسیدن تابستان ۱۳۶۴ در حالی که تهدیدات عراق برای حمله مجدد به شهرها و اماکن غیرنظامی ادامه داشت، لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق طی مصاحبه‌ای تهدید کرد که عراق حملات خود علیه کشتیرانی در خلیج فارس را تشدید خواهد کر تا بدین وسیله ایران را وادار به نشستن بر سر میز مذاکره کند. [۳۲۸] وزیر نفت عراق نیز پیش از این اعلام کرده بود عراق به نفتکش‌هایی که به بنادر ایران نزدیک شوند حمله خواهد کرد زیرا این بنادر شاهرگ اقتصاد ایران که ماشین جنگی این کشور را تغذیه می کند، می‌باشند. [۳۲۹] .

به نظر می‌رسید عراق پس از عملیات بدر در مرحله جدیدی از حملات خود، به تأسیسات نفتی جزیره خارک که محل صدور نفت ایران بود، حمله خواهد کرد. این اقدام عراق به منزله بنیان نهادن گسترش دامنه جنگ ارزیابی شد. [۳۳۰] آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ و رئیس وقت مجلس شورای اسلامی با درکی که درباره اهداف عراق داشت، گفت:

«آنها می‌خواهند ما را از خارک محروم کنند تا نتوانیم نفت صادر کنیم، ولی ما می‌توانیم در مقابل هر کشتی یک کشتی از آنها را بزنیم و مسئولیت هیچ کدام را به عهده نمی گیریم و به فرض اینکه به عراق امکاناتی بدهند که هیچ کشتی‌ای نتواند نفت ما را ببرد، ما تنگه‌ی هرمز را به راحتی می‌بندیم.» [۳۳۱] .

عراق سرانجام در ۲۴ مرداد ۱۳۶۴ به پایانه‌های نفتی ایران در خارک حمله کرد. گزارش های اولیه حاکی از انهدام پایانه‌های T و H در دو سوی جزیره بود. بنابر گزارش‌های موجود، عراق در حمله به خارک از موشک‌های پیشرفته فرانسوی «آرما» استفاده کرد [۳۳۲] که قادر به ردیابی رادار بودند. [۳۳۳] این

[صفحه ۱۱۱]

اقدام عراق مشکلات جدیدی را برای صدور نفت ایران به وجود آورد.

همزمان با حملات عراق به پایانه‌های نفت ایران در جزیره خارک، حملات هوایی عراق علیه مردم غیرنظامی در شهرها (مرحله دوم آن از خرداد ۱۳۶۴ آغاز شد) ادامه داشت. آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ وضعیت دشوار ایران را چنین ترسیم می کند:

«ما الآن وضع امکانات و درآمدمان نمی کشد، به سختی خودمان را تجهیز و یا کالایی را فراهم می کنیم. از نظر نظامی و امکانات

مربوطه مشکلات داریم. الآن فشار اقتصادی می‌آورند و نفت ما را نمی‌خرند. الآن ما در وضع ضعیفی حرکت می‌کنیم و ظرف این دو ماه قدرت خرید ما مقدار زیادی پایین آمده، امکان فروش نفت در آن سطحی که می‌خواهیم نیست. اینها در طول زمان برای کشور مشکل است.» [۳۳۴] .

هر اقدام نظامی ایران به طور طبیعی نتایجی را در بهبود وضعیت سیاسی – نظامی داشت، لیکن عدم دستیابی به پیروزی، عملا به تقویت موقعیت عراق می‌انجامید و به منزله اثبات توانایی این کشور برای دفاع در برابر تهاجمات ایران ارزیابی می‌شد. فرمانده عالی جنگ در همین زمینه می‌گوید:

«تا یک ضربه می‌زنیم شرایطمان بهتر می‌شود، اما رکود که پیدا می‌کند وضع کم‌کم بدتر می‌شود.» [۳۳۵] .

در فضای ناشی از تشدید فشارها تدریجا این سؤال مطرح می‌شد که «چه می‌خواهید بکنید؟» [۳۳۶] امام خمینی برای رفع هرگونه تردید درباره ادامه جنگ، در ملاقات با مسئولان، بر «ادامه جنگ به صورت قاطع» تأکید کردند و چنین نقل شده است که ایشان فرموده‌اند:

«حتی اگر یک خانه سالم مانده باشد و یک نفر در این مملکت زنده مانده باشد، این جنگ را ادامه خواهیم داد.» [۳۳۷] .

براساس ضرورت‌های یاد شده، بلافاصله پس از عملیات بدر، فرماندهان ارتش با مسئولیت فرمانده وقت نیروی زمینی ارتش، عملیات کمیل را در منطقه هور طرح‌ریزی و آماده کردند. در این عملیات برادران ارتش قصد داشتند که از محور ضلع شرقی جزیره جنوبی تا نشوه و از آنجا با گسترش به

[صفحه ۱۱۲]

طرف شرق تا طلائیه و سپس کوشک پیشروی کنند. هدف نهایی این عملیات رسیدن به نزدیکی بصره از طریق غرب کانال ماهیگیری بود. [۳۳۸] .

در این عملیات قرار بود یگان‌های سپاه تحت امر ارتش قرار گیرد و فرمانده سپاه نیز به عنوان معاون عملیات باشد. تأید بر شیوه‌ای مغایر با تجارب گذشته‌ی جنگ، تحت عنوان اصول کلاسیک و تأکید بر تدبیر فرماندهی به جای بحث و بررسی که پیش از این انجام می‌شد و سایر موارد، مشکلاتی را ایجاد کرده بود. نظر به اهمیت اجرای این عملیات، برادر رضایی به فرماندهان یگان‌های سپاه چنین نوشت:

«با برادر صیاد شیرازی که از طرف اینجانب هم مسئولیت دارد، مسائلتان را در میان بگذارید؛ هر تصمیمی ایشان بگیرد، واجب‌الاطاعه است و چون این عملیات مورد تصویب مسئولان بوده و به اطلاع شخص امام نیز رسیده است، لذا به برادران بگویید آبروی اسلام و سپاه و رزمندگان به عمل شما بستگی دارد.» [۳۳۹] .

با وجود محاسن بسیاری که برای اجرای عملیات کمیل به صورت ذهنی برشمرده می‌شد [۳۴۰] و علی‌رغم اینکه یگان‌های خطشکن سپاه برای نخستین بار به این شکل تحت امر ارتش قرار می‌گرفتند، به علل مشکلاتی که در طرح‌ریزی عملیات وجود داشت، پس از تعویق‌های مکرر (و سرانجام تعویق از فروردین به اردیبهشت)، در نهایت به دلیل عدم انطباق راه‌کارها با واقعیات، اجرای آن منتفی شد. [۳۴۱] .

سرانجام عملیات کمیل بسیار قابل توجه بود. پیش از این بسیاری از مسئولان و تصمیم‌گیرندگان جنگ تصور می‌کردند که با واگذاری مسئولیت جنگ به ارتش و قرار دادن یگان‌های سپاه تحت کنترل ارتش، مسائل و مشکلات جنگ حل خواهد شد؛ به همین دلیل علی‌رغم آنکه ضعف‌ها و کاستی‌های طرح‌ریزی در عملیات کمیل مرتبا به فرمانده عالی جنگ اطلاع داده می‌شد، لیکن

چندان به آن توجه نشد.

با پیدایش وضعیت جدید در صحنه جنگ و ملاحظات سیاسی – اقتصادی که به وجود آمده بود، ضرورت اجرای عملیات مطرح گردید. سپاه و ارتش

[صفحه ۱۱۳]

طرح‌های پیشنهادی خود را ارائه کردند. برادران ارتش پس از آنکه عملیات کمیل انجام نشد، مناطق مختلفی مانند کوشک و شلمچه در جنوب و سیدکان در غرب را پیشنهاد کردند. [۳۴۲] [۳۴۳] سپاه براساس درکی که از روند تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر داشت، مشکل اساسی جنگ را در استراتژی و میزان اختصاص منابع و امکانات کشور، برای جنگ ارزیابی می‌کرد. در چارچوب این تحلیل، شکست در عملیات بدر به منزله شکست در «استراتژی حرکت محدود و شتاب‌زده» تعبیر می‌شد. مشخصه‌ی این استراتژی [۳۴۴] کسب پیروزی با یک عملیات، بدون برخورداری از برنامه درازمدت و در نظر گرفتن افزایش توان، گسترش سازمان رزم و محاسبه حرکت‌های احتمالی دشمن بود. [۳۴۵] .

فرمانده کل سپاه بر پایه این ملاحظات با فراخوانی فرماندهان مناطق پنجگانه سپاه، قرارگاه‌ها و برخی یگان‌ها به تهران، از آنها خواست صرف‌نظر از وضعیت موجود، طرح‌ها و نظریات خود را برای ادامه جنگ پیشنهاد کنند، تا به شورای عالی دفاع ارائه شود. [۳۴۶] .

به موازات اقدامات مذکور، توجه به تحرکات دیپلماتیک که از تابستان ۱۳۶۳ با سفر گنشر وزیر خارجه وقت آلمان به ایران آغاز شده بود با سفر آقای هاشمی به کشورهای سوریه، لیبی، چین و ژاپن در تابستان ۱۳۶۴ ابعاد جدیدی به خود گرفت. طی این مدت بحث‌هایی در دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت خارجه در باب سیاست خارجی ایران تحت عنوان «سیاست درهای باز» انجام گرفت. در یکی از همین جلسات بر این مسئله تأکید شد

[صفحه ۱۱۴]

که باید «روابط با هر کشوری عادی شود مگر دلیل خاصی آن را محدود کند.» [۳۴۷] همچنین بیان شد که «لازمه دیپلماسی ارتباط است. اگر ما نباشیم در غیاب ما سرنوشت ما رقم زده می‌شود. ولی اگر باشیم به قدر لیاقت و کارمان در تعیین سرنوشتمان دخالت خواهیم داشت.» [۳۴۸] .

وزیر خارجه ایران نیز در مجلس شورای اسلامی در پاسخ به سؤال نمایندگان مجلس درباره سیاست خارجی ایران بر همین مسئله تأکید کرد.

صرف‌نظر از کلیه ملاحظات، به نظر می‌رسد ارزیابی جدید درباره قدرت رو به افزایش عراق [۳۴۹] و مشکلات و دشواری‌های ایران برای دستیابی به پیروزی، نقش بسیاری در ساماندهی مجدد سیاست خارجی ایران داشت. بنابر ارزیابی‌های موجود ارکان قدرت عراق بر سه عامل: «کمک‌های تسلیحاتی فرانسه، حمایت‌های مالی ارتجاع عرب در منطقه و همکاری تسلیحاتی شوروی با عراق» استوار بود. جمهوری اسلامی برای خنثی کردن و تضعیف این عوامل اقدامات جدیدی را شروع کرد. از جمله روابط جدید با فرانسه آغاز شد. این تماس‌ها گرچه تأثیری بر کاهش حمایت فرانسه از عراق نداشت ولی فضای جدیدی را برای تحرکات دیپلماتیک ایران و تماس با اروپا فراهم کرد. توماس مک تاور (کارشناس نظامی) با توجه به روابط سیاسی – اقتصادی ایران با

آلمان، فرانسه، بریتانیا و ژاپن، گفت: «به هر صورت این روابط علامت مثبتی است که می‌تواند در آینده به تحولی مثبت‌تر منجر شود.» [۳۵۰] همچنین گفت‌وگو با روس‌ها به ویژه پس از روی کار آمدن گورباچف، موقعیت جدیدی

[صفحه ۱۱۵]

را برای ایران فراهم ساخت که به هنگام حمله عراق به تهران، آثار آن با حملات موشکی ایران به بغداد آشکار شد. ضمن اینکه روس‌ها از تحویل موشک به عراق اجتناب کردند و برای حل مسئله افغانستان انتظارات خود را از ایران بیان داشتند. گرومیگو وزیر خارجه وقت شوروی حتی در اردیبهشت ۱۳۶۴ آمادگی شوروی برای نظارت بر مذاکرات صلح میان ایران و عراق را اعلام کرد.
سفر سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان به ایران بخشی از نتایج شکل‌گیری روند جدید در سیاست خارجی ایران بود. همچنین ایران از بیانیه‌ی سازمان ملل مبنی بر محکومیت به کارگیری سلاح شیمیایی، در فروردین ۱۳۶۴، استقبال کرد که به گفته‌ی آقای هاشمی برای اولین بار سازمان ملل به واقعیت جنگ توجه نشان داد. اینها تماما آثار و نتایج همین روند بود که تدریجا آشکار می‌شد.
توجه جدیدی که در این مرحله به ایران شد به نظر می‌رسد متأثر از چند موضوع بود. نخست آنکه با نگرش درازمدت به روند جنگ و اوضاع منطقه، تقویت و تجهیز عراق در هر صورت منشأ پیدایش نوعی نگرانی درباره رفتارهای سیاسی و نظامی احتمالی عراق در آینده بود. ثانیا پیش‌بینی‌های موجود درباره از پای درآمدن ایران با واقعیات انطباق نداشت [۳۵۱] و جمهوری اسلامی همچنان برای اجرای عملیات‌های محدود و گسترده در جبهه‌های جنگ و اقدامات تلافی‌جویانه در برابر حملات عراق به نفتکش‌ها و اماکن غیرنظامی، از توانایی لازم برخوردار بود. ضمن اینکه همچنان احتمال وقوع حوادث غیرمترقبه و دستیابی ایران به پیروزی، قابل پیش‌بینی و موجب نگرانی بود. فراتر از این مسائل، بحث‌های جدیدی بود که چند تن از

[صفحه ۱۱۶]

نمایندگان در مجلس شورای اسلامی تحت عنوان مجمع عقلا درباره برقراری صلح انجام می‌دادند [۳۵۲] و در وزارت خارجه نیز بحث‌های دیگری با عنوان «سیاست درهای باز» در سیاست خارجی دنبال می‌شد. این رخدادها به پیدایش تحلیل‌هایی جدید در رسانه‌های خارجی درباره‌ی وجود گرایش‌های دوگانه در ایران در زمینه‌ی ادامه جنگ منجر شد. هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق امریکا و از طراحان و صاحب‌نظران سیاست خارجی آمریکا طی تحلیلی که در روزنامه واشنگتن پست در اسفند ۱۳۶۴ منتشر شد، نوشت:
«نفع امریکا در جلوگیری از سقوط دول مقتدر عرب است که آن هم مستلزم عقیم گذاشتن ایران است. اما از طرفی ایران ضعیف نیز به نفع شوروی خواهد بود. ایران محور طبیعی برای اهداف روسیه در پیشروی به سوی اقیانوس هند است.
غرب باید از شکست عراق جلوگیری کند، اما نه به نحوی که ایران از هم بپاشد. ایران یکپارچه که سیاست ملی معتدل را دنبال کند با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت. سیاست منزوی کردن ایران تا موقعی درست است که تهران توسط متعصب‌های توسعه‌طلب رهبری شود، لذا امریکا باید دروازه‌ها را به روی تهران نبندد، اگر یک جو واقعیت‌گرایی بر تهران حکمفرما شود. [۳۵۳] .
به عقیده من سیاست عاقلانه امریکا باید دو طریق را به موازات هم بپیماید. ایستادگی در برابر توسعه‌طلبی‌های ایرانی‌ها همگام با برقراری یک رابطه سازنده، آنگاه که واقعیت‌ها خودشان را نشان بدهند.» [۳۵۴] .

[صفحه ۱۱۷]

این نظریات کیسینجر علاوه بر اینکه مورد توجه و اشاره‌ی بسیاری از تحلیل گران قرار گرفت، به تدریج آثار خود را در سیاست خارجی امریکا نمایان ساخت.

در ادامه‌ی تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک، سفر آقای هاشمی به سوریه و حل معضل گروگان‌گیری هواپیمای امریکایی تی. دبلیو. ای (T.W.A) و سپس اظهارات ایشان در سفر به چین و ژاپن درباره ابعاد رابطه با امریکا بسیار مورد توجه قرار گرفت. برابر شواهد و قرائن موجود زمینه‌ی شکل گیری ماجرای موسوم به مک فارلین [۳۵۵] و برقراری رابطه پنهانی میان ایران و امریکا نیز از همین جا شروع شد.

مهم‌ترین رخداد جنگ در ماه پایانی پنجمین سال جنگ، صدور حکم امام خمینی به سپاه برای تشکیل سه نیروی هوایی، دریایی و زمینی بود. بنا به گفته‌ی محسن رضایی این اقدام بیش از آنکه متأثر از درخواست سپاه باشد، بر پایه درک امام از اوضاع جنگ و ضرورت‌های موجود بود. [۳۵۶] به نظر می‌رسد امام با توجه به روند تحولات جنگ پس از فتح خرمشهر و ضرورت‌های موجود برای تقویت سپاه، حکم تشکیل سه نیرو را صادر فرمودند. در عین حال این حکم نشان‌دهنده‌ی انتظار امام از سپاه برای حل معضلات جنگ نیز بود.

بدین ترتیب با گسترش دامنه جنگ از زمین به دریا و شهرها، از یک سو ادامه جنگ با دشواری‌های بسیار همراه بود و از سوی دیگر موانع پایان دادن به جنگ با توجه به برتری عراق، به نحوی آشکار افزایش یافته بود. حال جای این سؤال وجود دارد که:

«ایران در چنین وضعیتی چگونه می‌توانست با تغییر توازن نظامی به سود خود، جنگ را پایان دهد؟»

[صفحه ۱۲۲]

تغییر توازن به سود ایران

جنگ در سال ششم

شهریور ۱۳۶۴ تا شهریور ۱۳۶۵

رژیم عراق روند تحولات جنگ در چهار سال گذشته و حفظ موقعیت دفاعی خود را ناشی از برتری تسلیحاتی و اطلاعاتی ارزیابی می‌کرد. بدین معنا که رزمندگان اسلام در عملیات‌های مختلف پس از درهم شکستن خطوط دفاعی دشمن، با برتری آتش توپخانه، قدرت هوایی [۳۵۷] و قوای زرهی ارتش عراق مواجه می‌شدند که این برتری مانع از تثبیت مواضع تصرف شده می‌گردید. درک عراق از عوامل مؤثر در حفظ موقعیت دفاعی نیروهای عراقی در برابر ایران، آنها را بیش از گذشته به خرید تکنولوژی دفاعی، سلاح و تجهیزات ترغیب می‌کرد. حامیان عراق نیز بر پایه همین ملاحظه، همچنان سیل سلاح و تجهیزات نظامی را به سوی عراق سرازیر می‌کردند.

عراقی‌ها مایل بودند بیش از خرید سلاح، تکنولوژی نظامی خریداری کنند تا از توانایی لازم برای تولید نیازمندی‌های دفاعی و بهسازی سلاح‌ها برخوردار شوند. از اوایل سال ۱۹۸۶، شواهد و قرائن موجود نشان‌دهنده‌ی برخورداری عراق از تولیدات نظامی در داخل عراق بود. دیپلمات‌های غربی در بغداد به دولت‌های متبوع خود گزارش دادند که عراق از بمب‌ها و مهمات ساخت داخل

استفاده می کند. [۳۵۸] بنا به گزارش یکی از سفارتخانه‌ها، عراق کارخانه‌هایی دایر کرده بود که تانک‌های تی – ۵۵ ساخت شوروی را به لوله پرقدرت ۱۰۵ میلیمتری مجهز

[صفحه ۱۲۳]

می‌ساخت که همراه گلوله‌های ساخت غرب از این تانک‌ها سلاح‌های پرقدرتی ساخته بود. [۳۵۹] ژنرال عامر رشید العبیدی مدیر شورای پژوهش علمی عراق در فوریه ۱۹۸۶ طی مصاحبه‌ای در بغداد اعلام کرد:

«می‌خواهیم صنایع الکترونیکی خاص خود را در دستگاه‌هایی بپردازیم که استقلال و آزادی عمل ما را در حال و آینده تضمین نماید... تکنولوژی نظامی یکی از اولویت‌های بزرگ دولت ما است از همین رو تلاش می کنم مجهز به آن نوع تکنولوژی شویم که به بهترین وجه توسعه و رشد صنعتی را تضمین کند.» [۳۶۰] .

در این روند عراقی‌ها از توانایی لازم برای سوار کردن موشک‌های فرانسوی بر هواپیماهای شوروی و برعکس برخوردار شدند. [۳۶۱] در عین حال عامر رشید معتقد بود عراق هنوز تجهیزاتی به دست نیاورده است که صددرصد با انتظارات این کشور همخوانی داشته باشد. [۳۶۲] .

در ژوئیه ۱۹۸۶ پنتاگون در نبرد بر سر صدور تکنولوژی به عراق بازنده شد. در نشست شورای امنیت ملی امریکا (NSC) از پنتاگون خواسته شد مانع از صدور پروانه صادراتی تکنولوژی پیشرفته به عراق نشود. در واقع شرکت‌های امریکایی از اختیارات لازم برای کمک به عراق در زمینه‌های مختلف از جمله تولید موشک‌های دوربرد برخوردار شدند. [۳۶۳] .

ویلیام اشنایدر دستیار امور خارجه امریکا در مسائل امنیتی که مسئولیت عملیات استانچ را بر عهده داشت، در فوریه ۱۹۸۶ به بغداد سفر کرد تا درباره توسعه رو به افزایش دادوستد میان امریکا و عراق مذاکره کند. [۳۶۴] این اقدام امریکایی‌ها در حالی صورت می گرفت که اسرائیلی‌ها نگران آن بودند. چنان که از توسعه و تحول مجتمع «سعد ۱۶» مرکز تحقیقات نظامی عراق در نزدیکی موصل ابراز نگرانی کردند و بعدها نیز عراقی‌ها مدعی شدند که یکی از هواپیماهای شناسایی اسرائیل را بر فراز این مجتمع سرنگون کرده‌اند. [۳۶۵] .

کمک اطلاعاتی امریکا به عراق که یکی از مهم‌ترین نیازمندی‌های این کشور بود، در صدر موافقت‌های عراق و امریکا در سال ۱۹۸۶(۱۳۶۵) بود. امریکایی‌ها درباره فعالیت نیروی هوایی ایران اطلاعات ذی‌قیمتی در اختیار

[صفحه ۱۲۴]

عراق قرار می‌دادند. این اطلاعات را آواکس‌های امریکایی مستقر در ریاض جمع‌آوری می کردند. هواپیماهای عراق براساس همین اطلاعات بود که برای نخستین بار به جزیره ایرانی سیری حمله هوایی کرند و در راه بازگشت با استفاده از تانکر ساخت شرکت‌های امریکایی سوختگیری کردند. [۳۶۶] گزارش اطلاعاتی امریکایی‌ها از آرایش نیروهای نظامی ایران نیز پیوند محرمانه اطلاعاتی امریکا و عراق را برقرار کرد. در اوت ۱۹۸۶ واشنگتن پست در گزارشی نوشت: امریکا درباره آرایش نیروهای نظامی ایران در جبهه‌ها و هدف‌های اقتصادی ایران، اطلاعات ماهواره‌ای در اختیار عراق قرار می‌دهد. [۳۶۷] ویلیام کیسی رئیس پیشین سازمان سیا در سفر به امان پایتخت اردن در سال ۱۹۸۲، با برزان رئیس سازمان اطلاعاتی عراق دیدار کرد. کیسی در سر راه خود به امان در پاریس توقف کرد و با همتای خود، رئیس پیشین سازمان اطلاعاتی فرانسه به تبادل‌نظر پرداخت، کیسی پیوند اطلاعاتی امریکا و

عراق را برقرار ساخت و امریکا پیش از اعزام سفیر به بغداد، یک رئیس تمام وقت ایستگاه اطلاعاتی را در بغداد مستقر کرد. صدام قبل از هر حمله بزرگ عراق در جبهه جنگ با حمله دیپلماتیک در جبهه سیاسی، با رئیس این ایستگاه مشورت می کرد. [۳۶۸] .

علاوه بر کمک‌های تسلیحاتی و اطلاعاتی امریکا به عراق، فرانسه نیز مانند گذشته ارسال تسلیحات به عراق را ادامه می‌داد. [۳۶۹] یکی از فرودگاه‌های پیشین ناتو در فرانسه مرکز بارگیری هواپیماهای نیروی هوایی عراق بود و این هواپیماهای غول‌پیکر باری هر روز به این فرودگاه می‌آمدند و موشک‌های ساخت فرانسه، بمب خوشه‌ای، فیوز، تجهیزات رادار و تجهیزات الکترونیکی هواپیما را با خود به عراق می‌بردند. محموله‌های تسلیحاتی فرانسه به عراق آن قدر زیاد بود که تقریبا از اواسط سال ۱۹۸۶ حتی هواپیماهای غیرنظامی

[صفحه ۱۲۵]

خطوط هوایی بغداد - پاریس نیز به حمل جنگ‌افزار می‌پرداختند. [۳۷۰] .

شرکت‌های انگلیسی نیز برخلاف آنچه که رسما اعلام شده بود، فروش سلاح به عراق را ادامه می‌دادند. در این روند از جمله بیش از ۵ / ۱ میلیارد دلار کالای تکنولوژی پیشرفته به عراق صادر کردند. [۳۷۱] این در حالی بود که انگلیسی‌ها نتایج استراق سمع در دفتر خرید ایران در لندن را در اختیار عراق قرار می‌دادند.

برابر گزارش‌های موجود، [۳۷۲] به دنبال تقویت توان رزمی و دفاعی عراق، استعداد ارتش این کشور به شرح زیر بود:

- ۵ لشکر زرهی شامل لشکرهای ۳،۶،۱۰،۱۲،۱۷.

- ۳ تیپ مستقل زرهی شامل تیپ‌های ۱۰،۱،۲ گارد جمهوری.

- ۲ لشکر مکانیزه شامل لشکرهای ۱ و ۵.

- ۵ لشکر پیاده شامل لشکرهای ۲،۴،۷،۸،۱۱.

- ۷ تیپ مستقل پیاده از نیروهای احتیاط.

- ۱۵ لشکر که پس از شروع جنگ سازماندهی شدند. شامل لشکرهای ۱۴،۱۵،۱۶،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴،۲۶،۲۷،۲۸،۳۱،۳۵.

- لشکرهای زرهی و مکانیزه در قالب ۱۲۰ گردان تانک و نفربر با استعداد ۴۵ تا ۵۰ تانک جمعا ۵۴۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر.

- ۱۲۰ گردان توپخانه سازمانی.

- مجموع نیروهای پیاده ۵۵۰ گردان.

بنابر برآوردهای موجود، ارتش عراق بر پایه سازمان و نیروی انسانی و تجهیزاتی که در اختیار داشت از توانایی‌های زیر برخوردار بود: [۳۷۳] .

«- دشمن در هر زمان توانایی جابه‌جایی ۳ لشکر پیاده را در هر منطقه دارد. یک تیپ پیاده را در عرض ۲۴ ساعت جابه‌جا می کند. یک تیپ

[صفحه ۱۲۶]

زرهی را در ۷۲ ساعت از غرب منتقل می کند.

– دشمن در هر زمان دارای ۵ لشکر زرهی و مکانیزه است که در عرض ۴ تا ۵ روز قابلیت مانور و جابه‌جایی سریع را دارد.

– دشمن در هر زمان توانایی آزادسازی ۴۰ گردان توپخانه را دارد که در خط جمع کند و در یک نقطه تمرکز بدهد.

– دشمن توانایی یک ماه بمباران و فشار هوایی به گستردگی عملیات بدر را دارد.

– دشمن توانایی اداره دو عملیات همزمان به وسعت ۳ تا ۴ لشکر را دارد.

– دشمن در برابر عملیات آفندی ما با ۱۰۰ گردان، می‌تواند با ۳۰۰ گردان آزاد، مقابله کند.»! [۳۷۴] .

مشکل ایران در مرحله جدید جنگ با توجه به افزایش توان نظامی عراق، اساسا ناشی از این بود که به راحتی قادر به کسب پیروزی نظامی برای تغییر توازن به سود خود نبود. در واقع تقویت عراق و متقابلا تضعیف ایران، فاصله میان توانمندی ایران برای تهاجم و کسب پیروزی و توانایی عراق برای مقابله با تهاجمات ایران را به نحوی آشکار افزایش داده بود. به عبارت دیگر، امکانات و مقدورات سپاه با خلاقیت و ابتکارات این نیرو برای دستیابی به پیروزی لازم، به تناسب ضرورت‌ها و اوضاع سیاسی حاکم بر جنگ نبود. برادر محسن رضایی با بازنگری سال‌های پیشین جنگ، روند گذشته را چنین تشریح می‌کند:

«سال اول جنگ ما می‌خواستیم با شیوه دشمن حمله کنیم، لذا شکست خوردیم. سال دوم، جنگ جدیدی را آغاز کردیم که دشمن فکر آن را نکرده بود و پیروز شدیم. در سال سوم و چهارم دشمن روش جنگ ما را فهمید و روی جنگ مطالعه کرد و با به کارگیری شیمیایی، جنگ علیه پیاده را اجرا کرد. در سال پنجم رفتیم در هور، جایی که توان دشمن ضعیف بود. ما هور را به عنوان یک گذر در نظر گرفتیم و قصدمان نبود آنجا بمانیم ولی به هر حال به یک نوع جنگ جدیدی دست زدیم. در خیبر می‌خواستیم بلافاصله به نشوه برسیم و عقبه دشمن را بگیریم. این به ما فرصت می‌داد ابتکار عمل را به دست بگیریم. در

[صفحه ۱۲۷]

هر حال، با جنگ در هور به عنوان یک جنگ جدید، می‌خواستیم استفاده کنیم. ما یک جنگ انقلابی و مردمی داریم، اگر توان مناسب با این جنگ را بتوانیم ارائه بدهیم موفق خواهیم بود.» [۳۷۵] .

در سال ششم جنگ، در وضعیتی که دشمن ۵۵۰ گردان نیروی پیاده در اختیار داشت و برای مقابله با عملیات آفندی، از ۳۰۰ گردان نیروی آزاد برخوردار بود، سپاه تنها ۸۰ گردان نیرو برای ۷ روز جنگ در اختیار داشت. [۳۷۶] ضمن اینکه بخشی از توان رزمی سپاه در خطوط دفاعی مناطق تصرف شده، مانند جزایر مجنون و هور زمین‌گیر شده بود. در این روند کاهش توان ایران در برابر عراق دو عارضه اساسی به دنبال داشت: نخست آنکه نمی‌توانست از امکان غافلگیری و تجزیه قوای دشمن برخوردار شود، در نتیجه اجرای عملیات با نوعی ریسک و عدم موفقیت همراه بود. علاوه بر این، قوای ایران فاقد توانایی لازم برای نبرد طولانی در یک عملیات بود؛ زیرا بلافاصله پس از آغاز عملیات، در حالی که خطوط دفاعی دشمن درهم شکسته شده بود، دشمن به سرعت نیروهای خود را در منطقه عملیات متمرکز می‌کرد و با افزایش آتش هوایی و توپخانه، به تدریج نیروهای خودی را از مناطق تصرف شده عقب می‌زد.

با توجه به واقعیت‌های موجود، کم‌کم این اعتقاد به وجود آمد که «با این توان نمی‌توانیم غافگیری را رعایت کنیم و قطعا باید این توان ۲ تا ۳ برابر شود که با یکی دشمن را فریب بدهیم و با ۲ توان دیگر بتوانیم به طور جدی عمل کنیم.» [۳۷۷] بر پایه همین ملاحظه، در انتخاب منطقه عملیات نیز دچار مشکل بودیم. [۳۷۸] لذا چنین استدلال می‌شد که «ما جایی می‌توانیم بجنگیم که بلافاصله پشت یک رودخانه، یک عارضه یا تنگه‌ای برسیم تا دشمن به راحتی نتواند به ما حمله کند.» [۳۷۹] .

[صفحه ۱۲۸]

پس از عملیات بدر بحث‌های بسیار اساسی و جدی درباره نحوه ادامه جنگ انجام شد. لازمه ارائه طرح به شورای عالی دفاع انجام دادن یک بررسی همه جانبه بود که با حضور فرماندهان سپاه صورت می گرفت. در این جلسات ضمن بازنگری گذشته و بررسی وضعیت کنونی، سپاه پیشنهادهایی در زمینه‌های مختلف برای استمرار جنگ ارائه می کرد. ملاقات اولیه فرماندهان سپاه با مسئولان و رهنمودهای فنی‌ای که ارائه شد، در سازماندهی چارچوب مباحث نقش تعیین کننده‌ای داشت. در این ملاقات‌ها دو موضوع اساسی: آماده کردن طرح و سازمان جنگ، تأیید شده بود. [۳۸۰] محورهای اساسی بحث بر پایه ملاحظات یاد شده، شامل: استراتژی جنگ، فرماندهی در جنگ، نحوه ادامه جنگ، آموزش و امکانات مورد نیاز، شیوه جنگ (در شب و روز)، طرح‌های عملیاتی برای عملیات گسترده، محدود و نامنظم، تغییر سازمان رزم و اجرای عملیات مستقل از ارتش بود. [۳۸۱] در عین حال بیشترین تأکید بر تغییر وضعیت جنگ با تغییر در استراتژی جنگ، گسترش سازمان رزم سپاه، افزایش توان از جهت امکانات، تجهیزات و نیرو بود.

اعتقاد عمومی فرماندهان سپاه براساس تجارب حاصله در چهار سال گذشته چنین بود که ادامه جنگ با اجرای عملیات گسترده با توان موجود امکان‌پذیر نیست. برادر رحیم صفوی در این باره گفت:

«از تجارب عملیات‌های رمضان گرفته تا والفجرها و حتی خیبر و بدر به این نتیجه قطعی رسیده‌ایم که با این مقدورات و امکانات حاضر که داریم، نمی‌توانیم عملیات گسترده داشته باشیم.» [۳۸۲] .

برادر غلامعلی رشید نیز در این زمینه گفت:

«در ادامه جنگ به روش پیشین و براساس استراتژی دستیابی به یک پیروزی، به بن‌بست رسیدیم.» [۳۸۳] .

سپاه پاسداران از یک سو به این نتیجه قطعی و روشن رسیده بود که با روش گذشته امکان ادامه جنگ با عملیات گسترده وجود ندارد و از سوی دیگر اوضاع جنگ پس از عملیات بدر و تشدید فشار به ایران، اجرای عملیات را ضروری

[صفحه ۱۲۹]

ساخته بود. در واقع میان توانایی ایران برای اجرای عملیات مؤثر و تعیین کننده با تضمین پیروزی، با اوضاع و ضرورت‌های سیاسی حاکم بر جنگ، تناسبی وجود نداشت. پیدایش این وضعیت در جنگ بیش از هر مسئله‌ای متأثر از نحوه نگرش به جنگ و کسب پیروزی بود. بدین معنا که پس از فتح خرمشهر پیروزی بر عراق بسیار سهل و آسان پنداشته می‌شد و این باور همگانی وجود داشت که صدام در حال سقوط است. بر پایه همین نگرش، تفکرات استراتژیک مسئولان درباره‌ی جنگ مبنی بر «کسب یک پیروزی و خاتمه جنگ»، در پی ناکامی در عملیات رمضان به تدریج شکل گرفت. در چارچوب این تفکر تصور می‌شد با یک پیروزی قاطع می‌توان جنگ را تمام کرد، لذا نیازی به بسیج کشور در خدمت جنگ نیست. این گونه تفکرات منطبق و همسو با اندیشه استراتژیک امام درباره جنگ نبود. [۳۸۴] شکاف موجود میان دو نگرش یاد شده در واقع از مهم‌ترین دلائل وضعیت جنگ در چهار سال گذشته بود. [۳۸۵] کم‌کم با گسترش دامنه جنگ و فشار بر ایران و افزایش موانع موجود برای دستیابی به پیروزی، نوعی تردید و ناامیدی در مسئولان به وجود آمد. برخی چنین تصور می‌کردند که کار تمام شده است و باید چهار سال پیش (پس از فتح خرمشهر) تصمیم می‌گرفتیم. [۳۸۶] علاوه بر این، مشاهده واکنش حامیان عراق در برابر پیروزی‌های نسبی ایران، این نگرانی را به وجود آورده بود که حتی اگر موفق به تصرف بغداد بشویم امکان حمله اتمی به ایران وجود دارد!

سپاه با الهام از نظریات امام و درکی که از اوضاع و ضرورت‌های جنگ داشت، در اندیشه تداوم جنگ بود. فرمانده سپاه در همین

زمینه با اشاره به نظریات امام خمینی [۳۸۷] چنین تأکید می کرد:
«جنگ باید ادامه پیدا کند یا با عملیات محدود یا با عملیات بزرگ یا با ترکیبی از عملیات‌های منظم و نامنظم چرخ جنگ باید مرتب در جریان باشد.» [۳۸۸] .

[صفحه ۱۳۰]

با بررسی‌هایی که انجام گرفت این نتیجه حاصل شد که برای ادامه جنگ، بدون ورود کلیه‌ی سازمان‌ها و امکانات کشور به جنگ، امکان پشتیبانی از جنگ وجود ندارد. حداقل توان لازم برای ادامه جنگ ۳۰۰ گردان نیرو بود که در آخرین پیشنهاد سپاه ارائه شد.
در عین حال جمع‌بندی نتایج جلسات فرماندهان سپاه در این مرحله به شرح زیر بود:
۱- استراتژی جنگ تاکنون براساس «جنگ، جنگ تا پیروزی» بوده است که این سیاست با شکست مواجه شده است، لذا باید استراتژی جنگ تغییر کند.
۲- توان خودی در مقایسه با توان دشمن کاهش یافته، لذا توان موجود نه تنها برای کسب پیروزی کامل نظامی بلکه برای ادامه جنگ هم کافی نیست.
۳- با توان موجود تنها می‌توان عملیات محدود انجام داد.
۴- باید یک فرماندهی واحد با اختیارات و ستاد تخصصی، با قدرت کشور را به جنگ بکشاند و کلیه امکانات و نیروها را برای پیشبرد جنگ به کار گیرد.
۵- ادامه همکاری ارتش و سپاه به صورت گذشته امکان‌پذیر نیست. لذا باید به صورت مستقل و جداگانه همکاری کنند. سپاه و ارتش طرح‌ها را بدهند، فرماندهی (عالی) تصمیم بگیرد و هر کدام در زمین پیشنهادی خود بجنگند.
۶- به دلیل کمبود آتش توپخانه و هوایی و زرهی خودی و برتری دشمن در این زمینه‌ها، اساس جنگ همچنان بر عملیات نیروهای پیاده در شب همراه با حفظ غافلگیری می‌باشد. [۳۸۹] .
در پی تبیین استراتژی جدید جنگ و ارائه آن به وسیله سپاه، این شائبه که سپاه تمایل به ادامه جنگ ندارد، گسترش یافت! این وضعیت در حالی پیش آمده بود که قبل از آن تمایل سپاه به ادامه جنگ بنابر نظر امام خمینی، عامل اصلی در ادامه جنگ ذکر می‌شد! در نتیجه سپاه در مرحله جدید - که اساسا بار جنگ را بر دوش می‌کشید - تحت فشار برخی جریان‌ها

[صفحه ۱۳۱]

قرار گرفت. فرمانده کل سپاه با درکی که از ماهیت این جریان‌ها داشت، در شورای عالی سپاه گفت:
«امروز مشکلات ما در سپاه بسیار زیاد و غیرقابل تصور است، هم در خارج سپاه و هم در داخل، وضع بودجه ما خراب است. مشکلات عظیمی از جاهای مختلف به وجود می‌آید. هر کجا دست می‌گذارید مشکلات هست. تا چند جزوه چند صفحه‌ای در مجلس، علیه جنگ و سپاه پخش کرده‌اند.» [۳۹۰] .
برادر رضایی مشکلات سپاه را برای انتقال به امام خمینی با بیت ایشان در میان گذاشت. [۳۹۱] به نظر می‌رسید هسته مرکزی این جوسازی‌ها علیه سپاه، به دلیل تعهد و پایبندی سپاه به نظریات امام و فراتر از آن اعتقاد سپاه به برنامه‌ریزی برای جنگ درازمدت بود.

برادر رشید نیز درباره علت جوسازی‌ها می‌گوید با استراتژی جنگ درازمدت کسی موافقت نداشت. [۳۹۲] .

سپاه برای فائق آمدن بر معضلات ناشی از جنگ و فشارهای وارده، دو اقدام را در کنار طرح‌ریزی عملیات‌های گسترده و محدود به موازات هم انجام داد. نخست تشریح مسائل جنگ با ارسال نامه به امام خمینی بود. در یکی از این نامه‌ها آمده است:

«این جنگ نابرابر به کجا کشیده می‌شود؟ ما پیشنهادات را خدمت آقایان بیان کردیم و اینها باز هم معتقد به یک تغییر و دگرگونی اساسی در مملکت نیستند و می‌خواهند جنگ را با همین وضعیت پیش ببرند.» [۳۹۳] .

علاوه بر این، تماس سپاه با مسئولان شامل آیات عظام، ائمه جماعات مناطق، مجلس و نمایندگان مجلس برای بیان مشکلات جنگ انجام گرفت. این اقدامات و به موازات آن ناامیدی مسئولان از دو عملیات کمیل و قادر (عملیات کمیل انجام نشد ولی عملیات قادر با ناکامی مواجه گردید.) سبب گردید مواضع مسئولان تغییر کرده و به نظریات سپاه توجه کنند. [۳۹۴] .

برادر رضایی نیز پس از ملاقات با امام تأکید می‌کند:

«اگر کشور هم نیاید در جنگ و اگر امکانات کل کشور هم در جنگ وارد

[صفحه ۱۳۲]

نشود، ولو ما ۲ نفر هم باشیم، ۳ نفر هم باشیم، جنگ را ادامه خواهیم داد و عاشورا می‌سازیم.» [۳۹۵] .

سپاه بر پایه همین ملاحظات و برای استمرار جنگ، استراتژی جدیدی را تبیین کرد که از اصول زیر پیروی می‌کرد:

۱- ضرورت ادامه جنگ با جنگ درازمدت.

۲- اجرای عملیات محدود [۳۹۶] با هدف زنده نگهداشتن جنگ و فشار نظامی بر دشمن.

۳- افزایش توان و سازمان رزم سپاه برای اجرای عملیات گسترده.

۴- طرح‌ریزی و اجرای عملیات گسترده به صورت مستقل. [۳۹۷] .

سپاه در فاصله خرداد تا شهریور ۱۳۶۴ سلسله عملیات محدودی را انجام داد که آثار مثبتی بر جای نهاد. علاوه بر این، با توجه به تجارب به دست آمده در عملیات‌های پیشین، به ویژه عملیات بدر، برای اجرای عملیات گسترده شرایط زیر تعیین شد:

۱- در اختیار داشتن حداقل ۱۵۰ گردان نیرو (هدف‌های ارزشمند در جنوب بدون ۱۵۰ گردان قابل تصرف نبود).

۲- بیش از یک میلیون گلوله توپ برای آتش پشتیبانی مناسب در یک عملیات گسترده.

۳- سلاح ضدزره به اندازه کافی (حداقل ۳ هزار موشک تاو) برای اجرای یک عملیات گسترده.

۴- اجرای تک پشتیبانی در جزیره مینو.

۵- شرکت مؤثر نیروی هوایی ارتش برای پشتیبانی هوایی عملیات. [۳۹۸] .

انتخاب منطقه مناسب برای اجرای عملیات با رعایت غافلگیری همچنان از مهم‌ترین مشکلات سپاه بود، بدین معنا که فرماندهان سپاه از یک سو باید

[صفحه ۱۳۳]

درباره امکان دستیابی به پیروزی با در اختیار داشتن نیرو و تجهیزات کافی، متقاعد شده و به نتیجه می‌رسیدند و از سوی دیگر مسئولان کشور نیز باید از تضمین سپاه برای کسب پیروزی اطمینان حاصل کرده امکانات مورد نیاز سپاه را واگذار می‌کردند.

مشکلات ناشی از این وضعیت سبب گردید سپاه موقعیت بسیار سخت و دشواری را پشت سر قرار دهد. چنان که برادر رضایی پس از عملیات فاو گفت:

«سپاه فاصله زمانی پس از عملیات بدر تا عملیات فاو را با سختی سپری کرد.» [۳۹۹] .

بحث و بررسی‌هایی که به هنگام انتخاب منطقه عملیات صورت گرفت تا اندازه‌ای ابعاد این دشواری‌ها را نشان می‌دهد. چنان که تردیدهای موجود درباره ادامه جنگ به دلیل مشکلات و دشواری‌هایی که وجود داشت، سبب گردید دیدگاه‌های موجود درباره‌ی ادامه جنگ، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. برادر رحیم صفوی در این زمینه در جلسه فرماندهان سپاه گفت:

«هر عملیات ناموفقی هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی منجر به تقویت دشمن خواهد شد. هم اکنون دو تفکر وجود دارد. نخست استراتژی ادامه جنگ متناسب با توان، دیگری تصرف یک منطقه و برقراری صلح.

در جنوب در هر منطقه‌ای، هرگونه عملیات گسترده‌ی خارج از توان، به شکست قطعی ما منجر خواهد شد، چون نمی‌توان غافلگیری را رعایت کرد. با توان موجود، حداکثر ۵ الی ۶ روز بیشتر نمی‌توان با دشمن جنگید زیرا توان ما از نظر نیرو و امکانات نسبت به دشمن ضعیف است.» [۴۰۰] .

تأخیر در اجرای عملیات گسترده نیز قابل پذیرش نبود، زیرا بنابر تجربیات گذشته، عدم اجرای عملیات بزرگ، بیشتر از اجرای عملیات بزرگ و شکست‌خورده زیان داشت. [۴۰۱] به همین دلیل ضرورتا باید عملیات بزرگ و گسترده انجام می‌شد. بحث و بررسی‌های مربوط به انتخاب منطقه فاو از خرداد ۱۳۶۴ آغاز شد. برادر شمخانی در جلسه قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) با در نظر گرفتن کلیه ملاحظات برای اجرای عملیات، گفت:

«۱- ما مجبوریم عملیاتی را شروع کنیم که این عملیات مبتنی بر توانمان باشد.

[صفحه ۱۳۴]

۲- توان دشمن در آنجا محدودتر باشد.

۳- براساس تجربه عملیات خیبر و بدر باشد.

۴- بتوانیم مسئله آتش دشمن را که در عملیات بدر مسئله اساسی بود، حل کنیم.» [۴۰۲] .

فرمانده کل سپاه نیز با اشاره به وضعیت زمین و امکان اجرای آتش پشتیبانی روی مواضع دشمن، درباره محاسن اجرای عملیات در منطقه فاو گفت:

«دشمن همواره سعی می‌کند زمین و نیرو را برای خود نگه دارد ولی در اینجا مجبور است برای بازپس گیری زمین، نیروی خود را دیوانه‌وار مصرف کند.» [۴۰۳] .

در عین حال چون سپاه درگیر عملیات محدود بود، طراحی و آماده‌سازی عملیات فاو با کندی دنبال می‌شد. در فاصله مهر تا آبان ۱۳۶۴ با ظهور تردیدهای جدید درباره اجرای عملیات گسترده و با مشکل مواجه شدن دریافت امکانات مورد نیاز، تضمین‌های لازم برای اجرای عملیات اتخاذ نشد. این مرحله برای سپاه، چنان که اشاره شد، بسیار دشوار بود لیکن با تدبیر فرمانده سپاه به آرامی پشت سر نهاده شد، بعدها فرمانده سپاه درباره ضرورت در اختیار داشتن امکانات برای اجرای عملیات می‌گوید:

«در عملیات فاو ما به این نتیجه رسیده بودیم که بایستی بدون کم و کاست، از تمام عوامل مؤثر در یک عملیات استفاده کرد و هیچ چیز را فدای چیز دیگری نکنیم. به مهندسی گفتیم باید حتما توجه شود به کارهای مهندسی و نباید از آن بگذریم. به آتش باید توجه شود و نباید از کنار آن بگذریم و به مانور باید حتما توجه کنیم. گفتیم یک میزان سخت‌گیری و تأمین همه عوامل لازم برای

یک عملیات بکنیم، دیگر ساده‌اندیشی هم نکنیم.» [۴۰۴] .
نگرانی از دشواری‌های دستیابی به پیروزی در فاو، سبب گردید که سپاه علاوه بر تلاش برای اجرای تک پشتیبانی در جزیره ام‌الرصاص، بر ضرورت اجرای عملیات ارتش در شلمچه نیز تأکید کند. [۴۰۵] در جریان طرح‌ریزی

[صفحه ۱۳۵]

عملیات، با توجه به وجود رودخانه اروند و نخلستان‌های حاشیه آن، درباره شکستن خط و پاک‌سازی، بحث‌های بسیار پیچیده و ظریفی انجام گرفت و مراحل اجرای عملیات در طرح‌ریزی کاملا تفکیک شد. [۴۰۶] همچنین تجربه عملیات بدر در امر پدافند هوایی، سبب گردید سپاه قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید عباس بابایی را در کنترل عملیاتی خود بگیرد و علاوه بر تأکید بر استقرار سیستم پدافند ضدهوایی هاگ (هاوک) در منطقه نزدیک عملیات، اهداف را برای بمباران مشخص کند. [۴۰۷] .
سرانجام در ساعت ۲۲:۱۰ تاریخ ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۴ فرمانده کل سپاه رمز عملیات والفجر ۸ را قرائت و دستور آغاز عملیات را صادر کرد. [۴۰۸] .
غافلگیری دشمن در این عملیات و تأخیر عراقی‌ها در درک اصلی بودن عملیات در منطقه فاو، به نیروهای خودی فرصت داد تا منطقه را پاک‌سازی و تثبیت نمایند. پاتک‌های دشمن در این عملیات ۷۵ روز به طول انجامید و سرانجام ارتش عراق با ناامیدی از بازپس گیری منطقه عملیات، حملات خود را متوقف کرد. ضمنا تک پشتیبانی این عملیات را سپاه در جزیره ام‌الرصاص انجام داد که با موفقیت همراه بود. برادران ارتش نیز در منطقه شلمچه وارد عمل شدند لیکن موفق به پیشروی نشدند.
فتح فاو آثار و نتایج بسیار مهمی داشت، زیرا برای نخستین بار پس از فتح خرمشهر، منطقه مورد تهاجم در یک عملیات بزرگ، پس از تصرف تثبیت شده بود. این مسئله به منزله ناتوانی دفاعی عراق و متقابلا توانمندی نیروهای خودی برای تهاجم و پدافند، ارزیابی می‌شد. توانایی و قابلیت سپاه در طرح‌ریزی و اجرای عملیات به صورت مستقل، شگفت‌انگیز و حیرت‌آور بود پیش از این تأکید بر اجرای روش‌های کلاسیک و تحت کنترل قرار گرفتن سپاه بود، لیکن با صدور فرمان امام خمینی به سپاه برای تشکیل سه نیروی زمینی، هوایی و دریایی؛ اجرای عملیات والفجر ۸ به صورت مستقل و پیروزی به دست آمده، موقعیت سپاه را در عرصه جنگ تثبیت کرد. در واقع با فتح فاو و ظهور توانایی سپاه در طرح‌ریزی، فرماندهی، پشتیبانی و

[صفحه ۱۳۶]

پدافند به مدت ۷۵ روز، حیات جدید سپاه آغاز شد. همچنین «قدرت فرماندهی سپاه برای کنترل هوایی، پدافندی و هوانیروز در این عملیات آشکار شد». ضمن اینکه اعتماد به نفس برای کسب پیروزی که بیش از این مورد تردید قرار گرفته بود، مجددا حاصل گردید. [۴۰۹] نتایج حاصله از فتح فاو، قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را به سود ایران تثبیت کرد. با تکیه بر منطقه تصرف شده امکان ادامه جنگ و بعدها رویارویی با امریکا نیز به وجود آمد. [۴۱۰] در مجموع عملیات فاو تجارب زیر را برای سپاه به دنبال داشت:
۱- استقلال در تصمیم‌گیری؛ پیش از این سپاه سایر ملاحظات را در نظر می‌گرفت ولی در این عملیات تأکید بر اجرای عملیات به صورت مستقل، وضعیت سپاه را بهبود بخشید.
۲- صراحت و اطمینان در به کارگیری امکانات و پافشاری بر تأمین آن.
۳- ضرورت تأمین امکانات برای هر عملیات حتی اگر به تأخیر در زمان اجرای عملیات منجر شود.

۴- دخالت بیشتر فرماندهی و کاهش واگذاری اختیارات به رده پایین در صورت وجود ابهام و تردید.

۵- کنار گذاشتن اندیشه «استراتژی یک پیروزی» با ارائه پیشنهاد ۱۲۰۰ گردان نیرو و رفع ابهام در استراتژی موجود.

۶- به کارگیری آتش توپخانه براساس تجارب عملیات خیبر و بدر.

۷- فعال کردن قرارگاه رمضان در داخل خاک عراق.

۸- استفاده از اصل غافلگیری با اجرای عملیات فریب. [۴۱۱] .

بازتاب عملیات فاو در رسانه‌های خارجی و تحلیل‌ها و تفسیرهای ناظران و تحلیل‌گران مسائل سیاسی از این عملیات، قابل توجه بود. تحلیل‌گر نظامی مؤسسه بین‌المللی تحقیقات استراتژیک لندن حمله ایران به فاو را «حمله‌ای زیرکانه» می‌نامد که «به مراتب پیچیده‌تر از معمول» بوده است. [۴۱۲] .

کارشناس نظامی سرویس بین‌المللی رادیو استرالیا نیز موفقیت در عملیات فاو را چشمگیر و بهتر از تمام دوران جنگ ذکر می‌کند. [۴۱۳] .

[صفحه ۱۳۷]

خبرنگاران لوس‌آنجلس تایمز و شبکه ان. بی. سی امریکا عملیات والفجر ۸ را بزرگ‌ترین پیروزی ایران در خلال جنگ تحمیلی خواندند. [۴۱۴] .

روزنامه معاریو چاپ اسرائیل نوشت: «اگر ایرانی‌ها موفق شوند پایگاهی را که تصرف کرده‌اند حفظ نمایند، موقعیت صدام را متزلزل خواهند ساخت.» [۴۱۵] .

رادیو بی. بی. سی نیز در تحلیل خود تأکید کرد: «در صورت تصرف فاو از سوی ایران، این ضربه‌ای شدید بر روحیه نیروهای عراق خواهد بود؛ ضمن اینکه عواقب مهم نظامی به دنبال خواهد داشت.» [۴۱۶] همین رادیو چند روز بعد مجددا در تفسیری گفت: «اگر عراق نتواند فاو را بگیرد، ممکن است روحیه معنوی و موقعیت صدام به طرز خطرناکی از بین برود.» [۴۱۷] گزارشگر نشریه میدل ایست نیز «تفوق روانی» ایران را بر عراق را تأکید کرد. [۴۱۸] .

از میان رفتن «تفوق نظامی عراق» [۴۱۹] و برخورداری ایران از امتیاز نظامی، [۴۲۰] توازن نظامی را به سود ایران تغییر داد. این مهم در موقعیتی به دست آمد [۴۲۱] که تصور می‌شد عراق اوضاع نظامی را تحت کنترل دارد [۴۲۲] و ایران قادر به ایجاد شکاف عمده در خطوط دفاعی مستحکم عراق نیست. [۴۲۳] در بررسی علل پیدایش این وضعیت تحلیل‌های مختلفی ارائه شد. «ماهر عبدالرشید» یکی از فرماندهان نظامی عراق اعتراف کرد ایران از روش‌های نظامی نوین استفاده کرده است. [۴۲۴] کردزمن یکی از تحلیل‌گران نظامی، پوشش دفاعی ضعیف عراق و احتمال ندادن اینکه ایران به اجرای عملیات آبی - خاکی دست بزند و مهم‌تر از همه بی‌توجهی عراقی‌ها به اهمیت استراتژیک منطقه فاو را از علل موفقیت ایران ذکر کرده است. [۴۲۵] .

«تیمرمن» نیز در کتاب «سوداگری مرگ» نوشت:

«نیروهای رزمنده ایرانی کاری کردند که تا آن زمان از نظر ناظران نظامی غیرممکن بود... این شبیخون سریع، کارآمد و نمایان، کار رزمندگان غواصی بود که به یاری هزاران پاسدار در قایق‌های کوچک فایبرگلاس از اروندرود گذشتند و قدم به فاو گذاشتند.» [۴۲۶] .

رادیو امریکا نیز گفت:

[صفحه ۱۳۸]

«تحلیل‌گران نظامی غرب از این موضوع متعجب هستند که ایران چگونه با تجهیزات اندک توانسته از این آبراه عبور نموده و به مواضع عراقی‌ها دست یابد؟» [۴۲۷] .

به موازات ناتوانی عراق از بازپس گیری منطقه فاو و متقابلا توانایی نیروهای خودی برای تثبیت مواضع تصرف شده، تدریجا نتایج این پیروزی ایران در منطقه مورد تأکید قرار گرفت. «در کویت و دنیای غرب این نگرانی به وجود آمد که ایران در جنگ برنده خواهد شد.» [۴۲۸] جرج بوش معاون ریگان رئیس جمهور وقت امریکا پس از سفر ۸ روزه به منطقه [۴۲۹] و اقدام نظامی امریکا علیه لیبی، گفت:

«امریکا نمی‌خواهد نظاره‌گر این مسئله باشد که گسترش جنگ از سوی ایران، به روند تغییر در توازن قدرت در منطقه بینجامد.» [۴۳۰] .

روند تحولات جنگ پس از تثبیت موقعیت ایران در فاو، با توجه به تحلیل‌های ارائه شده درباره نتایج حاصله از پیروزی ایران در منطقه و عراق و اظهارات مقامات امریکایی، تا اندازه‌ای نگران‌کننده به نظر می‌رسید. پیش از این چنین تصور می‌شد که در صورت دستیابی ایران به یک پیروزی، شرایط برای خاتمه یافتن جنگ با ارائه امتیاز به ایران فراهم خواهد شد، به همین دلیل فاو به عنوان آخرین عملیات تلقی می‌شد. بنابه اظهار فرمانده کل سپاه، مسئولان چنین تصور می‌کردند که با عبور از فاو، در حقیقت می‌توانیم جنگ را تمام کنیم و دنیا دیگر مسئله‌اش حل می‌شود [۴۳۱] این نگرش سبب شده بود کلیه تلاش‌ها و اقدامات ایران در حد فاصل عملیات رمضان تا عملیات فاو در چارچوب «کسب یک پیروزی» سازماندهی و انجام شود. سپاه برخلاف این نگرش، بر این باور بود که عملیات فاو تنها برای گرفتن زمان از دشمن است و باید با عملیات‌های پی‌درپی دشمن را مستأصل کرد و از پای در آورد؛ به همین دلیل، سپاه پیشنهادهایی را برای ادامه جنگ درازمدت ارائه کرد که تصویب نشد.

فتح فاو برخلاف تصور برخی که آن را نوعی ارائه امتیاز به ایران برای خاتمه یافتن جنگ تلقی می‌کردند، نه تنها هیچ تغییری در روش قدرت‌های

[صفحه ۱۳۹]

حامی عراق، به سود ایران به وجود نیاورد، بلکه فشار به ایران در ابعاد جدیدی گسترش یافت و حمایت کشورهای منطقه از صدام افزایش یافت. [۴۳۲] در واقع فتح فاو تردید دنیا را از میان برد و برای خاتمه دادن به جنگ با روش تضعیف ایران به تصمیم‌گیری رسیدند. [۴۳۳] تلاش برای تصویب قطعنامه ۵۹۸ در حالی که ایران در موقعیت برتر قرار داشت، نوعی اعمال فشار به ایران ارزیابی می‌شد.

عراقی‌ها نیز پس از ناامیدی از بازپس گیری فاو، به دلیل تشدید آسیب‌پذیری مواضع دفاعی و استحکامات خود و آشکار شدن میزان قدرت دفاعی این کشور، استراتژی موسوم به «دفاع متحرک» را آغاز کردند. این اقدام عراق نوعی تجدیدنظر در استراتژی [۴۳۴] و انتقال از موقعیت دفاعی به تهاجمی بود. در واقع عراقی‌ها در نظر داشتند با کسب پیروزی نظامی، قدرت نظامی خود را مجددا به نمایش بگذارند. [۴۳۵] تهاجم دشمن از شمال و منطقه عملیاتی والفجر ۹ در تاریخ ۵ / ۱۲ / ۱۳۶۴ آغاز شد، [۴۳۶] صدام گفته بود از دم شروع می‌کنیم تا به سر (فاو) برسیم. [۴۳۷] این دور از تهاجمات عراق با اشغال مجدد مهران در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۱۳۶۵ خاتمه یافت. [۴۳۸] .

صدام در پاسخ به اینکه چرا عراقی‌ها به جای فاو به جای دیگری حمله می کنند، گفت:
«ما به این نتیجه رسیده‌ایم که اگر ارتش ما حمله نکند، نیروهای ایران حمله می کنند و اگر در یک منطقه پدافند کنیم، پس از چند روز همان اندازه تلفات می‌دهیم که معمولا در حمله می‌دهیم. بنابراین بهترین راه را در این یافتیم که فعلا از فاو صرف‌نظر کنیم و در سایر جبهه‌ها به نیروهای ایران حمله کنیم.» [۴۳۹] .
شواهد و قرائن موجود حاکی است که قبل از عملیات فاو، عراق در نظر

[صفحه ۱۴۰]

داشت به مواضع ایران حمله کند. در واقع افزایش توان عراق با انباشت امکانات و گسترش سازمان رزم و ناکامی ایران طی سه سال گذشته شرایطی را فراهم ساخته بود که احتمال حمله‌ی دشمن دور از انتظار نبود؛ چنان که در گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا به این مسئله اشاره شده است. [۴۴۰] در هر صورت، عملیات فاو اقدام دشمن را به تأخیر انداخت ولی بلافاصله پس از ناامیدی عراقی‌ها از بازپس گیری فاو، تهاجم آنها آغاز شد.
گرچه ارتش عراق در عملیات فاو شکست خورد و نتوانست مواضع دفاعی خود را حفظ کند و منطقه را بازپس گیرد، لیکن آنچه که حائز اهمیت بود و شاید به اندازه کافی به آن توجه نشد توانایی عراق برای ۷۵ روز تهاجم پی‌درپی در فاو و سپس اجرای استراتژی موسوم به دفاع متحرک بود. در واقع حوادث یادشده نشان‌دهنده‌ی قدرت نهفت عراق بود که در صورت موفقیت در به دست‌گیری ابتکار عمل در جنگ با تغییر استراتژی از پدافند به آفند، می‌توانست روند جنگ را تغییر دهد. تلاش‌های سیاسی دشمن در این مرحله سبب گردید بخی از نتایج ناشی از شکست فاو، در داخل عراق جبران شود و از نظر نظامی نیز درگیر کردن قوای نظامی ایران در سایر مناطق، از تمرکز توان ایران در فاو جلوگیری کرد و این به سود عراق بود. اگر ما مهران را آزاد نمی کردیم، مسلما عراق در تداوم عملیات دفاع متحرک خود، دو ماه بعد به فاو حمله می کرد. [۴۴۱] .
عراقی‌ها همزمان با اجرای عملیات موسوم به استراتژی دفاع متحرک به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی ایران در خلیج فارس با استفاده از جنگنده بمب‌افکن‌های فرانسوی و موشک‌های اگزوسه، حمله کردند. [۴۴۲] موج جدید حملات عراق پس از یک توقف سه ماهه آغاز شد. هدف‌های عراق شامل اردوگاه‌های نظامی، پالایشگاه‌های نفت و اهداف غیرنظامی در مناطق مختلف بود. [۴۴۳] عراق در همین روند برای اولین بار به تأسیسات نفتی ایران در جزیره‌ی سیری حمله کرد. [۴۴۴] در واقع عراقی‌ها پس از حمله به خارک به جزیره سیری، محل بارگیری نفت ایران حمله کردند.

[صفحه ۱۴۱]

امام خمینی با درکی که از نتایج احتمالی ناشی از پیروزی ایران در عملیات فاو، مبنی بر تشدید فشار به ایران، داشتند، سال ۱۳۶۵ را «سال استقامت» نامیدند. [۴۴۵] آقای هاشمی با استقبال از سخنان امام تأکید کرد: «این پیام به موقع بود و شرایط جدیدی را به وجود آورده است.» [۴۴۶] مهندس موسوی نخست‌وزیر اعلام کرد که جنگ را در اولویت می گذارد و تمام امکانات را در اختیار جنگ قرار می‌دهد. [۴۴۷] برادر رضایی فرمانده کل سپاه نیز اعلام کرد که تنها راه، بسیج کلیه نیروها و امکانات کشور است. [۴۴۸] وی همچنین گفت:
«در فاو با ۱۵۰ هزار نیرو در برابر ۷۰۰ هزار نفر از ارتش عراق جنگیدیم و به آن پیروزی درخشان نائل آمدیم. آیا نمی‌توانیم با ۱۰

برابر این نیرو ارتش عراق را منهدم کنیم؟» [۴۴۹] .

آقای هاشمی مدتی بعد و پس از تشدید فشارهای عراق با حملات هوایی به مراکز اقتصادی و صنعتی و حملات زمینی، در سمینار فرماندهان سپاه برای لبیک به پیام امام خمینی، با تأکید بر ضرورت تسریع در امر جنگ، اعلام کرد: منطقی‌ترین راه این است که زمان را از دست ندهیم. [۴۵۰] وی در نماز جمعه تهران نیز گفت:

«هر محاسبه‌ای نشان می‌دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم. [۴۵۱] زمان بیش از این نباید در اختیار دشمن قرار گیرد. همه چیز در اولویت اول در خدمت جنگ باید باشد.» [۴۵۲] .

شعار تعیین سرنوشت جنگ به تدریج در همین روند شکل گرفت. آقای هاشمی در توضیح این مفهوم تأکید کرد که تعیین سرنوشت جنگ بدان معنا نیست که امسال جنگ پایان یابد. [۴۵۳] بلکه جنگ را به جایی می‌رسانیم که پیروزی ایران مشخص شود. [۴۵۴] این اظهارات براساس این تحلیل بیان می‌شد که پیروزی در عملیات فاو کافی نبوده است برای تشدید فشار به عراق وحامیانش

[صفحه ۱۴۲]

باید در تداوم پیروزی در فاو، اقدامات نظامی دیگری را نیز انجام داد. [۴۵۵] .

عراق پس از عملیات فاو با شروع عملیات «دفاع متحرک» فرصت بازسازی و ادامه حملات در منطقه فاو یا سایر مناطق را از ما گرفت و سپس به بازسازی مشغول شد. پیدایش وضعیت جدید بدین شکل بود که از یک سو پیروزی در فاو برخلاف تحلیل‌های پیشین نتایج مثبتی برای پایان دادن به جنگ نداشت، بلکه متقابلاـ به تشدید فشار به ایران انجامید. عبور از این مرحله الزاما با مقاومت در برابر فشارها و اجرای عملیات محدود یا گسترده امکان‌پذیر بود. در چارچوب نظر امام برای پاسخ به وضعیت جدید که فرمودند:

«شما در جبهه‌ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می‌رود و تجهیز بیشتر می‌کند و شما را به زحمت می‌اندازد.» [۴۵۶] .

سپاه سلسله عملیات‌های محدود را طرح‌ریزی و اجرا کرد. بدین ترتیب که سپاه پاسدران با هدف آزادسازی مهران، عملیات کربلای ۱ را در تاریخ ۹ / ۴ / ۱۳۶۵ به اجرا درآورد. عملیات مشترک سپاه و ارتش به نام کربلای ۲ در تاریخ ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵ در منطقه حاج عمران اجرا شد و همزمان با آن، سپاه عملیات دریایی کربلای ۳ را روی اسکله العمیه در تاریخ ۱۰ / ۶ / ۱۳۶۵ انجام داد. یگان‌های سپاه پاسداران همچنین در تاریخ ۲۰ / ۶ / ۱۳۶۵ «عملیات انصار» را در جزیره جنوبی خیبر و در تاریخ ۱۹ / ۷ / ۱۳۶۵ عملیات فتح ۱ را در عمق خاک عراق اجرا کردند. [۴۵۷] .

بدین ترتیب ششمین سال جنگ در حالی پایان یافت که در سخت‌ترین وضعیت، سپاه با طرح‌ریزی و اجرای عملیات فاو و تصرف و تأمین این منطقه، توازن جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داد. تشدید فشار به ایران، به

[صفحه ۱۴۳]

جای ارائه امتیاز، کلیه تحلیل‌ها و باورهای پیشین مبنی بر دستیابی به یک پیروزی و خاتمه دادن به جنگ را درهم شکست، مقابله با پیدایش وضعیت جدید با شعار تعیین سرنوشت جنگ و بسیج عمومی دولت و مردم آغاز شد.

مهم‌ترین سؤالی که در این مرحله فراروی تصمیم گیرندگان قرار داشت این بود که:

«چگونه می‌توان موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران را حفظ و تثبیت کرد و بر پایه آن با تأمین خواسته‌های برحق ایران، وضعیت نهایی جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داد؟»

[صفحه ۱۴۸]

تثبیت توازن به سود ایران

جنگ در سال هفتم

شهریور ۱۳۶۵ تا شهریور ۱۳۶۶

مشخصه‌ی حاکم بر جنگ در هفتمین سال، سرعت تحولات، پیچیدگی و گسترش دامنه آن بود. پیدایش این وضعیت به منزله آغاز شمارش معکوس برای خاتمه یافتن جنگ ارزیابی می‌شد. به عبارت دیگر، با تنوع، شدت و سرعت وقوع رخدادهای جنگ، تدریجا کلیه ظرفیت‌های لازم برای تداوم جنگ، رو به اتمام بود. به بهمین دلیل با مشاهده علائم موجود، برخی از تحلیل گران پیش‌بینی می‌کردند که زمان خاتمه یافتن جنگ فرارسیده است. نقطه ثقل پیدایش وضعیت جدید در جنگ، با تغییر توازن به سود ایران پس از فتح فاو و توانایی ایران در حفظ آن و متقابلاـ ناتوانی عراق برای بازپس گیری آن، آغاز شد. آقای هاشمی با توجه به همین وضعیت، در جمع فرماندهان و مسئولان سپاه گفت:

«در محاسباتی که تاکنون شده، به نظر ما هیچ شرایطی بهتر از اینکه تسریع کنیم در پیشبرد کار جنگ به چشم نمی‌خورد.» [۴۵۸] .

ایشان سپس با اشاره به وضعیت اقتصادی کشور چنین تأکید کرد:

«وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می‌کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه‌ای برسانیم.» [۴۵۹] .

آقای هاشمی یک روز بعد در نماز جمعه تهران مجددا تأکید کرد:

«وضع جنگ الآن به جایی رسیده که هر محاسبه‌ای نشان می‌دهد ما باید هرچه زودتر جنگ را به پایان برسانیم.

به همین دلیل آقای هاشمی در این وضعیت، چنین معتقد بود:

[صفحه ۱۴۹]

«تا زمانی که جنگ به چیزی نیاز دارد، مصرف کردن آن در غیر جنگ سزاوار نیست و همه باید همه چیز خود را در اولویت در خدمت جنگ قرار دهند.» [۴۶۰] .

در این مرحله اعلام شعار «تعیین سرنوشت جنگ» محور فراخوانی نیروهای داوطلب و به کارگیری و اختصاص امکانات کشور برای جنگ بود. آقای هاشمی درباره مفهوم این شعار گفت:

«با برنامه‌هایی که داریم جنگ را به جایی خواهیم رساند که پیروزی ایران مشخص شود.» [۴۶۱] .

فرمانده‌ی کل سپاه نیز درباره مفهوم شعار تعیین سرنوشت جنگ، طی تحلیلی گفت:

«سال سرنوشت، قطعا سال آخر معنی ندارد، ضمن اینکه می‌تواند سال آخر هم در آن مفهوم داشته باشد. سال سرنوشت به این معنی است که اگر امسال ما جهتی در امر جنگ پیدا نکنیم عواقب بسیار سختی را در پیش داریم.» [۴۶۲] .

بدین ترتیب ضرورت دستیابی سریع‌تر به پیروزی، برای خاتمه دادن به جنگ، فعالیت‌های همه‌جانبه‌ای را سازمان و گسترش داده بود که کاملا بر روند تحولات هفتمین سال جنگ سایه افکنده بود. در چنین موقعیتی افشای ماجرای مک فارلین در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ کلیه تحولات سیاسی و نظامی جنگ را تحت‌تأثیر قرار داد. با در نظر گرفتن اهداف و ماهیت گفت‌وگوهای پنهانی ایران و امریکا، به نظر می‌رسد علاوه بر اینکه امکان خاتمه یافتن جنگ از میان رفت، سلسله حوادث و اقداماتی که به تدریج علیه ایران صورت گرفت، بدون تردید متأثر از افشای ماجرای موسوم به مک فارلین بود [۴۶۳] و اوضاع را بیش از گذشته برای ایران سخت و دشوار کرد.

زمینه‌های شکل‌گیری مذاکرات پنهانی مقامات امریکایی با عناصر ایرانی، با مبادله قطعات یدکی نظامی به ایران در مقابل آزادی گروگان‌های امریکایی در لبنان، از سال ۱۳۶۴ آغاز شد. ناتوانی امریکایی‌ها، به‌رغم تلاش‌های سوریه، برای حل معضل گروگانگیری در لبنان و هواپیمای ربوده شده تی. دبلیو. ای (T.W.A) در ۲۴ خرداد ۱۳۶۴، [۴۶۴] و متقابلا میانجیگری ایران در

[صفحه ۱۵۰]

حل معضل هواپیمای تی. دبلیو. ای (T.W.A) پس از سفر آقای هاشمی به سوریه در تیر ۱۳۶۴، توجه امریکا را مجددا به ایران معطوف کرد. البته عوامل دیگری در این ماجرا مؤثر بود که پس از افشای آن، ریگان رئیس جمهور وقت امریکا به آنها اشاره می‌کند:

«اکنون هجده ماه است که طی یک ابتکار سیاسی محرمانه ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده‌ایم. برای استفاده از این ابتکار ساده‌ترین و بهترین دلائل را در اختیار داریم: ۱- تجدید روابط با ایران. ۲- اقدامی شرافتمندانه برای خاتمه دادن به جنگ شش ساله ایران و عراق. ۳- محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری. ۴- تأثیر بخشیدن به روند بازگشت تمامی گروگان‌ها.» [۴۶۵]
.

بنابر نشته‌ی فارین ریپورت چاپ لندن، در گزارش سری کیسینجر به ریگان ضرورت گشودن کانال‌های ارتباط مستقیم و غیرمستقیم برای مذاکره با ایران تأکید شده است و ریگان براساس همین توصیه برای برقراری رابطه امریکا با ایران اقدام کرده است. [۴۶۶] طبق نظر کیسینجر، در صورتی که یک جناح میانه‌رو و قدرتمند مایل به گفت‌وگو با امریکا در بین رهبران ایران وجود نداشته باشد، هیچ گونه پیوند و مصالحه‌ای میان دو کشور برقرار نخواهد شد. [۴۶۷] بر پایه همین ملاحظه، امریکایی‌ها مذاکرات محرمانه‌ای را از طریق یک میانجی در لندن آغاز کردند و امیدوار بودند با بهره‌برداری از اختلاف‌نظر میان جناح‌های سیاسی ایران [۴۶۸] با ارائه امتیاز به میانه‌روها برای تحکیم موقعیت آنها تلاش نمایند. [۴۶۹] .

متعاقب تماس‌ها و اقدامات دوجانبه‌ای که از سال ۱۳۶۴ آغاز شد، در ماه‌های پایانی همین سال توافقات لازم برای سفر هیئت امریکایی به تهران انجام گرفت. صبح روز یکشنبه ۲۵ مه ۱۹۸۶ (۴ خرداد ۱۳۶۵) هیئت امریکایی شامل مک فارلین، نورث، کیو، تیچر، نیر و رابط سیا وارد تهران شدند. [۴۷۰] معطلی بیش از یک ساعت و عدم حضور افرادی برای استقبال، اولین

[صفحه ۱۵۱]

نگرانی هیئت امریکایی بود که در مذاکرات به عنوان گلایه عنوان شد. [۴۷۱] هیئت امریکایی پس از استقرار در هتل، اولین دور مذاکرات خود را در ساعت ۱۷ آغاز کردند. [۴۷۲] در این جلسه هیئت امریکایی به ریاست مک فارلین نظریات خود را در

زمینه‌های مختلف بیان کردند و متقابلا نظریات و پاسخ‌های هیئت ایرانی را استماع کردند.

در این جلسه اولویت اصلی، «ساختن پل اطمینان» ذکر شد و مک فارلین حضور خود را در ایران به نمایندگی از طرف رئیس جمهور امریکا به نشان شروع فصلی جدید در مناسبات دو کشور ذکر کرد. وی تأکید کرد که برای نشان دادن حسن نیت آماده است برخی از اقلام مورد نیاز ایران را تأمین نماید. [۴۷۳] طرف ایرانی نیز اظهار کرد: به هر حال انتظار داریم که اقلام بیشتری از طرف شما دریافت نماییم تا در موقعیت بهتری از جهت رهبران خود باشیم. ایران ۶ سال است که درگیر جنگ است. تصرف فاو موفقیت بزرگی بود. ما انتظار تجهیزات بیشتری را داریم. همچنین طرف ایرانی درباره میزان حمل سلاح به ایران توسط هواپیماهای هیئت امریکایی و مستعمل بودن برخی از قطعاتی که پیش از این ارسال شده بود، اعتراض کرد. [۴۷۴] نورث محدودیت سوخت و وزن برای هواپیما را علت محدودیت در حمل سلاح ذکر کرد. بدین ترتیب جلسه در ساعت ۱۹ به پایان رسید.

دور دوم مذاکرات روز ۲۶ مه ۱۹۸۶ (دوشنبه ۵ / ۳ / ۱۳۶۵) ساعت ۱۵:۳۰ آغاز شد. نگرانی از عدم پیشرفت در مذاکرات سبب گردید نورث اظهار کند: «ما سردرگم و نگران هستیم.» [۴۷۵] علت این مسئله مخالفت برخی از مقامات در دولت امریکا درباره مذاکره با ایران بود. [۴۷۶] وی گفت: «اکنون بیش از یک روز است که در اینجا هستیم و کسی با ما صحبت نمی‌کند.» [۴۷۷] مک فارلین در ادامه صحبت‌های نورث گفت: «هدف از آمدن به اینجا ایجاد اساسی برای اعتماد و سپس پرداختن به مسائل مهم می‌باشد.» [۴۷۸] منظور از موضوعات مهم از نظر وی، موضوعاتی درباره‌ی «شوری و افغانستان و عراق» بود [۴۷۹] لازمه صحبت در این زمینه ملاقات با وزیران بود. لذا در جلسه اظهار کرد: «مایلم با

[صفحه ۱۵۲]

وزیران شما ملاقات نمایم.» [۴۸۰] .

وی علت این درخواست را عمدتا به دلیل موقعیت خودش می‌دانست. لذا گفت: «از آنجا که من در سطح وزیر هستم، انتظار دارم با مقامات تصمیم‌گیرنده ملاقات نمایم در غیر این صورت می‌توانید با کارمندان من صحبت نمایید.» [۴۸۱] .

دور دوم مذاکرات در ساعت ۱۶ پایان یافت و به نظر می‌رسید انتظار هیئت امریکایی این بود که برای تصمیم‌گیری به ملاقات در سطوح بالاتر نیاز است. در دور سوم مذاکرات که ساعت ۱۹:۳۰ همان روز آغاز شد مک فارلین در جلسه شرکت نکرد و نورث صریحا اظهار کرد: «چیزی که ما به آن امید بسته بودیم توافق در خصوص جهت گفت‌وگوها بین ایران و امریکا بود. برای این هدف تصمیمات سیاسی لازم است. [۴۸۲] وی همچنین درباره لو رفتن مذاکرات قبل از دستیابی به نتایج روشن، به ویژه از سوی روس‌ها، نگران بود. وی یکی از نقطه ضعف‌های اساسی را فقدان ارتباطات امن ذکر کرد. [۴۸۳] وی همچنین گفت: «اگر بدون برداشتن موانع به خانه‌های خود برگردیم، موانع جدیدی در آینده بروز خواهد کرد.» [۴۸۴] هوارد تیچر در این جلسه بخشی از تهدیدات شوروی علیه ایران از جمله استقرار ۲۶ لشکر در نزدیکی‌های ایران و اجرای تمریناتی برای اقدامات نظامی علیه ایران را برشمرد. [۴۸۵] جورج کیو یکی دیگر از اعضای هیئت امریکایی اعلام کرد: «ما برای توجیه اطلاعاتی هشت ساعت مواد (مطالب) توجیهی در اختیار داریم.» [۴۸۶] .

در ادامه گفت‌وگوها مسائلی مبادله شد که تا اندازه‌ای دشواری‌ها و موانع را آشکار ساخت. طرف ایرانی در سخنان خود گفت: «پذیرش سفر مک فارلین به ایران یک تحول جدید سیاسی بوده است لیکن یک سوءتفاهم به وجود آمده است. زیرا سفر به معنای انجام گفت‌وگوهای مستقیم نبود.» [۴۸۷] نورث در برابر این اظهارات، گفت: «وی به مک فارلین گفته است با رئیس مجلس آقای رفسنجانی، آقای موسوی نخست‌وزیر و پرزیدنت خامنه‌ای ملاقات خواهد کرد.» [۴۸۸] نورث تکرار کرد: «قربانی‌فر در حالی که

آقای جورج کیو حضور

[صفحه ۱۵۳]

داشت، گفت که گروه امریکایی با مقامات عالی‌رتبه ایران ملاقات خواهند کرد.» [۴۸۹] مقام ایرانی اظهار کرد: «قبلا موافقت شده بود که نورث به تهران بیاید و ترتیب کارها را بدهد و دستور کار جلسات را تنظیم نماید. برابر آخرین مذاکره تلفنی، صبحتی از جلسه در سطح وزیر نبوده است و سوابق موجود است.» [۴۹۰] نورث مجددا سؤال کرد: «آیا می‌توانیم ترتیب ملاقاتی سری بین مک فارلین و رهبران شما را بدهیم.» [۴۹۱] قرار شد این درخواست منتقل شود و ادامه مذاکرات در ساعت ۱۰ صبح روز ۲۷ مه (۶ / ۳ / ۱۳۶۵) با بحث‌هایی که جنبه سیاسی دارد پیگیری شود. [۴۹۲] جلسه در ساعت ۵ / ۱ بامداد پس از یک بحث سنگین به پایان رسید.

در واقع معضل اصلی در این مرحله با توجه به حضور مک فارلین به عنوان نماینده رئیس جمهور امریکا در ایران و درخواست وی برای گفت‌وگو با مسئولان، عدم تمایل و آمادگی ایران بود، زیرا امام پس از استماع گزارش سفر هیئت امریکایی، فرمودند:

«هیچ یک از مسئولان با آنها مذاکره نکند.»

تدبیر امام در واقع مذاکرات را با بن‌بست و شکست مواجه ساخت و از این پس کلیه بحث‌هایی که صورت گرفت نوعی وقت‌گذرانی بود؛ زیرا دستیابی به نتیجه عملی امکان‌پذیر نبود.

در چهارمین دور مذاکرات در ساعت ۱۰ صبح روز ۲۷ مه ۱۹۸۶ (سه‌شنبه ۶ / ۳ / ۶۵) طرف ایرانی مشکلات مربوط به آزادی گروگان‌ها و شرایط آن را بازگو کرد: خروج اسرائیل از بلندی‌های جولان و جنوب لبنان، بازگشت آنتوان لحد به شرق بیروت، آزادی زندانیان اسیر در کویت و پرداخت هزینه. در این جلسه با توجه به دستور جلسه، بحث‌ها از ماهیت سیاسی برخوردار بود. جلسه برای صرف ناهار تعطیل شد و مک فارلین در گزارش خود به دریادار پویندکستر، گزارش جلسه را برای گرفتن دستور از رئیس جمهور، مخابره کرد. در این جلسه امریکایی‌ها تأکید کردند: «شوروی‌ها تا میزان قابل توجهی برای جلوگیری از شکست عراق به ایران، جلو خواهند رفت زیرا

[صفحه ۱۵۴]

چنانچه عراق در جنگ شکست بخورد، اعتبار شوروی در منطقه به نحوی مصیبت‌بار آسیب خواهد دید، فکر می‌کنیم که شوروی‌ها تمامی نیازهای عراق را تأمین نمایند و اگر کافی نباشد سپس به طور مستقیم با نیروی نظامی به ایران فشار خواهند آورد.» [۴۹۳] امریکایی‌ها در این جلسه همچنین تأکید کردند که سیاست آنها در جنگ خاتمه دادن به جنگ و ممانعت از پیروزی طرفین است. ضمن اینکه درباره ارسال سلاح به ایران، آمادگی ندارند به میزانی به ایران اسلحه بدهند که در جنگ پیروز شود. [۴۹۴] در پایان جلسه توافق شد طرفین از شعار علیه یکدیگر بکاهند و خود را به گفت‌وگوهای مستمر برای رفع اختلاف، متعهد نمایند و جلسات محرمانه باشد. [۴۹۵] به همین منظور قرار شد وسایل امن‌تری برای ارتباط با اعزام یک تکنسین انجام گیرد. [۴۹۶] مک فارلین در گزارش خود به پویندکستر درباره روند مذاکرات می‌نویسد: «قضاوت من این ا ست که آنها (ایرانی‌ها) بسیار ناراحت هستند. آنها در یک سردرگمی روانی به سر می‌برند، از یک طرف می‌خواهند از این معامله چیز بیشتری به دست آورند و از طرف دیگر به این واقعیت پی برده‌اند که امکان دارد واسطه‌ها آنها را گمراه کرده باشند.» [۴۹۷] .

دور پنجم مذاکرات در همان روز از ساعت ۱۷ آغاز شد. در این جلسه برخلاف مذاکرات جلسه صبح، بحث‌ها درباره دشواری‌های موجود برای آزادی گروگان‌ها بود. هیئت امریکایی مایل بود کلیه گروگان‌ها آزاد شوند. طرف ایرانی با ذکر مشکلات، بر این مسئله تأکید می‌کرد که سلاح‌ها کمتر از آن چیزی است که انتظار می‌رفت و باید کلیه سلاح‌ها تحویل شود. مک فارلین در این جلسه اظهار کرد: «اگر اشتباهی شده است تقصیر ما نمی‌باشد. شاید قربانی‌فر اشتباه کرده است.» [۴۹۸] وی تأکید کرد: «تمام اقلامی که پول آن پرداخت شده است، آماده تحویل است، به مجرد اینکه گروگان‌ها در اختیار ما قرار گیرند، تحویل سریع آنها در عرض ۱۰ ساعت تعهد ما می‌باشد.» جلسه بدون نتیجه در ساعت ۱۸ به پایان رسید.

دور ششم مذاکرات مجددا در همان روز از ساعت ۲۱:۳۰ آغاز شد. به

[صفحه ۱۵۵]

دلیل نرسیدن به نتیجه مطلوب و تمایل هیئت امریکایی به بازگشت، گذرنامه آنها بازگردانده شد. امریکایی‌ها در این جلسه پیش‌نویس پیشنهاد برای تکامل تدریجی روابط را تسلیم کردند. امریکایی‌ها از این پس چنین تصور می‌کردند که سر دوانده می‌شوند، لذا مک فارلین دستور داد لوازم خود را برای بازگشت جمع‌آوری کنند. [۴۹۹].

آخرین دور گفت‌وگوها روز ۲۸ مه ۱۹۸۶ (چهارشنبه ۷ خرداد ۱۳۶۵) انجام گرفت. مک فارلین معتقد بود: «فرصت مهمی از دست رفت.» زیرا پس از چهار روز حضور در تهران و چند دور گفت‌وگو، به دلیل نرسیدن به نتیجه مطلوب در حال ترک تهران بودند. برابر پیش‌نویس موافقت‌نامه ۲۷ مه (سه‌شنبه ۶ خرداد) گفت‌وگوی سیاسی میان طرفین همچنان تا زمان افشای این روابط در آبان ۱۳۶۵ و مدتی پس از آن ادامه یافت و بعدها افشای ماهیت تماس‌های پنهانی ایران و امریکا به نحو آشکاری بر روند تحولات جنگ تأثیر گذاشت که بخشی از آن چنین بود:

۱- اعتبار سیاست امریکا درباره تحریم صدور تسلیحات به ایران در نزد متحدین این کشور عمیقا مخدوش شد. [۵۰۰].

۲- بحران تمام عیار سیاسی در امریکا، [۵۰۱] تغییر و اصلاح سیاست امریکا را به عنوان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر، آشکار ساخت و جدال‌های بسیاری میان کنگره و دولت در امریکا انجام گرفت.

۳- بی‌اعتمادی متحدین امریکا در منطقه، به تشتت سیاست خارجی امریکا در منطقه و از دست دادن ابتکار عمل امریکا برای پایان دادن به جنگ انجامید.

۴- عراقی‌ها طی بیانیه‌ای از اقدام امریکا انتقاد کردند و اعتبار سیاست‌های اعلام شده‌ی امریکا را مورد سؤال قرار دادند [۵۰۲] و این اقدام را به شدت محکوم کردند.

۵- روس‌ها با بهره‌برداری از خلأ ایجاد شده، سیاست‌های مشخص و فعال‌تری را با حضور در منطقه و به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق

[صفحه ۱۵۶]

با حمله به سیاست‌های امریکا و حمایت از عراق آغاز کردند.

مجموع عوامل یاد شده سبب گردید امریکایی‌ها ضمن از دست دادن ابتکار عمل برای خاتمه دادن به جنگ، در موقعیت بسیار دشواری قرار گیرند. بخشی از تلاش امریکا برای خروج از این وضعیت و کسب اعتماد مجدد متحدین خود در منطقه و عراق،

تشدید فشار به ایران به طور مستمر بود. [۵۰۳] .

چنان که بنابر اطلاعات و شواهد موجود، حملات گسترده عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی ایران در این مرحله با چراغ سبز امریکا و حمایت و هدایت اطلاعاتی این کشور انجام گرفت. در این زمینه ساندی تایمز نوشت: «افشای حمایت تسلیحاتی ایران، ماشه حملات ناگهانی و سنگین عراق به منابع و مراکز صنعتی و نظامی ایران را چکاند.» [۵۰۴] .

روزنامه واشنگتن پست نیز نوشت: «پس از افشای ارسال پنهانی اسلحه به ایران، عراقی‌ها حملات هوایی خود را به ایران افزایش دادند.» [۵۰۵] همچنین نشریات، حضور یک افسر عالی‌رتبه امریکایی در بغداد برای کمک اطلاعاتی به نیروی هوایی عراق را افشا کردند. [۵۰۶] در پی بمباران نیروگاه نکا در آذر ۱۳۶۵، ساندی تلگراف به نقل از دیپلمات‌های مستقر در بغداد نوشت: «کمک اطلاعاتی امریکا به عراق این کشور را قادر ساخت تا به تأسیسات اقتصادی ایران و نیروگاه نکا ضربه وارد کند.» [۵۰۷] .

امریکایی‌ها در این مرحله رسما اعتراف کردند که طی چند سال گذشته با هدف جلوگیری از پیشروی ایران، اطلاعات جاسوسی به عراق ارائه کرده‌اند. [۵۰۸] آقای هاشمی در نماز جمعه تهران کمک‌های اطلاعاتی امریکا به عراق برای حمله به تأسیسات ایران و علت افشای آن را جلوگیری از افزایش سرخوردگی متحدین امریکا از این کشور ذکر کرد. [۵۰۹] .

امریکایی‌ها در توضیح سیاست خود مجددا تأکید کردند: «امریکا می‌کوشد که از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ جاری جلوگیری به عمل آورد.» [۵۱۰] وزیر خارجه وقت امریکا نیز رسما درباره سیاست امریکا اعلام کرد. کاستن از توان نظامی ایران می‌تواند به دستیابی به یک راه‌حل از طریق

[صفحه ۱۵۷]

مذاکره کمک کند. وی افزود: هدف پایان دادن جنگ است، بدون اینکه جنگ طرف بازنده یا پیروز داشته باشد. [۵۱۱] .

حمد شعبان فرمانده وقت نیروی هوایی عراق در فضای ناشی از تشدید سیاست خصومت‌آمیز امریکا برای جلب اعتماد این کشور و سایر کشورهای عربی، پس از حملات گسترده نیروی هوایی عراق به مراکز اقتصادی و صنعتی ایران گفت:

«سال جاری تحولی قطعی و سریع به خود خواهد دید که به پایان یافتن جنگ به نفع عراق منجر خواهد شد. اولین مرحله از طرح شکست ایران با انهدام کلیه منابع انرژی این کشور به خصوص منابع نفتی آن کامل خواهد شد.» [۵۱۲] .

خطمشی عراق در این مرحله «قطع نفت ایران و تأمین نفت جهان» بود. لذا به موازات گسترش حمله به مراکز نفتی ایران و اخلال در صدور نفت جمهوری اسلامی، تلاش گسترده‌ای برای تأمین نفت جهان با صدور نفت از منطقه خلیج فارس با اتکا به خطوط لوله به جای نفتکش‌ها انجام گرفت. سیستم صدور نفت عراق در این مرحله از طریق اردن، عربستان و ترکیه طراحی شده بود و سعودی‌ها نیز در اجرای لوله‌گذاری تعهداتی را پذیرفتند. به همین دلیل ادامه تهاجمات عراق بیشترین خسارات را متوجه ایران می‌کرد. بدون اینکه در صدور نفت سایر کشورها اخلال ایجاد شود و یا قیمت نفت تحت‌تأثیر این حملات افزایش یابد. با توجه به همین نتایج، روزنامه واشنگتن تایمز در تحلیلی نوشت:

«این حملات توازن جنگ در خلیج فارس را تغییر داده است... تهاجم نیروی هوایی عراق تأثیرات عمده‌ای در جنگ خلیج فارس داشته است.» [۵۱۳] .

بر اثر تهاجمات هوایی عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی ایران و به موازات آن تهدید کمپانی‌های خارجی صادر کننده‌ی نفت ایران و حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی و کشتی‌های تجاری، وضعیت اقتصادی جمهوی اسلامی رو به وخامت گذاشت. ضمن اینکه قیمت نفت به کمتر از بشکه‌ای ۱۰ دلار کاهش یافت. فصل‌نامه اینتلجنت وابسته به هفته‌نامه اکونومیست با استفاده

[صفحه ۱۵۸]

از برآورد دبیرخانه اوپک نوشت:
«درآمد نفت ایران در نیمه اول سال ۱۹۸۶ معادل ۲ میلیارد و ۸۹۶ میلیون دلار بوده است که در مقایسه با دور مشابه سال قبل بیش از ۵۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. در واقع سال ۱۹۸۶ برای اقتصاد ایران یکی از بدترین سال‌ها بود و این مسئله به دلیل کاهش عایدات ایران در مقایسه با سال‌های گذشته بود.» [۵۱۴] [۵۱۵] .
طی همین سال بخشی از واردات ایران به دلیل کمبود شدید ذخایر ارزی، به قراداد پایاپای با کشورهای دوست متکی بود. [۵۱۶] گزارش‌های منتشره نشان‌دهنده‌ی افزایش مشکلات و سختی‌های روزافزون در زندگی قشرهای وسیعی از جامعه بود که عمدتا درآمد ثابتی داشتند و در تأمین مایحتاج خود به ارزاق کوپنی و ارزان متکی بودند. در واقع در دوران سخت بی‌برقی، جیره‌بندی بنزین، بازار سیاه کالاهای اساسی، افزایش قیمت‌ها و تورم، نیروهای داوطلب مردمی برای اجرای عملیات جذب و سازماندهی می‌شدند. امریکایی‌ها امیدوار بودند، ایران در این روند تدریجا مواضع خود را تغییر دهد. «دانیل پاس» مدیر مؤسسه پژوهش‌های سیاست خارجی در امریکا بر این باور بود که اگر برای اینها (ایرانی‌ها) روشن سازیم که به عراقی‌ها کمک خواهیم کرد و پیروزی را برای آنها دشوار خواهیم ساخت، آنگاه به گمان من ایرانی‌ها بیدار خواهند شد. به همین دلیل وی معتقد بود که دادن اطلاعات جاسوسی و اسلحه و کمک‌های دیگر به عراق، به سود آمریکاست. [۵۱۷] .
در این موقعیت دشوار، عملیات کربلای ۴ - که سپاه پاسداران از مدت‌ها قبل طرح‌ریزی و آماده‌سازی کرده بود - برای اجرا آماده شد. انتخاب منطقه عملیاتی بر پایه موفقیت به دست آمده در فاو بود. در واقع پس از عملیات فاو

[صفحه ۱۵۹]

ادامه عملیات از سمت کارخانه نمک به دلیل آگاهی دشمن از سمت تک و تمرکز نیروها و امکانات ارتش عراق در این منطقه، عملی نبود. دو راه‌حل وجود داشت: نخست پیشروی به سمت ام‌القصر و در غیر این صورت انتخاب منطقه جدید با هدف پیشروی به سمت بصره، که به انتخاب منطقه عملیاتی کربلای ۴ انجامید. فرمانده کل سپاه درباره ضرورت اجرای عملیات در این منطقه گفت:
«در صورت نجنگیدن در اینجا (جنوب) باید زمین‌های دیگری انتخاب کنیم و سازمان آبی و خاکی‌مان را تغییر دهیم.» [۵۱۸] .
منطقه عملیاتی در حد فاصل پنج ضلعی در شمال شلمچه تا ۴ کیلومتری انتهای جزیره جنوبی جزیره مینو قرار داشت. چنین تدبیر شد که عملیات از دو محور شلمچه و ابوالخصیب با هدف بصره، طرح‌ریزی شود. عبور از بین جزایر ام‌الرصاص و بوارین در واقع تاکتیک ویژه عملیات بود. [۵۱۹] به نظر می‌رسید با پیشروی به سمت ابوالخصیب و بصره و با مسدود کردن عقبه سپاه هفتم عراق و عبور از میان خط حد سپاه سوم و سپاه هفتم عراق می‌توان قوای دشمن را تجزیه کرد و به پیشروی در عمق ادامه داد. [۵۲۰] .
عملیات کربلای ۴ سرانجام در وضعیت خاص سیاسی - نظامی کشور و با امید به کسب پیروزی، در تاریخ ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵ آغاز شد. تنها به فاصله ۲۴ ساعت پس از شروع عملیات، به دلیل وضعیت جدیدی که در خطوط درگیری به وجود آمد، فرمانده کل سپاه دستور توقف عملیات را صادر کرد. در واقع با توجه به افشای عملیات براساس اطلاعاتی که امریکا به عراق داده بود [۵۲۱] و استفاده عراق از تجارب عملیات فاو، [۵۲۲] امکان پیروزی در عملیات از میان رفت. عراقی‌ها بلافاصله از امریکایی‌ها به دلیل

واگذاری اطلاعات اساسی به این کشور برای مقابله با تهاجم ایران، تشکر کردند. [۵۲۳] .
نظر به شش ماه تلاش و سرمایه‌گذاری و با توجه به سردادن شعار تعیین سرنوشت جنگ، سرانجام عملیات کربلای ۴ وضعیت دشواری را فراروی مسئولان سیاسی - اقتصادی کشور و فرماندهان سپاه قرار داد. عراقی‌ها که

[صفحه ۱۶۰]

پس از فاو (عملیات والفجر ۸) و ناکامی در استراتژی موسوم به دفاع متحرک با وضعیت نامطلوبی روبه‌رو شده بودند، مجددا اعتماد به نفس خود را بازیافتند [۵۲۴] و حامیان عراق نیز درباره توانایی این کشور برای مقاومت در برابر حملات ایران و دفاع از مراکز دفاعی تا اندازه‌ای امیدوار شدند. [۵۲۵] .
با پیدایش وضعیت جدید به نظر می‌رسید توازن جنگ که پس از فتح فاو به سود ایران تغییر کرده بود، مجددا در حال تغییر به سود عراق باشد، در چنین وضعیتی تداوم حملات عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی کشور و آمادگی قوای عراقی برای بازپس گیری فاو می‌توانست برتری ایران را دستخوش تغییر قرار داده و اوضاع را به سود عراق به چرخش درآورد.
در چنین موقعیت دشواری نیروهای بسیجی نیز به دلیل اتمام مأموریتشان در حال بازگشت به خانه‌های خود بودند. تحقق این امر می‌توانست ایران را در برابر حملات زمینی احتمالی عراق کاملا- آسیب‌پذیر نماید، ضمن اینکه امکان اجرای عملیات نیز از میان می‌رفت. بر پایه این ملاحظات، مجددا تمامی طرح‌های عملیاتی بازبینی شد و سرانجام منطقه شلمچه - به دلیل موفقیت لشکر ۱۹ فجر و تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) در محور شلمچه در عملیات کربلای ۴ - مورد توجه فرمانده کل سپاه قرار گرفت. در واقع گزارش عملیات یگان‌های یاد شده در عملیات کربلای ۴ و پیشروی این دو یگان در جهت خلاف آرایش دشمن، از شمال به جنوب، نطفه طرح‌ریزی عملیات کربلای ۵ را در ذهن فرمانده سپاه منعقد کرد و تلاش‌ها مجددا در همین چارچوب شروع شد.
کمتر از دو هفته پس از توقف عملیات کربلای ۴، سپاه پاسداران عملیات کربلای ۵ را در ساعت ۲ بامداد ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۵ در منطقه شرق بصره آغاز کرد. تأخیر در واکنش دشمن نشان‌دهنده حضور نیروهای عراقی در منطقه فاو و آمادگی آنها برای حمله به فاو و بازپس گیری آن بود.
تاکتیک ویژه عملیات با عبور از کانال پرورش ماهی و اجتناب از تک جبهه‌ای از منطقه شلمچه، نیروهای دشمن را در موقعیتی دشوار قرار داد و

[صفحه ۱۶۱]

سرانجام پس از یک نبرد سخت و دشوار، نیروها در شرق نهر جاسم مستقر شدند و دشمن به رغم تمام تلاش‌هایی که انجام داد، نتوانست مناطق تصرف شده را بازستاند. [۵۲۶] .
یکی از کارشناسان نظامی ضمن تأکید بر «سرعت سازماندهی» نیروها در این عملیات [۵۲۷] ، بر این باور است که ایران بدون «غافلگیری تاکتیکی» نمی‌توانست بر مواضع پدافندی و استحکامات عراق فائق آید. [۵۲۸] در عین حال وی معتقد است: «اگرچه عراق نتوانست مناطق تصرف شده را بازپس بگیرد ولی ثابت کرد می‌تواند از بصره دفاع کند. ایران نیز متقاعد شد حتی با عملیات‌های خوب تدارک یافته هم نمی‌تواند عراق را شکست دهد.» [۵۲۹] عراق برای جبران شکست در عملیات کربلای ۵ مجددا حملات هوایی به شهرها و مردم بی‌دفاع را از سر گرفت. [۵۳۰] ایران نیز متقابلا بغداد را زیر حملات موشکی گرفت و با اجرای

آتشبار کاتیوشا روی بصره، عراق را در وضعیت دشواری قرار داد.

روس‌ها که پیش از این مترصد بهره‌برداری از فرصت‌ها برای به دست‌گیری ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق و خروج از افغانستان بودند، در پی پیدایش تنش در روابط امریکا با ایران و عراق و تشتت در سیاست خارجی امریکا و مهم‌تر از همه بی‌اعتبار شدن سیاست‌های امریکا در نزد متحدین خود، حمایت از عراق را با افزایش ارسال سلاح به این کشور تشدید کردند. بنابر برخی گزارش‌ها شوروی از اول ژانویه ۱۹۸۷ یک قطار هوایی برای ارسال موشک‌های زمین به زمین با برد متوسط از نوع اسکاد. بی، تانک‌های مدرن تی. ۷۲، هواپیماهای میگ ۲۳ و میگ ۲۷ و چهار هواپیمای سوخت‌رسان از نوع توپولف ۷۲ به کار انداخت. [۵۳۱] هفته‌نامه فارین ریپورت معتقد است این سیاست تازه شوروی در افزایش حمایت از عراق، با هدف تضعیف ایران و وادار کردن حکومت تهران به درخواست کمک از مسکو می‌باشد؛ زیرا در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند از امریکا کمک‌های ارسالی دریافت کند. [۵۳۲] روس‌ها چنین تصور می‌کردند بدین وسیله قادر خواهند بود علاوه بر اینکه برنده اصلی جنگ شوند، با کسب توافق ایران، معضل افغانستان را حل کنند.

[صفحه ۱۶۲]

اظهارات رئیس هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل، ماهیت سیاست‌های جدید این کشور را روشن ساخت:

«مسکو امیدوار است با سیاست فروش تسلیحات جنگی به عراق، ایران را وادار سازد که درصدد حل‌وفصل جنگ از راه گفت‌وگو برآید. تا وقتی ایران معتقد باشد که می‌تواند از طریق نظامی بر عراق چیره شود، مسکو روش خود را تغییر نخواهد داد... مسکو هیچ گونه تردیدی برای تأمین اسلحه عراق به خود راه نمی‌دهد.» [۵۳۳] .

با آشکار شدن پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ و ناتوانی عراق در باز پس‌گیری مناطق تصرف شده، گورباچف رهبر وقت شوروی ضمن «بی‌معنی خواندن جنگ» گفت:

«این جنگ باید از طریق مذاکرات سیاسی پایان یابد. و هرچه زودتر این اقدام صورت گیرد بهتر خواهد بود؛ راه دیگری وجود ندارد.» [۵۳۴] .

در عین حال ضرورت توجه روس‌ها به ایران، سبب گردید به رغم اصرار و تمایل عراقی‌ها برای دریافت موشک‌های برد بلند برای تهاجم به تهران، مسکو از تحویل آن خودداری نماید. همین مسئله برنامه دستیابی به صنعت تسلیحات موشکی را در عراق تسریع کرد [۵۳۵] که نتایج آن یک سال بعد با حملات موشکی به تهران در اسفند ۱۳۶۶ آشکار شد.

مهم‌ترین نتیجه پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ و دستاورد استراتژیک آن، تثبیت توازن به سود ایران بود. در واقع مجموع تحولات جنگ از بهمن ۱۳۶۴ با فتح فاو تا بهمن ۱۳۶۵ با پیروزی در عملیات کربلای ۵، کوشش ایران برای حفظ برتری و متقابلا تلاش عراق برای تغییر آن بود. سرانجام تحکیم مواضع دفاعی ایران در منطقه شرق بصره سبب گردید بر این تأکید شود که «تعادل قوا به نحوی قاطع به نفع ایران به هم خورده است.» [۵۳۶] میتران رئیس‌جمهور اسبق فرانسه درباره نتایج احتمالی برتری ایران گفت:

«پیروزی ایران در این جنگ به مثابه پیروزی تندروهای اسلامی خواهد بود که می‌تواند ثبات کلی جهان عرب و مدیترانه را برهم زند». [۵۳۷] .

[صفحه ۱۶۳]

سفیر وقت انگلیس در سازمان ملل نیز اعلام کرد:

«هیچ کس مایل به پیروز شدن ایران انقلابی - این برهم زننده وضع موجود در منطقه و زیر پا گذارنده‌ی حقوق و عرف بین‌المللی - نیست.» [۵۳۸] .

بر پایه این ملاحظات، نوعی بازبینی در برنامه‌های استراتژیک کشورهای غربی و شوروی درباره جنگ پدید آمد. [۵۳۹] فضای پدید آمده از این تحول، این امکان را برای عراق فراهم ساخت که با هدف بین‌المللی کردن جنگ، به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران شدیدا تهاجم کند. «گری سیک» مشاور رئیس‌جمهور اسبق امریکا درباره ضرورت قطع صدور نفت ایران می‌نویسد:

«عامل عمده ادامه جنگ از جانب ایران، صدور نفت توسط این کشور است و تا موقعی که نفت از ایران صادر می‌شود، جنگ ادامه خواهد یافت. بنابراین باید جریان صدور نفت ایران را قطع کرد.» [۵۴۰] .

هسته مرکزی سیاست جدید عراق با حمایت امریکا، چنان که وزیر دفاع وقت امریکا می‌گوید، از بین بردن اصل «امید» بود:

«اکنون ما با نوعی جنگ روبه‌رو هستیم که هدف آن از بین بردن امید است.» [۵۴۱] .

امریکایی‌ها کاهش توان نظامی ایران را لازمه دستیابی به یک راه‌حل از طریق مذاکره می‌دانستند و بر همین اساس زمینه لازم را برای حمایت از اقدامات عراق در حمله به نفتکش‌ها و پایانه‌های نفتی و مراکز صنعتی و اقتصادی ایران فراهم ساختند. نتایج عملیات کربلای ۵ سبب گردید پس از آن کابینه‌ی ریگان استراتژی صلح را به طور جدی دنبال نماید و حتی وزیر خارجه وقت امریکا، جورج شولتز، به ایران هشدار داد که یا جنگ را پایان دهد و یا با اقدامات شدید و مقتضی روبه‌رو خواهد شد. [۵۴۲] .

عراق همزمان با حملات خود برای قطع صدور نفت ایران، تدریجا استراتژی نظامی خود را با کمک‌های مستشاری روس‌ها بازبینی کرد و به این نتیجه رسید که سرنوشت جنگ روی زمین تعیین خواهد شد، لذا هماهنگ با افزایش توان نظامی برای مقابله با تهاجمات پی‌درپی ایران، رهیافت نظامی

[صفحه ۱۶۴]

تهاجمی‌تری را مورد توجه قرار داد.

ایران نیز با وجود افزایش فشارها پس از عملیات والفجر ۸ (فتح فاو)، به دلیل کسب برتری‌های نظامی در سال ۱۳۶۵ از اعتماد به نفس بیشتری برای پیگیری اهداف خود برخوردار شد. یکی از کارشناسان مسائل ایران در این زمینه می‌گوید:

«آنها دلیل نداشتند که فکر کنند قادر به پیروزی می‌باشند ولی عملیات فاو و مهران (کربلای ۱) در سال گذشته به آنها نشان داد که به این امر قادر می‌باشند و هم اکنون آنها برای کسب پیروزی عجله دارند.» [۵۴۳] .

جمهوری اسلامی به دلیل برتری نظامی در جبهه زمینی و تمایل نداشتن به گشایش جبهه جدید و مهم‌تر از همه نیاز به صدور نفت از خلیج فارس، هیچ گونه تمایلی به گسترش جنگ در دریا نداشت، لذا برای مقابله با تشدید حملات عراق، سیاست «امنیت در خلیج فارس برای همه یا هیچ کس» را دنبال می‌کرد. سیاست مقابله به مثل ایران با توجه به امکانات محدود و رغبت نداشتن به اجرای این سیاست، مراحل مختلفی را پشت سر نهاد.

در مرحله اول تا سال ۱۳۶۳ ایران به ازای هر سه حمله عراق به اهداف غیرنظامی، تنها یک مورد را پاسخ می‌داد. روش اقدام نیز به این صورت بود که حملات به صورت هوایی و با استفاده از موشک ماوریک انجام می‌شد. اصابت این موشک‌ها به غرق شدن کشتی منجر نمی‌شد و روند حرکت کشتی را مختل نمی‌کرد بلکه تنها خساراتی به آن وارد می‌کرد. در این مرحله با حمله‌ی

جنگنده‌های سعودی، دو فروند هواپیمای جنگی اف. ۴ جمهوری اسلامی سقوط کردو در پی آن عملا سیاست مقابله به مثل ایران متوقف شد. [۵۴۴] .

در مرحله دوم، ضرورت مقابله به مثل در برابر عراق سبب گردید با استفاده از هلی کوپترهای نیروی دریایی و با استقرار آنها روی برخی سکوهای نفتی در منطقه جنوبی خلیج فارس که در برابر مسیر کشتیرانی قرار داشت، برای مقابله به مثل با همان اصل سه به یک اقدام شود. حمله عراقی‌ها به سکوی

[صفحه ۱۶۵]

نفتی سلمان بیش از ۱۰۰ میلیون دلار خسارت به دنبال داشت و عملا این شیوه نیز کنار گذاشته شد. [۵۴۵] .

در مرحله سوم به کارگیری توپخانه نیروی دریایی ارتش در منطقه بعد از تنگه‌ی هرمز، از سال ۱۳۶۵ دنبال شد ولی نتیجه قابل توجهی در پی نداشت و حملات عراق همچنان رو به افزایش بود. در واقع به موازات تشدید حملات عراق، توانایی ایران برای پاسخ با ابزارهای مناسب محدودتر و بسیار پرهزینه‌تر می‌شد. [۵۴۶] .

پیدایش بن‌بست در اجرای «سیاست مقابله به مثل» سبب گردید منطقه خلیج فارس کاملا در اختیار عراق قرار گیرد. ضمن اینکه فشارهای وارده به جمهوری اسلامی، برتری‌های سیاسی - نظامی ایران را تا اندازه‌ای تحت‌تأثیر قرار داد و کشور در وضعیت بسیار دشواری قرار گرفت.

آقای هاشمی، با توجه به این وضعیت، در اوج اجرای عملیات کربلای ۵ خطاب به برادر علایی فرمانده وقت نیروی دریایی سپاه گفت:

«بررسی کنید آیا برای مقابله به مثل می‌توانید وارد خلیج فارس شوید؟» [۵۴۷] .

این دستور در واقع طلیعه حضور سپاه در دریا بود. البته نیروی دریایی سپاه پیش از این به فرمان امام خمینی تشکیل شده بود و سپاه نیز برای «جنگ در دریا» طرح و برنامه داشت، لیکن امیدواری به سایر منابع و ابزارها، مانع از توجه به طرح‌های سپاه شده بود. [۵۴۸] .

حضور فعالانه سپاه، مرحله چهارم از سیاست مقابله به مثل ا یران را تشکیل می‌داد و آثار آن تنها چند ماه بعد از فروردین ۱۳۶۶ آشکار شد. در این مرحله برخورد نفتکش‌ها به مین، حملات قایق‌های تندرو و شلیک موشک کرم ابریشم، زمینه‌های گسترش دامنه درگیری را به کشورهای منطقه به وجود آورد. درخواست جدی و عاجزانه کویت از امریکا برای اسکورت نفتکش‌هایش در این مرحله بود. نگرانی امریکا از عواقب این اقدام، سبب گردید امریکایی‌ها در وهله اول از اجابت درخواست کویتی‌ها اجتناب کنند، لیکن کویت همین پیشنهاد را به شوروی کرد که شوری آن را پذیرفت. این

[صفحه ۱۶۶]

مسئله امریکایی‌ها را تحریک کرد تا پس از یک بررسی جدی در کنگره امریکا و بحث میان کنگره و دولت، سرانجام پرچم امریکا را بر فراز نفتکش‌های کویت به اهتزاز درآورند. [۵۴۹] امریکایی‌ها به موازات این اقدام، پس از تلاش‌های گسترده در سازمان ملل، سرانجام قطعنامه ۵۹۸ را در شورای امنیت به تصویب رساندند. [۵۵۰] ضمن اینکه کشتار حجاج ایرانی با دست عوامل سعودی و با حمایت امریکایی‌ها نیز در همین زمان انجام گرفت. برابر شواهد موجود، امریکایی‌ها پس از افشای ماجرای مک فارلین، با تصویب

قطعنامه ۵۹۸ و حضور نظامی گسترده در منطقه خلیج فارس و اسکورت نفتکش‌ها، در نظر داشتند با ابتکار عمل جدید، شرایط خاتمه یافتن جنگ را فراهم سازند. شش ماهه‌ی نخست سال ۱۳۶۶ اساسا به درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس و تلاش‌های دیپلماتیک ایران در سازمان ملل برای تعدیل قطعنامه ۵۹۸ و ممانعت از صدور قطعنامه مجدد علیه ایران معطوف شد. [۵۵۱] .

بدین ترتیب هفتمین سال جنگ در حالی پایان یافت که علی‌رغم تثبیت توازن جنگ به سود ایران، دامنه فشار علیه ایران گسترش یافت و موانع و دشواری‌های ادامه جنگ و فائق آمدن بر مشکلات و برخورداری از وضعیت مناسب برای خاتمه دادن به جنگ، بیش از گذشته خودنمایی می‌کرد. به همین دلیل این سؤال در برابر مسئولان و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و نظامی به وجود آمه بود که:

«در وضعیت موجود چه راه‌حلی برای ادامه پیروزمندانه جنگ یا خاتمه شرافتمندانه آن وجود دارد؟»

[صفحه ۱۷۲]

پایان جنگ

جنگ در سال هشتم

شهریور ۱۳۶۶ تا مرداد ۱۳۶۷

هشتمین سال جنگ در حالی آغاز شد که درگیری ایران و امریکا در خلیج فارس با حملات امریکا به سکوهای نفتی ایران و مقابله‌ی ایران به نقطه اوج خود رسید. [۵۵۲] با فرارسیدن ماه آبان، امریکایی‌ها به تدریج از مواضع خود عقب‌نشینی کردند. چنان که پس از اصابت موشک به اسکله‌ی الاحمدی کویت در بامداد ۳۰ مهر ۱۳۶۶ و انفجار یک بمب در کویت در دوم آبان همان سال، ریگان رئیس جمهور وقت امریکا با توجه به دست نیافتن امریکا به اهداف خود برای پایان بخشیدن به اوضاع بحرانی در خلیج فارس، اعلام کرد:

«فکر نمی‌کنم در هیچ چیز دچار اشتباه محاسبه شده باشیم. ما در آنجا (خلیج فارس) برای آغاز جنگ حضور نداریم... ما گفته‌ایم در صورتی که مورد حمله واقع بشویم از خود دفاع می‌کنیم.» [۵۵۳] .

این اظهارات به روشنی نشان‌دهنده عدم تمایل امریکا به ادامه‌ی درگیری‌ها ارزیابی می‌شد، چنان که وزارت خارجه امریکا رسما اعلام کرد:

«به عهده دولت کویت است که تصمیم بگیرد به سومین موشک شلیک شده توسط ایران پاسخ لازم را بدهد.» [۵۵۴] .

بدین ترتیب امریکایی‌ها به رغم تبلیغات و توافق برای اعمال پشتیبانی از کویت، سرانجام به دلیل نگرانی از عواقب تداوم و گسترش درگیری ایران و امریکا، تصمیم‌گیری درباره پاسخ به حملات موشکی را بر عهده کویت گذاشتند. [۵۵۵] وزیر دفاع وقت امریکا با پذیرش تلویحی شکست امریکا در درگیری با ایران، اعلام کرد:

[صفحه ۱۷۳]

«بهترین راه پایان بخشیدن به ستیزه‌جویی ایران، اجرای برنامه تحریم سازمان ملل در مراودات ایران است.» [۵۵۶] .

سفیر کویت در امریکا نیز طی مصاحبه با روزنامه الشرق الاوسط با توجه به تغییری موضع امریکا گفت:

«منافع کشورهای شورای همکاری این است که در زندگی با آرامش و صلح در کنار ایران باشند... درگیر شدن با ایران آسان است ولی پایان دادن به چنین نبردهایی دشوار می‌باشد!» [۵۵۷] .

ریگان رئیس جمهور امریکا با صدور بیانیه‌ای تحریم اقتصادی ایران را اعلام کرد. در بیانیه صادره چنین تأکید شده است:

«ما فقط پس از تلاش‌های مکرر و ناموفق برای کاهش بحران با ایران، دست به این تحریم‌های اقتصادی زدیم!» [۵۵۸] .

از جمله موارد تحریم، خرید نفت از ایران ذکر شده است. [۵۵۹] .

در وضعیتی که ابتکار عمل امریکا برای پایان دادن به جنگ با شکست مواجه شد، تحولات دیگری در حال انجام بود که بدون تردید نقش مهمی در فراهم‌سازی زمینه‌های پایان دادن به جنگ داشت. پیش از این تلاش عراق برای بین‌المللی کردن جنگ با فراهم کردن زمینه‌های حضور امریکا در منطقه و حمله به ایران و تصویب قطعنامه ۵۹۸ و همچنین حمله به مردم بی‌دفاع و غیرنظامی در شهرها، گرچه ابعاد فشار به ایران را گسترش داد و تشدید کرد ولی هیچ کدام به پایان یافتن جنگ منجر نشد. بنابراین عراقی‌ها در جستجوی راه‌حل پایان دادن به جنگ، «تغییر استراتژی» عراق را «از تدافعی به تهاجمی» مورد توجه قرار دادند. ضمن اینکه تلاش برای دستیابی به موشک‌هایی برای «حمله موشکی به تهران» و تداوم «حمله به مراکز صنعتی و اقتصادی» ایران را کماکان در دستور کار خود داشتند.

درک جدید عراق درباره ضرورت تغییر استراتژی با کمک مستشاری کارشناسان ارشد نظامی شوروی و کمک‌های نظامی و اطلاعاتی امریکا انجام گرفت، ضمن اینکه برخی از افسران ارشد عراق نیز با تجزیه و تحلیل

[صفحه ۱۷۴]

شوروی‌ها درباره ضعف‌ها و کاستی‌های اساسی در ساختار هجومی ارتش عراق موافق بودند. [۵۶۰] ناتوانی عراق در بازپس گیری فاو و سپس ناکامی در تأمین اهداف استراتژی موسوم به دفاع متحرک، نشان‌دهنده‌ی ضعف در ساختار دفاعی و تهاجمی عراق بود. آنتونی کردزمن یکی از کارشناسان نظامی امریکا بر این نظر است که عراقی‌ها مشکل استراتژیکی و تاکتیکی داشتند و قادر نبودند در برابر پیشروی نیروهای ایران مقاومت کنند و همچنین نمی‌توانستند با تصرف بخش‌های محدودی از خاک ایران، این کشور را مجبور به پذیرش صلح کنند. [۵۶۱] .

در واقع پیشروی قوای نظامی ایران در مستحکم‌ترین مواضع دفاعی عراق در منطقه شرق بصره، مجددا ضعف‌های عراق را آشکار ساخت. برابر برخی گزارش‌ها، در ۱۵ مارس ۱۹۸۷(۱۴ اسفند ۱۳۶۵) صدام حسین در جلسه‌ای ۵ ساعته با فرماندهان ارتش عراق و برخی از مسئولان سیاسی و حزبی، خطر شکست تدریجی عراق را بررسی کردند که در این جلسه تصمیم‌های اساسی برای تغییر استراتژی عراق، با گسترش بیشتر سازمان گارد ریاست جمهوری و سایر نیروها جهت تدارک ضد حملات و تشدید جنگ نفتکش‌ها اتخاذ شد. [۵۶۲] .

روس‌ها با برخورداری از نقش جدید در منطقه، با افزایش حمایت سیاسی و تسلیحاتی از رژیم بعثی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود موقعیت عراق داشتند. رهبری جدید شوروی برای خاتمه دادن به جنگ، در اندیشه تجهیز بیشتر عراق بود تا بدین وسیله ایران را مجبور به پذیرش صلح نماید. گورباچف رهبر وقت شوروی در همان زمان رسما اعلام کرد:

«این جنگ باید از طریق مذاکرات سیاسی پایان یابد و راه دیگری وجود ندارد.» [۵۶۳] .

رئیس هیئت نمایندگی شوروی در سازمان ملل نیز اعلام کرد که مسکو امیدوار است سیاست فروش تسلیحات جنگی به عراق، ایران را وادار سازد درصدد حل‌وفصل جنگ از راه گفتگو برآید. وی در اظهارات خود با تأکید بر عدم تغییر روش مسکو در

حمایت از عراق، گفت:

«مسکو هیچ گونه تردیدی برای تأمین اسلحه عراق به خود راه نمی‌دهد.» [۵۶۴] .

[صفحه ۱۷۵]

گرچه شوروی در این مرحله نقش برجسته‌تر و فعال‌تری در مقایسه با سایر کشورها برای حمایت از عراق داشت، ولی تصمیم به تقویت نظامی عراق در برابر ایران، یک تصمیم جهانی بود. [۵۶۵] [۵۶۶] منطق حاکم بر این تصمیم مشترک به این دلیل بود که هیچ‌گونه چشم‌انداز واقعی و روشن برای خاتمه‌ی جنگ مشاهده نمی‌شد. بر پایه این ملاحظه چنین تصور می‌شد که «یک تغییر اساسی در موازنه نظامی جنگ به نفع عراق، شرط اولیه‌ی پایان سریع جنگ است.» [۵۶۷] از سال ۱۳۶۵ اعزام کارشناسان شوروی برای تأمین تسلیحات عراق به میزان و کیفیتی بود که وضعیت استراتژیکی را تغییر دهد و ایران را مجبور به قبول یک راه‌حل سیاسی کند. [۵۶۸] .

در نتیجه‌ی پشتیبانی‌های همه‌جانبه‌ی جهانی، دو تحول اساسی در ساختار نظامی عراق پدید آمد: گسترش سازمان رزم، خرید و انباشتن تجهیزات. در طول سال ۱۳۶۶ عراقی‌ها تمرین‌های آموزشی گسترده‌ای را با انتقال نیروها از خط مقدم به عقب در تمام سطوح انجام دادند. واحدهای گارد ریاست‌جمهوری از اجازه‌ی آزادی عمل بیشتری برخوردار شدند. به واحدهای توپخانه

[صفحه ۱۷۶]

آموزش‌های ویژه‌ای در زمینه تمرکز و تغییر مسیر آتش داده شد. مجموع این آموزش‌ها اصلاحات عمده‌ای در تعدادی از سپاه‌ها و لشکرهای کلیدی عراق به وجود آورد. [۵۶۹] ضمن اینکه نیروی زمینی عراق از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶(۱۳۶۵) به ۴۵ لشکر در ۱۹۸۸(۱۳۶۷) افزایش یافت. بنابراین رشد واقعی هم در ساختار نیرو و هم توانایی عملیاتی آنها به وجود آمد. [۵۷۰] صدام طی مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی السیاسه رسما اعلام کرد که عراق در تمام زمینه‌های سیاسی - نظامی قوی‌تر از سال گذشته است و امکانات نظامی آن حداقل از ۶ ماه پیش، دو برابر شده است. [۵۷۱] .

بنابراین در سال ۱۳۶۶، در وضعی که ایران عمیقا درگیر مشکلات فزاینده ناشی از فشارهای بین‌المللی و حملات عراق به مراکز صنعتی و اقتصادی بود، [۵۷۲] «فضای تنفس حیاتی» برای عراق فراهم شد تا با سازماندهی کامل نیروهایش و ایجاد قابلیت‌های جدید دفاعی و تهاجمی، برای حمله به مواضع و استحکامات ایران کمین نماید.

عناصر اصلی استراتژی ایران در موقعیت دشوار هشتمین سال جنگ، مقاومت در برابر فشارها [۵۷۳] با رویکرد جدید نظامی در جبهه‌های غرب بود. گرچه موقعیت برتر نظامی ایران با پیروزی در عملیات کربلای ۵ تثبیت شد، ولی همین عملیات نقطه ثقل آغاز تحول جدید در جنگ و چرخش روند جنگ به زیان ایران بود. یکی از کارشناسان نظامی بر این عقیده است که «در این عملیات چکش ایران در مقابل سندان عراقی‌ها درهم شکست.» [۵۷۴] و ایران پس از آن دیگر مجال بازسازی پیدا نکرد. حال آنکه عراق تحت حمایت بین‌المللی به رشد کمی و کیفی شگفت‌انگیز و باورنکردنی دست یافت.

محسن رضایی فرمانده کل سپاه درباره‌ی تأثیرات عملیات کربلای ۵ بر روند

[صفحه ۱۷۷]

جنگ و کاهش توانایی ایران می گوید:

«۱- بخش قابل توجهی از توان سپاه با استقرار در مناطق فاو، جزایر مجنون و شلمچه زمین گیر شد.

۲- استراتژی کشور برای بسیج امکانات شکست خورد.

۳- در منطقه جنوب به بن‌بست رسیدیم و امکان غافلگیری دشمن از میان رفت.» [۵۷۵] .

اجرای عملیات کربلای ۸ در اردیبهشت ۱۳۶۶ بر اثر اصرار مسئولان، و سایر دشواری‌های موجود سبب گردید فرمانده کل سپاه طی نامه‌ای به امام خمینی با بیان کردن مشکلات جنگ بر این مسئله تأکید نماید که اگر کشور وارد جنگ نشود، عراق حملاتش را علیه ایران آغاز خواهد کرد. [۵۷۶] .

نگرانی‌های ذکر شده در این نامه به ملاقات آقای رضایی با امام و سپس ملاقات با حاج سید احمد خمینی انجامید و در پی آن طی نامه‌ای ۲۰ صفحه‌ای مسائل به طور مشروح بیان شد. [۵۷۷] .

افزایش توان نظامی عراق به صورت روزافزون و متقابلاـ کاهش توان اقتصادی و نظامی ایران، شکاف عمیقی میان توانایی نظامی ایران و اهداف سیاسی کشور به وجود آورده بود و امکان تغییر موازنه جنگ با آغاز تهاجمات عراق وجود داشت. در واقع گرچه استقرار نیروهای ایران در طول مرز و حملات پی‌درپی قوای خودی موازنه را همچنان به نفع ایران حفظ کرده بود [۵۷۸] ولی همین وضعیت موجب کاهش تدریجی توان نظامی و افزایش آسیب‌پذیری ما شده بود. ضمن اینکه خلأ استراتژیک [۵۷۹] موجود بر اثر درنگ و تردید دو ابرقدرت جهت اقدام علیه ایران، در حال کم‌رنگ شدن بود. [۵۸۰] چنان که از اواسط سال ۱۹۸۷(۱۳۶۶) با حضور نظامی امریکا در منطقه و اسکورت نفتکش‌ها و تصمیم شوروی برای بازسازی و تقویت ماشین جنگی

[صفحه ۱۷۸]

عراق، به تدریج توانایی ایران برای بهره‌برداری از رقابت ابرقدرت‌ها کاهش یافت و بدین ترتیب خلأ استراتژیک که برای اقدامات و سیاست ایران در خلیج فارس بسیار اهمیت داشت، منتفی گردید. [۵۸۱] .

لازمه فائق آمدن بر این وضعیت، تداوم حملات ایران بود که از این پس حداقل برای یک مقطع زمانی تنها در منطقه غرب کشور، قابل پیگیری و اجرا بود. در واقع هر گونه درنگ در انتقال از جنوب به غرب هیچ گونه گشایشی را در جنگ حاصل نمی کرد، زیرا به دلیل بن‌بست نظامی، امکان اجرای عملیات گسترده و پیروز در جنوب وجود نداشت. ضمن اینکه امکان تهاجم دشمن همچنان پابرجا بود [۵۸۲] با این تفاوت که حصول پیروزی در منطقه غرب کشور با پیشروی به سمت سلیمانیه و کرکوک امکان تجزیه قوای دشمن را به دنبال داشت. در عین حال عوامل مؤثر در تغییر رویکرد نظامی ایران از جنوب به غرب به شرح زیر بود:

۱- ضرورت تداوم جنگ و ممانعت از ایجاد رکود در جنگ.

۲- حفظ ابتکار عمل در برابر دشمن.

۳- گشودن جبهه جدید در مقابل دشمن و تجزیه قوای آن.

۴- کسب زمان از دشمن برای دستیابی به راه‌کار جدید در جنوب. [۵۸۳] .

در این چارچوب علاوه بر سلسله عملیاتی که سپاه پاسداران در نیمه اول سال ۱۳۶۶ (کربلای ۱۰، فتح ۵، نصر ۴ و نصر ۷) انجام داد، عملیات نصر ۸ را نیز در تاریخ ۲۹ / ۸ / ۶۶ در ماؤوت به اجرا درآورد. سپاه پس از آن نیز دو عملیات بیت‌المقدس ۲ و ۳ را در ۲۵ / ۱۰ / ۱۳۶۶ و ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۶۶ در محور ماؤوت اجرا کر. با توجه به دشواری‌های موجود برای ادامه عملیات در این محور، سپاه

پاسداران در منطقه حلبچه عملیات والفجر ۱۰ را طرح‌ریزی کرد که در تاریخ ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶ اجرا شد. [۵۸۴] .
در این مرحله رژیم عراق به کارگیری سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را برای مقابله با سیاست‌های ایران در همکاری با معارضین کرد عراقی به نحو گسترده‌ای افزایش داد. ملاقات صدام و رجوی در بغداد زمینه اجرای

[صفحه ۱۷۹]

عملیات‌های نامنظم منافقین را فراهم ساخت. [۵۸۵] رجوی در پیام به نیروهای شناسایی خود تأکید کرد که عملیات‌های شناسایی بدون برجای نهادن رد پا از سازمان انجام گیرد. [۵۸۶] .
با فرارسیدن ماه پایانی سال ۱۳۶۶، از نیمه اسفند حملات موشکی عراق به تهران آغاز شد. به دلیل این تصور که عراق فاقد موشک مناسب برای حمله به تهران می‌باشد، این حملات موجب شگفتی ناظران شد، به نظر می‌رسید حمله موشکی ایران به بغداد در پاسخ به تهاجمات هوایی عراق به مردم بی‌دفاع و غیرنظامی در شهرها، در اسفند ۱۳۶۳ و بعدها در سال‌های ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵، به تصمیم عراقی‌ها در شتاب برای تهیه و ایجاد زیرساخت صنایع موشکی و همچنین دریافت موشک‌های اس. ۱۲، منجر شده است. [۵۸۷] .
عراقی‌ها در فضای خصومت‌آمیز بین‌المللی علیه ایران، متقاعد شده بودند که غرب از آنها حمایت می‌کند و می‌توانند به هر عملی دست بزنند. [۵۸۸] به همین دلیل صدام طی سخنانی برای اعضای شورای فرماندهی عراق رسما اعلام کرد:
«عراق از کلیه سلاح‌های ممکن برای وادار ساختن ایران به پذیرش آتش‌بس استفاده خواهد کرد.» [۵۸۹] .
گرچه عراق توانایی شلیک موشک به تهران را با کمک آلمان و آرژانتین به دست آورد، ولی کمک‌های فنی روس‌ها [۵۹۰] و نقش مشاوره‌ی فنی و پشتیبانی عملی آنها در طرح‌ریزی مأموریت و سازمان یگان‌های هوایی تهاجمی عراق در این مرحله بسیار مهم و مؤثر بوده است. مهم‌تر از این، عراق تهاجم موشکی به تهران را در چارچوب سیاست‌های شوروی [۵۹۱] و با هدف تغییر موضع ایران در قبال افغانستان انجام داد. یک مقام رسمی وزارت خارجه

[صفحه ۱۸۰]

امریکا در همان زمان اعلام کرد:
«هر عکس‌العمل شوروی را باید در عملکرد فوری رژیم بعث عراق جستجو کرد.» [۵۹۲] .
بعدها آقای ولایتی وزیر خارجه ایران در مصاحبه با روزنامه کیهان گفت:
«در اوج بمباران‌های عراق به قائم‌مقام وزیر خارجه شوروی گفتم: چرا به عراقی‌ها موشک می‌دهید؟ گفت: شما دست از حمایت مجاهدان افغانی بردارید تا ما هم موشک ندهیم. [۵۹۳] معامله خوبی نیست؟» [۵۹۴] .
در آغاز سال ۱۳۶۷ امام خمینی با درکی که از وضعیت حاکم بر جنگ داشتند، طی پیامی در تاریخ ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷ به مناسبت انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی، فرمودند:
«این روزها روز امتحان الهی است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید.»
در ادامه پیام امام آمده است:
«ای آزادگان و احرار بپاخیزید، قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می‌خواهند شما را زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود

خرد کنند که حتی آخ هم نگویید. امروز روز مقاومت است.»

امام خمینی در ادامه‌ی پیام پس از اشاره به حملات موشکی دشمن به مردم بی‌دفاع در شهرها و حملات شیمیایی به مناطق مسکونی حلبچه، فرمودند:

«به سوی جبهه‌ها هجم برید تا ضربات پی‌درپی شما توان و امان او را بگیرد.» [۵۹۵] .

با فرارسیدن سال ۱۳۶۷ و در حالی که حملات موشکی عراق به تهران همچنان ادامه داشت، اجرا نشدن عملیات گسترده در جبهه‌ی جنوبی (طی سال ۱۳۶۶)، بازتاب وسیعی در رسانه‌های خارجی داشت. واشنگتن پست به نقل از کارشناسان نظامی نوشت که احتمال نمی‌رود ایران بتواند در آینده‌ای نزدیک حمله بزرگ و مورد انتظار خود را علیه عراق آغاز کند. [۵۹۶] .

[صفحه ۱۸۱]

علت این موضوع علاوه بر تأثیر حمله هوایی عراق بر ساختار اقتصادی ایران و تضعیف آن، عمدتا خسارات و تلفات ناشی از عملیات کربلای ۵ و عدم بازسازی و جبران نشدن کمبودها، ذکر شده است. [۵۹۷] شائول بخاش یکی از کارشناسان مسائل ایران «مشکلات ایران در خرید اسلحه» بر اثر سیاست‌های دولت ریگان در تحریم بین‌المللی فروش اسلحه به ایران را یکی از عوامل مؤثر در پیدایش وضعیت جدید می‌داند. [۵۹۸] ریچارد مورفی معاون وزارت خارجه امریکا در همین زمینه گفت:

«قدرت نظامی ایران به دنبال حرکتی که تحت رهبری امریکا برای جلوگیری از فروش اسلحه به تهران صورت گرفته، شدیدا به تحلیل رفته است. امریکا تاکنون برای جلوگیری از ارسال اسلحه به ایران با ۲۰ کشور تماس رسمی گرفته است...

در سال ۱۹۸۷(۱۳۶۶) شش کشور غربی سلاح‌هایی به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار [۵۹۹] به ایران فروختند، ولی در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳) ارزش سلاح‌هایی که پانزده کشور غربی به ایران تحویل داده‌اند، یک میلیارد دلار بوده است.» [۶۰۰] .

بنابراین اظهارات، علاوه بر کاهش کشورهای فروشنده سلاح به ایران، حجم خرید ایران نیز کاهش بسیاری یافته است. مورفی در ادامه اظهارات خود درباره‌ی تأثیرات اقدام امریکا در تحریم ایران می‌گوید:

«ایران در خرید تکنولوژی پیشرفته و سیستم نظامی مدرن از غرب، دچار مشکل شده و به همین دلیل بهای گرانی را برای سلاح‌ها می‌پردازد و با تأخیر زمانی بیشتری سلاح دریافت می‌کند.» [۶۰۱] .

مجموع این عوامل سبب گردید علائم و نشانه‌های مهمی از «تغییر موازنه قدرت به سود عراق» آشکار شود. [۶۰۲] .

امریکایی‌ها در حالی که فشارهای شدید و گسترده‌ای را روی ایران متمرکز

[صفحه ۱۸۲]

کردند و متقابلا- سیاست‌های حمایت‌آمیزی را درباره عراق اعمال می‌کردند، تنها به این دلیل از تأمین نظر ایران مبنی بر متجاوز شناختن عراق خودداری می‌کردند که این اقدام ممکن است به سرنگون شدن رژیم عراق بینجامد و به ایران پیروزی ببخشد که در میدان نبرد توان دستیابی به آن را نداشته است. [۶۰۳] .

در همین وضعیت امریکایی‌ها در تاریخ ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۷ به دو سکوی نفتی ایران در خلیج فارس حمله کردند. [۶۰۴] و همزمان با آن عراقی‌ها غافلگیرانه و پس از حمله‌ی گسترده‌ی شیمیایی به خطوط پدافندی خودی در منطقه فاو، با سپاهی مجهز به این منطقه یورش آوردند؛ بدین ترتیب جمهوری اسلامی در برابر یک آزمون بسیار دشوار و سرنوشت‌ساز قرار گرفت. [۶۰۵] برابر شواهد و

قرائن موجود پیش از این احتمال حمله دشمن، به ویژه در منطقه فاو بررسی شده بود. [۶۰۶] با ادامه جنگ در فصل زمستان در منطقه‌ی شمال غرب، چنین تصور می‌شد که قوای دشمن به این منطقه گسیل خواهند شد و خطر حمله به جبهه‌ی جنوب رفع می‌شود و یا اگر عراقی‌ها به جنوب حمله کنند با توجه به پیشروی‌های عمیق رزمندگان در منطقه شمال غرب و دسترسی به سلیمانیه، نوعی تعادل برقرار خواهد شد [۶۰۷] ولی قبل از رسیدن به نتایج و دستاوردهای استراتژیک و حیاتی در منطقه شمال غرب، دشمن تهاجم به فاو را آغاز کرد.

عراق توان لازم را برای این اقدام به تدریج طی سال‌های قبل به ویژه سال ۱۳۶۶ به دست آورد، ضمن اینکه سیستم فرماندهی و سازماندهی عراقی‌ها دچار تغییر و اصلاحاتی شد که بر کارآمدی آنها در مقایسه با گذشته افزود. [۶۰۸] .

سقوط فاو در عرض ۳۶ ساعت [۶۰۹] – پس از آنکه ۲ سال و ۳ ماه در اختیار ایران بود – و در حالی که عراق از حضور عمده قوای ایران در منطقه غرب

[صفحه ۱۸۳]

اطلاع داشت، [۶۱۰] با به کارگیری سلاح‌های شیمیایی [۶۱۱] و از جمله گاز خردل و گاز سیانور، انجام گرفت. این رخداد نظامی، به دلیل آشکار شدن برتری نظامی عراق و مهم‌تر از آن، احتمال خاتمه یافتن جنگ، بازتاب نسبتا گسترده‌ای داشت. برخی از تحلیلگران بازپس گیری فاو را همانند زمان فتح آن در سال ۱۹۸۶(۱۳۶۴) به منزله نقطه عطف و نشانه‌ی مرحله‌ی نهایی جنگ ارزیابی کردند. [۶۱۲] تایمز لندن بر تأثیر روانی سقوط فاو تأکید کرد. [۶۱۳] اظهارات برخی از شخصیت‌های رسمی نیز قابل توجه بود.

میتران رئیس جمهور وقت فرانسه با تأکید بر ضرورت خاتمه یافتن جنگ، گفت:

«این جنگ باید بدون غالب و مغلوب پایان پذیرد.» [۶۱۴] .

واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا نیز اعلام کرد:

«امریکا نمی‌خواهد ایران در جنگ برنده شود.» [۶۱۵] .

گرومیکو وزیر خارجه وقت شوروی با توجه به پافشاری ایران بر تعیین متجاوز، اعلام کرد:

«بدون توجه به اینکه چه کسی مسئول آغاز جنگ می‌باشد، این جنگ باید به فوریت پایان یابد.» [۶۱۶] .

مورفی معاون وزارت خارجه امریکا گفت: «ادامه جنگ ایران و عراق به هیچ وجه به نفع امریکا نیست.» [۶۱۷] وی در جای دیگر با توجه به تأثیرات بازپس گیری فاو، در سمینار خلیج فارس اعلام کرد: «ما می‌خواهیم توازن در جنگ برهم نخورد.» [۶۱۸] مورفی بر این باور بود که عراق با بازپس گیری فاو توازن را مجددا برقرار کرده است و ادامه تهاجمات عراق به برهم خوردن موازنه منجر خواهد شد. [۶۱۹] .

آقای هاشمی فرمانده عالی جنگ با توجه به ابعاد و نتایج احتمالی این حادثه اعلام کرد:

«از این پس زمان به نفع ما نخواهد بود.» [۶۲۰] .

[صفحه ۱۸۴]

با توجه به اهمیت سقوط فاو، به نظر دو تن از تحلیل گران نظامی درباره علت وقوع این حادثه اشاره می‌شود. کردزمن معتقد است

مرحله جدید جنگ را سه عامل شکل داد: نخست، تغییرات مهم در نیروهای مسلح عراق [۶۲۱] و شیوه رزم آن. دوم، تغییر توانایی ایران برای ادامه جنگ و سومین عامل که کمتر محسوس بود، حضور نیروهای غربی در خلیج فارس و انزوای فزاینده دیپلماسی ایران بود. [۶۲۲] ژنرال موگلن کارشناس نظامی فرانسه معتقد است عراقی‌ها به چند دلیل توانستند فاو را مجددا آزاد سازند: اولا برنامه‌ریزی بسیار خوب و دقیق. ثانیا اطلاعات بسیار دقیق از مواضع استقرار نیروهای ایران در فاو. ثالثا اجرای مانور موفق و ایجاد این ذهنیت برای ایرانی‌ها که عراق قصد انجام عملیات در شمال را دارد. [۶۲۳] .

بدون تردید افزایش توان نظامی عراق و تغییر استراتژی این کشور، نقش مهمی در تغییر اوضاع به سود عراق داشت. بیش از این عراق با عملیات موسوم به «استراتژی دفاع متحرک» در اندیشه تصرف برخی از مناطق مرزی و شهرهای ایران بود که به توفیق چندانی دست نیافت. عراق ضعف و کاستی‌های خود را در این زمینه برطرف ساخت و «با بهبود ارتش عراق» [۶۲۴] و تغییر شیوه رزم آن، از موقعیت برتری برخوردار شد. محی‌الدین مصباحی در مقاله خود وضعیت نظامی عراق را در آستانه بازپس گیری فاو چنین ذکر می‌کند:

«نیروهای مسلح عراق در نتیجه فروش عظیم تسلیحاتی توسط شوروی و سایرین، در مدتی کمتر از ۲ سال سیستم‌های تسلیحاتی خود را به بیشتر از ۴۰٪ افزایش دادند. ارتش عراق در شرف بازپس گیری فاو در آوریل ۱۹۸۸ (فتح نظامی که بعدا ثابت شد نقطه عطفی در جنگ می‌باشد) حدود ۵۰۰۰ تانک، ۴۵۰۰ نفربر زرهی (۵۵۰۰)، (AF۷) عراده توپ و آلات توپخانه، ۴۲۰ هلی‌کوپتر و ۷۲۰ هواپیمای جنگی آماده برای عملیات در اختیار داشت. این خیل عظیم سیستم‌های

[صفحه ۱۸۵]

تسلیحاتی با حداقل ۳۰۰ موشک زمین به زمین اسکاد و مقادیر زیادی مهمات شیمیایی تکمیل می‌شد. بغداد با کسب این مقادیر عظیم سلاح توانست نیروهای زمینی خود را از ۲۶ لشکر در سال ۱۹۸۶ به ۵۰ لشکر در سال ۱۹۸۸ یعنی دو برابر برساند. این امر نمایانگر رشد واقعی در ساختار نیرو و توانایی‌های عملیاتی بود و گام مهمی در تغییر موازنه استراتژیک کلی در خلیج فارس به شمار می‌رفت. افزایش نیروی انسانی آموزش دیده در ارتش عراق نیز به وضوح نشان‌دهنده‌ی کمک‌های شوروی در این زمینه بود که عراق را قادر ساخت ضمن کسب مقادیر زیادی سلاح از شوروی، امر سازماندهی ارتش خود را مجددا تکمیل نماید.» [۶۲۵] .

نشریه اسپرسو چاپ ایتالیا با ارائه آماری از نیروها و تجهیزات نظامی ایران و عراق، وضعیت دو کشور را مقایسه کرده است:

ایران- نیرو: ۶۵۵۰۰۰ نفر، تانک: ۱۰۵۰ دستگاه، توپخانه: ۶۰۰ قبضه، هواپیما: ۴۰۰ فروند [۶۲۶] ، هلی کوپتر: ۳۰۰ فروند، کشتی: ۲۱ فروند

عراق- نیرو: ۸۰۰۰۰۰ نفر، تانک: ۷۰۰۰ دستگاه، توپخانه: ۵۶۰۰ قبضه، هواپیما: ۵۰۰ فروند، هلی کوپتر: ۲۰۰ فروند [۶۲۷] ، کشتی: ۳۴ فروند [۶۲۸] .

در عین حال، غافلگیر شدن ایران در فاو و به کارگیری سلاح شیمیایی به وسیله عراق به نحوی گسترده، نقش مؤثری در سقوط فاو داشت. عراقی‌ها با استفاده از زمان تمرکز نیروهای ایران در منطقه شمال غرب کشور، تهاجم خود را به منطقه فاو آغاز کردند و آن را بازپس گرفتند. البته برتری بارز عراق در تجهیزات، سازمان گسترده و آمادگی قوا نیز به گونه‌ای بود که با فرض هوشیاری و غافلگیر نشدن ایران، با توجه به موقعیت فصلی و حضور حداقل

[صفحه ۱۸۶]

نیروهـای مردمی در جبهه‌هـای جنگ و به تحلیل رفتن قوای ایران به دلیل اجرای عملیات والفجر ۱۰، احتمالا سـقوط فاو به جای ۳۶ سـاعت زمـان بیشتری به طول می‌انجامیـد. به عبـارت دیگر، تفوق استراتژیک عراق وضـعیت را به گونه‌ای اساسـی به نفع عراق و به زیان ایران تغییر داده بود و مهار تهاجمات عراق در مرحله جدید امری بسیار دشوار بود.

ارتش عراق در تـداوم تهاجمـات خود در سـاعت ۸ صبح ۴ / ۳ / ۱۳۶۷ حمله به منطقه شـلمچه را آغـاز کرد. [۶۲۹] در این هجوم منطقه شلمچه طی ۸ ساعت سـقوط کرد در حالی که نیروهای خودی در این منطقه نسبت به منطقه فاو آماده‌تر بودند، عقبه مناسبی داشتیم، هوشیار بودیم و غافلگیر نشدیم. [۶۳۰] زیرا از ۲۴ ساعت قبل، تحرکات عراق و تجمع نیرو نشان‌دهنـده آمادگی عراق برای عملیات بود. [۶۳۱] این اراده وجود داشت که شـلمچه را حفظ کنیم اگر نیروی احتیاط در اختیار داشتیم و خطوط تقویت شـده بود، ولی دشمن قدرتمند بود و تغییر تاکتیک داده بود. [۶۳۲] .

امکانات فوق‌العاده، تجهیزات پیشـرفته، کاربرد سـلاح‌های غیرمتعارف همچون سـلاح‌های شـیمیایی و گسترش سازمان ارتش عراق، امکان مانور گسترده با استفاده از شـیوه‌های جدیـد را به عراق داد. این تغییرات در ارتش عراق و شـیوه‌های رزم و برتری چشـمگیر این کشـور از نظر نیرو و سازمـان، بعـد از سـقوط فـاو مورد توجه رسانه‌هـای خـارجی و تحلیـل‌گران نظـامی قرار گرفت ولی پس از سقوط شـلمچه «استراتژی تازه کادر رهبری سیاسـی عراق» و ظهور نشانه‌هایی آشـکار از کارآیی این استراتژی مورد توجه واقع شد. [۶۳۳] روزنـامه نیویورک تـایمز به نقل از مقامات عراقی نوشت: «آنها می‌گوینـد استراتژی تازه‌ای در پیش گرفته‌انـد.» [۶۳۴] نظر به اهمیت منطقه شـلمچه و نگرانی‌هـای جمهـوری اسـلامی از احتمـال پیشروی دشـمن از محور شـلمچه به سـمت خرمشـهر و آبـادان، یگان‌های سپاه پاسداران در تاریخ ۲۲ / ۳ / ۱۳۶۷ طی عملیاتی با نام «بیت‌المقـدس ۷» به نیروهای دشـمن هجوم بردند و خسارات بسیاری را بر آنها و امکاناتشان وارد کردند. [۶۳۵] .

[صفحه ۱۸۷]

در روزهای پایانی خرداد ۱۳۶۷ نیروهای سازمان مجاهـدین خلق (منافقین) به کمک ارتش عراق به مهران و دهلران - که در کنترل پدافنـدی ارتش قرار داشت - حمله کردنـد. [۶۳۶] پیش از این منافقین - پس از توافق جدیـد با رژیم عراق - در تایخ ۸ / ۱ / ۱۳۶۷ به فکه حمله کرده بودنـد. در بهـار همین سال، بعـد از نشست محرمانه‌ی رجوی و صـدام، تجهیزات سـنگین شامل تانک تی ۵۵ و نفربرهای پی. ام. پی در اختیار منافقین قرار گرفت و افسـران عراقی آموزش فشـرده‌ای را برای آنها برگزار کردند. [۶۳۷] رجوی قبل از عملیات مهران طی نشستی برای تحریک و تشویق نیروهایش جهت حمله به خطوط ارتش، می‌گوید: «توان یک یگان ما با ۳ یا ۴ یگان ارتش ایران برابر است، یک گردان برای درهم شکسـتن چند گردان کلاسـیک ارتش.» [۶۳۸] منـافقین پس از حمله به مهران شعار «امروز مهران فردا تهران» را سر دادند.

در تاریخ ۴ / ۴ / ۱۳۶۷ تهاجم نیروهای عراق به جزایر مجنون آغاز شد. [۶۳۹] این حمله، اوج قدرت عراق بود. [۶۴۰] و پس از آن با توجه به بازپس گیری کلیه‌ی مناطق آزادشده، عراقی‌ها مواضع جدیدی اتخاذ کردند. نزار حمدون معاون وزیر خارجه عراق اعلام کرد: «زمان به نفع ایران نیست و در مرحله نهایی جنگ هستیم. عراق نمی‌تواند صرفا یک آتش‌بس را بپذیرد!» [۶۴۱] .

طه یاسـین رمضـان معاون نخست‌وزیر عراق نیز طی مصاحبه‌ای گفت: نتیجه جنگ در روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینـده روشن خواهد شد.» [۶۴۲] تأکید نزار حمدون بر این مسئله که عراق از این پس تصمیم ندارد مساعی خود را در صحنه‌ی دیپلماتیک متمرکز کند، [۶۴۳] نشان‌دهنـده‌ی تصـمیم عراق بر تداوم تهاجمات بود. چنان که نیروهای عراقی حملات گسترده‌ای را به خطوط ارتش با هدف

گرفتن اسیر و غنائم آغاز کردند. در این مرحله تعداد زیادی نیرو و مقدار بسیاری امکانات ارتشی به اسارت و غنیمت گرفته شد و در بغداد به نمایش گذاشته شد.

بنابر یک ارزیابی شتابزده درباره علل سقوط این مناطق در مرحله پایانی جنگ، می‌توان به عوامل زیر اشاره کرد:

[صفحه ۱۸۸]

۱- از سال ۱۳۶۲ ارتش درخواست کرد سپاه نیز در خطوط پدافندی مستقر شود. با این کار بخشی از توان تهاجمی سپاه زمین گیر شد. در نتیجه در سال ۱۳۶۷ نیروی متحرک و هجومی سپاه در بدترین موقعیت پدافندی، در مناطقی مانند فاو، شلمچه، مهران، جزایر مجنون، هور، ماؤوت و حلبچه زمین گیر شده بود.

۲- عدم توسعه توان رزم جمهوری اسلامی به تناسب گسترش دامنه جنگ و به تبع آن رشد کند سازمان رزم سپاه، با ضرورت‌های جنگ هیچ گونه تناسبی نداشت.

۳- متقابلا توسعه توان رزم عراق امکان پاسخگویی به حملات ایران در یک یا چند منطقه را می‌داد. ضمن اینکه عراق قادر به آفند در چند منطقه به صورت همزمان بود.

۴- استفاده‌ی گستاخانه‌ی عراق از سلاح‌های شیمیایی، به دلیل برخورداری از حمایت تکنولوژیک و سیاسی - تبلیغاتی غرب، از عوامل مؤثر و مهم سقوط خطوط پدافندی خودی در این دوره است.

البته عوامل دیگری در این زمینه مؤثر بوده است که باید به صورت جداگانه و در موقعیت مناسب بررسی شود.

در مجموع وضعیتی کاملا نگران‌کننده به وجود آمده بود. در همین حال امریکایی‌ها هواپیمای مسافربری ایران را با ۲ فروند موشک که از رزم ناو امریکایی وینسنس، مستقر در خلیج فارس شلیک شد، ساقط کردند. [۶۴۴] این حادثه پیام روشن و قاطع امریکا مبنی بر تشدید جنگ در صورت عدم اقدام ایران برای خاتمه دادن به جنگ بود. چنان که ریگان رئیس‌جمهور وقت امریکا گفت که این فاجعه ضرورت دستیابی به برقراری صلح را با حداکثر شتاب، دوچندان ساخته است. [۶۴۵] سخنگوی کاخ سفید نیز گفت: امریکا مدت مدیدی است که تمایل به برقراری تماس با ایران دارد و ما این تمایل را در هر موقعیتی ابراز کرده‌ایم. [۶۴۶] مایکل آرماکاست معاون وزارت خارجه امریکا نیز تأکید کرد که امریکا از انعطاف ایران استقبال می کند، اما ایران نمی‌تواند به

[صفحه ۱۸۹]

انتخاب خود بخش‌هایی از قطعنامه را بپذیرد. [۶۴۷] .

ایران با توجه به وضعیت یاد شده، علاوه بر شتاب در تلاش‌های دیپلماتیک و شکایت از امریکا در دادگاه لاهه به خاطر سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ایران، دو اقدام اساسی انجام داد. نخست حکم امام خمینی مبنی بر انتصاب آقای هاشمی به عنوان جانشین فرمانده کل قوا به منظور «ایجاد ستاد فرماندهی کل»، «هماهنگی ارتش و سپاه»، «تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج نظامی و دفاعی»، «تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی»، و «بهره‌برداری صحیح از کمک‌های مردمی» [۶۴۸] بود. اقدام دیگر، «اعلام بسیج عمومی» [۶۴۹] برای دفاع در برابر تهاجمات عراق بود.

در این مرحله تداوم حملات عراق سبب گردید در منطقه شرهانی، زبیدات و ارتفاعات حمرین، قوای عراقی ضمن حمله به خطوط دفاعی نیروهای ارتش تا عین خوش پیشروی کنند و در این حملات و همچنین حمله به مناطق سومار و میمک، در مجموع نزدیک

به ۱۷۰۰۰ تن را اسیر کردند. با ادامه‌ی تهدیدات عراق برای حمله به مناطق جنوبی، [۶۵۰] عقب‌نشینی از حلبچه بررسی شد و سرانجام به رغم نظرهای متفاوتی که وجود داشت، نیروهای خودی منطقه حلبچه را تخلیه کردند. [۶۵۱] علاوه بر این، بنابه ملاحظات جدید و احتمال تداوم تهاجمات عراق و همچنین تشدید فشار بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی، امام خمینی با یک تصمیم حساب شده و ناگهانی، اوضاع را به نفع ایران تغییر دادند و رئیس جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای به خاویر پرز دکوئیار دبیرکل وقت سازمان ملل، پذیرش قطعنامه را رسما اعلام کرد. خبر پذیرش قطعنامه روز دوشنبه ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷ ساعت ۲ بعدازظهر از صدای جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر قرائت شد:

«جمهوری اسلامی ایران طی پیامی خطاب به خاویر پرز دکوئیار دبیرکل سازمان ملل اعلام نمود که با تأیید مجدد تلاش‌های انجام شده و اطمینان قلبی به اقدامات ایشان و به منظور یاری نمودن دبیرکل در جهت استقرار امنیت براساس عدالت، قطعنامه ۵۹۸ را رسما پذیرفته است.» [۶۵۲] .

[صفحه ۱۹۰]

در نامه رئیس‌جمهور ایران به دبیرکل سازمان ملل به این مسئله اشاره شده است که جنگ اکنون ابعادی غیرقابل پیش‌بینی یافته و ضمن وارد کردن کشورهای دیگر در جنگ، «قربانیان بی‌گناهی را در خود فروبرده است». [۶۵۳] .

اقدام ایران و اهمیت آن واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت. اعجاب و شگفتی مردم و همچنین تأسف و تألم آنها موجی از حزن و اندوه همراه با نوعی ابهام و حیرت را در میان رزمندگان اسلام و طرفداران انقلاب اسلامی در خارج از ایران برانگیخت. در واقع شکاف موجود میان آگاهی مردم از واقعیات جنگ و برتری‌های چشمگیر عراق در توان رزمی و تبلیغاتی که انجام می‌گرفت و اذهان جامعه را شکل داده بود، مهم‌ترین عاملی بود که براساس آن می‌توان وضعیت روحی و روانی مردم را توضیح داد.

«و اما درباره قبول قطعنامه که حقیقتا مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصا برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه‌ی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم ولی به واسطه‌ی حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلا خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور - که من به تعهد و دلسوز و صداقت آنان اعتماد دارم - با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم، و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه‌ی ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نبودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود...»

امام خمینی در همین پیام این اقدام را به منزله‌ی نوشیدن جام زهر ذکر کرده و فرمودند:

«شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره‌ی خون و آخرین نفس بجنگم اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم، گذشتم و اگر آبرویی داشتم با خدا معامله کردم.» [۶۵۴] .

[صفحه ۱۹۱]

اقدام ایران در پذیرش قطعنامه، بازتاب نسبتا وسیعی داشت. رابین رایت کارشناس مسائل منطقه، دلیل این تصمیم را ناامیدی ایران از راه‌حل نظامی ذکر کرد و وضعیت اقتصادی و تحولات اخیر جبهه‌های جنگ را مؤثر در این تصمیم گیری دانست. [۶۵۵] وزیر دفاع

وقت امریکا، رویارویی امریکا با ایران را یکی از عوامل مؤثر در پذیرش قطعنامه به وسیله ایران دانست. [۶۵۶] عراقی‌ها که اوضاع را به سود خود ارزیابی می‌کردند و از اقدام ایران ناخشنود بودند، پذیرش قطعنامه را یک تاکتیک خواندند! [۶۵۷] برخی از صاحب‌نظران غربی نیز واکنش عراق را قصد عملی عراق برای جلوگیری از برقراری آتش‌بس ارزیابی کردند [۶۵۸] همچنین رادیو لندن با استناد به بیانیه نظامی عراق، خبر حمله نظامی وسیع برعلیه مواضع ایران را اعلام کرد. [۶۵۹] امریکایی‌ها از اقدام ایران اظهار خرسندی کردند و سخنگوی وزارت خارجه امریکا اعلام کرد امریکا پذیرش قطعنامه ۵۹۸ را توسط ایران خوش‌آمد می‌گوید. [۶۶۰] وایتهد معاون وزیر خارجه امریکا نیز اعلام کرد واشنگتن هفته گذشته پیامی برای ایران ارسال داشته و از تصمیم این کشور برای قبول قطعنامه ۵۹۸ تقدیر کرده است. [۶۶۱] امریکایی‌ها اقدام ایران را عامل مهمی در رفع موانع در روابط ایران و امریکا می‌دانستند. [۶۶۲] چنان که شولتز وزیر خارجه امریکا اعلام کرد امریکا مایل به تجدید مناسبات مستقیم با نمایندگان معتبر تهران است. [۶۶۳] .

تنها سه روز پس از اقدام ایران در اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸، عراقی‌ها در روز جمعه ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷ تهاجم خود را در منطقه جنوب آغاز کردند و در ۳۰ کیلومتری شمال خرمشهر مستقر شدند. [۶۶۴] این حرکت شتابزده شباهت زیادی به تهاجم آنها در آغاز جنگ داشت. هدف عراق از این اقدام وارد کردن ضربه سنگین نظامی به ایران، اشغال زمین و به اسارت گرفتن شمار بیشتری از نظامیان ایرانی بود تا به هنگام مذاکرات بعد از جنگ، از آنها به عنوان برگ برنده استفاده کند و در تبادل اسیران نسبت به ایران از موقعیت بهتری برخوردار شود. ضمن آنکه خرمشهر به شدت تهدید می‌شد و اشغال مجدد آن امتیاز بزرگی برای عراق بود. [۶۶۵] .

[صفحه ۱۹۲]

وضعیت بسیار حساسی بود. خرمشهر در آستانه‌ی سقوط قرار داشت. سقوط مجدد خرمشهر ضربات روانی سنگینی بر مردم وارد می‌کرد و ممکن بود ابتکار عملی را که امام با پذیرش قطعنامه به دست آورده بود، از دست برود. نگرانی‌های برخاسته از این وضعیت سبب شد امام خمینی توسط فرزندشان (حاج احمد آقا) پیامی را برای سپاه، تنها سازمان حاضر در صحنه، ارسال فرمایند که در آن آمده بود:

«اینجا نقطه حیاتی کفر و اسلام است، یعنی نقطه شکست و پیروزی، یا اسلام یا کفر است و باید متر به متر بجنگید و هیچ چیزی از هیچ کس پذیرفته نیست. اینجا نقطه‌ای است که یا موجب می‌شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور و یا برای همیشه سپاه یک سپاه ذلیل و مرده‌ای بشود.» [۶۶۶] .

سپس حاج سید احمد آقا خطاب به برادر رحیم صفوی که پیام را یادداشت می‌کرد، به این مسئله اشاره نمود که اگر خدای ناکرده در خرمشهر یک حادثه‌ای رخ بدهد، دیگر ما هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم. [۶۶۷] .

طولی نکشید که سیل نیروهای بسیجی که از قبول قطعنامه به شدت متأثر بودند و امام خمینی را تنها می‌دیدند، به یاری او شتافتند و راهی جبهه‌ها شدند تا به هر نحو ممکن در برابر دشمن بایستند، دشمنی که بسیار قدرتمندتر از روزهای اول جنگ شده بود. بار دیگر بسیجیان با کمترین امکانات به میدان شهادت آمدند. جبهه‌ای که تنها سپاه بود و بسیج، اما نه در سازمان‌های از پیش تعریف شده، بلکه در هسته‌هایی خودجوش مرکب از فرماندهان لشکرهای سپاه و رده‌های پایین‌تر و نیروهای مردمی‌و بسیجی همه شانه به شانه در لابه‌لای تانک‌های عراقی با سلاح سبک و آرپی‌جی، بدون اتکا به نیروی زرهی و توپخانه به دشمن یورش بردند و طی چند روز درگیری سنگین، بخش بزرگی از قوای عراقی را منهدم و آنها را مجبور به عقب‌نشینی کردند.

تهاجم عراق تأثیر فوق‌العاده‌ای بر جای نهاد، ادعاهای دروغین صلح‌طلبی این رژیم آشکارتر شد و عناصر مردد داخلی و افکار

فریب‌خورده جهان به این

[صفحه ۱۹۳]

امر واقف شدند. ضمن آنکه نگرانی ناشی از حرکت اخیر عراق با توجه به زمینه روانی ویژه‌ای که امام آماده کرده بود، جو عمومی داخل کشور را یکباره دستخوش تحول کرد و سیل نیروهای مردمی بسیار گسترده‌تر از روزهای نخستین جنگ به جبهه سرازیر شدند. همچنین این اقدام عراق تغییر مواضع بین‌المللی را به زیان عراق و به سود ایران موجب شد. چنان که پنج عضو دائمی شورای امنیت، عراق را برای نشان دادن انعطاف بیشتر تحت فشار قرار دادند. [۶۶۸] به نوشته‌ی نیویورک تایمز، امریکا نیز عراق را برای برقراری آتش‌بس تحت فشار قرار داد. [۶۶۹] .

عراقی‌ها در وضعیت جدید ضمن اعلام مقاومت در برابر فشار امریکا، مدعی بودند امریکا می‌خواهد هرچه زودتر جنگ تمام شود تا با ایران ارتباط برقرار کند، [۶۷۰] واکنش عراق در مجموع سبب گردید ایران پیروزی تبلیغاتی به دست آورد. [۶۷۱] به همین دلیل برخی از تحلیل‌گران اقدام عراق در اشغال مجدد خاک ایران را یک «اشتباه محض» [۶۷۲] قلمداد کردند. یک سرهنگ سابق ارتش عراق این اقدام عراق را یک اشتباه استراتژیک نامید و گفت:

«در موقعیتی که ایران از کمبود نیرو رنج می‌برد و ابتکار عمل در اختیار رهبری عراق بود، پیشروی نیروهای عراق به سمت خوزستان منجر به «خروش ملی» و ایجاد شور و شوق در میان مردم ایران شد. همین نیروها طی یک هفته تلفات و خسارت‌های سنگینی به ویژه در محور جنوب، بر نیروهای عراقی وارد ساختند و در این منطقه ۱۸ تیپ زرهی و مکانیزه که اصل قدرت عراق را تشکیل می‌دادند، مورد تهاجم نیروهای داوطلب ایرانی قرار گرفتند و با عقب‌نشینی مقدار زیادی منهدم شدند.» [۶۷۳] .

در جبهه‌ی جنوب هنوز ارتش عراق به طور کامل تا خط مرزی عقب زده نشده بود که حدود ساعت ۱۴:۳۰ روز ۳ / ۵ / ۱۳۶۷ سازمان مجاهدین خلق (منافقین) همراه با ارتش عراق هجوم مشترکی را از طریق سرپل ذهاب به طرف شهر «کرند» آغاز کردند. [۶۷۴] آنها عملیات خود را با هدف براندازی شروع کردند با این تصور که اوضاع بین‌المللی کاملا به زیان ایران می‌باشد و همانند

[صفحه ۱۹۴]

وضعیتی است که آلمان در اواخر جنگ جهانی دوم گرفتار آن شده بود. وضعیت نظامی ایران را به دلیل تهاجمات پی‌درپی عراق از هم پاشیده ارزیابی می‌کردند و همچنین اوضاع داخلی ایران را به دلیل تحولات نظامی و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آسیب‌پذیر می‌دانستند. برای همین، منافقین می‌پنداشتند یک ضربه و شوک نظام جمهوری اسلامی را فروخواهد ریخت و این تنها فرصتی است که در اختیار دارند. [۶۷۵] رجوی در همان زمان طی تحلیلی گفته بود که نباید این فرصت تاریخی را از دست بدهیم و باید حمله کنیم و در شرایطی که رژیم نیروی جنگی ندارد، کار را تمام کنیم! [۶۷۶] مریم رجوی نیز در جمع نیروهای حمله‌کننده اظهار کرده بود: وقتی از جبهه برویم آن طرف‌تر کسی نیست که جلوی ما را بگیرد. [۶۷۷] رجوی در پاسخ به سؤالات حاضرین در همین نشست می گوید:

«جمع‌بندی نهایی در میدان آزادی!» [۶۷۸] .

منافقین طرح خود را در یک نشست ۲۴ ساعته آماده کردند و در تاریخ ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷ توجیه صورت گرفت و نام عملیات را «فروغ جاویدان» گذاشتند. [۶۷۹] .

سخنگوی سازمان منافقین استراتژی سازمان را وارد کردن هرچه بیشتر تلفات و باز کردن راه برای یک انقلاب عمومی ضد (امام) خمینی ذکر کرد! [۶۸۰] در یکی از رسانه‌های غربی استراتژی منافقین «ایجاد منطقه آزاد شده» اعلام شد. [۶۸۱].

به هر صورت، بلافاصله پس از اطلاع مردم از هجوم منافقین؛ بسیجی‌ها سیل‌وار راهی غرب کشور شدند و به همراه یگان‌های سپاه پاسداران، راه را بر منافقین بستند و از روبه‌رو و پهلو به آنها حمله کردند و سازمان نظامی منافقین را متلاشی کردند. منافقین با آشکار شدن ناتوانی و برملا شدن آثار توهمات خود، با بر جای گذاشتن کشتگان و اسیران بسیار، مجددا به داخل خاک عراق فرار کردند. رادیو لندن طی تفسیری گفت: «هدف از این حمله هرچه باشد ظاهرا تأثیر مثبت و مطلوبی در داخل ایران نداشته است.» [۶۸۲].

بدین ترتیب با حضور گسترده نیروهای مردمی در جبهه‌ها و پیام امام به سپاه پاسداران برای مقاومت و رفع تهاجم عراق و منافقین، سرانجام عراقی‌ها

[صفحه ۱۹۵]

پس از تحمل تلفات و عدم موفقیت در لشکرکشی مجدد به خاک ایران و ناامیدی از کارآیی منافقین به عنوان یک عامل تعیین‌کننده، با برقراری آتش‌بس موافقت کردند و در تاریخ ۲۹ / ۵ / ۱۳۶۷ میان ایران و عراق آتش‌بس برقرار شد. رابین رایت متخصص مسائل منطقه، در تحلیلی نوشت: برای ایران اجرای آتش‌بس رسمی نخستین گام از اجرای استراتژی گسترده برای آغاز مرحله‌ای جدید در انقلاب آن کشور است. هدف از این استراتژی آن است که آن بقای انقلاب اسلامی اهمیت بیشتری یافته است.

بدین ترتیب جنگ ایران و عراق پس از هشت سال در حالی پایان یافت که علی‌رغم حمایت همه‌جانبه‌ی غرب و شرق از عراق، که قدرت نظامی این کشور را به نحوی چشمگیر افزایش داده بود، دستاورد مهمی عاید عراق نشد.

عدم موفقیت عراق در جنگ و باقی ماندن مشکلات ژئوپلیتیک این کشور، عراق بعد از جنگ را در وضعیت ویژه‌ای قرار داد. حمایت فوق‌العاده غرب و شرق از عراق در زمینه انواع تسلیحات به خصوص سلاح‌ها و تجهیزات پیشرفته و کشتار جمعی و همکاری با این کشور برای دستیابی به سلاح‌های غیرمتعارف و حتی ایجاد زمینه مناسب برای ساخت سلاح‌های اتمی، به همراه جنبه‌های روانی و ویژگی‌های شخصی سران رژیم عراق، پس از جنگ توان متراکم و تهدیدکننده‌ای از عراق ساخته بود که کشورهای منطقه و همجوار، خصوصا عربستان و اسرائیل را در معرض تهدید جدی قرار می‌داد. این مسئله در تجاوز عراق به کویت به وقوع پیوست و در یک حرکت مشکوک - که در آن فریب خوردن رژیم عراق دور از ذهن نیست - ارتش عراق، کویت را اشغال کرد و این اقدام زمینه‌ای شد که حامیان عراق - که صرفا برای مقابله با انقلاب اسلامی، رژیم صدام را تا این حد تجهیز کرده بودند - پس از پایان جنگ اوضاع را مساعد دیدند که آنچه را با ثروت کشورهای حوزه خلیج فارس در اختیار عراق گذاشته بودند، مجددا با امکانات همین کشورها همه را منهدم کنند. انهدامی که طی چندین سال گذشته ادامه داشته و هنوز هم غرب از آن احساس تهدید می‌کند.

پاورقی

[۱] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «مطبوعات جهان»، نیمه دوم فروردین ۱۳۶۴، ص ۲۶ [مقاله «جنگ ایران و عراق: تضادهای بنیادین» از نشریه‌ی میدل ایست اینسایت چاپ امریکا، ۱۹۸۵، نوشته رمضانی].

[۲] پیشین.

[۳] محمد درودیان، «علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه‌های موجود،» مجله سیاست دفاعی (ویژه‌نامه جنگ تحمیلی)، سال چهارم، شماره ۳ و ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵.

[۴] مایکل لدین و ویلیام لوئیس، هزیمت یا شکست رسوای امریکا، ترجمه احمد سمیعی (گیلانی)، تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۲، ص ۳۰۱.

[۵] افرایم کارش، جنگ ایران و عراق - آثار و مفاهیم (شامل سلسله مقالات ارائه شده در کنفرانسی که پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در تل‌آویو - سپتامبر ۱۹۸۸ - برگزار شد)، ترجمه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی، شهریور ۱۳۶۸.

[۶] پیشین، مقاله شهرام چوبین.

[۷] کنت آر تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۶، ص ۱۶۲.

[۸] مأخذ ۵.

[۹] دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع - جلد دوم، مقاله‌ی «مسئله تجاوز و نقش دریافت جهانی از جنگ ایران و عراق»، نوشته‌ی ژوهانس دیسنر، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸، ص ۲۵۹.

[۱۰] پیشین، ص ۲۹۸.

[۱۱] مأخذ ۹، ص ۳۰۱.

[۱۲] دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع - جلد اول، مراسم افتاحیه‌ی کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، سخنان آقای هاشمی رفسنجانی، تهران، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸، ص ۱.

[۱۳] پیشین، ص ۴۱.

[۱۴] جیمز بیل، عقاب و شیر، ترجمه مهوش غلامی، تهران، انتشارات شهرآشوب، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۸۵.

[۱۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، ویژه‌نامه «گزارش نهمین کنگره‌ی حزب بعث درباره‌ی جنگ»، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۲، رادیو بغداد، اسفند ۱۳۶۱.

[۱۶] پیشین.

[۱۷] مأخذ ۱۵.

[۱۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، معرفی کتاب جنگ ایران و عراق ریشه‌ها و عواقب منازعه ایران و عراق، ترجمه گروه تحقیق خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۱ / ۲ / ۱۳۶۸، ص ۷.

[۱۹] البته تاکنون سازمان ملل این مفهوم را به رسمیت نشناخته است ولی در برخی از مخاصمات (رخدادهایی که به منازعه نظامی منتهی شده است) کشور تجاوزکننده، برای مشروعیت اقدام خود، از این مفهوم استفاده کرده است.

[۲۰] پیشین.

[۲۱] آنتونی کردزمن و آبراهام. آر. واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۵۰ (منتشر نشده).

[۲۲] مأخذ ۱۲، ص ۴۶.

[۲۳] محمد جوادی‌پور، علی نیکفرد، سید یعقوب حسینی، نقش ارتش جمهوری اسلامی در هشت سال دفاع مقدس - جلد اول: نبردهای غرب دزفول، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۵۱ و ۵۲، تاریخ مصاحبه ۲۱ / ۸ / ۱۳۵۹ (۱۲ نوامبر ۱۹۸۰).

[۲۴] پیشین، ص ۵۲.

[۲۵] مأخذ ۲۲، ص ۴۱، تاریخ مصاحبه دی ۱۳۶۰، (ژانویه ۱۹۸۲).

[۲۶] محمد درودیان، از خونین‌شهر تا خرمشهر، چاپ دوم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، خرداد ۱۳۷۳، ص ۲۴ و ۲۵.

[۲۷] مأخذ شماره‌ی ۱۴.

[۲۸] مأخذ ۲۰، ص ۵۴.

[۲۹] آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، مصاحبه با مجله پیام انقلاب، ۲۵ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

[۳۰] آنتونی کردزمن از مسئولان وزارت دفاع امریکا، درباره مشکلات اساسی ارتش در کتاب خود می‌نویسد: «هیچ یک از دو کشور ایران و عراق ساختار فرماندهی عالی کارآمد نداشتند، شاه ایران دائما فرماندهی عالی ارتش را تغییر می‌داد. با سقوط شاه حتی این رکن شکننده فرماندهی و کنترل ارتش ایران نیز فروپاشید.» (درس‌هایی از جنگ مدرن، ترجمه حسین یکتا، ص ۷۳).

[۳۱] افراد شرکت کننده در کودتای نوژه علاوه بر نیروی هوایی، در غالب یگان‌ها و نیروهای ارتش حضور داشتند. چنان‌که شهید فکوری در نامه‌ای به امام خمینی برای کمک به خانواده‌های معدومان کودتا می‌نویسد. معدومان نیروی زمینی که اکثر آنان از افسران زرهی و توپخانه، لشکر گارد (سابق)، لشکر ۹۲ زرهی، لشکر ۱۶ قزوینی و لشکر ۶۴ پیاده ارومیه و تیپ نوهد بوده‌اند... (صحیفه نور، جلد ۱۴، ص ۳۴).

[۳۲] مأخذ ۱۲، ص ۴۶.

[۳۳] مأخذ ۲۰، ص ۵۴.

[۳۴] سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت، به نقل از روزنامه السفیر، ۱۳۶۸، ۲۹ / ۸ / ۱۹۸۹.

[۳۵] مأخذ ۲۰، ص ۴۳.

[۳۶] مأخذ ۹، مقاله «تحلیل خطرات جنگ» نوشته‌ی کیث مک گلان، ص ۱۳۹.

[۳۷] مأخذ ۲۵، ص ۱۹ و ۲۰.

[۳۸] مأخذ ۲۵، ص ۲۰.

[۳۹] مهدی انصاری، محمد درودیان، هادی نخعی، خرمشهر در جنگ طولانی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۷۵، ص ۹۶.

[۴۰] پیشین، ص ۹۳، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی،۲۱/ ۱ / ۱۳۵۹.

[۴۱] مأخذ ۱۴، ص ۴۸۰.

[۴۲] خبرگزاری پارس، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۹۳، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۵۹، رادیو امریکا، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹، به نقل از مجله فارین‌افرز.

[۴۳] مأخذ ۷، ص ۱۶۵.

[۴۴] مأخذ ۷، ص ۱۶۵.

[۴۵] مأخذ ۷، ص ۱۶۳.

[۴۶] مأخذ ۷، ص ۱۶۶.

[۴۷] مأخذ ۷، ص ۱۶۵.

[۴۸] روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۷ / ۹ / ۱۳۵۹.

[۴۹] پس از آنکه عراق تصمیم به استقرار در مواضع اشغال گرفت نماینده امریکا در سازمان ملل اعلام کرد: اراضی نباید با زور تصرف شود و اختلافات به جای توسل به جنگ با مسالمت حل شود (رادیو لندن ۳۰ / ۷ / ۵۹). ماسکی وزیر خارجه امریکا نیز

اعلام کرد: امریکا با تجزیه ایران مخالف است (رادیو امریکا ۳ / ۸ / ۵۹). حال آنکه برابر خبر منتشره فیگارو در واقع عراقی‌ها از مواضع امریکایی‌ها چنین استنباط می‌کردند که امریکایی‌ها با تجزیه ایران موافق هستند. بنابراین تغییر موضع امریکایی‌ها مورد گلایه و انتقاد عراق قرار گرفت.

[۵۰] مأخذ ۲۵، ص ۲۱ و ۲۲.

[۵۱] اسرای عراقی، «تحلیل نبردهای بین ایران اسلامی و بعثیان عراق»، ترجمه اطلاعات نیروی زمینی سپاه، ص ۸.

[۵۲] مأخذ شماره‌ی ۳۶، ص ۹۶.

[۵۳] آیت‌الله خامنه‌ای، نماز جمعه تهران، ۲۹ / ۳ / ۱۳۶۰.

[۵۴] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین‌شهر تا خرمشهر، چاپ دوم، خرداد ۱۳۷۳، ص ۲۳ و ۲۶.

[۵۵] وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، بولتن سفارت جمهوری اسلامی در مسکو، ۸ / ۸ / ۱۳۵۹، به نقل از روزنامه ستاره‌ی سرخ مسکو.

[۵۶] دفتر حقوقی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، تحلیلی از جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات دفتر حقوقی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۱، ص ۱۰۲، روزنامه‌ی القبس به نقل از مقامات عراقی، آوریل ۱۹۸۱ (فروردین ۱۳۶۰).

[۵۷] لشکر ۱۰ ارتش عراق در این محور از ۱ / ۷ / ۱۳۵۹ تجاوز خود را آغاز کرد و در ساعت ۹ صبح ۵ / ۷ / ۵۹ در کنار پل نادری مستقر شد.

[۵۸] سند شماره ۲۸۹۶۶۳ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، اظهارات معاون تیپ ۱۷ از لشکر ۱۰ ارتش عراق، ص ۵.

[۵۹] محمد پاکپور، «آخرین وضعیت خطوط مرزی ایران و عراق»، پایان‌نامه فوق‌لیسانس، مرداد ۱۳۶۷، ص ۱.

[۶۰] محسن رضایی، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران عراق»، دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۱۵ / ۴ / ۱۳۷۴.

[۶۱] پیشین.

[۶۲] مأخذ ۶.

[۶۳] آنتونی کردزمن و آبراهام. آر. واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن - جلد دوم جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۵۴. (منتشر نشده).

[۶۴] پیشین.

[۶۵] انتشارات سروش، مجموعه‌ی مصاحبه‌های سال ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶، مصاحبه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی شهادت شهید چمران، ۱۲ / ۳ / ۱۳۶۱، ص ۶۴ و ۶۵.

[۶۶] مدت ۳ روز در منابع منتشره از ارتش ذکر شده است، حال آنکه بنابر گزارش‌های دیگر تیپ سوم بدون درگیری عقب‌نشینی کرده است.

[۶۷] نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، دفاع مقدس - نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال جنگ، اسفند ۱۳۷۱، ص ۸.

[۶۸] مأخذ ۱، ص ۲۹.

[۶۹] مأخذ ۱، ص ۴۹ و ۵۰.

[۷۰] مأخذ ۶.

[۷۱] گزارش سفارت جمهوری اسلامی در بیروت، ۱۳۶۸، به نقل از مقاله‌ی روزنامه‌ی السفیر، نوشته‌ی احمد زبیدی (سرهنگ سابق ارتش عراق)، ۲۰ / ۱۱ / ۱۹۸۹.

[۷۲] پیشین.

[۷۳] افرایم کارش، «جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی»، نشریه‌ی ادلفی پی‌پر، مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن، بهار ۱۹۸۷، ترجمه دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۷۰، ص ۴۰ و ۴۱.

[۷۴] کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۱۷۶ و ۱۷۷، به نقل از مارنشه (رئیس وقت سازمان اطلاعاتی فرانسه).

[۷۵] مأخذ ۱۶.

[۷۶] پیشین.

[۷۷] جی دال - مکی لیپ، «نگرشی جدید به استراتژی عراق در جنگ خلیج فارس»، ترجمه علیرضا کاوه، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲، دانشگاه امام حسین (ع)، بهار ۱۳۷۵، ص ۳۳.

[۷۸] مأخذ ۱، ص ۵۱.

[۷۹] پیشین.

[۸۰] عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۰، ص ۶۹.

[۸۱] پیشین، ص ۷۰.

[۸۲] وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران، «طرح سیاسی جمهوری اسلامی ایران برای خاتمه جنگ»، آذر ۱۳۶۶، ص ۱.

[۸۳] مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی - جلد ۱۶، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۷۶، سخنرانی ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۶۰.

[۸۴] مأخذ ۱، ص ۷۳.

[۸۵] مأخذ ۱۵، ۲۲ / ۴ / ۱۳۷۴.

[۸۶] روزنامه‌ی میزان، ۱ / ۷ / ۱۳۵۹.

[۸۷] مأخذ ۱۹، ص ۱۸۵.

[۸۸] مأخذ ۱۹: ص ۱۷۸.

[۸۹] ابوالحسن بنی‌صدر، روزها بر رئیس‌جمهور چه می‌گذرد؟، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰.

[۹۰] محمد جوادی‌پور، علی نیکفرد و سید یعقوب حسینی، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس - جلد اول، نبردهای غرب دزفول، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۲، ص ۱۳۵ تا ۱۳۹.

[۹۱] سید یعقوب حسینی، محمد جوادی‌پور، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس - جلد سوم: اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، ص ۱۵۹.

[۹۲] تیمسار اسدالله میرمحمدی، مصاحبه با روزنامه کیهان، ۲۵ / ۵ / ۱۳۷۵.

[۹۳] مأخذ ۳۶.

[۹۴] مأخذ ۳۶، ص ۲۰۷.

[۹۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ویژه‌نامه «گزارش نهمین کنگره‌ی حزب بعث درباره جنگ»، ۲۴ / ۲ / ۱۳۶۲، رادیو بغداد،

اسفند ۱۳۶۱.

[۹۶] مأخذ شماره‌ی ۱، ص ۵۸ و ۵۹.

[۹۷] یکی از فرماندهان عراق در این زمینه می‌گوید: «ما تصور می‌کردیم که نیروهای ایرانی از انجام یک عملیات دقیق و برنامه‌ریزی شده در سطحی گسترده ناتوان هستند، لذا بر موضع خود کاملا اصرار داشتیم... ما این ذهنیت را از شکست نیروهای ایرانی در تاریخ ۵ / ۱ / ۱۹۸۱ (۱۶ / ۱۰ / ۱۳۵۹) در هویزه به دست آوردیم.»

[فصلنامه بررسی‌های نظامی (دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران) شماره ۱ ص ۲۳ و ۲۹].

[۹۸] دفتر سیاسی سپاه، «بولتن رویدادها و تحلیل»، شماره‌ی ۱۹، ۱۴ / ۴ / ۱۴۶۰، خبرگزاری فرانسه ۲۹ / ۳ / ۱۳۶۰.

[۹۹] وزارت ارشاد اسلامی، «بولتن بررسی مطبوعات جهان»، شماره‌ی ۸۹، ۷ / ۷ / ۱۳۶۰، نشریه السیاسه چاپ کویت، ۲۱ ژوئیه ۱۹۸۱.

[۱۰۰] ستاد تبلیغات شورای عالی دفاع، ستیز با صلح، به نقل از رادیو بغداد، ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۵۹، ص ۱۲۳.

[۱۰۱] پیشین، به نقل از مصاحبه مطبوعاتی صدام در تاریخ ۲۲ / ۷ / ۱۹۸۱ (۳۱ / ۴ / ۱۳۶۰)، ص ۱۲۳.

[۱۰۲] خبرگزاری پارس، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۹۱، ۵ / ۷ / ۱۳۶۰، رادیو اسرائیل، ۴ / ۷ / ۱۳۶۰، به نقل از هفته‌نامه نیوزور لدیپورت.

[۱۰۳] غلامعلی رشید، «شرایط و ضرورت‌های تولد و رشد و تثبیت نقش سپاه در جنگ»، مصاحبه ۲۵ / ۶ / ۱۳۷۵، ص ۳، پیاده شده نوار.

[۱۰۴] شهید حسن باقری، «دفترچه یادداشت‌های روزانه»، یادداشت ۱۷ / ۵ / ۱۳۶۰، سند شماره ۵۰۲، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

[۱۰۵] مأخذ ۱.

[۱۰۶] محسن رضایی، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، در دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، دوره‌ی عالی جنگ، ۱۹ / ۵ / ۱۳۷۴.

[۱۰۷] پیشین.

[۱۰۸] آموزه: واژه دکترین (آموزه) از اصطلاح لاتین دکترینا و دکتر به معنای تعلیم و تعلم و علم گرفته شده است. در استعمال رایج، دکترین (آموزه) به معنای چیزی که آموخته شده و تعلیم می‌شود به کار می‌رود و اغلب به طور اخص چیزی که تحت عنوان اصول، عقیده، قاعده، نظریه، اصل قانونی و یا بیان رسمی سیاست ملی تعلیم شده را نیز دربر می‌گیرد.

(فئوفلت و گووالنیک ۱۹۸۸، کتاب تئوری عملیات و جنگ، ترجمه‌ی معاونت تحقیق و پژوهش دانشکده فرماندهی و ستاد، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۳۳).

[۱۰۹] ستاد عملیات سپاه در جنوب، تیر ۱۳۶۰.

[۱۱۰] سپاه پاسداران خوزستان، واحد اطلاعات، «گزارش ستاد عملیات جنوب از وضعیت جبهه‌های جنگ»، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۰، ترجمه اطلاعیه‌های محرمانه دشمن.

[۱۱۱] انتشارات سروش، مجموعه مصاحبه‌های سال‌های ۱۳۶۱-۶۲، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۶، ص ۱۱۹، مصاحبه آیت‌الله خامنه‌ای با مجله پیام انقلاب، ۱۶ / ۶ / ۱۳۶۲.

[۱۱۲] پیشین، مصاحبه با گروه تلویزیونی سپاه پاسداران، ۴ / ۳ / ۱۳۶۱.

[۱۱۳] پیشین.

[۱۱۴] مأخذ ۴، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

[۱۱۵] مأخذ ۲.

[۱۱۶] سید یعقوب حسینی، محمود جوادی‌پور، ارتش جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس - جلد سوم: اشغال خرمشهر و شکستن حصر آبادان، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳، ص ۲۶۱.

[۱۱۷] مأخذ شماره ۴، ۲۷ / ۴ / ۱۳۷۴.

[۱۱۸] پیشین.

[۱۱۹] سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: «در گلف (پایگاه منتظران شهادت» جلسه داشتیم. شهید باقری، آقا رحیم و رشید بودند. به آنها گفتم برای عملیات بعدی طرحی بدهید که حجم به کارگیری نیروها دو برابر عملیات ثامن‌الائمه باشد و عملیات بعدی هم دو برابر و... چون مشکل نیرو وجود داشت گفتم تأمین نیرو بر عهده من، در این مرحله ۱۴ عملیات طرح‌ریزی شد که اولین آن عملیات طریق‌القدس بود.»

(دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۲۷ / ۲ / ۱۳۷۵.

[۱۲۰] آنتونی کردزمن و آبراهام آر. واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه‌ی حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۱۴۶، (منتشر نشده).

[۱۲۱] پیشین.

[۱۲۲] مأخذ ۴، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

[۱۲۳] سردار رضایی در توضیح این مطلب می‌گوید: «ما بچه‌های سپاه را کاملا جدا کردیم و گفتیم شما یک تیمی بشوید طراحی عملیات بکنید و برادران ارتش هم یک تیم درست کنند. به صورت جداگانه طراحی عملیات کنید ولی بعد در جلسه مشترکی نظرتان را بگویید، آنها هم نظرشان را بگویند. علت این تفکیک این بود که می‌خواستیم به سپاه شکل بدهیم، یک سازمان درست بکنیم... گفتیم سپاه با هویت سپاه باید طرح‌ریزی کند...»

(دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵).

[۱۲۴] مأخذ ۱، ص ۸.

[۱۲۵] در سال ۱۳۶۵ پس از فتح فاو و بعد از عملیات‌های عراق موسوم به استراتژی دفاع متحرک، سلسله عملیات‌های جدیدی تحت عنوان کربلای ۱ در مهران، کربلای ۲ در حاج عمران، کربلای ۳ در خلیج فارس و... انجام گرفت که تنها در به کارگیری کلمه «کربلا» اشتراک داشت.

[۱۲۶] ویژگی عملیات طریق‌القدس اجرای همین تاکتیک بود که با پیشنهاد سپاه و با تلاش نیروهای سپاه اجرا شد. موفقیت عملیات در سایر محورها اساسا متکی به پیروزی در این محور بود که حاصل شد.

[۱۲۷] مأخذ ۸، ص ۳۹ و ۴۰.

[۱۲۸] غلامعلی رشید، «بررسی روند شکل‌گیری استراتژی آزادسازی مناطق اشغالی»، مجله‌ی سیاست دفاعی، پژوهشکده‌ی علوم دفاعی - استراتژیک دانشگاه امام حسین (ع)، سال چهارم، شماره‌ی ۴، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ص ۳۱.

[۱۲۹] مأخذ ۴، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

[۱۳۰] افرایم کارش، مقاله «جنگ ایران و عراق، یک تحلیل نظامی»، نشریه ادلفی پی‌پر، مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک لندن، بهار ۱۹۸۷، ترجمه‌ی دفتر مطالعات و تحقیقات جنگ ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۷۰، ص ۲۵.

[۱۳۱] پیشین، ص ۲۶.

[۱۳۲] ویلیام اف. هیکمن، مقاله «ارتش از هم پاشیده و از نو متولد شده»، ۱۹۸۲، ترجمه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی ۲۰ / ۱۲ / ۱۳۶۳، ص ۳۱.

[۱۳۳] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، از خونین‌شهر تا خرمشهر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۳، ص ۸۰.

[۱۳۴] پیشین، ص ۸۲.

[۱۳۵] پیشین.

[۱۳۶] مأخذ ۲۱.

[۱۳۷] مأخذ ۴، ۱۲ / ۷ / ۱۳۷۵.

[۱۳۸] مأخذ ۲۱.

[۱۳۹] روزنامه اطلاعات، ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

[۱۴۰] خبرگزاری پارس، نشریه «گزارش‌های ویژه» شماره ۳۲۶، ۲۰ / ۱۱ / ۱۳۶۰ به نقل از رادیو اسرائیل ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۶۰.

[۱۴۱] تشدید تهاجمات اسرائیل به جنوب لبنان و مناسبات بحرانی اعراب و اسرائیل سبب گردید نام عملیات با الهام از این اوضاع «بیت‌المقدس» انتخاب شود.

[۱۴۲] احتمال فروپاشی نظام حاکم بر عراق بر اثر تداوم پیروزی‌های نظامی ایران، مهم‌ترین دغدغه و نگرانی حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق بود، ضمن اینکه رژیم اشغالگر قدس نیز برای حمله به جنوب لبنان در آمادگی به سر می‌برد.

[۱۴۳] مأخذ ۲۶، ص ۱۱۳.

[۱۴۴] مأخذ ۲۶، ص ۱۲۱.

[۱۴۵] آیت‌الله خامنه‌ای در جمع مسئولان استان خوزستان، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۷۵.

[۱۴۶] مأخذ ۱، ص ۳۲.

[۱۴۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۴۱، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از روزنامه تایمز مالی، ۹ / ۲ / ۱۳۶۱.

[۱۴۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه» شماره ۶۳، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱.

[۱۴۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۶۷، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱،به نقل از روزنامه دویچه سایتونگ چاپ آلمان.

[۱۵۰] روزنامه اطلاعات ۱۹ / ۳ / ۶۱، به نقل از روزنامه گاردین.

[۱۵۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۵۹، ۲۸ / ۲ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرنگار وال استریت ژورنال در واشنگتن.

[۱۵۲] مأخذ ۲۶، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

[۱۵۳] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «گزارش رسمی کمیته روابط خارجی سنای امریکا پس از سفر به منطقه»، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، دی ۱۳۶۲، ص ۱۲.

[۱۵۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۷۸، ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۱، لوس‌آنجلس تایمز.

[۱۵۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره۶۳، ۱ / ۳ / ۱۳۶۱، رویتر ۳۱ / ۲ / ۱۳۶۱.

[۱۵۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۶۰، ۲۹ / ۲ / ۱۳۶۱، خبرگزاری آلمان به نقل از روزنامه مصری الاهرام، ۲۸ / ۲ / ۶۱.

[۱۵۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۹۸، ۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

[۱۵۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۶۸، ۶ / ۳ / ۱۳۶۱، یونایتدپرس، ۵ / ۳ / ۱۳۶۱.

[۱۵۹] پیشین.

[۱۶۰] روزنامه نیویورک تایمز ۲۶ ژانویه ۱۹۹۲ (۶ بهمن ۱۳۷۰).

[۱۶۱] الکساندر هیگ وزیر امور خارجه وقت امریکا پیش از این در مارس ۱۹۸۱ (اسفند ۱۳۶۰) در کنگره امریکا گفت که عراق تمایل به شوروی را تا حدی تغییر داده است. چند هفته بعد منع فروش پنج بوئینگ ۷۴۷ به عراق از میان برداشته شد.

(نشریه مسلم میدیا - چاپ لندن - ژانویه ۱۹۸۵).

[۱۶۲] شفیق ناظم الغبراء استاد دانشگاه کویت، طی سخنانی در تهران اعلام کرد: «کویت در ابتدای جنگ بی‌طرف بود. اما پس از فتح خرمشهر توسط نیروهای ایران، عرب‌ها بر خود لرزیدند و بی‌صبرانه به حمایت از صدام حسین برخاستند.»

(سمینار بحران و توسعه همکاری کشورهای منطقه، دی ۱۳۷۵).

[۱۶۳] نک.به: کتاب سوداگری مرگ، نوشته‌ی کنت آرتیمرن.

[۱۶۴] مأخذ ۲۶، ص ۱۸۶.

[۱۶۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۶۶، ۴ / ۴ / ۱۳۶۱، روزنامه هرالدتریبیون.

[۱۶۶] استعفای صدام در منابع رسمی عراق منتشر نشد و تنها پس از تصفیه‌ای که مجددا انجام گرفت. این خبر منعکس گردید.

[۱۶۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۰۱، ۸ / ۴ / ۱۳۶۱، رادیو امریکا، ۷ / ۴ / ۱۳۶۱، به نقل از خبرگزاری عراق.

[۱۶۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۰۲، ۹ / ۴ / ۱۳۶۱، رادیو امریکا، ۸ / ۴ / ۱۳۶۱.

[۱۶۹] پیشین.

[۱۷۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۰۴، ۱۱ / ۴ / ۱۳۶۱، رادیو امریکا، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۱، به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور.

[۱۷۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۰۳، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۱، آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۱۳۶۱.

[۱۷۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۹۹، ۶ / ۴ / ۱۳۶۱، روزنامه گاردین، ۵ / ۴ / ۱۳۶۱.

[۱۷۳] مأخذ ۴، ۱۹ / ۵ / ۱۳۷۴.

[۱۷۴] مأخذ ۵۹.

[۱۷۵] برای اطلاع از مشروح چگونگی تصمیم‌گیری برای ادامه‌ی جنگ پس از آزادی خرمشهر و نظریات مختلف در این باره، فصل سوم کتاب علل تداوم جنگ از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ را مطالعه نمایید.

[۱۷۶] این توضیحات براساس دست نوشته سردار غلامعلی رشید بر متن دستنویس همین کتاب تنظیم شده است.

[۱۷۷] مأخذ ۴، ۱۶ / ۶ / ۱۳۷۴.

[۱۷۸] پیشین.

[۱۷۹] محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، ص ۲۴ تا ۳۴.

[۱۸۰] مأخذ ۱۶، ص ۱۷۸. أخذ ۱، ص ۵۲.

[۱۸۱] طی چهار عملیات گسترده بیش از ۱۰۰۰۰ کیلومترمربع آزاد شد.

(پایان‌نامه محمد پاکپور، آخرین وضعیت خطوط مرزی ایران و عراق، مرداد ۱۳۶۷، ص ۱).

[۱۸۲] البته سال‌ها بعد از آتش‌بس و پس از تجاوز عراق به کویت، سازمان ملل، عراق را به عنوان متجاوز در جنگ ایران و عراق معرفی کرد.

[۱۸۳] محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۷۵. ص ۲۹.

[۱۸۴] برخی از این موانع و استحکامات در سال‌های قبل از انقلاب ایجاد شده بود. مانند کانال پرورش ماهی به طول ۴۰ کیلومتر، عرض ۱ کیلومتر و عمق ۲ متر که چون سدی در مقابل بصره خودنمایی می‌کرد.

[۱۸۵] پیشین، ص ۲۶.

[۱۸۶] محسن رضایی «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» در دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، دوره‌ی عالی جنگ، ۲۶ / ۶ / ۱۳۷۴.

[۱۸۷] آنتونی کردزمن و آبراهام. آر. واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن، جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۱۵ (منتشر نشده).

[۱۸۸] پیشین.

[۱۸۹] مأخذ ۴، ص ۲۱۴.

[۱۹۰] مأخذ ۱، ص ۵۰.

[۱۹۱] مأخذ ۳.

[۱۹۲] مأخذ ۴، ص ۲۱۴.

[۱۹۳] مأخذ ۳، ۲۰ / ۲ / ۱۳۷۵.

[۱۹۴] پیشین.

[۱۹۵] ضرورت گسترش سازمان رزم عراق سبب گردید عراقی‌ها با جمع‌آوری نیرو به تشکیل تیپ‌های جدیدی اقدام کنند. شماره این یگان‌های جدید تماما سه رقمی بود، لذا به تیپ‌های سه رقمی مشهور شدند. وجه تفاوت یگان‌های جدید با یگان‌های قبلی ارتش عراق، ضعف در توانایی دفاعی و تهاجمی آنها بود.

[۱۹۶] مأخذ ۱، ص ۳۴.

[۱۹۷] کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۲۳۵.

[۱۹۸] پیشین، ص ۱۹۱.

[۱۹۹] مأخذ ۱۳، ص ۲۳۵.

[۲۰۰] وی در تاریخ یاد شده رسما اعلام کرد: امریکا در جنگ جانب عراق را گرفته است.

[۲۰۱] مأخذ ۱۳، ص ۲۵۸ و ۲۵۹.

[۲۰۲] مأخذ ۱۳، ص ۲۴۹.

[۲۰۳] مأخذ ۱۳، ص ۳۷۰.

[۲۰۴] مأخذ ۱۳، ص ۱۹۳.

[۲۰۵] مأخذ ۱۳، ص ۱۹۴.

[۲۰۶] مأخذ ۱۳، ص ۲۴۰.

[۲۰۷] مأخذ ۳.

[۲۰۸] مأخذ ۳.

[۲۰۹] مأخذ ۱، ص ۳۶ تا ۳۹.

[۲۱۰] مأخذ ۱، ص ۵۲.

[۲۱۱] سردار محسن رضایی در این باره گفت: «عملیات رمضان را که انجام دادیم و عدم الفتح حاصل شد، دیگر همه برادران ارتش آمدند و گفتند که بایستی از اصول جنگ ارتش و جداول کلاسیک استفاده شود و نباید همه‌ی نیروهای بسیج را به سپاه بدهند بلکه از نیروهای بسیج به ارتش هم باید بدهند. قبل از عملیات والفجر مقدماتی نوع بحث‌ها منجر به تعویق زمان عملیات به مدت یک ماه شد. سپاه به امام نامه نوشت و نظر ارتش را برای کنترل عملیاتی سپاه توضیح داد و پیشنهاد کرد یک نفر فرمانده برای حل مسائل سپاه و ارتش مشخص شود. امام به آیت‌الله خامنه‌ای حکم دادند و دو گروه کار تشکیل شد برای تمشیت امور سپاه و ارتش، ولی مسائل حل نشد. مجددا پس از عملیات والفجر ۱ بحث شد و سپاه بر تشکیل دو قرارگاه و انجام عملیات به صورت جداگانه تأکید کرد. سپاه عملیات خیبر را پیشنهاد کرد که ارتش در زید و سپاه در منطقه هور وارد عمل شد و آقای هاشمی برای نخستین بار به قرارگاه آمد و از سوی امام به عنوان فرمانده عالی جنگ منصوب شد.»

(سند شماره ۱۵۳۱۰ / پ ن مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه با راویان، ۳ / ۵ / ۱۳۶۵، ص ۸).

[۲۱۲] مأخذ ۱، ص ۵۲.

[۲۱۳] کاهش بنیه دفاعی ایران در مقایسه با عراق، علاوه بر حمایت بین‌المللی از عراق و فشار به ایران، اساسا متأثر از استراتژی دو کشور بود. عراقی‌ها با در اولویت نخست قرار دادن جنگ، کلیه منابع خود را برای همین هدف بسیج کرده بودند، حال آنکه در ایران منابع و امکانات اصلی کشور تا سال ۱۳۶۵ که فاو فتح شد، در خدمت جنگ نبود.

[۲۱۴] هادی نخعی، راوی قرارگاه مرکزی کربلا در عملیات رمضان.

[۲۱۵] محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، ۱۳۷۵، ص ۸۱.

[۲۱۶] محسن رضایی، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، در دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد سپاه (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴.

[۲۱۷] مأخذ ۲، ص ۸۵.

[۲۱۸] پیشین.

[۲۱۹] غلامعلی رشید، حاشیه‌نویسی دستنویس کتاب حاضر، ص ۷۶.

[۲۲۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳، ۳ / ۱ / ۱۳۶۳، رادیو امریکا ۲ / ۱ / ۱۳۶۳.

[۲۲۱] پیشین، خبرگزاری فرانسه، ۲ / ۱ / ۶۳.

[۲۲۲] کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۲۷۴ تا ۲۹۱.

[۲۲۳] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «عملیات خیبر و پیامدهای جهانی آن»، آبان ۱۳۶۳، ص ۲۲.

[۲۲۴] نشریه روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران، تیر ۱۳۶۴، ص ۲، به نقل از مایکل جانسون (کارشناس ارشد ارتش امریکا).

[۲۲۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۲، نیویورک تایمز، ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۲.

[۲۲۶] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه پاسداران، «گزارش تحولات یک ساله جنگ تحمیلی در مطبوعات جهان» (شهریور ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴)، ص ۳۲.

[۲۲۷] محسن رضایی، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق» در دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد سپاه (دوره‌ی عالی جنگ)، ۱۳ / ۷ / ۱۳۷۴.

[۲۲۸] پیشین.

[۲۲۹] مأخذ شماره ۱۴.

[۲۳۰] غلامرضا محرابی (مسئول پیشین اطلاعات نیروی زمینی سپاه)، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ)، ۱۳۷۴.

[۲۳۱] واینبرگر وزیر دفاع وقت امریکا پس از انفجار مقر امریکاییها در بیروت، به کنگره امریکا گفت: دخالت ایران در این انفجار تأییدکننده این امر است که امریکا باید به عراق کمک کند. (نشریه مسلم میدیا، چاپ لندن، ژانویه ۱۹۸۵).

[۲۳۲] عملیات استانچ (Operation staunch) عملیاتی بود که امریکاییها طرح‌ریزی کردند تا از دسترسی ایران به تجهیزات نظامی و سلاح جلوگیری کنند. این عملیات از پاییز ۱۹۸۳ شروع شد. به این ترتیب که امریکاییها با جمع‌آوری اطلاعات درباره خریدهای سلاح و وسائل نظامی ایران، از طریق دولتها یا واسطه‌ها و بازار سیاه، بلافاصله وارد عمل می‌شدند و به کشور فروشنده تذکر می‌دادند و یا بعضا اقدام به دستگیری فروشنده و واسطه و یا خریدار می‌کردند. این اقدام امریکاییها چند نتیجه داشت: ۱- مسیر دستیابی ایران به سلاح طولانی می‌شد. ۲- سلاح با قیمت بالاتر خریداری می‌شد، ضمن اینکه برخی از این وسائل از رده خارج و فاقد کیفیت لازم بودند.

[۲۳۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۸۸، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۶۲.

[۲۳۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۵۴، ۸ / ۹ / ۱۳۶۲.

[۲۳۵] مأخذ ۱۸، واشنگتن پست، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۶۲.

[۲۳۶] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «گزارش رسمی کمیته روابط خارجی سنای امریکا پس از سفر به منطقه»، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، دی ۱۳۶۳، ص ۱۸.

[۲۳۷] مأخذ ۹، ص ۳۵۵.

[۲۳۸] مأخذ ۹، ص ۳۵۷.

[۲۳۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۴۸، ۲ / ۹ / ۱۳۶۲، خبرگزاری رویتر، ۱ / ۹ / ۱۳۶۲.

[۲۴۰] مأخذ شماره ۱۰، ص ۳۰.

[۲۴۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۱۸، ۲۰ / ۸ / ۱۳۶۲، نیویورک تایمز، ۱۹ / ۸ / ۱۳۶۲.

[۲۴۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارشهای ویژه»، شماره ۵، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۳.

[۲۴۳] روزنامه وال استریت ژورنال درباره سفر مورفی به منطقه نوشت: ریگان که از تضعیف تدریجی عراق در جنگ با ایران دچار هراس شده است، دستور تهیه طرحهای جدیدی برای تقویت عراق در جنگ با ایران به دستیارانش صادر کرده است. دولت ریگان هیئت عالی رتبه‌ای را به کشورهای حوزه خلیج فارس اعزام کرده است. مورفی رئیس هیئت از بحرین و عراق و برخی از کشورهای منطقه دیدن کرد. به توصیه ریگان نقش وزارت خارجه امریکا در تهیه طرحهای جدید، چاره‌اندیشی برای جلوگیری از سقوط صدام است. متقاعد ساختن اردن و فرانسه برای افزایش کمک به عراق بخش دیگری از این طرح است. (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۴، ۲۴ / ۱ / ۶۳).

[۲۴۴] مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، «طرح کلی روزشمار جنگ».

[۲۴۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارشهای ویژه»، شماره ۲۱۹، ۲۱ / ۸ / ۱۳۶۲.

[۲۴۶] مأخذ ۲۷، خبرگزاری رویتر، ۴ / ۱ / ۱۳۶۳.

[۲۴۷] در این تحلیل آمده است: «ما همچنین عواقب این جنگ روی جریان نفت جهان را در چارچوب اصول اقتصادی کنفرانس مورد بحث و کنترل و بررسی قرار دادیم و به این نتیجه رسیدیم که بازار نفت جهان از ثبات نسبی برخوردار می‌باشد. ما معتقدیم

که سیستم بین‌المللی قابلیت مقابله با هرگونه مشکلات آینده را از طریق ادامه تماس‌های صحیح و منطقی دارا می‌باشد.»
(روابط عمومی فرماندهی کل سپاه «گزارش عملیات خیبر و پیامدهای جهانی آن» آبان ۱۳۶۳، ص ۶۵).

[۲۴۸] مأخذ ۹، ص ۲۸۹.

[۲۴۹] مأخذ ۹، ص ۲۷۶.

[۲۵۰] مأخذ ۹، ص ۲۸۹.

[۲۵۱] مأخذ ۹، ص ۲۸۴.

[۲۵۲] مأخذ ۹، ص ۳۳۵.

[۲۵۳] مأخذ ۲۱، ص ۱۸.

[۲۵۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۵۰، ۴ / ۹ / ۱۳۶۴، رادیو آلمان، ۳ / ۹ / ۱۳۶۳، به نقل از روزنامه پراودا.

[۲۵۵] پاکوف ریابوف از افسران بلندپایه کا. گ. ب بود که در سال ۱۹۸۶ به سمت سفیر شوروی در فرانسه منصوب شد.

[۲۵۶] مأخذ شماره ۹، ص ۳۷۱.

[۲۵۷] پیشین.

[۲۵۸] مأخذ ۱۰، ص ۶۸.

[۲۵۹] مأخذ ۱۰، ص ۲۹.

[۲۶۰] مأخذ ۱۱، ص ۵.

[۲۶۱] مأخذ ۱۰، ص ۲۹.

[۲۶۲] مأخذ ۱۰، ص ۳۰.

[۲۶۳] مأخذ ۱۰، ص ۳۰.

[۲۶۴] سند شماره ۰۰۹ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، «عملیات والفجر ۸ انجام نشده»، گزارش راوی قرارگاه مرکزی، (محمد درودیان)، ص ۱۴، سخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی در دزفول، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۳.

[۲۶۵] محمد درودیان، نبرد در شرق بصره، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۴، ص ۳۲.

[۲۶۶] مأخذ ۴۶، ص ۱۳.

[۲۶۷] مأخذ ۴۶، ص ۱۵.

[۲۶۸] مأخذ ۴۶، ص ۱۱۸.

[۲۶۹] مأخذ ۴۶، ص ۱۱۳ تا ۱۱۶.

[۲۷۰] پیشین.

[۲۷۱] در گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا به این نکته اشاره شده است که بعضی از رهبران اصلی ایران به این نتیجه رسیده‌اند که هزینه ادامه اقدامات نظامی بیش از حد زیاد است. تردید ایران در شروع یک حمله به بصره تا اندازه‌ای نشان‌هنده این نگرش است.»
(روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا»، ترجمه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی، دی ۱۳۶۳، ص ۴۸).

[۲۷۲] مأخذ ۱۰، ص ۴۴ و ۴۵.

[۲۷۳] کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه‌ی احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم ۱۳۷۶، ص ۳۱۵.

[۲۷۴] پیشین، ص ۴۴۳.

[۲۷۵] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «گزارش رسمی کمیته روابط خارجی سنای امریکا، پس از سفر به منطقه»، ترجمه خبرگزاری جمهوری اسلامی، دی ۱۳۶۳، ص ۲۲.

[۲۷۶] پیشین.

[۲۷۷] نشریه المجله چاپ انگلیس در آوریل ۱۹۸۵ عوامل اصلی عدم تعادل قدرت نظامی ایران و عراق را چنین ذکر کرد:

۱- برتری کامل عراق در نیروی هوایی: عراق دارای ۶۰۰ فروند هواپیمای بمب‌افکن و تهاجمی شامل توپولف، میگ ۲۱، میگ ۲۳ و میگ ۲۷، سوخوی ۷، سوخوی ۲۰، میراژ اف - ۱ و سوپراتاندارد می‌باشد و در حالی که ایران حدود ۶۰ تا ۷۰ فروند هواپیمای جنگی دارد.

۲- برتری عراق در زمینه سلاح‌های زمینی به ویژه تانک و نفربر زرهی و توپ.

۳- نیروهای ایران از داشتن عوامل کمکی و پشتیبانی لجستیکی و فرماندهی مناسب در هر عملیات تهاجمی محروم می‌باشند.

(وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۸۳۹، ۲۰ / ۳ / ۱۳۶۴، المجله ۱۶ آوریل ۱۹۸۵ برابر ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۴).

[۲۷۸] نیویورک تایمز چاپ امریکا در شماره ۲۷ / ۷ / ۱۳۶۳ طی گزارشی نوشت: سلاح‌های سنگین عراق اخیرا نسبت به سال گذشته به میزان قابل توجهی افزایش یافته است.

[۲۷۹] مأخذ ۳.

[۲۸۰] مأخذ ۳، ص ۲.

[۲۸۱] مأخذ ۳، ص ۳۸.

[۲۸۲] مأخذ ۳، ص ۱۳.

[۲۸۳] مأخذ ۳، ص ۲۵.

[۲۸۴] یکی از کارشناسان امور ایران طی تحلیلی از اوضاع جنگ در مصاحبه با رادیو امریکا گفت: «ایران خواستار شناخته شدن این حقیقت است که عراق متجاوز اصلی بوده است و این مسئله برای دولت ایران مهم است.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژ»، شماره ۱، ۱ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از شیرین هانتر، معاون مؤسسه‌ی استراتژیک در دانشگاه جرج تاون).

[۲۸۵] مأخذ ۳، ص ۱۳.

[۲۸۶] مأخذ ۳، ص ۲۴.

[۲۸۷] مأخذ ۳، ص ۲۷.

[۲۸۸] مأخذ ۳، ص ۱۲.

[۲۸۹] مأخذ۳، ص ۳.

[۲۹۰] پیشین.

[۲۹۱] طی بررسی جامعی که دو تن از کارشناسان مجله میدل ایست چاپ لندن انجام دادند و در میان سناریوهای مختلف شامل «ادامه جنگ فرسایشی»، «تشدید جنگ»، «نه جنگ نه صلح»، همچنان ادامه وضعیت «نه جنگ نه صلح» به میزان ۴۰٪ ارزیابی شد. (فوریه ۱۹۸۵، ترجمه روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، شهریور ۱۳۶۴، ص ۲۳).

[۲۹۲] محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، اسفند ۱۳۷۵، ص ۹۸.

[۲۹۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۱۸، ۲ / ۸ / ۱۳۶۳، باختران.

[۲۹۴] در اینجا مفهوم حمله به اماکن غیرنظامی، حمله موشکی یا بمباران هوایی شهرها و تأسیسات بود. عراق برای نخستین بار پس از ناکامی اولیه در تهاجم به ایران، حملات موشکی به شهر دزفول را آغاز کرد، بعدها این حملات به سایر شهرها از جمله تهران گسترش یافت.

[۲۹۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۱۶، ۳۰ / ۷ / ۱۳۶۳، روزنامه‌ی داگنس نیهتر، چاپ سوئد.

[۲۹۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۵۳، ۷ / ۹ / ۱۳۶۳.

[۲۹۷] روزنامه وال استریت ژورنال در این باره نوشت: «عراق پس از ۲ سال که در مواضع غیردفاعی قرار گرفته بود و امیدوار بود فشار بین‌المللی ایران را به گفت‌وگوهای صلح وادار سازد، به این نتیجه رسید که به ادامه‌ی فشار به ایران نیاز دارد و تدارک تازه سلاح‌های پیشرفته فرانسوی و روسی به عراق اطمینان داد که می‌تواند فشار را با حمله به مناطق غیرنظامی ادامه دهد و به نتایج حاصله از این فشار دست یابد.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی «گزارش‌های ویژه»، ۲۲ / ۱۲ / ۱۳۶۳، وال استریت ژورنال، ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۶۳).

[۲۹۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۵۳، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۳، رادیو بغداد، ۱۶ / ۱۲ / ۱۳۶۳.

[۲۹۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۶۰، ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۶۳، روزنامه‌ی گاردین چاپ انگلستان، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۳.

[۳۰۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۵۴، ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۶۳، رادیو امریکا، ۱۸ / ۱۲ / ۱۳۶۳.

[۳۰۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۶۹، ۷ / ۳ / ۱۳۶۳، روزنامه واشنگتن پست، ۶ / ۳ / ۱۳۶۳.

[۳۰۲] بنابر اظهارات یک دیپلمات غربی به سفیر ایران در چین، عراق با تهاجم وسیع به شهرهای ایران در نظر داشته است ایران را به قبول صلح وادار سازد، ولی موشک‌های ایران این محاسبه را دچار تأخیر کرده است و عراق در تلاش برای به دست آوردن موشک‌هایی است که تهران را مورد هدف قرار دهد. (دفتر سیاسی سپاه پاسداران، «رویدادها»، شماره ۴۰، ۳۱ / ۱ / ۶۴).

[۳۰۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۶۰، ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۶۳، رادیو امریکا، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۶۳.

[۳۰۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۶۱، ۲۵ / ۱۲ / ۱۳۶۳، خبرگزاری یونایتدپرس، ۲۴ / ۱۲ / ۱۳۶۳.

[۳۰۵] مأخذ ۱۶، ص ۹۴.

[۳۰۶] سند شماره ۱۲۸۳ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه: «عملیات بدر»، گزارش راویان قرارگاه‌ها و لشکرهای سپاه در عملیات بدر، جلسه فرمانده کل سپاه پاسداران با فرماندهان یگان‌ها، ۳۰ / ۱۱ / ۱۳۶۳، قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص).

[۳۰۷] در مباحث پیشین اجمالا به این موضوع اشاره شد.

[۳۰۸] سند ۱۵۳۰۹ / پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: مصاحبه راویان جنگ با فرمانده کل سپاه، نوار شماره‌ی ۱۷۳۷۷، ۳ / ۵ / ۱۳۶۵، ص ۲۱ و ۲۲.

[۳۰۹] پیشین، ص ۲۲.

[۳۱۰] مأخذ ۲۸، ص ۲۵.

[۳۱۱] سردار محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: «تحلیل ما این بود که دشمن جهت اصلی را جزایر و طلائیه می‌داند، لذا رفتیم روی العزیر تمرکز قوا دادیم و زمین را محدود گرفتیم. جاده زدیم به جاده شمال و با احداث پل خیبری برای پشتیبانی، تلاش کردیم ضعف‌های قبلی را جبران کنیم.»

(دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران، دوره عالی جنگ، ۱۳ / ۷ / ۷۴).

[۳۱۲] سردار محسن رضایی، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، دانشکده فرماندهی و ستاد و سپاه پاسداران (دوره‌ی عالی جنگ)، ۲۰ / ۲ / ۱۳۷۵.

[۳۱۳] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، بولتن «تحولات یکساله جنگ تحمیلی در مطبوعات جهان»، شهریور ۱۳۶۳ تا شهریور ۱۳۶۴ (به نقل از فایننشال تایمز، ۱ آوریل ۱۹۸۵)، ص ۳۵.

[۳۱۴] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «مایکل جانسون، کارشناس ارشد ارتش امریکا»، تیر ۱۳۶۴، ص ۴.

[۳۱۵] یک کارشناس ارشد ارتش امریکا درباره این عملیات می‌گوید: در حقیقت این عملیات به عنوان یکی از مشکل‌ترین و خطرناک‌ترین عملیات رزمی تلقی شد و روی آنان که هنوز فکر می‌کنند ایرانیان یک مشت بی‌دست و پای آموزش ندیده‌ی فناتیک هستند، اثر معکوس می‌گذارد.

[۳۱۶] سپاه در این عملیات ارزش و اهمیت آتش توپخانه را بیش از گذشته درک کرد. بدین معنا که در سازمان سپاه باید توپخانه گسترش یابد و در عملیات نیز توپخانه ارتش تحت امر عملیاتی سپاه قرار گیرد تا آتش در اختیار فرماندهی باشد. در عملیات بدر این نقض موجب گردید در مناطقی که یگان‌های سپاه درخواست آتش پشتیبانی می‌کردند، حمایت لازم از آنها صورت نگیرد.

[۳۱۷] برادر محسن رضایی در این زمینه می‌گوید: «عملیاتی که در هور انجام دادیم، یک هفته کامل کنار دجله بودیم. در عملیات خیبر جای پای خوبی به دست آوردیم. همه اینها نشان می‌داد زمین و طرح و مانور و همه مسائل بسیار خوب انتخاب شده و در جهت استراتژی انجام گرفته است. اما از پیروزی به دست آمده نمی‌توانستیم استفاده بکنیم. مشکل ما ضعف استفاده خودمان از پیروزی‌ها بود. (دشمن به دلیل تفوق استراتژیک به ما اجازه نمی‌داد) ما به اندازه کافی آن سه روز اول زمان داشتیم که بتوانیم پل عزیر را ببندیم کافی بود ۲ گردان نیروی دیگر داشتیم، کافی بود ۲۰۰ قایق دیگر می‌دادیم به لشکر ولی عصر (عج) و یا...»
(مصاحبه با راویان جنگ، نوار شماره ۱۷۳۷۸ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۱ و ۲۲).

[۳۱۸] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، گذری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی، شهریور ۱۳۶۴، ص ۵۱.

[۳۱۹] برابر مندرجات کتاب سوداگری مرگ نوشته کنت. آر. تیمرمن که به نقل از منابع اطلاعاتی انگلیس و امریکا نوشته شده است، عراقی‌ها در این کارخانه هر ماه ۶۰ تن گاز خردل تولید می‌کردند. تولید گاز تابون و ساروین تازه آغاز شده بود و طبق برنامه در طول یک سال تولید ماهانه آن به ۸ تن بالغ می‌گردد. عراقی‌ها نیازمندی‌های خود را از آلمان، هلند، انگلیس و بازار مشترک تأمین می‌کردند. (سوداگری مرگ، ص ۳۷۹).

[۳۲۰] پیشین، ص ۱۷۱.

[۳۲۱] مأخذ ۳۴، ص ۶۳، ۷ / ۱ / ۱۳۶۴.

[۳۲۲] مأخذ ۳۴، ص ۶۴، ۷ / ۱ / ۱۳۶۴.

[۳۲۳] مأخذ ۳۴، ص ۱۸۹.

[۳۲۴] مأخذ ۳۴، ص ۵۰.

[۳۲۵] مأخذ ۳۲.

[۳۲۶] آنتونی کردزمن و آبراهام. آر. واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن (جلد دوم: جنگ ایران و عراق)، ترجمه‌ی: حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۲۹ (منتشر نشده).

[۳۲۷] پیشین، ص ۲۲۵.

[۳۲۸] مأخذ ۳۴، ص ۱۵۶.

[۳۲۹] پیشین.

[۳۳۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۸۷، ۱ / ۷ / ۱۳۶۳، جان هیوز، ۳۱ / ۶ / ۱۳۶۳.

[۳۳۱] روزنامه‌ی اطلاعات، ۸ / ۱۰ / ۱۳۶۳.

[۳۳۲] این موشک بسیار پیچیده و پیشرفته بود و شرکت سازنده‌ی آن از انتشار هرگونه عکس درباره آن خودداری کرد و در سیاهه‌ی طبقه‌بندی شده تسلیحات عراق که سازمان اطلاعات ارتش فرانسه در اوت ۱۹۹۰ تهیه و ارائه کرد، جای آن خالی بود. (سوداگری مرگ، ص ۴۲۱).

[۳۳۳] مأخذ ۱، ص ۴۹.

[۳۳۴] سند شماره ۰۲۲۱ / گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از عملیات بدر»، آذر ۱۳۶۵، گزارش جلسه قرارگاه خاتم، ۱۶ / ۶ / ۱۳۶۴، ص ۹.

[۳۳۵] پیشین.

[۳۳۶] مأخذ ۴۸.

[۳۳۷] مأخذ ۴۸، ص ۱۰.

[۳۳۸] مأخذ ۴۸، ص ۱۲، برادر علایی ۴ / ۳ / ۱۳۶۴.

[۳۳۹] مأخذ ۴۸، ص ۱۵.

[۳۴۰] مأخذ ۴۸، ص ۱۵.

[۳۴۱] مأخذ ۴۸، ص ۲۴ و ۲۵.

[۳۴۲] مأخذ ۴۸، ص ۲۷.

[۳۴۳] البته به دلیل آنکه برادران ارتش در این مقطع بررسی‌های خود را جداگانه انجام می‌دادند و پیشنهاد می‌کردند، اطلاعات یاد شده براساس گزارش‌هایی است که در جلسات مشترک مطرح می‌شد و اطلاع دقیقی از کم و کیف آن در اختیار این مرکز نیست.

[۳۴۴] آقای هاشمی قبل از عملیات بدر درباره این استراتژی می‌گوید: «ما بعد از فتح خرمشهر یک سیاستی را اتخاذ کردیم که یک جایی را از دشمن بگیریم که در صورت ادامه جنگ، برای دشمن اهمیت داشته باشد و نتواند تحمل کند. در این صورت اگر جنگ هم متوقف بشود، می‌توانیم امتیازاتی از دشمن بگیریم.» (سند شماره ۰۲۲۱ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، «مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از بدر»، آذر ۶۵، ص ۳۰، به نقل از جلسه قرارگاه خاتم‌الانبیاء، ۱۴ / ۱۰ / ۶۴).

[۳۴۵] مأخذ ۴۸، ص ۳۰.

[۳۴۶] مأخذ ۴۸، ص ۱۰.

[۳۴۷] محمدجواد لاریجانی، مقولاتی در سیاست خارجی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، اسفند ۱۳۶۳، ص ۱۲۵.

[۳۴۸] سیروس ناصری، گزارش سمینار، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۴، ص ۲۳.

[۳۴۹] در همین وضعیت سیل ارسال سلاح به عراق همچنان ادامه داشت طوری که در خرداد ۱۳۶۴ طارق عزیز اعلام کرد: عراق موشک‌های پیشرفته و تسلیحات بیشتری خواهد گرفت. شیخ صباح الاحمد نیز در ملاقات با یک هیئت ایرانی گفت: صدام درباره جنگ مشغول رسیدن به توافق‌هایی با شوروی است. برابر گزارش روزنامه دی‌ولت چاپ آلمان، امریکا نیز قرار است ۲۰ هلی‌کوپتر مدرن بل هاوک به مبلغ ۳۰ میلیون دلار به عراق واگذار نماید. (۸ / ۳ / ۶۴، گذری بر پنجمین سال جنگ تحمیلی از انتشارات روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، ص ۱۷۴)فرانسوی‌ها نیز در همین موقعیت ۶۰ هواپیمای میراژ ۲۰۰۰ به عراق تحویل دادند. (همان، ص ۱۷۴، به نقل از مجله جینزدیفنس) بنابر گزارش‌های مطبوعات امارات به نقل از لوموند، کیسینجر و راکفلر نیز اخیرا معاملاتی را به ارزش میلیاردها دلار برای تحویل اسلحه برزیل به عراق ترتیب داده‌اند. (همان، ص ۱۷۱).

[۳۵۰] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، شهریور ۱۳۶۶، ص ۶۲.

[۳۵۱] در خرداد ۱۳۶۴ همزمان با روز قدس در حالی که حملات عراق به شهرها ادامه داشت، به درخواست آقای هاشمی مردم برای حمایت از جنگ به تظاهرات فراخوانده شدند. حضور گسترده مردم در این تظاهرات به گونه‌ای بود که خبرگزاری فرانسه به خاطر وسعت تظاهرات، آن را با تجمع‌های عظیم اوائل انقلاب قابل مقایسه دانست.

(خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۲۵ / ۳ / ۱۳۶۴، خبرگزاری فرانسه، ۲۴ / ۳ / ۶۴).

[۳۵۲] زمانی که حفظ و نگهداری منطقه تصرف شده در عملیات بدر با دشواری روبه‌رو شد و فرماندهی در حال تصمیم‌گیری بود، آقای روحانی نماینده مجلس که در قرارگاه حضور داشت، به وجود این جمع و تلاش آنها برای خامه دادن به جنگ اشاره کرد. امام خمینی با حساسیتی که درباره این مسئله داشتند، دستور فرمودند جلسات مزبور تعطیل شود.

[۳۵۳] برژینسکی مشاور امنیت کارتر مشابه نظریات کیسینجر را مطرح کرد و گفت: «هدف غرب می‌بایست این باشد که از شکست عراق جلوگیری کند، ولی نه به طریقی که ایران را فرسوده و بی‌نظام سازد. زیرا یک ایران متحد با اهداف سیاسی میانه‌رو با منافع امریکا در ثبات خلیج فارس مطابق است، به همین منظور سیاست منزوی نمودن ایران تا جایی صحیح است که دولت تهران به وسیله افراطیون توسعه‌طلب رهبری می‌شود.»

(دفتر سیاسی سپاه، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، ۱۳۶۶، ص ۷۸).

[۳۵۴] روزنامه کیهان، ۱۷ / ۱۱ / ۱۳۶۳.

[۳۵۵] در فصل هشتم توضیح داده خواهد شد.

[۳۵۶] مأخذ ۳۱، سال ۱۳۷۴.

[۳۵۷] تفوق هوایی عراق نسبت به ایران، برابر اظهارات رابرت اسبوت تحلیل گر نظامی مؤسسه بین‌المللی تحقیقات استراتژیک لندن، شش بر یک بود.

(روزنامه رسالت، ۱۴ / ۲ / ۶۵، به نقل از میدل ایست).

[۳۵۸] کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم ۱۳۷۶، ص ۴۵۵.

[۳۵۹] پیشین.

[۳۶۰] مأخذ ۱.

[۳۶۱] مأخذ ۱، ص ۴۵۸.

[۳۶۲] مأخذ ۱، ص ۴۵۸.

[۳۶۳] مأخذ ۱، ص ۴۷۲.

[۳۶۴] مأخذ ۱، ص ۴۶۸.

[۳۶۵] مأخذ ۱، ص ۴۹۱.

[۳۶۶] مأخذ ۱، ص ۴۷۵.

[۳۶۷] مأخذ ۱، ص ۴۷۴.

[۳۶۸] مأخذ ۱، ص ۴۷۴.

[۳۶۹] سازمان‌های اطلاعاتی فرانسه در اواسط سال ۱۹۸۶ چنین برآورد می کردند که اگر فرانسه فقط سه هفته از ارسال سلاح به عراق خودداری کند آن کشور شکست خواهد خورد.

(تیمرمن، سوداگری مرگ، ص ۴۵۳).

[۳۷۰] مأخذ ۱، ص ۴۵۳.

[۳۷۱] مأخذ ۱، ص ۴۵۳.

[۳۷۲] سند شماره ۰۲۲۱ / گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از عملیات بدر»، آذر ۱۳۶۵، ص ۳۳.

[۳۷۳] برادر غلامعلی رشید معاون عملیات فرمانده کل سپاه در تاریخ ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۴ در تجزیه و تحلیل توان دشمن این ارزیابی را به عمل آورده است.

[۳۷۴] غلامعلی رشید، «تجزیه و تحلیل توان دشمن»، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۴.

[۳۷۵] سند شماره ۰۲۲۰ / گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «انتخاب منطقه فدک»، گزارش داوود رنجبر، راوی قرارگاه خاتم، مهر ۱۳۶۵، ص ۱۲۶ (نوار شماره‌ی ۲۰۵).

[۳۷۶] مأخذ ۱۴، ص ۳۷ - به نقل از غلامعلی رشید (۲۵ / ۲ / ۶۴).

[۳۷۷] مأخذ ۱۴، ص ۳۸، غلامعلی رشید.

[۳۷۸] اجتناب از رویارویی با دشمن پس از عملیات رمضان سبب گردید همواره در جستجوی منطقه‌ای باشیم که دشمن در آنجا حضور ندارد. این مسئله گرچه در عمل به غافلگیری و به دست گیری ابتکار عمل می‌انجامید ولی نشان‌دهنده کاستی‌های ایران بود. همچنین بلافاصله پس از تمرکز قوای دشمن در منطقه عملیات، به دلیل برتری نیروهای دشمن، عملا امکان پیشروی ایران از بین می‌رفت و تنها برای حفظ منطقه تصرف شده تلاش می‌شد.

[۳۷۹] مأخذ ۱۴، ص ۳۸.

[۳۸۰] مأخذ ۱۴، ص ۲۸.

[۳۸۱] مأخذ ۱۴، ص ۲۸، غلامعلی رشید.

[۳۸۲] مأخذ ۱۴، ص ۲۹.

[۳۸۳] مأخذ ۱۴، ص ۳۸.

[۳۸۴] سند شماره‌ی ۱۵۳۰۹ / پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: مصاحبه راویان با محسن رضایی، ۳ / ۵ / ۶۵، نوار شماره‌ی ۱۷۳۷۷، ص ۴ و ۵.

[۳۸۵] پیشین.

[۳۸۶] مأخذ ۲۴.

[۳۸۷] نکته دیگری که امام تأید داشتند استمرار عملیات بود.

(سند شماره ۰۲۲۱ / گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: «مسائل اساسی جنگ و سپاه پس از بدر»، آذر ۱۳۶۵، ص ۳۱ و ۳۲، به نقل از محسن رضایی، ۴ / ۳ / ۶۳).

[۳۸۸] مأخذ ۱۴.

[۳۸۹] مأخذ ۱۴، ص ۶۱ تا ۶۳.

[۳۹۰] مأخذ ۱۴، ۴ / ۳ / ۱۳۶۴، ص ۴۴.

[۳۹۱] مأخذ ۱۴، ص ۶۶.

[۳۹۲] مأخذ ۱۴ (اهواز، ۱۸ / ۸ / ۱۳۶۴، نوار شماره‌ی ۱۹۳، به نقل از غلامعلی رشید)، ص ۶۸.

[۳۹۳] پیشین، ص ۷۲.

[۳۹۴] مأخذ ۱۴، ص ۶۹ و ۷۰.

[۳۹۵] مأخذ ۱۴، ۳ / ۷ / ۱۳۶۴، ص ۷۳.

[۳۹۶] چنین پیش‌بینی می‌شد که با اجرای عملیات محدود، کلیه خطوط فعال دشمن درگیر نگه داشته می‌شود و برای همین، دشمن جهت اصلی تلاش نیروهای خودی برای اجرای عملیات گسترده را گم خواهد کرد.

[۳۹۷] مأخذ ۱۶، ص ۱۲۵.

[۳۹۸] مأخذ ۱۶، ص ۸۱.

[۳۹۹] مأخذ ۲۴، ص ۳۳.

[۴۰۰] مأخذ ۱۶، ص ۱۲۰ و ۱۲۱.

[۴۰۱] مأخذ ۱۶، ص ۱۱۴.

[۴۰۲] مأخذ ۱۶.

[۴۰۳] مأخذ ۱۶.

[۴۰۴] سند شماره ۱۵۳۱۱ / پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: مصاحبه راویان جنگ با محسن رضایی، نوار شماره ۱۷۳۷۹، ۴ / ۵ / ۱۳۶۵، ص ۲۳.

[۴۰۵] این عملیات (در شلمچه) برابر زمان‌بندی از قبل تعیین شده انجام نگرفت و به دلیل خاتمه سریع، فاقد آثار و نتایج لازم برای تجزیه قوای دشمن بود.

[۴۰۶] محمد درودیان، از خرمشهر تا فاو، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۱۷۵ تا ۱۷۹.

[۴۰۷] پیشین، ص ۱۸۰.

[۴۰۸] مأخذ ۴۳، ص ۱۸۶.

[۴۰۹] سند شماره ۱۵۳۱۶ / پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: مصاحبه راویان جنگ با محسن رضایی، ۷ / ۵ / ۱۳۶۵، نوار شماره ۱۷۳۸۴.

[۴۱۰] محسن رضایی، «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ ۱۳ / ۷ / ۷۴).

[۴۱۱] پیشین.

[۴۱۲] روزنامه‌ی رسالت، ۱۴ / ۲ / ۱۳۶۵، به نقل از میدل ایست، رابرت الیوت.

[۴۱۳] روزنامه‌ی کیهان، ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴، ویلیام ریدیک.

[۴۱۴] روزنامه کیهان، ۱ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

[۴۱۵] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، شهریور ۱۳۶۶، ص ۲۹، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

[۴۱۶] پیشین، ص ۲۸، ۲۳ / ۱۱ / ۱۳۶۴.

[۴۱۷] واحد مرکزی خبر، «بولتن رادیوهای بیگانه»، ۴ / ۱۲ / ۶۴، رادیو لندن، ۳ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

[۴۱۸] روزنامه‌ی رسالت، ۱۴ / ۲ / ۱۳۶۵.

[۴۱۹] روزنامه‌ی کیهان، ۱۷ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

[۴۲۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نظریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۱۵، ۱۵ / ۱۲ / ۶۴ به نقل از خبرگزاری رویتر ۱۴ / ۱۲ / ۱۳۶۴.

[۴۲۱] وزارت ارشاد اسلامی، «بولتن بررسی مطبوعات جهان»، شماره‌ی ۱۱۹۶، ۱۱ / ۹ / ۱۳۶۵، مجله تایم چاپ لندن، ۳ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از ویلیام اسمیت.

[۴۲۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۱، ۳۱ / ۱ / ۱۳۶۴، به نقل از رادیو اسرائیل، ۳۰ / ۱ / ۱۳۶۵.

[۴۲۳] محی‌الدین مصباحی، «چارچوب مواضع شوروی»، در کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع، تهران، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع، چاپخانه سپهر، ۱۳۶۸، ص ۲۲۸.

[۴۲۴] محمد درودیان، از فاو تا شلمچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، ص ۲۴.

[۴۲۵] آنتونی کردزمن و آبراهام آر. واگنر. درس‌هایی از جنگ مدرن، مترجم: حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۲۵۲. (منتشر نشده).

[۴۲۶] مأخذ ۱، ص ۴۴۹.

[۴۲۷] دفتر سیاسی سپاه، خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ، شهریور ۱۳۶۴، ص ۲۷، (۲۵ / ۱۱ / ۱۳۶۵).

[۴۲۸] مأخذ ۱، ص ۴۵۱.

[۴۲۹] مأخذ ۶۱، ص ۲۷.

[۴۳۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۹، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۵، به نقل از رادیو امریکا، ۲۸ / ۱ / ۱۳۶۵.

[۴۳۱] مأخذ ۲۴.

[۴۳۲] مأخذ ۲۴.

[۴۳۳] مأخذ ۴۷، ۲۰ / ۷ / ۱۳۷۴.

[۴۳۴] روزنامه‌ی رسالت، ۱۴ / ۲ / ۱۳۶۵، به نقل از مجله‌ی میدل ایست، فیلیپ مارفیلد.

[۴۳۵] مأخذ ۴۷، ۲۰ / ۷ / ۱۳۷۴.

[۴۳۶] سپاه عملیات والفجر ۹ را همزمان با عملیات والفجر ۸ انجام داد که به منزله نوعی قدرت‌نمایی و عامل تجزیه قوای دشمن بود. سپاه پس از تثبیت منطقه متصرفه، آن را به ارتش واگذار کرد. البته با حمله عراق تحت عنوان استراتژی دفاع متحرک، منطقه مجددا به تصرف نیروهای عراقی درآمد.

(سردار رضایی، دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ، ۱۳ / ۷ / ۱۳۷۴).

[۴۳۷] مأخذ ۴۷، ۲۰ / ۷ / ۱۳۷۴.

[۴۳۸] مأخذ ۴۳، ص ۲۲۵ و ۲۲۶.

[۴۳۹] مأخذ ۴۳، ص ۵۷.

[۴۴۰] روابط عمومی فرماندهی کل سپاه، «گزارش کمیته روابط خارجی سنای امریکا»، ترجمه‌ی خبرگزاری جمهوری اسلامی، دی ۱۳۶۳.

[۴۴۱] مأخذ ۴۷، ۲۰ / ۷ / ۱۳۷۴.

[۴۴۲] مأخذ ۱، ص ۴۵۴.

[۴۴۳] مأخذ ۶۲، ص ۲۶۳.

[۴۴۴] پیشین.

[۴۴۵] مأخذ ۶۱، ص ۶۷.

[۴۴۶] مأخذ ۶۱، ص ۷۰.

[۴۴۷] پیشین.

[۴۴۸] مأخذ ۶۱، ص ۷۱.

[۴۴۹] پیشین.

[۴۵۰] مأخذ ۶۱، ۱۵ / ۳ / ۱۳۶۵، ص ۷۲.

[۴۵۱] اظهارات آقای هاشمی دقیقا بلافاصله پس از شکست سفر مک فارلین به ایران و بن‌بست در مذاکرات بیان شد.

[۴۵۲] مأخذ ۶۱، ص ۷۲.

[۴۵۳] مأخذ ۶۱، ص ۷۴.

[۴۵۴] مأخذ ۶۱، ص ۷۵.

[۴۵۵] خبرگزاری فرانسه به نقل از تحلیل‌گران و ناظران غربی نقل می‌کند: «به عقیده عده‌ای از ناظران، پیروزی اعلام شده توسط تهران هنوز جهت به دست آوردن امتیاز برای جهوری اسلامی در چانه‌زدن‌های دیپلماتیک پیش‌بینی شده در شورای امنیت برای به دست آوردن «محکومیت مهاجم» - که تهران شرط ضروری برای پایان دادن به خصومت‌ها تعیین کرده - کافی نیست.»

(دفتر سیاسی سپاه، خط توطئه، شهریور ۶۴، ص ۳۲، خبرگزاری فرانسه، ۲۹ / ۱۱ / ۶۴).

[۴۵۶] روزنامه رسالت، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۵.

[۴۵۷] مأخذ ۶۱، ص ۷۶.

[۴۵۸] محمد درودیان، از فاو تا شلمچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۳، ص ۷۲.

[۴۵۹] روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۷ / ۳ / ۱۳۶۵.

[۴۶۰] پیشین.

[۴۶۱] روزنامه‌ی کیهان ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۵.

[۴۶۲] سند شماره ۱۵۳۱۶ / پ ن، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، مصاحبه راویان جنگ با محسن رضایی، ۷ / ۵ / ۱۳۶۵، نوار شماره ۱۷۳۸۴.

[۴۶۳] مأخذ ۱، فصل چهارم.

[۴۶۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۱۱۶، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۵، نشریه‌ی نیوزویک ۲۲ / ۴ / ۱۳۶۵.

[۴۶۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۳۳، ۱۷ / ۸ / ۱۳۶۵، واشنگتن پست ۱۶ / ۸ / ۱۳۶۵، به نقل از ریگان، روزنامه رسالت، ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵.

[۴۶۶] مأخذ ۱، ص ۸۹ به نقل از نشریه «بررسی مطبوعات جهان»، ۱۹ / ۹ / ۱۳۶۵.

[۴۶۷] روزنامه ابرار ۲۴ / ۸ / ۱۳۶۵، خبرگزاری آسوشیتدپرس، به نقل از مک فارلین.

[۴۶۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۳۱، ۱۵ / ۸ / ۱۳۶۵، گاردین، ۱۴ / ۸ / ۱۳۶۵.

[۴۶۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۳۷، ۲۱ / ۸ / ۱۳۶۵، رادیو مسکو، ۲۰ / ۸ / ۱۳۶۵.

[۴۷۰] کلیه این اطلاعات و مطالبی که در همین زمینه به آن اشاره خواهد شد، با استفاده از گزارش موسوم به «تاور» ترجمه وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نوشته شده است.

[۴۷۱] «گزارش کمیسیون تاور»، ترجمه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۸۰.

[۴۷۲] پیشین، ص ۳۸۱.

[۴۷۳] مأخذ ۱۴، ص ۳۸۹.

[۴۷۴] مأخذ ۱۴، ص ۳۹۱.

[۴۷۵] مأخذ ۱۴، ص ۳۹۳.

[۴۷۶] پیشین.

[۴۷۷] پیشین.

[۴۷۸] پیشین.

[۴۷۹] مأخذ ۱۴، ص ۳۹۴.

[۴۸۰] مأخذ ۱۴، ص ۳۹۵.

[۴۸۱] مأخذ ۱۴، ص ۳۹۶.

[۴۸۲] مأخذ ۱۴، ص ۳۹۸.

[۴۸۳] پیشین.

[۴۸۴] مأخذ ۱۴، ص ۳۹۹.

[۴۸۵] پیشین.

[۴۸۶] مأخذ ۱۴، ص ۴۰۰.

[۴۸۷] مأخذ ۱۴، ص ۴۰۲.

[۴۸۸] مأخذ ۱۴، ص ۴۰۳.

[۴۸۹] پیشین.

[۴۹۰] پیشین.

[۴۹۱] مأخذ ۱۴، ص ۴۰۴.

[۴۹۲] مأخذ ۱۴، ص ۴۰۸.

[۴۹۳] مأخذ ۱۴، ص ۴۱۱.

[۴۹۴] پیشین.

[۴۹۵] مأخذ ۱۴، ص ۴۱۲.

[۴۹۶] پیشین.

[۴۹۷] مأخذ ۱۴، ص ۴۱۵.

[۴۹۸] مأخذ ۱۴، ص ۴۱۶.

[۴۹۹] مأخذ ۱۴، ص ۴۲۲.

[۵۰۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۷۸، ۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵، آسوشیتدپرس، ۱ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۰۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۷۳، ۲۷ / ۹ / ۱۳۶۵، رادیو بی. بی. سی، ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از شهرام چوبین. روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از نشریه ایندیپندنت.

[۵۰۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۷۲، ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۵، رادیو بی. بی. سی، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۵.

[۵۰۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۴، ۴ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۳ / ۲ / ۱۳۶۷، به نقل از شیرین هانتر معاون بخش خاورمیانه‌ای مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک دانشگاه جرج تاون امریکا.

[۵۰۴] معاونت سیاسی سپاه پاسداران، بولتن «بررسی» اسفند ۱۳۶۶، به نقل از ساندی تایمز، ص ۱۷.

[۵۰۵] روزنامه کیهان، ۲۵ / ۹ / ۱۳۶۵.

[۵۰۶] روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از میدل ایست اینترنشنال چاپ لندن.

[۵۰۷] مأخذ ۴۸، ص ۱۷ و ۱۸.

[۵۰۸] مأخذ ۴۶، خبرگزاری یونایتدپرس، به نقل از مقامات رسمی امریکا.

[۵۰۹] روزنامه رسالت، ۲۹ / ۹ / ۱۳۶۵.

[۵۱۰] روزنامه رسالت، ۲۶ / ۹ / ۱۳۶۵، واحد مرکزی خبر به نقل از وزیر خارجه وقت امریکا (شولتز).

[۵۱۱] روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۷ / ۹ / ۱۳۶۵.

[۵۱۲] دفتر سیاسی سپاه پاسداران، «رویدادها»، شماره ۱۲۸، ۲۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵، به نقل از روزنامه القادسیه، ۱۶ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۱۳] معاونت سیاسی سپاه، بولتن، «بررسی»، ۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۱۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۹۰، ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو بی بی سی، ۱۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۱۵] عدنان مزارعی در بررسی اقتصادی ایران بعد از انقلاب می‌نویسد: کاهش عمومی قیمت‌های نفت و خسارات وارده بر ظرفیت صدور نفت ایران به سبب جنگ با عراق به افت قابل توجه درآمدهای نفتی انجامید. روشن است که به رغم افزایش درآمدهای نفتی بین سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، جنگ نفتکش‌ها در خلیج فارس و افت شتابان قیمت‌های نفت از سال ۱۳۶۵، به سرعت درآمدهای نفتی ایران را کاهش داد. در سال ۱۳۶۶ درآمدهای نفتی حدود ۴۰٪ سال ۱۳۵۶ بود. (مجله فرهنگ و توسعه، شماره ۲۶، سال ۷۵، ترجمه پرویز صداقت).

[۵۱۶] دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، بولتن «گزارش»، ۲۴ / ۱۱ / ۱۳۶۵، رادیو دولتی انگلیس.

[۵۱۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۹۸، ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو امریکا، ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۱۸] سند شماره ۰۳۰۴ / گ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، «کربلای ۴ - عملیات سرنوشت‌ساز» جلد ۱، گزارش راویان قرارگاه مرکزی سپاه در عملیات کربلای ۴، ص ۸.

[۵۱۹] پیشین، ص ۳۵.

[۵۲۰] مأخذ شماره ۶۲، ص ۱۴.

[۵۲۱] مأخذ ۱، ص ۱۱۶.

[۵۲۲] مأخذ ۱، ص ۱۱۸.

[۵۲۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۸۷، ۱۱ / ۱۰ / ۱۳۶۵ خبرگزاری فرانسه از بغداد.

[۵۲۴] دفتر سیاسی سپاه پاسداران «رویدادها»، شماره ۱۲۷، ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۶۵، خبرگزاری تانیوگ.

[۵۲۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۹۱، ۱۵ / ۱۰ / ۱۳۶۵ساندی تلگراف.

[۵۲۶] محمد درودیان، نبرد در شرق بصره، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۴، ص ۳۱.

[۵۲۷] آنتونی کردزمن، آبراهام آر. واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص ۳۸۵ (منتشر نشده).

[۵۲۸] پیشین، ۲۸۷.

[۵۲۹] مأخذ ۲۹۳، ۷۰.

[۵۳۰] روزنامه کیهان، ۲۵ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۳۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۸۰، ۴ / ۱۰ / ۱۳۶۵ رادیو اسرائیل، ۳ / ۱۰ / ۱۳۶۵، به نقل

از هفته‌نامه فارین ریپورت.

[۵۳۲] پیشین.

[۵۳۳] روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۰ / ۱۰ / ۶۵، به نقل از رادیو امریکا، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۳۴] کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم ۱۳۶۶، ص ۴۸۸.

[۵۳۵] پیشین.

[۵۳۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۵۴، ۱۸ / ۱۲ / ۶۵، نشریه نول آبزرور.

[۵۳۷] روزنامه رسالت، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۶، خبرگزاری فرانسه.

[۵۳۸] روزنامه اطلاعات، ۲۰ / ۷ / ۱۳۷۳، به نقل از مجله «سیاست خارجی» دفتر مطالعات وزارت خارجه، مقاله روح‌الله کارگر رمضانی از دانشگاه ویرجینیا.

[۵۳۹] مأخذ ۷۹.

[۵۴۰] معاونت سیاسی سپاه، بولتن «بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، مقاله‌ی نگاهی به بحران خلیج فارس، ص ۲۴.

[۵۴۱] پرفسور حمید مولانا، «تکنولوژی‌های ا طلاعاتی و حاکمیت ملی»، کتاب بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع - جلد اول (دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی جنبه‌های دفاع و تجاوز، نشر سپهر، ۱۳۶۸)، ص ۲۸۰.

[۵۴۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۵۷، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۶، رادیو لندن، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۶.

[۵۴۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره ۳۰۵، ۲۹ / ۱۰ / ۱۳۶۵، رادیو لندن، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۴۴] مصاحبه اختصاصی با سردار علایی فرمانده پیشین نیروی دریایی سپاه و سردار فدوی مسئول اطلاعات نیروی دریایی سپاه، ۲۲ / ۹ / ۱۳۷۵.

[۵۴۵] پیشین.

[۵۴۶] مأخذ ۸۷.

[۵۴۷] مأخذ ۸۷.

[۵۴۸] مأخذ ۸۷.

[۵۴۹] محمد درودیان، شلمچه تا حلبچه، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶، فصل دوم.

[۵۵۰] پیشین.

[۵۵۱] مأخذ ۹۲.

[۵۵۲] محمد درودیان، شلمچه تا حلبچه، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶، فصل دوم.

[۵۵۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۲۱۸، ۲ / ۸ / ۱۳۶۶، رادیو امریکا، ۱ / ۸ / ۱۳۶۶.

[۵۵۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۲۱۷، ۱ / ۸ / ۱۳۶۶،اوکلی، سخنگوی وزارت خارجه امریکا.

[۵۵۵] مأخذ ۲، اوکلی، سخنگوی وزارت خارجه امریکا.

[۵۵۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۲۱۹، ۳ / ۸ / ۱۳۶۶.

[۵۵۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۲۲، ۵ / ۸ / ۱۳۶۶، خبرگزاری آلمان، ۴ / ۸ / ۱۳۶۶.

[۵۵۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۲۲۲، ۶ / ۸ / ۱۳۶۶، رویتر، ۵ / ۸ / ۱۳۶۶.

[۵۵۹] پیشین.

[۵۶۰] محی‌الدین مصباحی، «چارچوب مواضع شوروی»، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع جلد دوم، تهران: دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی جنبه‌های تجاوز و دفاع، نشر سپهر، ۱۳۶۸، ص ۲۳۳.

[۵۶۱] آنتونی کردزمن و آبراهام آر. واگنر، درس‌هایی از جنگ مدرن - جلد دوم: جنگ ایران و عراق، ترجمه حسین یکتا، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ۱۳۷۶، ص ۲۲۸.

[۵۶۲] پیشین، ص ۲۹۹.

[۵۶۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۳۲۸، ۲ / ۱۱ / ۱۳۶۵، خبرگزاری تاس، ۲۱ / ۱۱ / ۱۳۶۵.

[۵۶۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۲۹۶، ۲۰ / ۱۰ / ۱۳۶۵،رادیو امریکا، ۱۹ / ۱۰ / ۱۳۶۵.

[۵۶۵] مأخذ ۹.

[۵۶۶] واگذاری تجهیزات به عراق به نحوی چشمگیر و بی‌سابقه افزایش یافت. بنابر نظر آنتونی کردزمن در طول جنگ جمعا ۵۰ میلیارد دلار تسلیحات جنگی به عراق تحویل شد (کنفرانس خلیج فارس، بررسی منافع و راه‌های موجود امریکا ۲۱ / ۶ / ۱۳۶۹، واشنگتن). فرانسه در کمتر از ۲ سال، تسلیحاتی به ارزش ۶ / ۵ میلیارد دلار به عراق ارسال کرد. چین، انگلستان، آلمان، برزیل، مصر، کلمبیا، اسپانیا، امریکا و بسیاری از کشورهای دیگر تسلیحات شیمیایی بسیاری با تکنولوژی پیشرفته در اختیار عراق قرار دادند. پس از تشدید درگیری میان عراق و کویت، عراقی‌ها مدعی شدند جنگ را به تنهایی انجام داده‌اند. پس از تشدید درگیری میان عراق و کویت، عراقی‌ها مدعی شدند جنگ را به تنهایی انجام داده‌اند. ابوغزاله معاون سابق رئیس جمهوری و وزیر دفاع مصر در گفت‌وگو با رادیو کویت اعلام کرد: همه می‌دانند که تنها کویت و عربستان بیش از ۶۰ میلیارد دلار به عراق کمک کرده‌اند و ادعای عراق در مورد اینکه جنگ را به تنهایی شروع کرد یک دروغ بزرگ است و دولت‌های عرب در طول جنگ کمک‌های فراوانی به عراق کردند (روزنامه کیهان، ۷ اسفند ۱۳۶۹). شوروی در بین سال‌های ۸۸-۱۹۸۶ (۶۷-۱۳۶۵) سلاح‌هایی به ارزش تقریبی ۸ / ۸ تا ۲ / ۹ میلیارد دلار شامل ۲۰۰۰ تانک (از جمله ۸۰۰ تانک تی. ۷۲)، ۳۰۰ هواپیمای جنگنده، حدود ۳۰۰ موشک زمین به زمین از نوع اسکاد. بی و هزاران قطعات توپخانه سنگین و نفربرهای مسلح به عراق تحویل دادند (محی‌الدین مصباحی، اتحاد جماهیر شوروی و جنگ ایران و عراق از برژنف تا گورباچف، مجله سیاسی دفاعی، ویژه‌نامه جنگ، تابستان و پاییز ۱۳۷۵). طه یاسین رمضان به خبرگزاری مصر گفت: «شوروی‌ها در کنار ما هستند و در توسعه نیروهای مسلح ما شرکت دارند.» (خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارش‌های ویژه، ۱۴ / ۴ / ۶۶، خبرگزاری فرانسه، ۱۳ / ۴ / ۶۶).

[۵۶۷] مأخذ ۹.

[۵۶۸] مأخذ ۹.

[۵۶۹] مأخذ ۱۰، ص ۳۹۲.

[۵۷۰] مأخذ ۹.

[۵۷۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۲۰۷، ۲۱ / ۷ / ۱۳۶۷.

[۵۷۲] مأخذ ۱۰، ص ۳۹۴.

[۵۷۳] حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی در جلسه‌ای با حزب‌الله مجلس گفت: «تداوم حملات عراق به مراکز اقتصادی ایران و کاهش قیمت نفت سبب گردید درآمد ارزی ایران در سال ۶۵ اندکی بالاتر از ۵ میلیارد دلار برسد که از این مقدار ۳ میلیارد دلار به قوای مسلح اختصاص یافت و با ۲ میلیارد و خرده‌ای کشور اداره شد.» (روزنامه اطلاعات، ۹ / ۱۲ / ۱۳۷۵).

[۵۷۴] مأخذ ۱۰، ص ۳۰۱.

[۵۷۵] محسن رضایی، «تجزیه و تحیل جنگ ایران و عراق»، در دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران (دوره عالی جنگ)، ۱۲ /

۱۱ / ۱۳۷۴.

[۵۷۶] پیشین.

[۵۷۷] مأخذ ۲۲.

[۵۷۸] وزارت ارشاد اسلامی، «بولتن بررسی مطبوعات جهان»، شماره

۱۱۹۶، مجله‌ی تایم، ۳ / ۹ / ۱۳۶۵، به نقل از ویلیام اسمیت.

[۵۷۹] محدود بودن جنگ به مرزهای دو کشور ایران و عراق و عدم مداخله‌جویی جدی امریکا و شوروی، وضعیتی را برای ایران به وجود آورد که در اینجا به عنوان خلأ ـ استراتژیک از آن یاد می‌شود. عراق با گسترش دامنه جنگ با هدف بین‌المللی کردن آن، تدریجا اوضاع را برای ایران دشوار کرد و از سال ۱۳۶۶ امریکا و شوروی ایران را عملا تحت فشار قرار دادند.

[۵۸۰] مأخذ ۹.

[۵۸۱] مأخذ ۹.

[۵۸۲] مأخذ ۲۲، بهار ۱۳۷۵.

[۵۸۳] محسن رضایی، «تجزیه و تحلیل استراژی دفاع مقدس».

[۵۸۴] مأخذ ۱، فصل سوم.

[۵۸۵] سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در همین روند در بهار ۱۳۶۷ یک گزارش اطلاعاتی، همراه با یک جمع‌بندی برای استخبارات عراق تهیه کردند. در این گزارش تأکید شده بود که ارتش ایران توان آفندی ندارد و به همین دلیل در مواضع پدافندی استقرار یافته است. همچنین ارتش عراق تشویق شده بود به مواضع دفاعی این نیروها حمله کند.

(اظهارات یکی از اعضای منافقین که در یکی از این عملیات‌ها به اسارت درآمد).

[۵۸۶] اظهارات یکی از اعضای منافقین که به اسارت درآمده است.

[۵۸۷] کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ترجمه احمد تدین، تهران، خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳، ص ۴۸۸.

[۵۸۸] وزارت ارشاد اسلامی «بولتن بررسی مطبوعات جهان»، شماره‌ی ۱۳۰۸، تایمز لندن، ۲۱ / ۱ / ۱۳۶۷، به نقل از مایکل ایوانس.

[۵۸۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۸، ۸ / ۱ / ۱۳۶۷،آسوشیتدپرس، ۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

[۵۹۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۳۶۵، ۲۹ / ۱۲ / ۱۳۶۶، رادیو لندن، ۲۸ / ۱۲ / ۱۳۶۶.

[۵۹۱] مأخذ ۱۰، ص ۳۹۴.

[۵۹۲] سند شماره ۲۰۸۸۳۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: معاونت اطلاعات نیروی دریایی سپاه، گزارش «اگر من بودم می‌زدم»، ۱۳۶۷، به نقل از ریچارد مورفی.

[۵۹۳] کیانوری دبیر کل حزب منحله توده در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی (۶ / ۱۱ / ۱۳۷۱) گفت: «وزیر خارجه شوروی به آقای ولایتی گفته است شما به محض اینکه حمایت از افغان‌ها را قطع کنید، ما هم حملات عراق به ایران را متوقف می‌کنیم.».

[۵۹۴] روزنامه‌ی کیهان، ۲۸ / ۱۱ / ۱۳۷۵.

[۵۹۵] مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صحیفه نور: مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، جلد ۱۳۶۹،۲۰، ص ۱۹۴ و ۱۹۵.

[۵۹۶] واحد مرکزی خبر، «بولتن رادیوهای بیگانه»، ۲۹ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۲۷ / ۱ / ۱۳۶۷.

[۵۹۷] پیشین.

[۵۹۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۱، ۱۱ / ۱ / ۱۳۶۷، واشنگتن پست، ۱۰ / ۱ / ۱۳۶۷.

[۵۹۹] این در حالی است که عراق در همین سال بیش از ۱۵ میلیارد دلار (۷۵ برابر ایران) سلاح و تجهیزات نظامی‌دریافت کرد.

[۶۰۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۳۶۳، ۲۷ / ۱۲ / ۱۳۶۶، خبرگزاری رویتر.

[۶۰۱] پیشین.

[۶۰۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۳۴۹، ۱۳ / ۱۲ / ۱۳۶۶، رادیو امریکا، ۱۲ / ۱۲ / ۱۳۶۶، و روزنامه نیویورک تایمز.

[۶۰۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی۱۵، ۱۵ / ۱ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۴ / ۱ / ۱۳۶۷، و شیرین هانتر معاون بخش خاورمیانه، مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک در واشنگتن.

[۶۰۴] معاونت سیاسی سپاه پاسداران، «بولتن بررسی»، اردیبهشت ۱۳۶۷، ص ۹.

[۶۰۵] پیشین.

[۶۰۶] چنان که سردار رضایی می‌گوید. «در جلسه‌ای در دی ماه ۱۳۶۶ گفته‌ایم اگر در اسفندماه در جنوب حمله نکنیم، دشمن به جنوب حمله می‌کند (ولی راه‌کارهای جنوب بسته است). دشمن می‌داند ما در جنوب ابتکار عمل نداریم. اگر در شمال سلیمانیه عمل نشود تا پایان بهار وضع خوبی نخواهیم داشت. من تأکید داشتم زمستان باید در غرب کار کنیم. فرماندهان عملیاتی می‌گفتند در جنوب نمی‌توانیم عملیات انجام دهیم (و باید) تا فصل بهار (صبر کنیم شاید راه‌کاری باز شود).»
(دانشکده‌ی فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران) دوره عالی جنگ (۱۹ / ۱۱ / ۷۴).

[۶۰۷] مأخذ ۲۲، ۱۹ / ۱۱ / ۱۳۷۴.

[۶۰۸] مأخذ ۱۰، ص ۴۶۴.

[۶۰۹] مأخذ ۲۲، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۷۴.

[۶۱۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۳۴، ۳ / ۲ / ۱۳۶۷، روزنامه تایمز، ۲ / ۲ / ۱۳۶۷.

[۶۱۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۰۶، ۱۳ / ۴ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر، به نقل از یک تحلیل گر خاورمیانه.

[۶۱۲] مأخذ ۹، ص ۲۲۹.

[۶۱۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۳۴، ۳ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۲ / ۲ / ۱۳۶۷، به نقل از روزنامه تایمز لندن.

[۶۱۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۳۷، ۶ / ۲ / ۱۳۶۷، پاریس، ژون آفریک.

[۶۱۵] پیشین.

[۶۱۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۴۱، ۱۰ / ۲ / ۱۳۶۷،خبرگزاری رویتر، به نقل از خبرگزاری تاس.

[۶۱۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۵۷، ۲۶ / ۲ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۲۵ / ۲ / ۱۳۶۷.

[۶۱۸] مأخذ ۴۷، ص ۶.

[۶۱۹] طه یاسین رمضان با تهدید ایران مبنی بر اینکه استراتژی عراق نابود کردن تمامی تأسیسات نفتی ایران است، نشان داد عراقی‌ها در اندیشه تداوم تهاجم به ایران هستند.

[۶۲۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی۳۲، ۱ / ۲ / ۱۳۶۷.

[۶۲۱] برنارد نیوز در نیویورک تایمز نوشت: تحلیل گران پنتاگون به وجود تحولات عمده‌ای در ارتش عراق پی بردند و به

تجدیدنظر در تفکر خود پرداختند. (نشریه هفتگی ایران تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۷۶).

[۶۲۲] مأخذ ۱۰، ص ۳۸۹.

[۶۲۳] وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره‌ی ۱۳۱۷، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از روزنامه الدستور چاپ انگلیس (۷ مه ۱۹۸۸ برابر با ۷ / ۲ / ۱۳۶۷).

[۶۲۴] برنارد نیوز، نیویورک تایمز، هفته‌نامه ایران تایمز، ۹ / ۲ / ۱۳۶۷.

[۶۲۵] محی‌الدین مصباحی، «شوروی و جنگ ایران و عراق و چارچوب‌ها و اهداف»، مجله‌ی سیاست دفاعی، شماره‌ی ۴، سال چهارم، تابستان و پاییز ۱۳۷۵، ویژه‌نامه جنگ تحمیلی، ص ۲۰۳ تا ۲۰۶.

[۶۲۶] ایران ۱۵۰ تا ۲۰۰ فروند هواپیما بیشتر نداشت.

[۶۲۷] ارتش عراق ۴۵۰ فروند هلی‌کوپتر در اختیار داشت.

[۶۲۸] وزارت ارشاد اسلامی، «بولتن بررسی مطبوعات جهان»، شماره‌ی ۱۳۱۷، ۴ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از روزنامه اسپرسو (۲۴ آوریل ۱۹۸۸، ۴ / ۲ / ۱۳۶۷).

[۶۲۹] دفتر سیاسی سپاه، «بولتن رویدادها و تحلیل»، شماره ۴۴، ۶ / ۳ / ۱۳۶۷، ص ۸.

[۶۳۰] مأخذ ۲۲، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۷۴.

[۶۳۱] مأخذ ۶۷.

[۶۳۲] مأخذ ۶۸.

[۶۳۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۷۳، ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، به نقل از روزنامه واشنگتن پست.

[۶۳۴] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۹۳، ۳۱ / ۳ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا ۳۰ / ۳ / ۱۳۶۷، به نقل از نیویورک تایمز.

[۶۳۵] دفتر سیاسی سپاه، «بولتن رویدادها و تحلیل»، شماره ۴۵، ۲۵ / ۴ / ۱۳۶۷،ص ۱۶.

[۶۳۶] پیشین، ص ۱۲.

[۶۳۷] مأخذ ۳۱.

[۶۳۸] پیشین.

[۶۳۹] مأخذ ۷۳، ص ۱۳.

[۶۴۰] مأخذ ۲۲، ۲۶ / ۱۱ / ۱۳۷۴.

[۶۴۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۰۳، ۱۰ / ۴ / ۱۳۶۷، آسوشیتدپرس، ۹ / ۴ / ۱۳۶۷.

[۶۴۲] پیشین.

[۶۴۳] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی۹۷، ۴ / ۴ / ۱۳۶۷،خبرگزاری فرانسه ۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

[۶۴۴] مأخذ ۷۳، ص ۲۸.

[۶۴۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۱۰، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷.

[۶۴۶] پیشین، رویتر، ۱۶ / ۴ / ۱۳۶۷، مارلین فیتزواتر.

[۶۴۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۱۷، ۲۴ / ۴ / ۱۳۶۷،رویتر، ۲۳ / ۴ / ۱۳۶۷.

[۶۴۸] مأخذ ۷۳، ص ۱ و ۲.

[۶۴۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۱۱، ۱۸ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۷ / ۴ / ۱۳۶۷.

[۶۵۰] مأخذ ۱۰، ص ۴۴۳.

[۶۵۱] مأخذ۲۲، ۲۶ / ۱۲ / ۱۳۷۴.

[۶۵۲] [دفتر] نخست‌وزیری، «بررسی روند تحولات صلح»، حمید فرهادنیا، ص ۱۱۲.

[۶۵۳] پیشین، ص ۱۲۳.

[۶۵۴] مأخذ ۳۹، ص ۲۳۸،۲۳۹، و ۲۴۱.

[۶۵۵] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۲۲، ۲۹ / ۴ / ۱۳۶۷، رادیو آمریکا، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷.

[۶۵۶] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۲۴، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷، خبرگزاری رویتر، ۳۰ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از هارلد براون.

[۶۵۷] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۲۱، ۲۸ / ۴ / ۱۳۶۷،خبرگزاری فرانسه، خبرگزاری عراق، ۲۷ / ۴ / ۱۳۶۷، به نقل از لطیف جاسم (وزیر اطلاعات عراق).

[۶۵۸] مأخذ ۹۴، روزنامه‌ی گاردین.

[۶۵۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۲۵، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

[۶۶۰] مأخذ ۹۳.

[۶۶۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۲۷، ۳ / ۵ / ۱۳۶۷،خبرگزاری رویتر، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷.

[۶۶۲] مأخذ ۹۴، به نقل از مقامات وزارت خارجه.

[۶۶۳] مأخذ ۹۴.

[۶۶۴] دفتر سیاسی سپاه «بولتن رویدادها و تحلیل»، شماره‌ی ۴۶، ۲۹ / ۵ / ۱۳۶۷.

[۶۶۵] مأخذ ۹۷، رسانه‌های انگلیسی، ۳۱ / ۴ / ۱۳۶۷.

[۶۶۶] سند شماره‌ی ۱۷۱۰ / د، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، دفترچه ثبت جنگ راوی قرارگاه مرکزی (حمیدرضا فراهانی)، ص ۵۳، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

[۶۶۷] پیشین.

[۶۶۸] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۳۴، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷،رادیو لندن، به نقل از دیپلمات‌های غربی.

[۶۶۹] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۴۰، ۱۶ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو امریکا، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷.

[۶۷۰] پیشین، نیویورک تایمز، به نقل از مقامات عراقی.

[۶۷۱] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۳۹، ۱۵ / ۵ / ۱۳۶۷، به نقل از هانس هاتیوکوبیلس، تحلیل گر مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن،۱۴ / ۵ / ۱۳۶۷.

[۶۷۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۲۶، ۲ / ۵ / ۱۳۶۷، به نقل از دان کار، یکی از ناظران جنگ مؤسسه مطالعات استراتژیک لندن، ۱ / ۵ / ۱۳۶۷.

[۶۷۳] روزنامه السفیر، مقاله‌ی احمد زبیدی، ۲۹ / ۸ / ۱۳۶۹، ترجمه سفارت جمهوری اسلامی در بیروت.

[۶۷۴] دفتر سیاسی سپاه، «بولتن رویدادها و تحلیل»، شماره‌ی ۴۶، ۲۹ / ۵ / ۱۳۶۷، ص ۱۶.

[۶۷۵] مأخذ ۳۱.

[۶۷۶] مأخذ ۳۱.

[۶۷۷] مأخذ ۳۱.

[۶۷۸] مأخذ ۳۱.

[۶۷۹] مأخذ ۳۱.

[۶۸۰] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه» شماره‌ی ۱۳۳، ۹ / ۵ / ۱۳۶۷، دیلی تلگراف، به نقل از سخنگوی منافقین، ۸ / ۵ / ۱۳۶۷.

[۶۸۱] مأخذ ۱۰۶، ایندیپندنت، ۶ / ۵ / ۱۳۶۷.

[۶۸۲] خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه «گزارش‌های ویژه»، شماره‌ی ۱۳۵، ۱۱ / ۵ / ۱۳۶۷، رادیو لندن، ۱۰ / ۵ / ۱۳۶۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹